



دانشگاه تربیت مدرس  
پژوهشکده اقتصاد

مجموعه مقالات  
دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی  
اقتصاد اسلامی و چالش‌های اصلی اقتصاد ایران:  
توسعه، عدالت و اشتغال





بسم الله الرحمن الرحيم



مجموعه مقالات

دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

«اقتصاد اسلامی و چالشهای اصلی اقتصاد ایران: توسعه، عدالت و اشتغال»



دانشگاه تربیت مدرس  
پژوهشکده اقتصاد

۲۲ آذر ماه ۱۳۹۶



- سرشناسه : همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی ( دهمین : ۱۳۹۶ : تهران )
- عنوان و نام پدیدآور : مجموعه مقالات دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی: اقتصاد اسلامی و چالشهای اصلی اقتصاد ایران ... / تنظیم دبیرخانه همایش.
- مشخصات نشر : تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۲۵۸ص: جدول، نمودار.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۳۰-۶۱-۳
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه .
- موضوع : اسلام و اقتصاد -- کنگره ها
- موضوع : Islam -- Economic aspects -- Congresses
- موضوع : ایران -- سیاست اقتصادی -- کنگره ها
- موضوع : Iran -- Economic policy -- Congresses
- شناسه افزوده : همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی ( دهمین : ۱۳۹۶ : تهران). دبیرخانه
- شناسه افزوده : دانشگاه تربیت مدرس. پژوهشکده اقتصاد
- رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۲/۵۸ ۱۳۹۶
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۰۰۱۷۲

عنوان: مجموعه مقالات دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

تنظیم: دکتر مرتضی عزتی

ویراستار ادبی: سیدمحمدحسن مصطفوی

ناشر: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ انتشار: آذر ماه ۱۳۹۶

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۳۰-۶۱-۳

## دبیر علمی همایش

دکتر مرتضی عزتی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

## اعضای کمیته علمی

۱. دکتر علی محمد احمدی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۲. دکتر ایرج توتونچیان، عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء (س) – دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
۳. دکتر حمیدرضا حری، عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان – دانشکده مدیریت و اقتصاد
۴. دکتر یدالله دادگر، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
۵. دکتر سید منصور زراء نژاد، عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز – دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
۶. دکتر حسن سبحانی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران – دانشکده اقتصاد
۷. دکتر بهرام سحابی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده اقتصاد و مدیریت
۸. دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی – دانشکده اقتصاد
۹. دکتر مصطفی سلیمی فر، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی – دانشکده علوم اداری و اقتصاد
۱۰. دکتر عباس شاکری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی – دانشکده اقتصاد
۱۱. دکتر حسین صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده اقتصاد و مدیریت
۱۲. دکتر سید کاظم صدر، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
۱۳. دکتر لطفعلی عاقلی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۱۴. دکتر عباس عرب مازار، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی – دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
۱۵. دکتر مرتضی عزتی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۱۶. دکتر عباس عساری، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده اقتصاد و مدیریت
۱۷. دکتر حمید کردبچه، عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء (س) – دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
۱۸. دکتر محمدتقی گیلک حکیم آبادی، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران – دانشکده علوم اقتصادی و اداری
۱۹. دکتر پرستو محمدی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده مهندسی صنایع
۲۰. دکتر امیرحسین مزینی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – پژوهشکده اقتصاد
۲۱. دکتر غلامرضا مصباحی مقدم، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع) – دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
۲۲. دکتر سید نظام الدین مکیان، عضو هیات علمی دانشگاه یزد – دانشکده اقتصاد
۲۳. دکتر میثم موسایی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران – دانشکده علوم اجتماعی
۲۴. دکتر محمدباقر نجفی، عضو هیات علمی دانشگاه رازی کرمانشاه – دانشکده علوم اجتماعی
۲۵. دکتر کاظم یاور، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده اقتصاد و مدیریت
۲۶. دکتر محمد رضا یوسفی، عضو هیات علمی دانشگاه مفید – دانشکده اقتصاد



برگزارکنندگان:

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

با همکاری:

انجمن اقتصاد اسلامی ایران

دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

دبیر اجرایی همایش

سیدمحمدحسن مصطفوی

اعضای کمیته اجرایی

(به ترتیب حروف الفبا)

۱. مرضیه ارغوانی

۲. عین ... پرهیزگار

۳. مرتضی برزگر

۴. زهرا سقا

۵. مریم طالبی

۶. محمدحسین قنبری

۷. معصومه محمدی ضرون

۸. محمد نوروزی

مسئول دبیرخانه همایش

فاطمه سادات میرعظیمی





- ۱- گزارش دبیر همایش  
مرتضی عزتی ..... ۱
- ۲- توسعه و قرائت‌های مختلف از دین  
میثم موسایی ..... ۵
- ۳- بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی با تأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی  
محمد رضا یوسفی، سید محسن سجادی و مریم خسروی زاده ..... ۱۵
- ۴- میزان تأثیرپذیری پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی از مبانی قانون اساسی و اقتصاد اسلامی  
سید محمد حسن مصطفوی ..... ۲۹
- ۵- عدالت و جایگاه آن در ایران  
حسین صادقی ..... ۴۹
- ۶- عدالت در بهره‌مندی از خدمات بخش بهداشت با بهره‌گیری از تأمین مالی اسلامی با تأکید بر وقف  
پرویز رستم‌زاده و شهره نصیرآبادی ..... ۶۵
- ۷- ارزیابی قانون برنامه ششم توسعه از منظر عدالت اقتصادی  
سیداحسان خاندوزی و زهرا ذاکری ..... ۷۵
- ۸- بررسی عدالت در توزیع بار مالی هزینه‌های بخش بهداشت و درمان در ایران  
سارا امامقلی‌پور ..... ۱۰۷
- ۹- مدل سازی شریعت بر اساس فرآیند بهینه‌سازی مقید پویا  
فرهاد داودی‌پور ..... ۱۲۳
- ۱۰- بررسی سیاست تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد اسلامی  
محمد مهدی عسکری و امیر احمد ذوالفقاری ..... ۱۳۵

- ۱۱- آسیب شناسی مبانی نظری سرمایه گذاری از منظر اسلامی و کاربرد سیاستی آن در ایران  
امیرحسین مزینی ..... ۱۵۵
- ۱۲- نسبت بهره و بی عدالتی در اقتصاد متعارف رهیافتی از اندیشه اقتصاد اسلامی  
امراه امینی، محمدمهدی مجاهدی و سمیه رشیدیان ..... ۱۶۹
- ۱۳- بن بست پس انداز - سرمایه گذاری در اقتصاد ایران و ملاحظات اقتصاد اسلامی آن  
یوسف محمدزاده و فاطمه رضا قره باغ ..... ۱۸۱
- ۱۴- نارسایی نظام بانکی در به کارگیری عقود اسلامی برای حمایت از تولید  
ابوالفضل غفاری ..... ۲۰۱
- ۱۵- الزامات حمایت از تولید و اشتغال با اصلاح نظام بانکی در چارچوب سیاست های کلی اقتصاد  
مقاومتی  
رسول خوانساری و وهاب قلیچ ..... ۲۱۳
- ۱۶- بررسی تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی در چارچوب یک الگوی رشد  
درونزا: مطالعه موردی کشورهای اوپک  
حجت ایزدخواستی، فرهاد دژپسند و اصغر شاهمیوندی ..... ۲۲۹

## گزارش دبیر دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی

### «اقتصاد اسلامی و چالش‌های اصلی اقتصاد ایران: توسعه، عدالت و اشتغال»

اقتصاد ایران با چالش‌های مهمی در زمینه توسعه و تحقق آرمان‌های قانون اساسی روبرو بوده، و بسیاری از آرمان‌ها جامه عمل نپوشیده، و روندی که مردم در زمینه توسعه انتظار داشتند، تحقق نیافته است. از مهمترین چالش‌های اقتصاد ایران در این زمینه، توسعه، عدالت و اشتغال هستند. بر همین پایه، دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی با موضوع اقتصاد اسلامی و چالش‌های اصلی اقتصاد ایران در زمینه عدالت، اشتغال و توسعه در دستور کار قرار گرفت، و محورهای همایش اینگونه تعریف شد:

- توسعه، توسعه انسانی، توسعه پایدار، رشد اقتصادی، فرصت‌ها، برخورداری از مواهب توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، آموزش، بهداشت، مشارکت همگانی، توسعه تجاری، توسعه مالی و مانند اینها؛
- عدالت، فقرزدایی، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت‌ها، حقوق اقتصادی مردم، فساد، تبعیض، قدرت خرید، توان اقتصادی مردم، یارانه، عدالت بین نسلی و مانند اینها؛
- اشتغال، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، بیکاری، نیروی کار، سرمایه، امنیت، ثبات، کار شایسته، خود اشتغالی، اشتغال غیر رسمی و مانند اینها؛

می‌توان گفت علم اقتصاد راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها ارائه کرده، ولی در اقتصاد ایران، سیاست‌گذاری‌ها در راستای این راهکارهای علمی پیش نرفته است. بخشی از علت این سیاست‌گذاری‌های نادرست، درک نادرست از اقتصاد اسلامی و نیز نا آگاهی سیاستگذاران رده بالا از روش‌ها و ابزار علمی و درست سیاست‌گذاری است. افزون بر این، درک نادرست از هدف‌های اقتصادی در اقتصاد اسلامی و آثار آن بر همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و مانند اینها، موجب چرخش اقتصاد به سوی بیراهه‌ها شده است.

در این همایش کوشش شده است از دیدگاه‌های گوناگون برای بررسی موضوع یاری گرفته شود. در این راه تلاش بر این بوده است که دانشگاهیان و مدیران اجرایی در کنار هم به گفتگو در این باره بنشینند و همراه با شنیدن نظرات یکدیگر به تعامل در این زمینه پردازند. بر این پایه برای برگزاری این همایش، در نظر گرفته شد که ۴ پیش نشست با موضوع‌های تخصصی و با حضور دانشگاهیان و برخی مدیران میانی در دانشگاه‌های معتبر کشور برگزار شود. نشست پایانی نیز با ارائه ۱۰ مقاله و دو میزگرد برگزار شد. برنامه برگزاری این نشست‌ها در جدول‌های زیر ارائه می‌شود.

### عنوان، زمان و مکان نشست‌ها

شماره نشست	موضوع نشست	زمان	محل برگزاری
نشست نخست	توسعه در اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران	دوشنبه ۱۳۹۶/۷/۱۷	دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
نشست دوم	رفاه و فقر در اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران	دوشنبه ۱۳۹۶/۸/۱	مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید
نشست سوم	اشتغال و سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران	دوشنبه ۱۳۹۶/۸/۱۵	دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)
نشست چهارم	کارکردهای اقتصاد اسلامی در اقتصاد ایران	دوشنبه ۱۳۹۶/۸/۲۲	دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
نشست پنجم	عدالت در اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران	دوشنبه ۱۳۹۶/۹/۶	دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی
دهمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی	اقتصاد اسلامی و چالش‌های اصلی اقتصاد ایران: توسعه، عدالت و اشتغال	چهارشنبه ۱۳۹۶/۹/۲۲	پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

### سخنران‌ها و موضوع‌های سخنرانی‌های هر نشست

#### نشست نخست

ردیف	سخنران	سمت	موضوع
۱	دکتر مرتضی عزتی	دبیر همایش، رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران	اسلام، علم و توسعه
۲	دکتر محمد رضا یوسفی	رییس مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید	اسلام، نهادهای دینی و توسعه
۳	دکتر فرهاد دژپسند	معاون سازمان برنامه و بودجه و رییس مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری	الزامات توسعه در اقتصاد ایران
۴	دکتر فاطمه سادات جعفریه	عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی	نقشه راه برای تدوین برنامه توسعه
۵	دکتر محمد نوفرستی	مدیر میزگرد، رییس دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی	میزگرد و پرسش و پاسخ

## نشست دوم

۱	دکتر مرتضی عزتی	دبیر همایش، رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران	فقر و رفاه: علتها و راه حل ها
۲	دکتر وحید محمودی	عضو هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران	نقد نگاه متعارف اقتصادی به مفهوم و اندازه گیری فقر
۳	دکتر علاءالدین ازوجی	مشاور وزیر و مدیرکل دفتر سیاست گذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	فقر و بهره وری
۴	دکتر سید ضیاءالدین کیاءالحسینی	عضو هیات علمی دانشگاه مفید	راه های امحاء فقر در اسلام: فرصت ها و چالش ها
۵	دکتر محمدرضا یوسفی	مدیر میزگرد، رییس مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید	میزگرد و پرسش و پاسخ

## نشست سوم

۱	دکتر مرتضی عزتی	دبیر همایش، رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران	جایگاه علم و دین در سیاست گذاری اشتغال و سرمایه گذاری
۲	دکتر اکبر کمیجانی	قائم مقام رییس کل بانک مرکزی	نقش نظام بانکی در تأمین مالی تولید و اشتغال
۳	دکتر عیسی منصوری	معاون توسعه کار آفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	اشتغال در ایران
۴	دکتر علی محمد احمدی	استاندار کهگیلویه و بویراحمد و نماینده سابق مجلس	اشتغال و سرمایه گذاری در ایران
۵	دکتر امیرحسین مزینی	عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس	مبانی نظری سرمایه گذاری و ملاحظات اسلامی
۶	دکتر حمید کردبچه	عضو هیات علمی و رییس دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا س	نقش اشتغال، سرمایه و بهره وری در رشد اقتصادی ایران
۷	دکتر حمید کردبچه	مدیر میزگرد	میزگرد و پرسش و پاسخ

### نشست چهارم

۱	دکتر مرتضی عزتی	دبیر همایش، رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران	چالش های کارکرد بانکداری اسلامی در ایران
۲	دکتر محمدحسین زاده بحرینی	نماینده مجلس شورای اسلامی	قانون گذاری در بانکداری اسلامی
۳	دکتر حسنعلی قنبری	عضو هیات مدیره بانک دی	چالش های تولید محور بودن تأمین مالی در بانکداری ایران
۴	دکتر حسن سبحانی	عضو هیات علمی دانشگاه تهران	قانون گریزی مجریان سیستم بانکی
۵	دکتر هادی عربی	عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	نکته‌هایی در باره چالش‌های بانکداری در ایران
۶	دکتر حسن سبحانی	مدیر میزگرد، رییس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران	میزگرد و پرسش و پاسخ

متن و محتوای مقالات و سخنرانیهای ارائه شده در همایش در وب سایت پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انجمن اقتصاد اسلامی ایران در دسترس می باشد. این کتاب بخشی از مقاله‌های این همایش را در برمی‌گیرد که برای انتشار برگزیده شده است. امید است این تلاش‌ها بتواند به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه، عدالت و اشتغال در ایران کمک کند.

مرتضی عزتی

دبیر همایش

## توسعه و قرائت‌های مختلف از دین

میثم موسایی<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله یک مساله قدیمی مورد بازاندیشی قرار گرفته است؛ چه تناسبی بین سازگاری یا عدم سازگاری دین با توسعه وجود دارد؟

با استفاده از روشهای تحلیل تاریخی به نقش و رابطه دین در امر توسعه پرداخته شده و ضمن نقد دیدگاه‌های حدی، این نتیجه حاصل شده که ادیان فی‌ذاته واجد توسعه‌ستیزی یا توسعه‌گریزی و یا توسعه‌پذیری نیستند و این بستگی به قرائت ما از دین با توجه به پارادایم‌های حاکم به این تفسیر در هر عصر دارد.

**واژگان کلیدی:** توسعه، دین، توسعه‌گریزی، توسعه‌ستیزی و توسعه‌پذیری

## ۱. مقدمه

جامعه معاصر ایران حداقل دارای دو ویژگی است: یکی اینکه خواهان توسعه و تغییر است، دوم آنکه دارای جامعه ای سنتی است و این سنت از چنان قدمت و قدرتی برخوردار است که نه می‌تواند این سنت را کنار بگذارد و نه براحتمی می‌تواند آن را تغییر دهد و اصلاح کند که پذیرش بیشتری با توسعه به معنای امروزی آن داشته باشد. این دو ویژگی، اهمیت مطالعه و بلکه باز مطالعه، رابطه دین و توسعه را برجسته می‌کند، به ویژه اگر توجه داشته باشیم که تجربه چهار دهه تلاش برای نیل به توسعه در کنار سرمایه‌گذاری وسیع برای دینی کردن هرچه بیشتر جامعه به نتیجه مطلوب نرسیده است.

## ۲. پیشینه

درباره نقش دین در توسعه دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضادی ارائه شده و این اختلافات به حدی است که مارکسیست‌ها، دین را ساخته طبقات بالا برای تخدیر طبقات پایین می‌دانند و از آن به عنوان مانع رشد و حرکت و توسعه یاد می‌کنند (فیاض، ۱۳۷۴).

ضدیت با کنترل جمعیت، ناسازگاری ادیان با انواع آزادی‌ها، ثابت بودن ماهیت دین در مقابل ماهیت متغیر توسعه، تقارن عقب‌ماندگی با دینداری، بی‌مقدار دانستن دنیا و پذیرش نوعی فقر و زهد عملی، استبداد دینی، و عقلانیت توسعه و تعبد دینی و ... از جمله دیدگاه‌های کسانی است که دین را توسعه ستیز می‌دانند (موسائی، ۱۳۷۶).

به نظر می‌رسد که دین در این متون ناظر بر دینی است که به فرهنگ و سنت تبدیل شده و گرنه مطالعه رابطه دین به عنوان یک «متن» با توسعه، موضوعیت ندارد و شاید بتوان گفت سؤال از رابطه آنها منطقاً درست نیست. وقتی تعالیم یک دین در جامعه پیاده شد و به یک سنت و یا فرهنگ تبدیل شد، می‌توان از نسبت میان توسعه و دین سخن گفت و براین اساس، اگر توسعه را به همین معنای امروزی بپذیریم و آن را یک مفهوم تاریخی و تجربی بدانیم که با مقایسه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین کشورهای عقب‌مانده و توسعه‌یافته، فهم شده است، در این صورت سه نوع رابطه می‌توان برای نسبت دین با توسعه فرض کرد:

۱- دین توسعه‌ستیز؛

۲- دین توسعه‌گریز؛

۳- دین توسعه‌پذیر.

در حالت اول، بین توسعه و دین، ضدیت و ناسازگاری وجود دارد. درحالت دوم، دین ذاتاً موافقت و یا مخالفتی با توسعه ندارد ولی در حالت سوم، سازگار و مشوق توسعه‌است و سنت‌های نهادینه‌شده، بوسیله آن در جامعه، توسعه برانگیزند.

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که نمی‌توان به طور قاطع ادیان را در یکی از سه دسته فوق جای داد. به عبارت دیگر، دین نهادینه شده یا دین تحقق‌یافته در طول تاریخ با تغییرات زیادی مواجه بوده است.



برخی از این تغییرات جزئی بوده اما برخی از آنها چنان بزرگ بوده که می‌توان از آن به عنوان تغییر پارادایم به معنای کوهنی یاد کرد و در این مقاله از آن به قرائت‌های مختلف از دین تعبیر شده است.<sup>۱</sup>

در دنیای غرب این مساله داستانی طولانی دارد ولی با انتشار کتاب معروف ماکس وبر تحت عنوان «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» به شکل برجسته‌ای مطرح شد. در این کتاب نوعی سازگاری و هماهنگی میان تعالیم اصلاح شده کلیسا و روح و ماهیت سرمایه‌داری مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۲</sup> در دنیای اسلام نیز «در ایران بسیاری از متفکران اعتقاد دارند که مقصد قرآن در معنای «استخلاف بشر در کره زمین» همین است (آوینی، سیدمرتضی ۱۳۷۶). از طرف دیگر یک بحث در غرب وجود دارد که به کلی دین را ناسازگار با توسعه می‌دانند (عظیمی ۱۳۷۱) و البته در انتخاب بین دین در توسعه، دین را فدای توسعه می‌کنند.

در دنیای اسلام اکثر متفکران بنیادگرا توسعه به معنای امروزی آن را ناسازگار با اسلام می‌دانند.<sup>۳</sup>

### قرائت‌های مسلط از دین

دو قرائت مسلط از دین در دنیای مسیحیت وجود داشته و دارد:

۱- قرائت ماقبل دنیای مدرن؛

۲- قرائت مابعد دنیای مدرن.

در قرائت دنیای ماقبل مدرن که از آن به قرون وسطی یاد می‌شود، دین محور سیاست، فرهنگ و حتی علم است. این قرائت را می‌توانیم یک پارادایم تلقی کنیم. منظور از پارادایم همان تعبیر کوهنی آن است که شاید بتوان «سپهر معرفتی» را در فارسی معادل آن در نظر گرفت. منظور از پارادایم، باورها، ارزش‌ها و ادراکات همراه با مجموعه‌ای از نظریات با روش‌شناسی متمایز برای مطالعه و تبیین جهان (عالم و آدم) است. این نظام معرفتی در قرون وسطی در مقایسه با نظام معرفتی دنیای مدرن دارای ویژگی‌هایی است از جمله:

۱- حق انحصاری تفسیر دین توسط کلیسا؛

۲- مفروض گرفتن صحت منطق ارسطو و بی‌اعتبار شمردن استقراء؛

۳- تفسیر متون دینی با مفروض گرفتن هیأت بطلمیوس؛

۴- بی‌اختیاری انسان در مقابل قدرت مطلق خدا؛

۵- بی‌مقدار دانستن دنیا در مقابل آخرت.

بعد از رنسانس، اصالت انسان مطرح شد که گویی خدا جهان را به انسان سپرده است، انسان به جای خدا نشست و خدا را بازنشسته کردند و این عکس‌العمل انسان غربی به قرائت کلیسا از مسیحیت است. در دنیای

۱. برای توضیح بیشتر در معنای تغییر پارادایم به کتاب چستی علم اثر سعید زیباکلام مراجعه شود.

۲. برای توضیح بیشتر به ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری ترجمه عبدالعزیز انصاری (۱۳۷۱) مراجعه شود.

۳. به عنوان مثال ر. ک: آوینی، ۱۳۷۶.

مسیحیت حداقل دو قرائت که در حد تغییر پارادایم مطرح بوده، یعنی شبیه نوعی تغییر مذهب است، تفسیر از دین بعد از رنسانس کاملاً متفاوت از تفسیر قبل از رنسانس است.

در دنیای مدرن غربیان انسان را جای خدا گذاشتند. انسان محور همه عالم شد، دین برای انسان شد، نه انسان برای دین. این وجه مشترک همه نحله‌های فکری بعد از رنسانس است. در دو طرف آن طیف‌هایی از الحاد تا دینداری کامل است. آنچه امروز در مقایسه با این دو قرائت و دو پارادایم کوهنی گفته می‌شود و به بحث ما در رابطه توسعه مطرح است، دو چیز است: یکی اختیار انسان است یعنی بدست گرفتن سعادت خود به دست خود و دیگری اینکه انسان قدرت تغییر این جهان را دارد و این البته با روح توسعه تلازم بیشتری دارد. آنچه وبر در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری گفته چیزی غیر از این نیست این تلازم به معنای علیت نیست که عده‌ای تصور کرده‌اند. در واقع برداشتی که از نظریه وبر می‌شود این است که با تغییر سپهر علم، سپهر معرفتی دین هم با آن سازگار شد. روح نظام سرمایه‌داری خالص، منفعت‌طلبی و ثروت برای ثروت و تولید برای تولید است. سپهر معرفتی جدید از دین، نیز با این روحیه هماهنگ شده است. دو برداشت دیگر از این نظریه شده، یکی این است قبل از تحولات اقتصادی و شتاب به سوی سرمایه‌داری، این تحولات در مذهب محقق (یا مذهب فرهنگ شده) صورت گرفته بود ولی شواهد تاریخی کافی برای اثبات و یا تأیید چنین تغییر پارادایمی در دین مسیحیت دیده نمی‌شود.

درواقع اگر بخواهیم تقدم و تأخر زمانی برای این تغییر پارادایم‌ها قایل باشیم، تقدم با تغییر پارادایم در علم است. حقیقت این است سالها قبل از اصلاح دینی، علم دچار تحول شده بود و قرن‌ها بعد از آن در اقتصاد آثار خود را در قالب توسعه به نمایش گذاشت. گزاره‌های علمی در قرون وسطی به شرطی مشروعیت داشت که با منطق ارسطو، هیأت بطلمیوس و تفسیر کلیسا از کتاب مقدس سازگار بود. علم مدرن خود را از هر سه رها کرد و برای تفسیر عالم و آدم، خود دنیای جدیدی بنا نهاد که اگرچه در موضوع تفاوتی با قبل نداشت ولی در تفسیر انسان به دنبال آنچه باید باشد، نبود بلکه مبنا را بر آنچه هست گذاشت.<sup>۱</sup> در تفسیر طبیعت نیز سپهر جدیدی ایجاد شد: بطلان هیئت بطلمیوس را اعلام و زمین را از ثبات و مرکزیت عالم انداختند، به جای آن حرکت و تغییر را نشانند؛ هم‌چنان که انسان را به جای خدا نشانند. آنچه از این تحولات شگرف درباره ارتباط دین و توسعه می‌توان گفت این است که دین، علم و توسعه در پارادایم جدید (ساختن عالمی دیگر) سازگار شدند و البته در این میان بخش عمده‌ای از وظایف دین (بخوانید وظایف کلیسا) به علم واگذار شد و دین محترمانه از صحنه اجتماع و علم (تجربی) کنار گذاشته شد و کلیسا به پست‌خانه‌ها، برگشت و خصوصی شد و اقتدار سازمانی کلیسا به درون کلیسا محدود گشت.

نتیجه این تغییرات که چندین سال به طول انجامید وضعیتی است که در دنیای امروز غربیان قابل مشاهده (چه خوب و چه بد) است که از آن جوامع به جوامع توسعه‌یافته یاد می‌شود.

۱. آدام اسمیت اگر به عنوان پدر علم اقتصاد مطرح است، به همین دلیل است که اصول موضوعه اقتصاد را از رفتار انسان براساس آنچه هست، اخذ کرد و منفعت‌طلبی و حرص و رغبت انسان به جمع‌آوری ثروت را منشأ نیل به منفعت اجتماعی و ثروت ملل دانست.

اینکه تحول از دین آغاز شد یا از علم یا از صنعت و اقتصاد؟ طرفداران اصالت فرهنگ در قیاس با اقتصاد خیلی دوست دارند که بگویند از دین و از فرهنگ. اما چنان چه گفته شد توافق چندانی بر آن نیست، گرچه نویسنده این سطور قبلاً چنین می‌اندیشید<sup>۱</sup>. در مقابل مارکسیست‌ها زیربنای این تحول را از اقتصاد و به طور مشخص ناشی از شیوه تولید و مناسبات حاکم بر عوامل تولید می‌دانند. این دو دیدگاه امروز به دو شیوه نسبتاً مسلط در علوم اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ گرچه تا آنجا که به کشور ما مربوط می‌شود، دیدگاه دوم پس از انقلاب به صورت تدریجی به نفع پارادایم اولی کمی عقب‌نشینی کرد و با فروپاشی سوسیالیسم شوروی بنیادهای آن تضعیف گشت ولی اندیشه سوسیالیزم و اندیشه مارکس به طور اخص، هنوز در محافل علمی تدریس و تفسیر و البته نقد می‌شود.

دیدگاه سومی که می‌توان مطرح ساخت رابطه تعاملی - تعدیلی فرهنگ و اقتصاد (و در این مقاله بخوانید فرهنگ و توسعه اقتصادی) است. در این جا بحث از علت و معلول نیست بحث از تلازم و تعامل است. هر نظام اقتصادی فرهنگ خاص خود را می‌خواهد و هر فرهنگی با نظام اقتصادی خاصی سازگارتر است. و در اینجا مهم نیست که از لحاظ زمانی این تعدیل از کدامیک آغاز گردد. مهم این است تغییر در هر یک از عناصر فرهنگ مربوط به پدیده‌های اقتصادی به تغییر در اقتصاد می‌انجامد و تغییر در اقتصاد به تغییر در فرهنگ. البته دو دلیل وجود دارد که برای تداوم و استمرار این تعدیل‌ها و تعادل‌های جدید، بهتر است از فرهنگ شروع کرد یکی کندی تغییرات فرهنگی به دلیل تصلب عادت‌واره‌ها و مقاومت انسان در مقابل تغییر و این البته به معنای تقدم زمانی نیست؛ چون خاستگاه این دو، جامعه که یک سیستم ارگانیکی است و همیشه با هم در ارتباط‌اند و دوم، پذیرش اصل فلسفی تقدم، اندیشه و انگیزه بر عمل و رفتار.

اگر بخواهیم به شیوه مهندسی معکوس عمل کنیم، می‌توان به یافته‌های بیشتری رسید. حقیقت این است که انسان برای رفع نیازهای اساسی خود از تغذیه، پوشاک و سرپناه در مرحله اول و نیازهای ثانویه در مرحله ثانی، نیاز به اقتصاد و اقتصادی عمل کردن دارد، در جوامع ابتدایی به علت وفور نعمت و معدود بودن جمعیت انسانی، کمبود منابع چندان مطرح نبود اما با رشد جمعیت کمبود منابع به مساله‌ای جدی‌تر تبدیل شد، گزینش زندگی شبانی راهی برای غلبه بر محدودیت‌های پیش‌آمده بود. با افزایش جمعیت و کمبود مواد غذایی، یکجانشینی و زراعت به عنوان شیوه‌ای دیگر برای غلبه بر محدودیت‌های جدید بود، استفاده از ابزار و تکامل برای افزایش تولید و بهره‌وری صورت گرفت، هزاران سال به دلیل عدم تغییر اساسی در ابزار تولید و سرعت کند تحولات در مهارت‌ها، جهان براساس اقتصاد معیشتی اداره شد، جهانی که در آن هم اقتصاد نسبتاً بسته بود و هم به دلیل محدودیت سطح تولید، سطح جمعیت هم در حداکثر ممکن خود حفظ می‌شد و اضافه جمعیت از طریق کمبود غذا و سایر محصولات اساسی به طور مستمر و از طریق حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و آفات و خشکسالی و حوادث غیرطبیعی از قبیل جنگ‌های مختلف به شکل بی‌رحمانه‌ای تعدیل می‌شد و البته این امور اجازه نمی‌داد که مازادی در اقتصاد اتفاق افتد، این وضع حداقل تا پنج قرن قبل، بر کل دنیای شناخته شده آن روز حاکم بود؛ به گونه‌ای که پایان قرن ۱۵ میلادی به دلیل

۱. ر.ک: به کتاب دین فرهنگ توسعه، ۱۳۷۴.

فراگیر بودن اقتصاد معیشتی در سراسر عالم تفاوت چندانی بین جوامع از لحاظ توسعه‌یافتگی ملاحظه نمی‌شود.<sup>۱</sup> همه این سکون طولانی (که البته با تغییرات تدریجی همراه بوده است) لااقل از زمانی به مدت ده قرن بدون اینکه پارادایم‌ها تغییر کند به حرکت خود ادامه داده است. با این توضیح که از انتهای قرن هفتم و ابتدای قرن هشتم میلادی معادل با قرون دوم و سوم هجری برتری نسبی مسلمان به شکل معناداری در مقایسه با تمدن غرب به روشنی قابل مشاهده است. اگر سه تمدن بزرگ آن روزگار را تمدن‌های چین و ایران و غرب بدانیم قطعاً در این برهه تمدن اسلام بر آن دو از لحاظ اقتصادی و علمی برتری داشته است. اما در انتهای قرن پانزدهم (۱۴۹۲) چهار تحول بزرگ اتفاق افتاد که یک نقطه عطف بزرگ در مواجهه دنیای اسلام با غرب محسوب می‌شود و برتری تمدن غرب بر دنیای اسلام آشکار شد.

- کشف آمریکا در سال ۱۴۹۲ و قتل عام ساکنان بومی و به بردگی کشیدن آنها و غارت ثروت که عمدتاً به پرتغال، هلند و اسپانیا سرازیر شد و بازار قابل توجهی ایجاد کرد.

- بازپس‌گیری اسپانیا از مسلمانان که برتری نظامی غربیان را بر مسلمانان نشان داد.

- اشغال جنوب ایران و خلیج فارس توسط پرتغالی‌ها و تسلط آنان بیش از یک قرن به منظور تسلط بر دنیای آنروز و یافتن بازار جدید و انتقال ثروت به دنیای غرب.

- تشکیل حکومت صفویه و افتراق جهان اسلام (حکومت صفوی و عثمانی)

همه این تحولات در ظرف زمانی ده پانزده سال اتفاق افتاد. آیا همزمانی این چهار تحول تصادفی است؟ این مقطع عَلم‌داری علم و اقتصاد از مسلمانان به غربیان منتقل شد و بعداً با استعمار بخش وسیع‌تری از جهان اسلام، هند و ... توسط غرب (انگلیس و فرانسه) این روند انتقال ثروت از پیرامون به مرکز سرعت و حدت بیشتری یافت. البته علت‌یابی این قضیه ما را در تسلسل گرفتار می‌کند و شاید برای مساله امروز ما نیز بهره‌اندکی داشته باشد ولی علت نزدیک آن دستیابی اروپا به ابزارهای پیشرفته‌تر بود که آنها را قادر ساخت که بخش عظیمی از دنیای آن روز را مستعمره کنند و با پیچیده‌تر شدن این ابزارها و البته جنگ قدرت بین عثمانی و صفوی باعث شد قدرت دنیای اسلام در مقایسه با غرب هر روز تحلیل رود تا اینکه نهایتاً هر دو امپراطوری اسلامی کوچک و یا تجزیه شدند. یکی در قرن نوزدهم و دیگری در قرن بیستم.

تا آنجایی که به کشور ما مربوط است عدم درک درست از غرب و تحولات آن در دوره صفویه باعث تداوم اقتصاد معیشتی و تداوم سنت و عقیم شدن هرگونه رشد علمی جز در چند مورد محدود باعث سقوط این پادشاهی و نهایتاً هرج و مرجی پنجاه ساله (جز دوران کوتاه کریم‌خان زند) و نهایتاً حاکمیت یک قبیله نیمه‌وحشی و بیابانگرد به نام قاجار شد که سطح فکرشان از قبایل قبلی به مراتب کمتر بود و باعث شکست خفت‌بار از روسیه و از دست دادن نیمی از ایران شدند و باقی داستان که همه می‌دانید چه بر سر صنعت این کشور آمد، چه بر سر کشاورزی آمد، و قحطی و بیماری، بی‌کفایتی این رهبران به نابودی کامل سرمایه‌های فیزیکی و اجتماعی منجر شد.

۱. به عنوان مثال به کتاب جهان سوم در بن بست مراجعه شود.

در این جا فرصتی نیست به تأثیر و یا ارتباط قرائت‌های مختلف از دین یا به عبارت دقیق از دین محقق و تغییر آن از قرن هفتم میلادی تا آشکار شدن منحنی برتری غربیان بر مسلمانان نظر افکند ولی آنچه مسلم است و به اجمال می‌توان به آن پرداخت این است که در دنیای اسلام پارادایم پذیرش جبر و تحفیف عقل (اشاعره) بر پارادایم اختیار و اصالت عقل (معتزله) غلبه پیدا کرد و در کنار آن جز علوم دینی سایر علوم کم رنگ و کم‌رنگ‌تر شد تا جایی که علوم تجربی از حوزه‌های علمیه کاملاً حذف شد و از میان علوم دینی نیز فقه جا را بر سایر شاخه‌های علوم دینی تنگ کرد. داستان این تغییرات سرنوشت‌ساز را در جای دیگری به تفصیل آورده‌ام و در این جا به همین اکتفا می‌شود (موسائی، ۱۳۷۲).

نتیجه بحث این است که بشر غربی مانند هر بشر دیگری به دنبال غلبه بر محدودیت‌ها و افزایش انتخاب بود و این کار با افزایش سهم تکنولوژی و مهارت‌های فنی و تقسیم کار ممکن گشت و هر روز که به این سهم افزوده شد، محدودیت‌ها کمتر گشت و تسلط بیشتری بر نیروهای طبیعت حاصل شد؛ به گونه‌ای که در ظرف دو قرن تولیدات بیش از هزار برابر شد و ... اما این تکنولوژی گرچه در ابتدا محصول کار عالمان نبود و اکثر اختراعات توسط کارگران فنی صورت گرفت ولی بعدها با سرعت بخشیدن تبدیل علم به تکنولوژی، غلبه انسان بر طبیعت و در نتیجه افزایش امکان تمتع بیشتر از طبیعت و استخدام عالم و آدم شتاب فراوانی گرفت که هنوز ادامه دارد.

نتیجه اینکه اگر از مهندسی معکوس بخواهیم که یک متغیر اثرگذار و غیرقابل انکار برسیم و نخواهیم به علت اولی برگردیم که بی‌فایده است، به چیز آشکاری که می‌رسیم، عبارت است از توسعه علوم تجربی قابل تبدیل به فن و تکنولوژی و افزایش سرعت این تبدیل. چیزی که متأسفانه در دنیای اسلام اتفاق نیافتد و در این جاست که می‌توان تأثیر قرائتی خاص از اسلام را بر این انحطاط به روشنی دید.

در این جا من با نظر دکتر زیباکلام موافقم که چراغ علوم تجربی در دنیای اسلام خاموش شد ولی شاید واقع‌بینانه‌تر این است که گفته شود کم‌ارزش و کم‌فروغ گشت چنانچه از دوره‌ای به بعد جز سوت‌کوری از آن باقی نماند.

از علم تجربی بجز طب از ایران قبل از اسلام چیز زیادی باقی نمانده است که بتوان از اوج آن سخن گفت. یا نبوده و یا نابود شده است اما پس از ورود اسلام به ایران پس از دو تا سه قرن شاهد یک شکوفایی طلایی و غیرقابل انکاریم که یقیناً ایران و تمدن اسلامی را نسبت به دنیای آنروز، پیشرو و برتر ساخته و این چیزی است که غربیان نیز به آن اعتراف دارند. در این دوره بود که شاخه‌های علم به پانصد شاخه رسید. اما به دلایلی از جمله تقدیرگرایی و بی‌اختیاری انسان که قطعاً از فضای مستبدانه آن روزگاران متأثر بوده و رواج نوعی رهبانیت و بی‌مقدار دانستن دنیا در اوج تمدن اسلامی، چراغ علم تجربی در دنیای اسلام کم‌فروغ و خاموش شد

و این قبل از حمله مغولان، تاتار و چنگیز و ... است. اوج ترقی علمی مربوط به دوره عباسی و شروع خاموشی آن هم مربوط به همان دوره است و این دقیقاً به قرائت‌های متفاوت از دین در زمینه اختیار و قدرت انسان در مقابل خدا و وحی و طبیعت برمی‌گردد: ظهور امام محمد غزالی اشعری مسلکی که نظامیه بغداد را مدیر بود و برای مصلحت حفظ دین از تشدد آراء - که به دلیل اندیشه‌های یونانی و هندی و ایرانی به دنیای اسلام راه یافته بود - کتاب تهافت الفلاسفه را نوشت و با پشتیبانی حکومت به سرکوب عقل‌گرایان

معتزله و شیعه پرداخت، به تصلب فکر و تعطیلی عقل منجر شد، در دوره‌های بعدی این علم تجربی به قول مولوی به بنای آخور تبدیل شد و اندیشه اشعری، این اندیشه گرچه مخالف کلام شیعه بود ولی شواهد زیادی وجود دارد که حداقل قرن نوزدهم میلادی اندیشه غالب بر فرهنگ علمی و مجامع علمی و حتی حوزه‌های علمیه و تفکیک علوم دینی از علوم دقیقه و منحصرشدن وجوب عینی علم به علوم دینی و تفسیر العلم به علوم دینی و در یک محدوده کوچکتر فقه و فروکوبیدن عرفان و اخلاق و ... بقیه داستان را می‌دانید.

والسلام

## منابع و مآخذ

- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۷۶) توسعه و مبانی تمدن غرب، نشر ساقی، چاپ دوم.
- چپرا، محمد عمر (۱۳۸۳) اسلام و توسعه اقتصادی، ترجمه: محمدنقی نظریپور و اسحاق علوی، موسسه انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول.
- دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۷) مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- زیباکلام: ادق (۱۳۸۵) ما چگونه ما شدیم؟ انتشارات روزنه، چاپ چهاردهم.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۱) چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟ نشر توسعه، چاپ هفتم.
- موسائی، میثم (۱۳۷۴) دین و فرهنگ توسعه، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- موسائی، میثم (۱۳۷۶) اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.





# بررسی رابطه متقابل حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی با تأکید بر ادبیات اقتصاد اسلامی

محمد رضا یوسفی<sup>۱</sup>

سید محسن سجادی<sup>۲</sup>

مریم خسروی زاده<sup>۳</sup>

## چکیده

تبعیض اقتصادی در اسلام، از مصادیق بی‌عدالتی قلمداد شده و بر شاخص‌هایی از جمله حقوق مالکیت اثر می‌گذارد. زمانی که فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری به ناحق توزیع گردد؛ یعنی افراد مستعد و مستحق فقط به دلیل عدم دسترسی به رانت و روابط خاص، محروم بمانند دچار نارضایتی و دل‌سردی می‌گردند. جنبه‌های متفاوت نارضایتی در عرصه‌های گوناگون به اشکال مختلفی بروز می‌کند؛ عده‌ای به دنبال بی‌قانونی‌های مکرر در حوزه تخصیص منابع و سرمایه، خود به بی‌قانونی روی می‌آورند و انواع جرائم اقتصادی در جامعه ظاهر می‌گردد. با این شرایط، ناامنی بر جامعه سایه گسترانیده و حقوق مالکیت نیز به خطر می‌افتد. همچنین فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری به علت افزایش ریسک و مخاطرات اجتماعی، کاهش یافته و اقتصاد به رکود می‌گراید. در این مقاله، تلاش گردیده رابطه میان شاخص حقوق مالکیت و شاخص توزیع منابع و فرصت‌های اقتصادی در اقتصاد اسلامی به صورت دوسویه بررسی گردد. برای این کار به تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای پرداخته شده که یافته‌ها نشان می‌دهد، این دو شاخص دارای رابطه مستقیم و متقابل می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** تخصیص منابع، فرصت‌های اقتصادی، تبعیض، نابرابری، حقوق مالکیت، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: J7, P48, D63, D3

---

myosefis@mofidu.ac.ir

sajjadi@mofidu.ac.ir

mary.khosravy@yahoo.com

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید

۲. عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید

۳. کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید

## ۱- مقدمه

تبعیض اقتصادی در نظام اسلامی، به عنوان یکی از مصادیق وجود بی‌عدالتی قلمداد شده و می‌تواند بر شاخص‌های متاثر از بی‌عدالتی اثر گذارد. یکی از این شاخص‌ها حقوق مالکیت خصوصی در حوزه مسائل مربوط به امنیت اقتصادی می‌باشد. زمانی که فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری در یک جامعه به ناحق توزیع گردد؛ یعنی عده‌ای افراد مستعد و مستحق تنها به دلیل عدم دسترسی به رانت و روابط خاص، از حقوق خویش محروم بمانند؛ موجبات نارضایتی و دل‌سردی میان مردم فراهم می‌گردد. جنبه‌های متفاوت نارضایتی در عرصه‌های گوناگون به اشکال مختلفی بروز می‌کند؛ عده‌ای به دنبال بی‌قانونی‌های مکرر در حوزه تخصیص منابع و سرمایه، خود به بی‌قانونی روی می‌آورند و موجب افزایش جرائم اقتصادی در جامعه می‌گردد. با افزایش بی‌قانونی‌های بروز یافته، سطح امنیت اقتصادی جامعه کاهش پیدا کرده، بنابراین راه‌اندازی کسب و کار و انجام سرمایه‌گذاری به علت افزایش ریسک و مخاطرات اقتصادی شدیداً کم می‌شود. لذا امکان اشتغال و کسب درآمد کم شده و می‌تواند به مشکلات مالی مانند کاهش درآمد، افزایش نابرابری و فقر دامن بزند. با کاهش درآمد عده‌ای با نومییدی و دل‌سردی دست از پیشه خویش می‌کشند و در پی تأمین معاش خویش نمی‌روند و در نتیجه بازارها از رونق می‌افتد. در شرایط بحرانی‌تر افراد مستعد و محروم از کشور مهاجرت می‌کنند؛ پس از جمعیت کاسته خواهد شد و ممکن است اقتصاد دچار رکود شود. در چنین شرایطی حقوق مالکیت در زمره اولین شاخص‌های امنیتی خواهد بود که آماج تهدید و تعرض قرار خواهد گرفت. اگر روند حاکم بر جامعه تداوم یابد، اوضاع بحرانی‌تر شده و امکان دارد امنیت سیاسی و نظامی کشور نیز به خطر افتد.

در این پژوهش، پس از مرور پیشینه و ادبیات موضوع، به بیان چارچوب نظری پرداخته و رابطه میان شاخص حقوق مالکیت و تخصیص منابع اقتصادی به عنوان دو شاخص در حوزه امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی بر اساس آیات و روایات و سخن بزرگان و اندیشمندان مسلمان در عرصه اقتصاد تجزیه و تحلیل خواهد شد.

## ۲- ادبیات موضوع

## ۲-۱- مفهوم تبعیض در تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی

در فرهنگ لغت، تبعیض به معنای «بعضی را بر بعضی دیگر بدون دلیل موجه و عادلانه ترجیح دادن» تعریف شده است (عمید، ۱۳۵۵: ۲۰۹)؛ به عبارت دیگر، تبعیض به معنای این است که فردی بدون اینکه امتیاز و شایستگی خاصی داشته باشد، بر افراد دیگر که با او از هر لحاظ برابرند، ترجیح داده شود (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱). تبعیض رابطه مستقیمی با ساختارهای قدرت اجتماعی دارد. افراد و گروه‌هایی که از قدرت نفوذ اجتماعی کمتری برخوردار می‌باشند، از حقوق یکسان با سایر افراد و یا گروه‌ها بهره‌مند نیستند (نیسی و جوانمردی، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۸ مفهوم تبعیض را این گونه تعریف کرده است: «هرگونه تمایز،

انحصار، محدودیت یا اولویتی که بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، اموال، تولد (نسب) یا دیگر وضعیت‌ها صورت گرفته و هدف از آن، محروم نمودن یا عدم شناسایی حقوق بشری و آزادی‌های اساسی افراد در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر زمینه‌های عمومی بوده یا چنین اثری داشته باشد» (CCPR General comment: 6).

تبعیض از دو طریق منجر به ایجاد نابرابری می‌شود، یکی تبعیض در نظام اشتغال و دیگری تبعیض در توزیع ثروت و واگذاری سرمایه. عامل اصلی تحصیل درآمد و کسب عائدی، نظام کار و تولید می‌باشد. لذا یکی از دلایل ایجاد تفاوت میان افراد، تفاوت در شاغل یا بیکار بودن آنان است. موانعی که باعث محرومیت مردم از مشارکت در بازارها می‌شوند، عامل مهمی در افزایش بیکاری هستند، مانند: مقررات گرفتن پروانه و ویژگی‌های اقتصادی که سهولت دستیابی عده‌ای از مردم را به بازارها (از قبیل دسترسی کسب و کارهای کوچک به بازارهای اعتبارات بخش رسمی) کم می‌کنند. همین طور از موانع دیگری که می‌توان برشمرد، تبعیض‌های آشکاری است که تحرک شغلی را کاهش می‌دهد و عده‌ای را از فرصت‌های کسب درآمد بیشتر به دلیل نژادی، قومی، جنسیتی یا خصوصیت‌های دیگر محروم می‌کند (گریفن و کنلی، ۱۳۷۷: ۴۰).

تبعیض ممکن است هر پایه و اساسی، مانند جنسیت، نژاد، قوم، زبان، دین و تابعیت داشته باشد؛ و به نظر می‌رسد که این تبعیض‌ها تنها هنگامی محدود خواهند شد که نوع بشر تفکر و تصور خود را تغییر دهد و برای متمایز نمودن گروهی از گروه دیگر ملاک منطقی و موجهی بپذیرد. در فضای اقتصادی می‌توان چنین پنداشت که تبعیض ممکن است دو منظور را برآورد: یکی اینکه شغل‌های معین بسیار مطلوب و پردرآمدی را برای یک اقلیت ممتاز حفظ کند، دیگر آنکه، گروه‌های معینی از افراد را به شغل‌های کم‌درآمد و نامطلوب‌تر محدود سازد. مکارانه‌تر از تبعیض آشکار، موانعی هستند که در برابر ورود شغل‌های معینی وجود دارند. مثلاً در آمریکای آندی<sup>۱</sup> کسانی که به زبان بومی صحبت می‌کنند و لباس‌های بومی می‌پوشند، مشکل بتوانند شغل‌های شهری که دستمزد نسبتاً خوبی دارند یا شغل‌هایی در ادارات دولتی به دست آورند. این افراد به ناچار به منطقه‌های روستایی و به بخش غیر رسمی شهری محدود شده‌اند (همان: ۴۱).

موارد دیگر تبعیض در نظام اشتغال که منجر به نابرابری فاحش درآمد و فقر گسترده می‌شود، تبعیض جنسیتی است. بسیاری از مشاغل در عمل متعلق به مردان است (سیاست، حرفه‌های مرتبط با قانون، پست‌های ارشد در اداره‌های دولتی، اشتغال در نیروهای مسلح و پلیس) و حتی در جاهایی که موانع رسمی ورود به شغل وجود ندارد، زنان با «سقف‌های نامرئی» روبه‌رو می‌شوند که از صعود آنها به بالای نردبان ترقی شغلی جلوگیری می‌کنند. اشتغال برای زنان در بخش رسمی به شغل‌هایی مانند منشی‌گری، متصدی فروش و خدمتگذاری در خانه محدود می‌شود (همان: ۴۳).

کارگران در بخش غیر رسمی شهری و شغل‌های روستایی اجرت بسیار کمی دریافت می‌کنند و کارکنان بخش رسمی شهری معمولاً از دستمزدهای نسبتاً بالایی برخوردارند. این حقوق‌های بالا نیز غالباً نتیجه تصمیم شرکت‌هایی است که دستمزدهایی بالاتر از سطح تعادل بازار می‌پردازند، برای آنکه آهنگ تغییر و

تعویض کارکنان خود را آهسته کنند.

نوع دیگر تبعیض، تبعیض در تخصیص منابع بر اساس الگوهای نابرابر و کاملاً متمرکز توزیع دارایی و ثروت است. به طور میانگین ۲۰ درصد از جمعیت یک کشور معمولاً بیش از ۵۰ درصد درآمد ملی آن را کسب می‌کنند، به این دلیل که ۲۰ درصد احتمالاً مالکیت و احاطه بیش از ۹۰ درصد منابع تولیدی و دارایی‌های فیزیکی (به ویژه سرمایه‌های مادی و زمین) را در اختیار داشته، علاوه بر آن سرمایه‌های مالی (اوراق قرضه و سهام) و سرمایه انسانی را نیز (به شکل تحصیلات و بهداشت) بهتر در دست دارند (پیکتی، ۱۳۹۳: ۳۱۷-۳۲۰).

دسترسی ناهمگون افراد به سرمایه انسانی - به شکل آموزش و مهارت‌ها - مثال دیگری از توزیع نابرابر مالکیت دارایی‌های مولد است. اگر سیاست عمومی دسترسی گسترده به فرصت‌های آموزشی (برای پسران و دختران) را به مثابه ابزاری به منظور افزایش درآمدهای بالقوه افراد به کار نگیرد، نابرابری همچنان به قوت خود باقی می‌ماند. به این ترتیب معلوم می‌شود دیگر دلایل ایجاد تبعیض، احاطه متمرکز بر دارایی‌ها، توزیع نابرابر قدرت، و دسترسی نابرابر به فرصت‌های آموزشی و درآمدی است (تودارو و اسمیت، ۱۳۹۱: ۲۵۹). آنچه در این مقاله از مفهوم تبعیض مورد نظر و بررسی قرار گرفته، تبعیض در تخصیص منابع اقتصادی و نابرابری در دسترسی افراد به فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌باشد که هیچ منطق عادلانه و منصفانه‌ای برای آن وجود ندارد.

## ۲-۲- مفهوم حقوق مالکیت

از دیدگاه حقوقی، مالکیت مجموعه‌ای از حقوق مدون می‌باشد. این حقوق نشان می‌دهد که افراد با منابعی که مالکشان هستند چه کارهایی می‌توانند انجام دهند و چه کارهایی نمی‌توانند به انجام رسانند؛ مثل محدوده‌ای که قادر به تصرف، استفاده، توسعه، تغییر، مصرف و تخریب آن هستند، یا بفروشند، ببخشند، وصیت کنند، اجاره یا قرض دهند و یا دیگران را از استفاده آن مستثنا کنند. این حقوق ممکن است از نسلی به نسل دیگر تغییر کند (Cooter & Ullen, 2008 : 105).

حقوق مالکیت، ابزار یک جامعه است و اهمیتش را از این حقیقت می‌گیرد که به فرد کمک می‌کند تا منطقاً انتظاراتی که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و سنن یک جامعه بیان می‌شود. دارنده حقوق موقعیتی را به دست آورده است که در مقایسه با همتای خود، اجازه دارد به شیوه خاصی عمل کند. مالک انتظار دارد مانع مداخله دیگران در اعمال خود شود، البته مشروط به آنکه این اعمال در تعریف حقوق او ممنوع نشده باشد (دمستز، ۱۳۸۰: ۷۶).

حقوق مالکیت از یک سو به مالک این امکان را می‌دهد که مانع استفاده رایگان دیگران شود و از سوی دیگر، انگیزه سرمایه‌گذاری برای بهبود کیفیت منابع را افزایش می‌دهد، بنابراین نوعی تضمین برای تداوم و رشد تولید ایجاد می‌کند. در عین حال حقوق مالکیت چارچوب نهادی لازم برای تخصیص منابع را فراهم می‌آورد (رنانی، ۱۳۷۶: ۲۹۰-۳۱۱).

وقتی حقوق مالکیت، کاملاً روشن و بازارها کاملاً توسعه یافته هستند، بسته‌های منافع حاصل از وثیقه بر املاک و مستغلات را می‌توان ترکیب کرده و تبدیل به اوراق بهادار سرمایه‌گذاری جدید کرد. سپس این اوراق بهادار امکان گردآوری پول سرمایه‌گذاری شده در املاک و مستغلات را فراهم می‌کند و بنابراین اعطای وام‌های بیشتر و ارزان‌تر امکان‌پذیرتر می‌شود. اگر بانک نمی‌توانست مطمئن شود مالک ملک به وثیقه گذاشته شده چه کسی است، به وام دادن تمایلی پیدا نمی‌کرد. به طور مشابه، اگر بانک فکر نمی‌کرد که نمی‌تواند وثیقه را به پول تبدیل کند، تمایلی به وام دادن نداشت (Morris, 2007: 13).

به‌طور کلی می‌توان گفت: حقوق مالکیت به حق مالک در استفاده از کالا و دارایی برای مصرف و تولید اشاره دارد. این حق شامل حق انتقال به شخص دیگر در قالب هدیه و میراث یا از طریق انعقاد قرارداد با دیگران در قالب فروش، اجاره، وثیقه یا اعطای هر نوع اختیاری به دیگران برای استفاده از آن است. در بخش بعد به بررسی پیشینه مطالعه پرداخته و پژوهش‌هایی که تا کنون در زمینه بررسی رابطه میان این دو شاخص انجام شده‌اند را ذکر می‌نماییم.

### ۳- مطالعات پیشین

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه بررسی هر دو شاخص به‌طور جداگانه و یا بررسی تأثیرات آن بر شاخص‌هایی مانند توسعه اقتصادی و شاخص‌های توسعه انسانی صورت گرفته است. شاخص تبعیض اقتصادی در این پژوهش‌های وسیع به طور معمول از بعد جنسیتی آن بررسی شده و نابرابری‌های جنسیتی در پرداخت دستمزد، بیمه کارگران و استخدام شغلی مورد بررسی قرار گرفته است (براتی‌نیا، ۱۳۷۹؛ احمدوند، ۱۳۸۳؛ فکوهی، ۱۳۸۴؛ سلیمانی، ۱۳۸۶؛ اسفندیاری و موثقی، ۱۳۸۷؛ جعفری و قربان‌نیا، ۱۳۸۸؛ آقاجانی، ۱۳۸۹). در تحقیقات دیگر نیز تبعیض نژادی و قومی و منطقه‌ای مد نظر بوده است (محمودی، ۱۳۸۸؛ شریفی و قره‌باقی، ۱۳۸۹؛ عزتی، ۱۳۹۲؛ عزتی و همکاران، ۱۳۹۲). لذا پژوهشی که تبعیض اقتصادی در آن شاخصی برای اندازه‌گیری عدالت اقتصادی مطرح شده و در زمینه تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی به کار رفته باشد، در دسترس نیست.

در مقالات و کتاب‌هایی که نهادگرایان در باب حقوق مالکیت نگاشته‌اند نیز، معمولاً به بررسی رابطه این شاخص با شاخص‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی پرداخته (Morphey, 1993; Tornell, 1997; Quigging, 1988; Sylwester, 2001; Cheikbossian, 2003; Prasad, 2003) و در بررسی با شاخص‌های مربوط به عدالت اقتصادی، تنها چند مقاله در زمینه بررسی رابطه نابرابری با حق مالکیت فکری و معنوی در جهان و ایران به تحریر درآمده است (هیدر و ولسکوئز، ۲۰۰۹؛ دولا و همکاران، ۲۰۱۱؛ اعظمی و روستا، ۱۳۸۹؛ رنانی، ۱۳۸۹؛ شاه‌آبادی و ساری‌گل، ۱۳۹۳). بنابراین برای بررسی رابطه موجود میان حقوق مالکیت و تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی مطالعه‌ای صورت نگرفته و پژوهش حاضر کاری نو در این زمینه می‌باشد.

#### ۴- چارچوب نظری

در این بخش ابتدا کانال‌های تأثیرگذاری تخصیص منابع را بر حقوق مالکیت مشخص نموده، سپس به بررسی مسیرهای اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع می‌پردازیم. در نهایت رابطه متقابل و دوسویه شاخص‌ها را در اسلام بیان می‌کنیم.

#### ۴-۱- بررسی رابطه تخصیص منابع بر حقوق مالکیت

شاید بتوان گفت تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی اولین گام در راستای اجرای عدالت اقتصادی است. از آنجاکه عدالت یعنی دادن حق به حق‌دار<sup>۱</sup>، لذا زمانی که در تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی عدالت رعایت شود، یعنی زمینه اشتغال، خدمات و سرمایه‌گذاری برای کسانی که توانایی و دانش مرتبط و لازم آن حوزه را دارند فراهم شود، آن عبارت در زمینه اقتصادی یعنی هر کس به کاری گمارده می‌شود که مستحق آن است.

تخصیص فرصت‌های شغلی، فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، بهره‌مندی از منابع طبیعی، مالی، اقتصادی و ... باید بر اساس ضوابط مبتنی بر عدالت باشد؛ نه بر پایه رانت و روابط. توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و منابع اقتصادی و تبعیض در میان افراد یکسان برای واگذاری منابع و امکانات، منجر به نابرابری درآمد افراد برابر می‌شود. استمرار این روند و تمدید آن در طول زمان منجر به ایجاد شکاف درآمدی و بروز پدیده فقر می‌گردد. لذا، یکی از کانال‌های اثرگذاری تبعیض در تخصیص منابع و فرصت‌ها بر امنیت اقتصادی، بروز نابرابری درآمدی است. زمانی که تبعیض در تخصیص منابع و سرمایه‌های اقتصادی منجر به ایجاد نابرابری گردد، در اثر نابرابری ایجاد شده حقوق مالکیت نیز نادیده گرفته می‌شود (خسروی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۵-۱۰۳).

تعمیق شکاف طبقاتی و در پی آن افزایش فقر و گردش ثروت و موقعیت‌های اقتصادی محدود جامعه در دست عده‌ای معدود و به نفع آنان، به تدریج سبب نارضایتی فقرا و محرومان می‌گردد. فرد نیازمندی که قادر به تأمین معاش خویش نیست و منبع درآمدی هم برای گذران زندگی خود ندارد و به علت تبعیضات موجود از فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری نیز محروم مانده، می‌پندارد اگر واگذاری فرصت‌های شغلی، منابع سرمایه‌گذاری و زمینه‌های انجام کسب و کار، عادلانه و منصفانه صورت می‌گرفت و قادر به انجام یک فعالیت اقتصادی می‌شد، از آن عوایدی کسب می‌نمود و ادامه حیات برایش دشوار نبود و دیگر با فقر دست و پنجه نرم نمی‌کرد. لذا تصور می‌کند افراد فعال در صحنه اقتصادی جایگاه و حق او را غصب نموده‌اند، پس احساس نارضایتی پیدا خواهد کرد.

تبعیض و تفاوت قائل شدن و ترجیح عده‌ای از مردم بر عده‌ای دیگر، آن دسته افراد را که محروم شده‌اند می‌آزارد. حس نفرت، کینه و انتقام‌جویی را در دلشان پرورش می‌دهد و در مقابل آن عده را که به شکل «عزیز بلاجهت» درآمده‌اند، تن پرور، کم حوصله، زودرنج، بی‌کاره و اسراف‌کار می‌کند. در میان یک طبقه حسد، کینه، انتقام، نفرت و دشمنی، و در میان طبقه دیگر کم‌حوصلگی نسبت به کار، استقامت نداشتن،

ناشکیبایی، اسراف و تبذیر پیدا می‌شود (مطهری، ۱۳۵۸: ۲۴).

آن دسته از افرادی که بنا بر بی‌عدالتی از رقابت با افراد هم‌سطح و هم‌تراز خود جامانده‌اند، بعد از مدتی دست و پنجه نرم کردن با نابرابری و نداری، سرانجام کاسه صبرشان لبریز شده و به اعتراض لب می‌گشایند. در جامعه‌ای که از ابتدا هیچ قانون عادلانه‌ای برای تخصیص منابع و فرصت‌ها وجود ندارد و یا نهادی به منظور اجرا و نظارت بر چنین قوانینی مستحکم نشده است، اقامه دعوی و پیگیری‌های قانونی برای زنده کردن حقوق از دست رفته نیز، راه به جایی نمی‌برد. مردمی که کاسه صبرشان لبریز شده و نابرابری امانشان را بریده است، از آنجا که فریادشان به گوش کسی نمی‌رسد، خود در پی زنده کردن حق و حقوقشان وارد صحنه شده، چون با راهکارهای قانونی راه به جایی نبرده‌اند، سراغ بی‌قانونی رفته تا شر بی‌عدالتی را از سر زندگی‌شان بکنند. کسانی که در شرایط یکسان و مساوی با دیگران از رقابت در یک صحنه برابر محروم مانده‌اند، وضع نابسامان فعلی‌شان را از چشم آنان می‌بینند و معتقدند باید حقتشان را هم از همان‌ها باز ستانند. در این شرایط، تضمین حقوق مالکیت افراد دیگر هم به خطر می‌افتد. فقرا و بیکاران هم که بیشترین سهم را برای این بی‌عدالتی پرداخت هاند با تکیه بر خشم و کینه‌ای که جای عقل نشسته، ممکن است به دنبال اقدامات غیرقانونی خود و در پی آسیب رساندن به تولیدکنندگان و مولدین اقتصادی، چرخه تولید را نیز مختل کنند.

با عدم رعایت قانون و بروز ناامنی اقتصادی، انواع مخاطرات اقتصادی از جمله ریسک معاملات و سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یافته و از دیگر سو مردم نیز در حفظ اموال و ثروت خود دچار تردید و نگرانی می‌شوند، لذا این امر پیامدی جز خروج سرمایه از کشور در پی نخواهد داشت. با کاهش میزان سرمایه‌گذاری و تجارت، تولید ملی کاهش یافته، سطح رفاه عمومی کاهش یافته که با توجه به درجه‌ای از نابرابری در جامعه، فقر گسترش می‌یابد. در نتیجه، کانال دوم این ساز کار، ایجاد پدیده فقر است. فقر، خود به تنهایی می‌تواند عامل نقض حقوق مالکیت گردد (خسروی‌زاده: ۱۱۱-۱۱۶).

ابن خلدون شرایط جامعه‌ای را که به دلیل ظلم و بی‌عدالتی با کاهش رفاه و آسایش عمومی مواجه شده‌است، این‌گونه توصیف می‌کند: «تشکیل اجتماع و شکوه و جلال آن و همچنین گردش اقتصاد و رونق بازار آن تنها در پرتوی تکاپو و کار و تلاش مردم در راه مصالح و منافع خودشان است. پس اگر مردم در اثر دلسردی و نومیدی، در راه تأمین معاش خود اقدام نکنند و دست از پیشه‌های خود بکشند، بازارها از رونق می‌افتند و اوضاع و احوال، متزلزل و دگرگون می‌شود و مردم در جست و جوی روزی از آن کشور مهاجرت می‌کنند و در نواحی دیگر، بیرون از قلمروی حاکم آن جا پراکنده می‌شوند و در نتیجه از جمعیت آن کشور کاسته می‌شود و شهرها خالی از سکنه می‌شود و اقتصاد دچار رکود می‌گردد» (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

امروزه نیز در کشوری که منابع و فرصت‌های اقتصادی برای نیروی کار و سرمایه با اجحاف و به صورت نابرابر توزیع می‌گردد، علاوه بر خروج نیروی کار ساده، ماهر و نخبه، فرار سرمایه نیز اتفاق خواهد افتاد. چون همه افراد بنا به دلایل شخصی و سلیقه‌ای، حاضر به ترک شهر و دیار خود نمی‌شوند؛ اما با اوضاع تبعیض‌آمیزی که حاکم است، ترجیح می‌دهند سرمایه و مال‌التجاره خود را در پروژه‌های سرمایه‌ای و فعالیت‌های اقتصادی دیگر

کشورها و جوامع به کار گیرند تا این‌گونه هم در شرایط مطمئن کسب عایدی و درآمد نموده و هم در کشور خود به ادامه زندگی بپردازند. در این صورت موقعیت شغلی بسیاری از افراد که نه مهارت و دانش بالا و نه سرمایه کافی برای سرمایه‌گذاری خارجی دارند، از بین می‌رود. بدین سبب اوضاع اقتصادی کشور به علت کاهش چشم‌گیر سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش شدید نرخ بیکاری، تعطیلی بسیاری از مکاسب و پیشه‌ها، نابه‌سامان گشته و به دنبال از بین رفتن امنیت اقتصادی و ایجاد ناامنی، امکان تهدید امنیت در حوزه‌های سیاسی، نظامی و ملی نیز به وجود می‌آید. پس، سومین کانال تبعیض اقتصادی که منجر به بروز ناامنی اقتصادی می‌گردد، مهاجرت نیروی انسانی و فرار سرمایه فیزیکی جامعه می‌باشد.

به طور خلاصه سه کانال اثرگذاری تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی بر حقوق مالکیت عبارتند از: ۱- نابرابری درآمدی؛ ۲- فقر و ۳- مهاجرت سرمایه انسانی و فیزیکی. در بخش بعدی کانال‌های اثرگذاری از حقوق مالکیت بر تخصیص منابع را بررسی می‌کنیم.

#### ۴-۲- بررسی رابطه حقوق مالکیت بر تخصیص منابع

تا پیش از انتشار قضیه کوز، نظریاتی در میان اقتصاددانان رواج داشت که توزیع حقوق مالکیت را بر تخصیص منابع بی‌اثر می‌شمرد. اما چیزی که در جهان واقع اتفاق می‌افتد، انجام مبادلاتی است که هزینه آنها در اغلب موارد مخالف صفر است و این واقعیت، راه را برای اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع باز می‌کند (شریف‌زاده و نادران، ۱۳۸۹: ۵۶). به صورتی که، با وجود حقوق مالکیت ناقص و ضعیف در جوامع، منابع مالی و دارایی افراد ارزش واقعی خود را از دست داده و نمی‌توانند نقش وثایق معتبر را به خوبی بازی کنند؛ در نتیجه مالک آنها نمی‌تواند استفاده لازم را جهت اخذ اعتبار به وسیله آنها داشته باشد. از دیدگاه اجرتسون<sup>۱</sup>، حقوق مالکیت، حقوق افراد در استفاده از منابع می‌باشد. از دیدگاه وی دو مفهوم متمایز از حقوق مالکیت وجود دارد: ۱- حقوق مالکیت اقتصادی؛ ۲- حقوق مالکیت قانونی. حقوق مالکیت اقتصادی فرد روی یک کالا یا دارایی، توانایی افراد در مصرف کالا یا خدمات دارایی و به طور غیر مستقیم از طریق مبادله آن تعریف می‌شود. این توانایی شامل حق استفاده از یک دارایی، حق کسب درآمد از یک دارایی و قرارداد با سایر افراد و حق انتقال مالکیت دائم به گروه دیگر می‌باشد. اما حقوق مالکیت قانونی، حقوق مالکیتی است که توسط دولت به رسمیت شناخته شده و اعمال می‌شود. در واقع حقوق مالکیت قانونی، حقوقی است که از طریق دولت اعطا می‌شود و پشتیبانی برای بهره‌مندی از حقوق مالکیت اقتصادی است (صمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰).

هر اندازه حقوق مالکیت بهتر تصریح شده باشد، فایده‌های حاصل از تجارت افزایش خواهد یافت. تعریف حقوق مالکیت می‌تواند بر انگیزه افراد در کار کردن، نگهداری و ارتقای اموال بادوام، پرهیز از نزاع و مواردی از این دست تأثیر مستقیم داشته باشد (همان: ۵۷).

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که تضمین حقوق مالکیت ارتباطی با تخصیص بهینه منابع و فرصت‌های



اقتصادی نداشته باشد؛ اما این دیدگاه اشتباه است. چرا که با تضمین حقوق مالکیت افراد حق و فرصت بهره‌برداری از منابع اقتصادی خویش را پیدا خواهند کرد. از آنجاکه عملکرد بهینه و عقلای اقتصادی در کاهش هزینه و افزایش سود اتفاق خواهد افتاد، لذا زمانی که فرد فرصت استفاده از منابع در دسترس و تحت مالکیت خویش را داشته باشد و هیچ تهدیدی مالکیت وی را به خطر نیندازد، بهره‌وری را افزایش خواهد داد. به عبارتی دیگر، وجود حقوق مالکیت تعریف شده در جامعه باعث می‌شود افراد از فرصت‌ها و منابعی که برای انجام فعالیت‌های اقتصادی در اختیار دارند، بدون هیچ نگرانی و تردیدی نهایت استفاده را بکنند. این اولین کانال اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی است که به طور مستقیم بر آن اثرگذار است.

تضمین حقوق مالکیت به طور غیر مستقیم نیز بر تخصیص منابع و فرصت‌ها تأثیرگذار خواهد بود. همان طور که در بخش دوم گفته شد، یکی از مصادیق نقض حقوق مالکیت زمانی بود که یک اعتباردهنده نمی‌تواند از سابقه اعتباری مشتری خود مطلع شود و هنگامی که مشتری از ایفای تعهدات خود طفره رود، نمی‌تواند وثایق اخذ شده را به اجرا گذارد و در نتیجه حقوقش نقض می‌گردد. در این وضعیت نه تنها فعالیت اعتباری غیراقتصادی می‌شود بلکه تأمین اعتبار فعالیت‌های اقتصادی نیز پرهزینه می‌گردد. در این زمان و شرایط مشابه به این، عملاً اعطای یک فرصت اقتصادی به یک مشتری دیگر از میان می‌رود و در کشوری مانند ایران که مسائلی از این قبیل زیاد اتفاق می‌افتد، منابع و فرصت‌های اقتصادی و مالی بسیاری از کسانی سلب می‌شود که شایستگی و توانایی اجرای فعالیت‌های کارآ و مولد را در زمینه‌های مختلف دارند. بارزترین و تازه‌ترین مثال از این نمونه، دست‌درازی به اموال مردم از طریق اختلاس‌های چند هزار میلیاردی سال‌های اخیر بوده است که مانند چکمه بر سر تولیدات کارگاهی و کسب و کارهای کوچکی فرود آمد که به دلیل نداشتن سرمایه‌ای به اندازه یک دهم این مبالغ، به ورشکستگی و تعطیلی کشیده شدند. همچنین تا کنون در ایران، سلب حقوق مالکیت فکری باعث عدم راه‌اندازی، ورشکستگی و تعطیلی کارخانه‌ها و تولیدی‌های بسیاری (مانند کفش ملی) گشته که منجر به بیکاری قشر وسیعی از طبقه متوسط و پایین جامعه گردیده است. اقتصاد مدرن نه تنها به حقوق مالکیت فیزیکی، بلکه به حقوق مالکیت فکری نیز متکی است. حقوق مالکیت فکری، حقوق انحصاری بر ساخته‌های ذهن و فکر هستند. ساخته‌هایی مثل اختراعات، کارهای ادبی و هنری، نمادها، نام‌ها، ایده‌ها، تصاویر و طرح‌هایی که در تجارت استفاده می‌شوند، از جمله این حقوق هستند. اقتصاد جهانی به شدت به کالاهای مالکیت فکری، از هواپیما تا نرم‌افزار تجاری و از مواد دارویی تا تلفن همراه، وابسته شده است (Jackson, 2011: 37).

عدم حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی و فکری، علاوه بر خروج نیروی کار ماهر، مستعد و نخبه، منجر به خروج سرمایه داخلی و عدم ورود سرمایه خارجی می‌شود.

حقوق مالکیت باعث می‌شود که انگیزه سرمایه‌گذاری مولد برای افراد و بنگاه‌ها به وجود آید. در صورت تضمین حقوق مالکیت، بهره‌مندی اشخاصی که توانایی و مهارت لازم در استفاده از منابع و فرصت‌های اقتصادی را دارند، افزایش می‌یابد. کانال‌های وام‌دهی و اعتباردهی برای همه افراد مطابق حقوق مالکیت

تعریف شده، سهل و کم‌هزینه خواهد بود. در حقیقت حمایت از حقوق مالکیت باعث می‌شود تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی برای همه افراد فراهم آید. افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی موجبات اشتغال نیروی کار فاقد سرمایه را نیز به وجود می‌آورد و بدین گونه فرصت‌های اقتصادی میان غالب مردم عادلانه‌تر و پراکنده‌تر توزیع می‌شود.

وقتی در یک جامعه حقوق مالکیت تضمین می‌شود، دارایی افراد به عنوان وثایق معتبر برای اخذ اعتبارات پذیرفته خواهد شد. از این طریق، منابع مالی لازم جهت سرمایه‌گذاری و انجام کسب و کار به سهولت فراهم می‌شود. تحت چنین شرایطی با راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های متنوع، اشتغال‌زایی صورت خواهد گرفت. این تخصیص بهینه و گسترده باعث افزایش کارایی و بهره‌وری گشته و در ثبات سایر شرایط، تولید نیز افزایش می‌یابد.

در نتیجه، تضمین حقوق مالکیت فکری و فیزیکی از طریق افزایش اعتبار و وثایق بر تخصیص بهینه و عادلانه منابع و فرصت‌های اقتصادی اثرگذار خواهد بود.

#### ۴-۳- رابطه تخصیص منابع بر حقوق مالکیت در اسلام

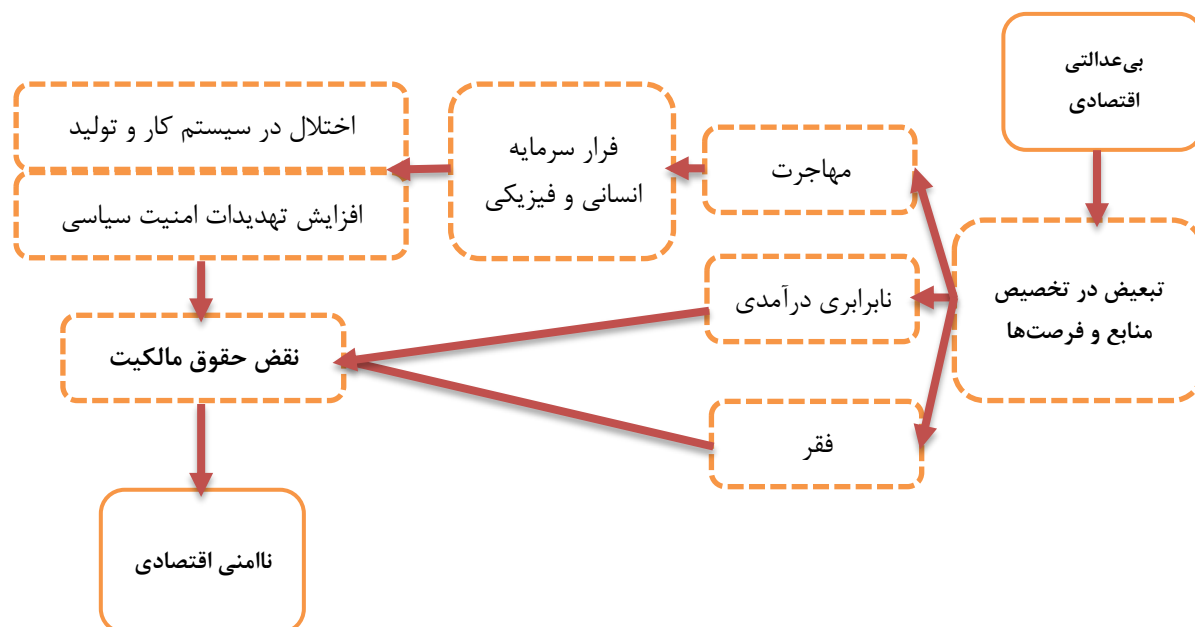
در این بخش: حجت و سقم مطالب فوق را در منابع اسلامی و روایات بزرگان دینی بررسی و تحلیل می‌نماییم. پیامبر (ص) دعای معروفی دارند که فرازهای آن به خوبی نتیجه ظلم و تبعیض را در جامعه بیان می‌کند. دعا این‌گونه آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ أَقْسِمَ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ...» (ابن طابوس: ۳۵۰۲). جمله‌ای در این دعاست که می‌فرماید: «... وجعل ثارنا علی من ظلمنا ... خدایا! انتقام ما را نسبت به آن کسانی قرار بده که به ما ظلم کردند...».

"ثار" یا "ثار" به معنی مکافات دادن است و اصطلاحاً حس انتقام‌جویی را می‌رساند. یعنی حضرت می‌فرماید در اثر ظلمی که به مردم بشود، قهراً روحشان آزرده و انتقام‌جو و اصطلاحاً "ثار" می‌شود. حس انتقام‌جویی به محض اینکه در روح و قلب آدمی متولد شود، اثر خود را می‌گذارد، حتی اگر در ظاهر بروز پیدا نکند. به گفته شهید مطهری: «کینه‌ها و عداوت‌هایی که در روح پیدا می‌شود ممکن است موقتاً به اعماق روح فرو برود و انسان به حسب شعور ظاهر خود آن‌ها را فراموش کند و از یاد ببرد، اما واقعاً محو نمی‌شود، در همان اعماق روح، بی‌خبر از شعور ظاهر و عقل ظاهر، مشغول فعالیت است که راهی پیدا کند و بیرون بیاید» (مطهری، پیشین: ۲۱). حال رسول اکرم (ص) از خدای متان طلب می‌کند این کینه و آتش انتقامی که در دل مظلوم زبانه می‌کشد کس دیگری را نسوزاند، همان شخص ظالم را بسوزاند. پیامبر (ص) چون علم لدنی دارد، می‌داند که ظلم، چنان کینه و عداوتی در قلب فرد به وجود می‌آورد که انسان دیگر به فرمان عقل سلیم عمل نمی‌کند. بلکه به فرمان همان عقده‌ها و بغض‌ها می‌خواهد انتقام بگیرد و دیگر ملاحظه نمی‌کند که دشمن را سرکوب می‌نماید یا کس دیگری را؛ لذا در دعای خود می‌خواهد در اعماق روح انسان در اثر بی‌عدالتی‌ها، مظلومیت‌ها و ناتوانی‌ها، عقده و "ثار"ی پیدا نشود که روح طبعاً آزرده، سرکش، بدخواه و ظالم بشود و از ظلم لذت ببرد و همان ظلمی که در حقش شده بر دیگران روا بدارد. یعنی از خداوند درخواست

می‌کند ظلمی که یک نفر در جامعه مرتکب شده به دیگران سرایت نکند و ظلم و بی‌عدالتی همه‌گیر نشود. رسول الله (ص) در حدیث دیگری فرموده‌اند: «إستووا تستو قلوبکم» (نهج‌الفصاحه: ۲۸۷)؛ یعنی با یکدیگر برابر شوید، تا دل‌های شما برابر و به هم نزدیک شود؛ یعنی اگر در تقسیم موهبت‌ها و نعمت‌های الهی میان مردم اختلاف و فاصله افتاد بین دل‌های ایشان هم قهراً فاصله می‌افتد، دیگر نمی‌توانند همدلی و همفکری داشته و در یک صف قرار گیرند، قهراً در دو صف مختلف قرار خواهند گرفت.

اگر زمینه‌ها و فرصت‌های جامعه برای افراد به طور یکسان توزیع شود، آنچه تعیین‌کننده استحقاق و لیاقت افراد در تملک عائدی می‌باشد، میزان استعداد و تلاشی است که از خود نشان داده‌اند؛ پس نمی‌توان ادعا کرد که تقسیم مساوی درآمد و عائدی میان مردم، عدالت است. در حقیقت معنای رعایت عدالت، تخصیص عادلانه با معیار برابری و توزیع عادلانه با معیار استحقاق می‌باشد (مطهری، ۱۳۵۲: ۳۵). بجز تبعیض‌ها و تفاوت‌های طبیعی که به علت نوع متفاوت خلقت افراد وجود دارد، نباید تبعیض و ناهمواری دیگری به طور غیرطبیعی و قهری وجود داشته باشد. نباید میان شهری و روستایی، سیاه و سفید، زن و مرد و ... تبعیضی باشد که از این ویژگی‌ها نشأت گرفته است. شرایط کسب و کار باید برای عموم مردم در عرصه‌های اقتصادی جامعه به طور یکسان مهیا و در دسترس باشد تا افراد، توانایی شرکت در رقابت برابر را داشته باشند. همه مردم باید به طور برابر از منابع سهم ببرند. پس از آن، هر کس بر اساس میزان استعداد و مهارت و هم چنین سعی و تلاش خودش نتیجه مطلوب را کسب کند.

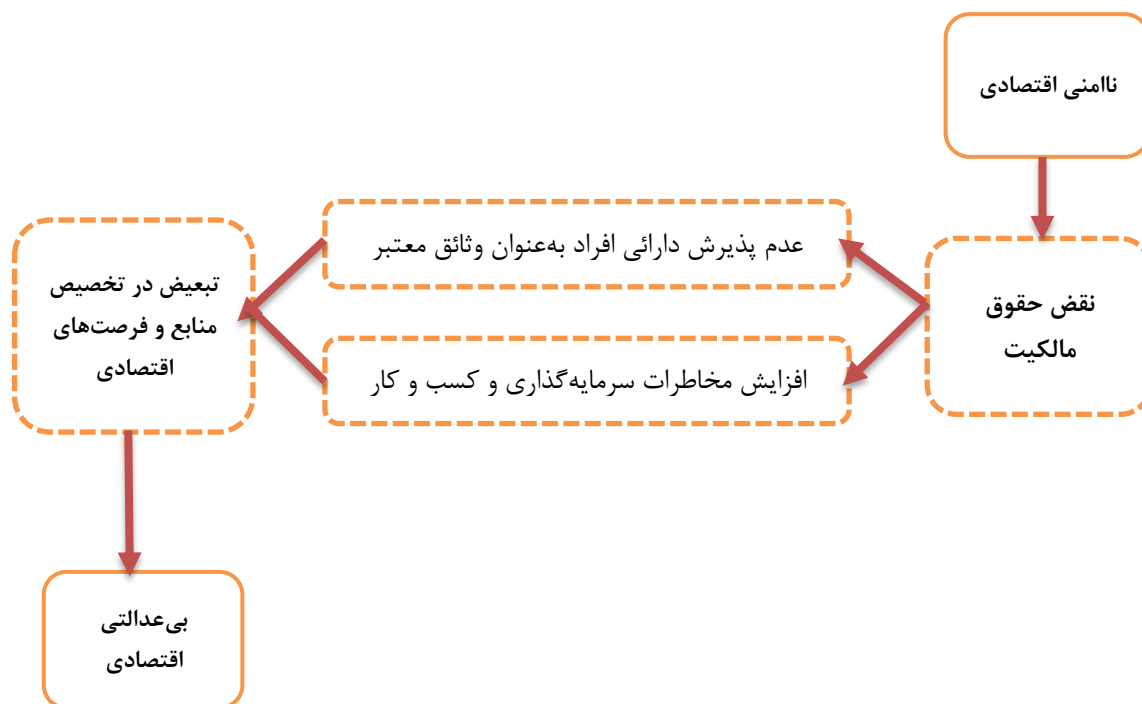
### شکل ۱. کانال‌های اثرگذاری تخصیص منابع بر حقوق مالکیت



## ۵- نتایج

اجرای عدالت و در پی آن رفع تبعیضات و نابرابری‌ها، از ضروریات همه جوامع و مکاتب بخصوص مکتب اسلامی می‌باشد. از سوی دیگر، ایجاد فضایی مطمئن برای راه‌اندازی کسب و کار و حمایت از حقوق مالکیت افراد، منجر به تحقق امنیت اقتصادی در جامعه می‌گردد. در این مقاله سعی شد تا با بررسی دو عنصر از این دو حوزه مهم و گسترده اقتصادی، یعنی شاخص حقوق مالکیت و تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی، رابطه آنها تبیین گشته و کانال‌های اثرگذاری هر یک بر دیگری مشخص شود. در این راستا، تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی از طریق سه کانال بر حقوق مالکیت اثرگذار است و حقوق مالکیت از طریق یک کانال بر تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی مؤثر می‌باشد. که این کانال‌های اثرگذاری دو طرفه در شکل زیر مشخص شده‌اند.

شکل ۲. کانال‌های اثرگذاری حقوق مالکیت بر تخصیص منابع



## ۶- پیشنهادها

۱. چون میان شاخص حقوق مالکیت و تخصیص منابع و فرصت‌های اقتصادی رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد، پس لازم است تصمیمات اجرایی که در خصوص شفافیت و تضمین حقوق مالکیت صورت می‌گیرد به گونه‌ای باشد تا تأثیر مثبت و متقابل آن بر تخصیص منابع منجر به تحقق شرایط عادلانه اقتصادی هم بشود.

۲. همچنین راهکارهای مؤثر در تخصیص عادلانه منابع و فرصت‌ها طوری تعیین گردد که به علت رابطه متقابل و دوسویه منجر به تضمین و حمایت از حقوق مالکیت نیز شود.

## منابع و مأخذ

- ابن طاوس، علی بن موسی (بی تا) مهج الدعوات و منهج العبادات، کتابخانه سنائی.
- پیکتی، توماس (۱۳۹۳) سرمایه در قرن بیست و یکم، ترجمه اصلان قودجانی، نقد فرهنگ، تهران.
- تودارو، مایکل پی و استفن اسمیت (۱۳۹۳) توسعه اقتصادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، نشر نگاه دانش.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۸۰) اندیشه‌های اقتصادی ابن خلدون، تهران: نشر مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز.
- دمستر، هارولد (۱۳۸۰) به سوی یک تئوری حقوق مالکیت، ترجمه محسن رنانی، فصلنامه پژوهش در تأمین اجتماعی، ش ۱۰.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶) بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، چاپ دوم، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- شریف زاده، محمدجواد و الیاس نادران (۱۳۸۹) تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت در اسلام (با تأکید بر مفهوم هزینه‌های مبادله)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۶.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۶) نهج الفصاحه: سخنان گهربار پیامبر اعظم، ترجمه محسن شیرمحمدی، چاپ اول، سایه گستر، مهرگان دانش.
- صمدی، حسینعلی، محسن رنانی و رحیم دلالی اصفهانی (۱۳۸۹) مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی، فصلنامه حقوق، ش ۱۲.
- عزتی، مرتضی، اله‌مراد سیف و مجتبی ملکی شهرپور (۱۳۹۲) شاخص‌سازی تبعیض اقتصادی به عنوان زمینه‌ساز تهدید نرم و ارزیابی آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۶، شماره ۹۱، زمستان.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید (۱۳۵۵) فرهنگ مفصل و مصور: فارسی به فارسی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر.
- گریفن، کیث و تری مک کنلی (۱۳۷۷) توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران: ناشر وداد، تابستان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۲) عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸) بیست گفتار، قم: انتشارات صدرا.
- نیسی، خدیجه و منوچهر جوانمردی (۱۳۹۴) بررسی شاخص‌های توسعه انسانی با تأکید بر تبعیض و نابرابری جنسیتی در نواحی روستایی، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۷، شماره ۲۵، پاییز.
- Andrew P. Morriss (2007) The Economics of Property Rights: The Voluntary Transaction-Driven Evolution of Property Rights is a Hayekian Spontaneous Order, Volume: 57, Issue: 2, March.
- Kyle A. Jackson (2011) International Property Rights Index; 2011 Report, Washington D.C., Americans for Tax Reform Foundation, Property Rights Alliance.



# میزان تأثیرپذیری پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی از مبانی قانون اساسی و اقتصاد اسلامی

سید محمد حسن مصطفوی<sup>۱</sup>

## چکیده

در دنیای معاصر به دلایلی مانند جهانی شدن، رقابت فشرده‌تر اقتصادی و بروز بحرانها، طراحی و اجرای برنامه‌های چشم‌انداز و توسعه و الگوی پیشرفت کشورها بیش از پیش ضرورت یافته است. در ایران نیز به رغم وجود اولویت‌های دیگر، این اسناد تولید می‌شود که از جمله آنها سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد که پیش‌نویس آن آماده شده و انتشار یافته تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در تهیه سند نهایی، احیاناً از نقد و نظرها بهره‌گیری شود. مساله این مطالعه، آن است که آیا با توجه به عنوان سند که مشخصه اسلامی را با خود دارد، واژه‌هایی که در آن به کار گرفته شده، تا چه اندازه با واژه‌ها و مفاهیم اقتصاد اسلامی - در مقاسه با قانون اساسی - همخوانی دارد؟

در مقاله حاضر، که اولین مطالعه در این موضوع می‌باشد، پیش‌نویس پیشنهادی سند با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی به صورت تحلیل محتوا بررسی و نتیجه شده که در پیش‌نویس سند، در ۴ دسته از ۹ دسته مفاهیم، نسبت به قانون اساسی توجه لازم معطوف نشده است. این مقاله، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و به روش تحلیل محتوا و مقایسه‌ای نگارش یافته و در پایان، پیشنهادهای ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قانون اساسی ج.ا. ایران، اقتصاد اسلامی، توسعه، عدالت، اشتغال

## ۱. مقدمه

دلایلی مانند جهانی شدن، رقابت فشرده‌تر اقتصادی و بروز بحرآن‌ها در دنیای جدید، طراحی و اجرای برنامه‌های چشم انداز و توسعه و الگوی پیشرفت کشورها بیش از پیش رایج شده است. در ایران نیز به رغم وجود اولویت‌های دیگر، این اسناد تولید می‌شود که از جمله آنها سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد که پیش نویس آن آماده شده و انتشار یافته تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در تهیه سند نهایی، احیاناً از نقد و نظرها بهره‌گیری شود.

در مقاله حاضر، که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و به روش تحلیل محتوا و مقایسه‌ای با عنوان «میزان تأثیرپذیری پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی از مبانی قانون اساسی و اقتصاد اسلامی» نگارش یافته، که اولین مطالعه در این موضوع می‌باشد، پیش‌نویس پیشنهادی سند با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی به صورت تحلیل محتوا بررسی، و در فصول زیر ارائه شده است: پس از مقدمه، بیان مسأله، روش تجزیه و تحلیل، پیشینه تجربی و سابقه مطالعات، درباره قانون اساسی، پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اقتصاد اسلامی و شاخص‌های آن در ارتباط با موضوع مقاله، تحلیل محتوای پیش‌نویس سند الگو با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پیشنهادات.

## ۲. بیان مسأله

مسأله این مطالعه، آن است که آیا با توجه به عنوان سندپیشنهادی پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که مشخصه اسلامی را با خود دارد، واژه‌هایی که در آن به کار گرفته شده، تا چه اندازه با واژه‌ها و مفاهیم اقتصاد اسلامی - در مقاسه با قانون اساسی - همخوانی دارد؟

در مقاله حاضر، پیش‌نویس سند با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی به صورت تحلیل محتوا، در ۹ دسته مفاهیم، با بیش از ۴۰ واژه و با احتساب واژه‌های همگون و مرتبط، بیش از ۷۰ واژه با قانون اساسی مقایسه شده است.

## ۳. روش تجزیه و تحلیل

### ۱-۳. تحلیل محتوا

استفاده تاریخی تحلیل محتوا<sup>۱</sup> در بعد عملی را می‌توان به بهره‌گیری از این روش در شناخت کلمات، لغات و اصطلاحات کتاب‌های مقدس مثل تورات، انجیل و قرآن نسبت داد. با توجه به عمق معانی در کتاب‌های مقدس، مفسران به تحلیل محتوای لغات و مفاهیم آن می‌پرداختند. اولین مورد مستند تحلیل کمی متون به قرن هجدهم بر می‌گردد.



تحلیل محتوا به عنوان روشی علمی با کاربرد در پژوهش‌های علوم اجتماعی همچون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی در قرن بیستم رایج شد. در ابتدا، این روش برای تحلیل مطالب روزنامه‌ها، تبلیغات و سپس برای اهداف اطلاعاتی و نظامی استفاده شد. با استفاده فراگیر از این روش در علوم مختلف، پژوهشگران به تحلیل محتوا به‌منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل اطلاعات توجه کردند. تحلیل محتوا طیفی از رویکردهای گوناگون تحلیل، از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق است. طبق تعریفی کاملاً کمی از تحلیل محتوا، این روش ویژگی‌های ظاهری یک پیام (متن، مکالمه و ...) را به شکل عینی (مستقل از برداشت شخصی محقق) و نظام‌مند (طبق قواعد معین و کمی براساس شاخه‌های آماری) توصیف می‌کند (Berelson, 1952).

از نظر گروهی از محققان: ریف محتوای ظاهری پیام چندان ارزشمند نیست و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را نیز به‌کار ببرد و محتوای پنهان یک پیام ارتباطی را توصیف و تفسیر کند (Hsieh & Shannon, 2005). در برخی از این روش‌ها، محقق کلمات به کار رفته در پیام (و بار ارزشی آنها) را می‌شمارد؛ زیرا تکرار کلمات خاص، حاوی پیام‌هایی است که گیرندگان پیام را بر می‌انگیزد تا در برابر آن واکنش نشان دهند (ر. ک: رفیع پور، ۱۳۹۴).

این روش در دسته‌بندی روش‌ها، پنهانگر محسوب می‌شود و از آن، برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌پردازد و در نتیجه، وارد تأویل و نشانه‌شناسی محتوای پیام نمی‌شود. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است. با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی، اولویت بندی و تحلیل محتوای محورهای برنامه‌ها و سیاست‌ها پرداخته می‌شود (ر. ک: سید امامی، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه تحلیل محتوا روشی عینی و عملی و نیز دارای پتانسیل نظم‌بخشیدن به فرایندها می‌باشد که از پشتوانه نظری برخوردار بوده، در این مطالعه از این روش استفاده شده است (ر. ک: ساروخانی، ۱۳۸۲).

## ۲-۳. تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای

روش تحقیق و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای<sup>۱</sup> (یا تطبیقی)<sup>۲</sup> از دیرینه‌ترین و یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌ها در عرصه اندیشه اجتماعی و علوم اجتماعی بوده و با این حال، هنوز در حال گسترش و تکمیل روبه‌های خود است<sup>۳</sup>.

در این روش، که مبتنی بر فهم شباهت‌ها و تفاوت‌ها است، محقق به دنبال کشف و بررسی عوامل و شرایط خاص یا نوعی رفتار، پیامد، متغیر و اسنادی برمی‌آید که قبلاً رخ داده یا وجود داشته است و از طریق مطالعه نتایج حاصل از آنها به واقعیت رویدادها پی می‌برد و حداقل دو داده را با یکدیگر مقایسه و مقابله

1. Comparative research method

2. Adaptive method

۳. البته برخی محققان بین این دو روش، تفاوت‌هایی فنی قائل‌اند.

می‌کند و نکات مشابه و مشترک و متفاوت با یکدیگر را استخراج می‌کند. از آنجا که وقایع و تحولات در گذشته رخ داده‌اند، بر همین مبنا، این نوع تحقیقات را غیر آزمایشی (تجربی) یا پس از وقوع (پس رویدادی) می‌نامند.

گذار از نظریه‌های عمومی به نظریه‌های ساختاری در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب و تحولات اجتماعی، توجه به این نوع روش‌ها را دو چندان ساخته، و این روش بویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی، از اهمیت بارزی برخوردار است (با استفاده از: کوثری، ۱۳۸۶ و غفاری، ۱۳۸۸).

#### ۴. پیشینه تجربی و سابقه مطالعات

از روش تحلیل محتوا در بررسی بسیاری از موضوعات از جمله بررسی محتوای کتاب‌های درسی و کاربردهای دیگر بهره‌گیری شده است.

در مقاله آزاد ارمکی و منوری (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، طرح تحقیق تحلیل محتوا، در قالب هشت متغیر و مقولات متناسب با هر کدام از این متغیرها، از مطالعات پیشین استخراج شده و برای تحلیل محتوای نمونه‌های انتخابی از سیاست‌های فرهنگی ایران، استفاده شده است.

مصطفوی (۱۳۹۶) در مقاله "مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی، پنج برنامه توسعه ج.ا. ایران، مرور و با قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی با معیار ارزش‌های محوری و روح حاکم بر آموزه‌های اقتصادی اسلام با کلیدواژه‌های اصلی به صورت تحلیل محتوا مقایسه شده است.

در مقاله بیگدلی، پرویز صباحی و اعظمی (۱۳۹۳) درباره یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشورمان، نتیجه‌گیری شده که در برنامه‌های «تبلیغات تلویزیونی برای کاندیداهای ریاست جمهوری»، در ۸ زیرمقوله ذیل مقوله «حق اظهارنظر و پاسخگویی»، فقط در «سوالات، انتظارات، درخواست‌های مردم»، در ۷ زیرمقوله ذیل مقوله «حاکمیت قانون» فقط در زیرمقوله «نظارت» و در ذیل مقوله «مبارزه با فساد»، روحانی بیش از ۷ نامزد دیگر، آنها را به کار برده است.

در تحقیق پریسورک و پرو، کتاب‌های درسی تاریخ چند کشور غربی شامل آلمان، فرانسه، انگلستان، پرتغال، سوئیس و شوروی را تحلیل کردند و قوم‌گرایی این کتاب‌ها را در معرفی آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا آشکار نمودند (جعفری‌هرندی و همکاران، ۱۳۸۷).

در پژوهشی در جنگ جهانی دوم با روش تحلیل محتوا، انگلیسی‌ها با موفقیت پیش‌بینی کردند که آلمان نازی در موشک خاص «وی دو» هستند (کوی، ۱۳۸۴، به نقل از جعفری‌هرندی و همکاران، ۱۳۸۷).

## ۵. درباره قانون اساسی

### ۵-۱. قانون اساسی و ویژگی‌های آن

حدود و اختیار قوا و رابطه آنها با یکدیگر در قانون اساسی تعیین شده و قانونگذار عادی، حق نسخ و تجدید نظر در آن را ندارد. در موارد عادی نیز دولت تجدید نظر در قانون اساسی را به آسانی نمی‌تواند به انجام رساند، زیرا باید مجلس فوق‌العاده و یا مقننه عادی با تشریفات زیادتر این امر را به انجام رساند (ر. ک: عبدی، ۱۳۹۶).

در تعریفی دیگر، قانون اساسی، قانونی است که اصول و مقررات نظام حکومتی، چگونگی حکومت و حدود و اختیارات آن، اساس قوای اداره کننده کشور و حقوق و وظایف افراد را معین می‌سازد. قانون اساسی در حقیقت تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، مقننه و قضائیه چه اختیارات و مسئولیت‌هایی در برابر ملت دارند. علاوه بر این، قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. هیچ قانون و مقررات نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

قانون اساسی دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد (ر. ک: dedaban):

- ۱- موضوعات کلی را بیان می‌کند و می‌باید قوانین، مقررات، مصوبات ذیل آن تدوین و تصویب گردد و هیچیک از آنها نمی‌باید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد؛
- ۲- با مبانی اعتقادی یک جامعه همخوانی داشته باشد و قابلیت اجرا داشته باشد؛ در غیر این صورت، زمینه عملی پیدا نخواهد کرد؛
- ۳- مطابق اصول حقوقی شناخته شده و در راستای منافع ملی باشد؛
- ۴- مواد آن باید هماهنگ، روشن و به دور از هرگونه ابهام و قابلیت تفاسیر مختلف باشد.

### ۵-۲. قانون اساسی ج.ا.ایران و ویژگی‌های آن

دومین انتخابات، پس از تأسیس جمهوری اسلامی ایران مربوط به خبرگان قانون اساسی بود. پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل توسط خبرگان قانون اساسی مورد تصویب قرار گرفت و سپس در یک همه‌پرسی در ۱۲ آذر سال ۱۳۵۸ به تأیید مردم ایران رسید. در سال ۱۳۶۸ به دستور رهبر انقلاب آیت الله خمینی، قانون اساسی مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت (ر. ک: مدنی، ۱۳۸۸).

با وجود اینکه شکل و صورت قانون اساسی ما شبیه قوانین اساسی سایر کشورها است اما از لحاظ محتوا، برخی از اصول آن، متمایزکننده این قانون اساسی از قوانین اساسی کشورهای دیگر است. قانونگذار این سند محوری ملی، حاکمیت الهی را با حاکمیت مردمی ترکیب کرده و مردم‌سالاری دینی را ارائه داده است که یکی از ویژگی‌های مهم قانون اساسی کشور ما محسوب می‌شود. بر همین اساس برخی حقوقدانان، اصول مرتبط با این ویژگی را جوهره قانون اساسی می‌دانند.

با وجود برخی اصول متمایزکننده در قانون اساسی کشور ما، برخی اصول نیز بین قانون اساسی ما و قوانین اساسی سایر کشورها مشترک است. به عنوان مثال، اصل تفکیک قوا در قوانین اساسی کشورهای دیگر نیز وجود دارد که بر اساس این اصل، کشور ما دارای سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه است.

## ۶. پیش نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

کنفرانس های سالانه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حاصل حکمی است که از سوی رهبر ج.ا. ایران در سال ۱۳۹۰ صادر، و بر اساس آن، "مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" تأسیس و از آن تاریخ به بعد، تلاش های این مرکز برای تدوین "الگوی پایه پیشرفت" آغاز شد. وظیفه اولیه مرکز، تنها هدایت و راهبری تدوین الگو و نه تصدی گری و ورود مستقیم به عرصه نگارش الگو بود. بنابراین، مرکز بعد از تهیه پیش نویس اولیه الگوی پایه پیشرفت، کوشید با تشکیل همایش های سالانه، این پیش نویس ها را در معرض نقادی و تضارب آرا قرار دهد. تا کنون شش همایش ملی برای تحلیل و نقد پیش نویس سند برگزار و آخرین کنفرانس در اردیبهشت ۹۶ برپا شده است.

بر اساس اظهارات مسؤولان این کنفرانس، هدف اصلی آنان از این همایش ها، نقد، اصلاح و تکمیل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده تا در نهایت، سندی جامع بر اساس شرایط و نیازهای بومی کشور تهیه گردد. مقالات ارائه شده در آخرین کنفرانس در قالب ۵ زمینه اصلی ۱. مبانی، ۲. آرمانها ۳. رسالت ملت ایران و جمهوری اسلامی ۴. افق پنجاه ساله و ۵. تدابیر و راهبردها<sup>۱</sup> تنظیم شده و نویسندگان تلاش کرده اند تا نواقص و کاستی الگوی پیشنهادی را مطرح کرده و یک الگوی پیشرفت جامع را نهایی کنند. به هر حال، در شرایطی که کشورهای رقیب ایران در منطقه، اسناد چشم انداز بلند مدتی را برای خود تعریف نموده و در صدد دستیابی به رتبه های اول منطقه ای اند، از نظر تدوین کنندگان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، این الگو کمک می کند تا ج.ا. ایران نیز چشم انداز بلند مدت خود را - احیاناً بر اساس این الگو - تعریف نماید.

## ۷. اقتصاد اسلامی و شاخص های آن در ارتباط با موضوع مقاله

از اقتصاد اسلامی و شاخص های آن، تعاریف زیاد و بعضاً متباین با یکدیگر به دست داده شده است که موضوع بحث این مقاله نمی باشد<sup>۲</sup> و مبنای این مقاله، چارچوب موضوعی همایش<sup>۳</sup> و برخی از مهم ترین مفاهیم و شاخص های مشترک و مورد وفاق کلی اندیشمندان اقتصاد اسلامی است.

۱. در اسناد و اطلاع رسانی های کنفرانس، بخش های پنج گانه پیش نویس اولیه سند الگوی پایه پیشرفت شامل: مبانی خداشناختی، مبانی جهان شناختی، مبانی انسان شناختی، مبانی جامعه شناختی و مبانی ارزش شناختی، ذکر شده است.

۲. ر. ک: مقاله «آسیب شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی» ارائه شده در هشتمین نشست محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی، تبریز، اردیبهشت ماه ۱۳۸۸.

۳. دهمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی (اقتصاد اسلامی و چالش های اصلی اقتصاد ایران: توسعه، عدالت و اشتغال) در پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تاریخ برگزاری: ۲۲ آذر ماه ۱۳۹۶.

از نظر واژه‌های انتخابی، در این مقاله، محورهای همایش و ادبیات اقتصاد اسلامی به عنوان معیار در نظر گرفته شده است. کلید واژه‌هایی از زیرمجموعه محورهای همایش شامل واژه‌های: «توسعه»، «رشد»، «برنامه و برنامه‌ریزی»، «آموزش»، «بهداشت» و «مشارکت» از زیر محور «توسعه»، «فقر زدایی»، «رفاه»، «تأمین اجتماعی»، «حقوق (اقتصادی)»، «فساد»، «تبعیض» و «عدالت» از زیر محور «عدالت» و «بیکاری»، «نیروی کار»، «امنیت»، «ثبات»، «شایستگی»، «اشتغال» از زیر محور «اشتغال» استخراج شد. و همچنین واژه‌های مکمل و مرتبط با این کلید واژه‌ها، به علاوه واژه‌های پر کاربرد در کتاب‌های مرتبط که از آموزه‌های اقتصاد اسلامی اند، شامل واژه‌هایی مانند: «اقتصاد اسلامی»، «استقلال اقتصادی»، «اعتماد»، «سرمایه اجتماعی»، «همکاری»، «قانون»، «نظارت»، «شایستگی»، «مسئولیت»، «توانمندی»، «استثمار»، «انحصار»، «سوء استفاده دولتی»، «احتکار»، «ریا»، «اسراف»، «اضرار»، «تبدیر»، «تعرض به مال دیگران»، «مستضعفان»، «بیمه»، «محیط زیست»، «آلودگی (محیط زیست)» و «آرامش» نیز به آن اضافه شد.

## ۸. تحلیل محتوای پیش‌نویس سند الگو با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی

**تعداد واژه‌های قانون اساسی ج. ا. ایران و پیش‌نویس سند الگو:** ابتدا به منظور استانداردسازی، می‌باید تعداد واژه‌ها در اسناد مورد مطالعه: قانون اساسی ج. ا. ایران و پیش‌نویس پیشنهادی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (بخش‌های پنج‌گانه پیش‌نویس اولیه سند الگوی پایه پیشرفت شامل: مبانی خداشناختی، مبانی جهان‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی و مبانی ارزش‌شناختی) در نظر گرفته شود؛ زیرا در سندی که مجموع واژه‌ها از تعداد واژه‌های سند دیگر بیشتر باشد، علی‌القاعده به طور متوسط، کلید واژه‌های بیشتری به کار می‌رود و در نتیجه، تعداد واژه‌ها، می‌باید نسبت به کل واژه‌ها در سندها لحاظ گردد و به طور نسبی سنجیده شوند.

در این جهت، تعداد کلمات به کار گرفته شده در دو سند استخراج شدند که تعداد کلمات و پیش‌نویس سند الگو حدود ۳۶۷۰ کلمه و متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حدود ۱۲۰۸۰ کلمه می‌باشد و به این ترتیب، تعداد کلمات قانون اساسی ۳/۳ برابر پیش‌نویس سند الگو است که برای استاندارد سازی، می‌باید تعداد واژه‌های کلیدی مورد بحث در این مقاله را برای مقایسه با تعداد واژه‌ها در قانون اساسی در ۳/۳ ضرب نمود و در تحلیل محتوا در این مقاله، این نسبت می‌باید رعایت گردد.

**۸-۱. تعداد واژه‌های اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی، برنامه و برنامه‌ریزی، رشد و توسعه در دو سند** تعداد واژه‌های اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی، برنامه و برنامه‌ریزی، رشد و توسعه در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۱ مشاهده می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، مجموع تعداد این واژه‌ها در قانون اساسی نزدیک به دو برابر سند پیشنهادی الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی است؛ به این معنا، حساسیتی که نسبت به این دو مجموعه واژه وجود داشته، در سند الگو بسیار کمتر از قانون اساسی

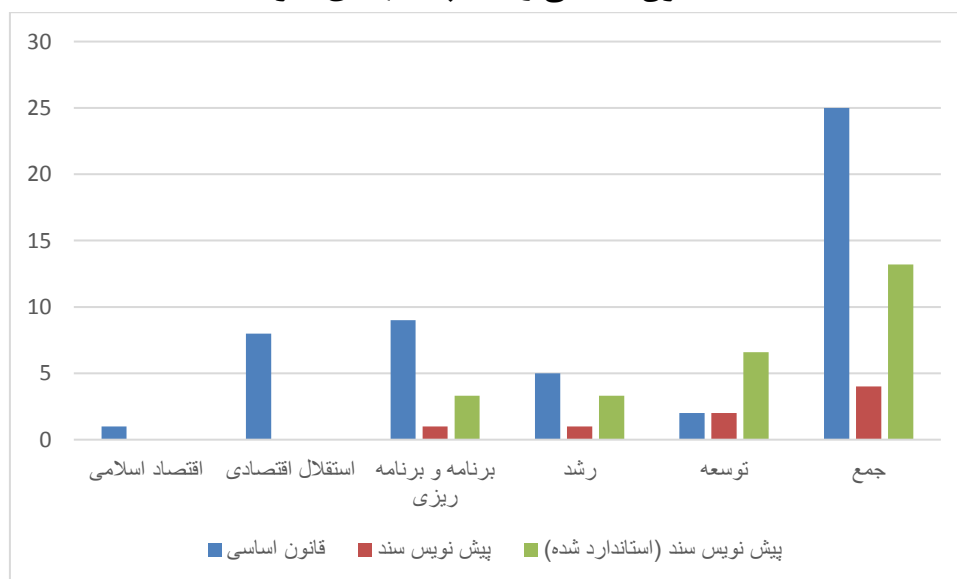
بوده است. در این میان، واژه های اقتصاد اسلامی و استقلال اقتصادی در سند پیشنهادی الگو اصلاً نیامده و در قانون اساسی به ترتیب، فقط یک و ۸ بار ذکر شده، و به برنامه و برنامه ریزی هم در سند نسبت به قانون اساسی کم توجهی شده است.

جدول ۱. تعداد واژه های اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی، برنامه و برنامه ریزی، رشد و توسعه در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
اقتصاد اسلامی	۱	۰	۰	۰
استقلال اقتصادی	۸	۰	۰	۰
برنامه و برنامه ریزی	۹	۱	۳,۳	۳,۳
رشد	۵	۱	۳,۳	۳,۳
توسعه	۲	۲	۶,۶	۶,۶
جمع	۲۵	۴	۱۳,۲	۱۳,۲

مأخذ: یافته های مطالعه

نمودار ۱. تعداد واژه های اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی، برنامه و برنامه ریزی، رشد و توسعه در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



## ۲-۸. واژه های مرتبط با حقوق، عدالت، قسط، تبعیض و فقر

تعداد واژه های مرتبط با حقوق، عدالت، قسط، تبعیض و فقر در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۲ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی، نشان می دهد حساسیتی که نسبت به این دو مجموعه واژه وجود داشته، در سند الگو تا حدودی بیشتر بوده؛ اگرچه به واژه های مرتبط با حقوق (انسانی، فردی، اقتصادی و ...) در سند پیشنهادی الگو نسبت به قانون اساسی کم توجهی شده است.

## جدول ۲. تعداد واژه های مرتبط با حقوق، عدالت، قسط، تبعیض و فقر در قانون اساسی و سند

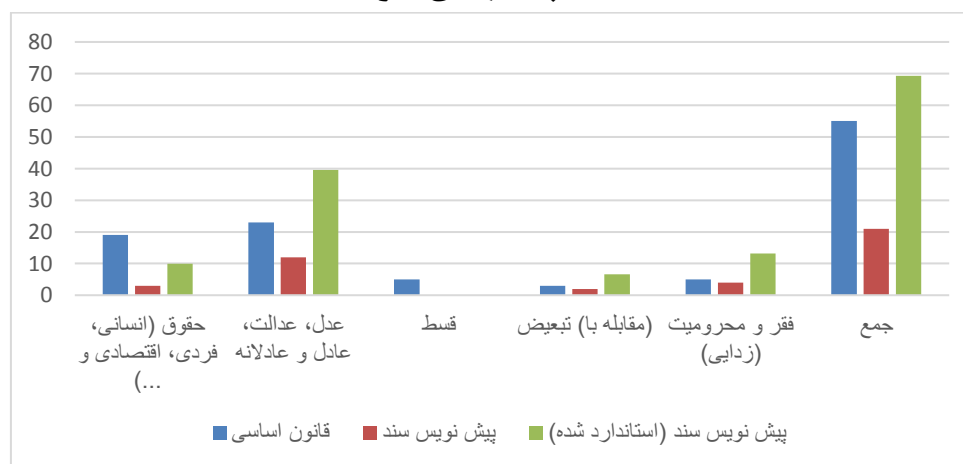
## پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
حقوق (انسانی، فردی، اقتصادی و ...)	۱۹	۳	۹,۹	۳۹,۶
عدل، عدالت، عادل و عادلانه	۲۳	۰	۰	۶,۶
قسط	۵	۲	۱۳,۲	۶۹,۳
(مقابله با) تبعیض	۳	۴	۰	۰
فقر و محرومیت (زدایی)	۵	۲۱	۰	۰
جمع	۵۵	۲۱	۱۳,۲	۶۹,۳

مأخذ: یافته های مطالعه

## نمودار ۲. تعداد واژه های مرتبط با حقوق، عدالت، قسط، تبعیض و فقر در قانون اساسی و

## سند پیشنهادی الگو



### ۳-۸. واژه های مرتبط با اعتماد، سرمایه اجتماعی، همکاری و مشارکت

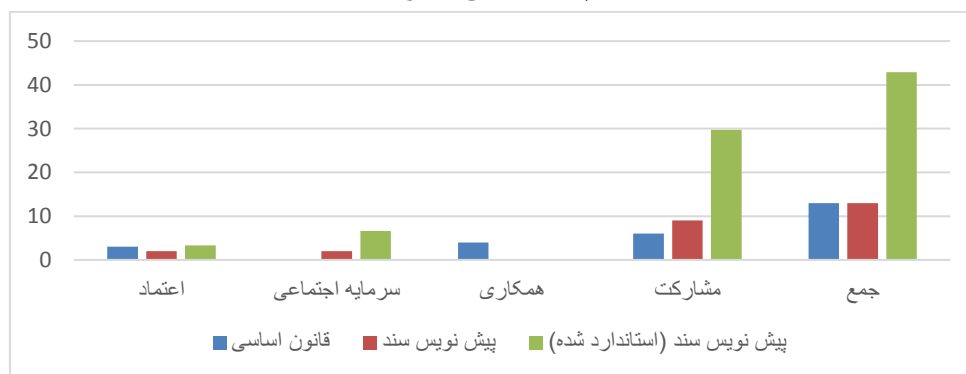
تعداد واژه های مرتبط با اعتماد، سرمایه اجتماعی، همکاری و مشارکت در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۳ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در سند پیشنهادی الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی، بیش از ۳ برابر قانون اساسی می باشد و به این معناست که حساسیتی که نسبت به این واژه ها وجود داشته، در سند الگو بسیار بیشتر است. در این میان واژه سرمایه اجتماعی در قانون اساسی اصلاً به کار نرفته و شاید به این دلیل بوده که در زمان تدوین قانون اساسی این واژه مصطلح نبوده است.

### جدول ۳. تعداد واژه های اعتماد، سرمایه اجتماعی، همکاری و مشارکت در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
اعتماد	۳	۰	۲	۳,۳
سرمایه اجتماعی	۰	۰	۰	۶,۶
همکاری	۴	۰	۰	۰
مشارکت	۶	۰	۹	۲۹,۷
جمع	۱۳	۰	۱۳	۴۲,۹

مأخذ: یافته های مطالعه

### نمودار ۳. تعداد واژه های اعتماد، سرمایه اجتماعی، همکاری و مشارکت در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



### ۴-۸. واژه های مرتبط با قانون، نظارت، شایستگی و مسؤولیت

تعداد واژه های مرتبط با قانون، نظارت، شایستگی و مسؤولیت در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۴ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در سند الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی، کمتر از قانون اساسی می باشد و به این معناست که حساسیتی که نسبت به این



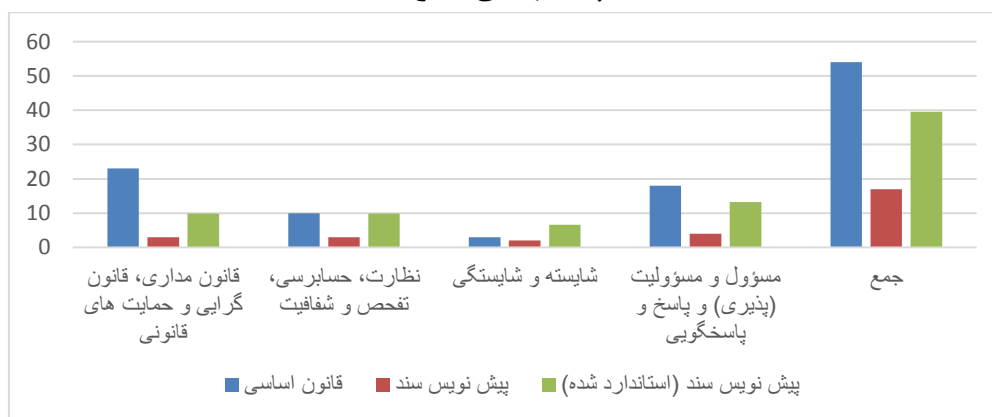
دو مجموعه واژه وجود داشته، در سند الگو کمتر، و در این میان تعداد واژه های مرتبط با قانون (قانون مداری، قانون گرایي و حمايت های قانونی) و مسؤولیت (مسؤول و مسؤولیت (پذیري) و پاسخ و پاسخگویی) در سند الگو نسبت به قانون اساسی نیز به طور معنی داری کمتر است.

#### جدول ۴. تعداد واژه های مرتبط با قانون، نظارت، شایستگی و مسؤولیت در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
قانون مداری، قانون گرایي و حمايت های قانونی	۲۳	۳	۹,۹	۹,۹
نظارت، حسابرسی، تفحص و شفافیت	۱۰	۳	۹,۹	۹,۹
شایسته و شایستگی	۳	۲	۶,۶	۶,۶
مسؤول و مسؤولیت (پذیري) و پاسخ و پاسخگویی	۱۸	۴	۱۳,۲	۱۳,۲
جمع	۵۴	۱۷	۳۹,۶	۳۹,۶

مأخذ: یافته های مطالعه

#### نمودار ۴. تعداد واژه های مرتبط با قانون، نظارت، شایستگی و مسؤولیت در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



#### ۵-۸. واژه‌های مرتبط با استثمار، انحصار، فساد، و سوء استفاده دولتی

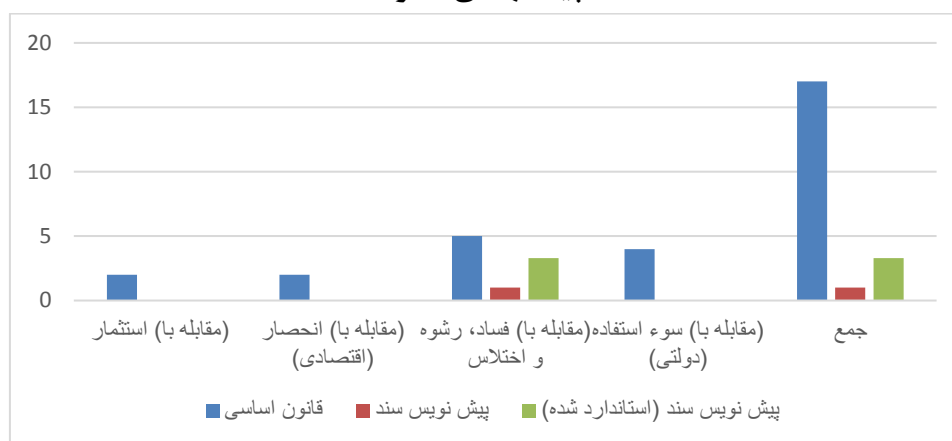
تعداد واژه های مرتبط با استثمار، انحصار، فساد، و سوء استفاده دولتی در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۵ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در قانون اساسی بیش از ۵ برابر سند الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی می باشد و به این معناست که حساسیتی که نسبت به این دو مجموعه واژه وجود داشته، در سند الگو بسیار کمتر است. در این میان واژه فساد در سند الگو فقط یک بار به کار رفته و واژه های دیگر در سند اصلاً مشاهده نمی شود.

### جدول ۵. تعداد واژه های مرتبط با استثمار، انحصار، فساد، و سوء استفاده در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
(مقابله با) استثمار	۰	۲	۰	۰
(مقابله با) انحصار (اقتصادی)	۰	۲	۰	۰
(مقابله با) فساد، رشوه و اختلاس	۱	۵	۱	۳,۳
(مقابله با) سوء استفاده (دولتی)	۰	۴	۰	۰
جمع	۱	۱۷	۱	۳,۳

مأخذ: یافته های مطالعه

### نمودار ۵. تعداد واژه های مرتبط با استثمار، انحصار، فساد، و سوء استفاده در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



### ۶-۸. واژه های مرتبط با احتکار، ربا، اسراف و اضرار، تبذیر و تعرض به مال دیگران

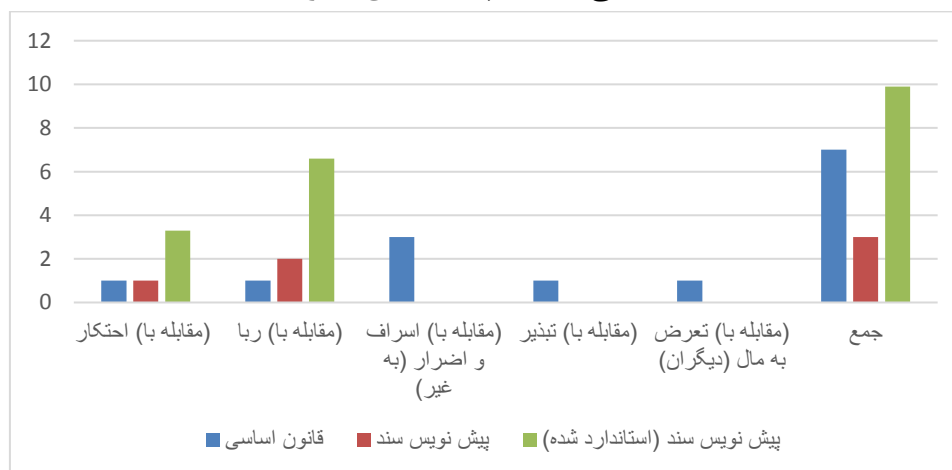
تعداد واژه های مرتبط با احتکار، ربا، اسراف و اضرار، تبذیر و تعرض به مال دیگران در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۶ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در دو سند اختلاف زیادی با یکدیگر ندارند؛ اما واژه های (مقابله با) اسراف و اضرار (به غیر)، (مقابله با) تبذیر و (مقابله با) تعرض به مال (دیگران) در سند پیشنهادی الگو اصلاً مشاهده نمی شود.

### جدول ۶. تعداد واژه های مرتبط با احتکار، ربا، اسراف و اضرار، تبذیر و تعرض به مال در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
(مقابله با) احتکار	۱	۱	۱	۳,۳
(مقابله با) ربا	۱	۱	۲	۶,۶
(مقابله با) اسراف و اضرار (به غیر)	۳	۳	۰	۰
(مقابله با) تبذیر	۱	۱	۰	۰
(مقابله با) تعرض به مال (دیگران)	۱	۱	۰	۰
جمع	۷	۷	۳	۹,۹

مأخذ: یافته های مطالعه

### نمودار ۶. تعداد واژه های مرتبط با احتکار، ربا، اسراف و اضرار، تبذیر و تعرض به مال در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



### ۷-۸. واژه های مرتبط با سلامت، تعلیم و تربیت، تکافل عمومی و آبادانی

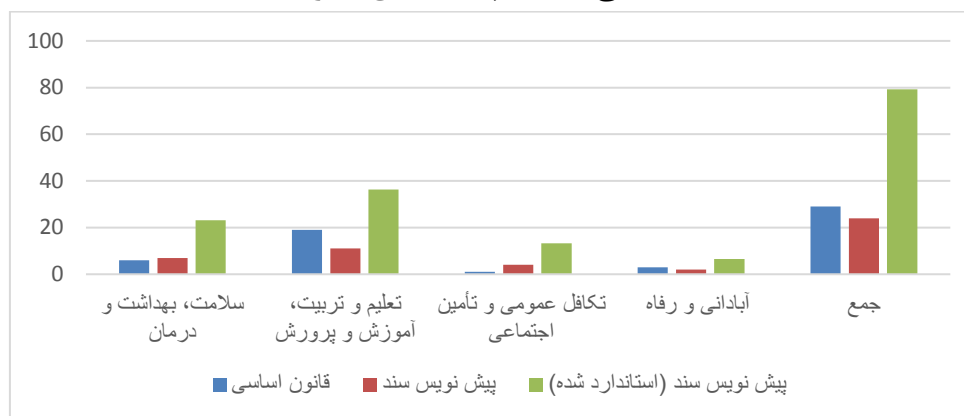
تعداد واژه های مرتبط با سلامت، تعلیم و تربیت، تکافل عمومی و آبادانی در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۷ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در سند پیشنهادی الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی، بیش از  $\frac{2}{5}$  برابر قانون اساسی می باشد و به طور نسبی در سند الگو به این موارد توجه شده است.

## جدول ۷. تعداد واژه های مرتبط با سلامت، تعلیم و تربیت، تکافل عمومی و آبادانی در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
سلامت، بهداشت و درمان	۶	۷	۲۳,۱	۳۶,۳
تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش	۱۹	۴	۱۳,۲	۶,۶
تکافل عمومی و تأمین اجتماعی	۳	۲	۷۹,۲	۲۴
آبادانی و رفاه	۲۹	۲۴	۲۹	۲۴
جمع				

مأخذ: یافته های مطالعه

## نمودار ۷. تعداد واژه های مرتبط با سلامت، تعلیم و تربیت، تکافل عمومی و آبادانی در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



## ۸-۸. واژه های مرتبط با اشتغال، بیکاری، نیروی کار، مستضعفان و بیمه

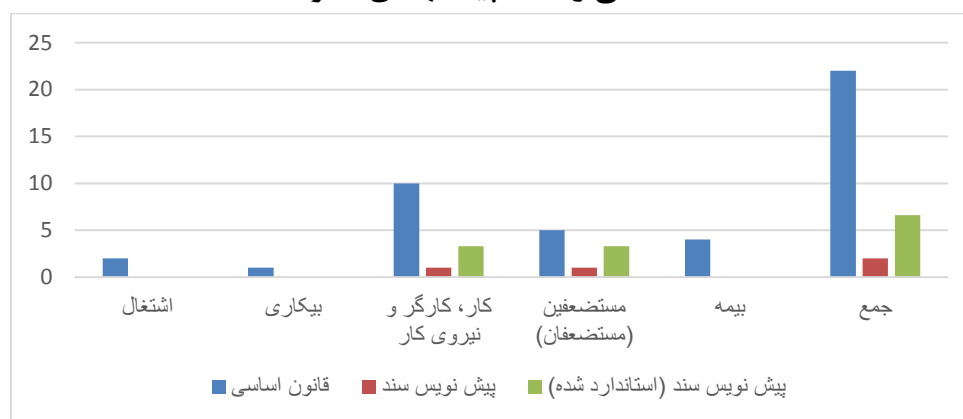
تعداد واژه های مرتبط با اشتغال، بیکاری، نیروی کار، مستضعفان و بیمه در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۸ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در قانون اساسی بیش از ۳ برابر سند الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی می باشد و به این معناست که حساسیتی که نسبت به این دو مجموعه واژه وجود داشته، در سند الگو بسیار کمتر است. در این میان واژه اشتغال، بیکاری و بیمه در سند الگو اصلاً مشاهده نمی شود.

### جدول ۸. تعداد واژه های مرتبط با اشتغال، بیکاری، نیروی کار، مستضعفان و بیمه در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
اشتغال	۲	۰	۰	۰
بیکاری	۱	۰	۰	۰
کار، کارگر و نیروی کار	۱۰	۱	۳,۳	۳,۳
مستضعفان (مستضعفین)	۵	۱	۳,۳	۳,۳
بیمه	۴	۰	۰	۰
جمع	۲۲	۲	۶,۶	۶,۶

مأخذ: یافته های مطالعه

### نمودار ۸. تعداد واژه های مرتبط با بهداشت، آموزش، پرورش، تأمین اجتماعی و رفاه در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



### ۸-۹. واژه های مرتبط با محیط زیست، آلودگی، امنیت، ثبات و آرامش

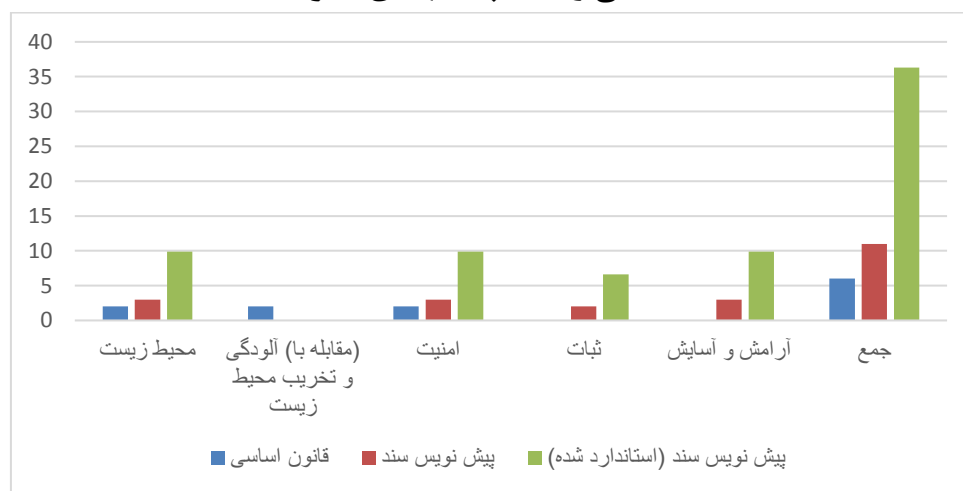
تعداد واژه های مرتبط با محیط زیست، آلودگی، امنیت، ثبات و آرامش در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو، در جدول ۹ مشاهده می شود. همان گونه که ملاحظه می گردد، مجموع تعداد این واژه ها در سند پیشنهادی الگو پس از تعدیل و استاندارد سازی بیش از ۶ برابر قانون اساسی می باشد و به این معناست که حساسیتی که نسبت به این دو مجموعه واژه وجود داشته، در سند پیشنهادی الگو، بسی بیشتر بوده است. در این میان، واژه (مقابله با) آلودگی و تخریب محیط زیست در قانون اساسی ۲ بار به کار رفته و در سند پیشنهادی الگو، مشاهده نمی شود.

## جدول ۹. تعداد واژه های مرتبط با محیط زیست، آلودگی، امنیت، ثبات و آرامش در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو

واژه	سند	قانون اساسی	پیش نویس سند	پیش نویس سند (استاندارد شده)
محیط زیست	۲	۲	۳	۹,۹
(مقابله با) آلودگی و تخریب محیط زیست	۲	۲	۰	۰
امنیت	۰	۲	۳	۹,۹
ثبات	۰	۰	۲	۶,۶
آرامش و آسایش	۰	۰	۳	۹,۹
جمع	۶	۶	۱۱	۳۶,۳

مأخذ: یافته های مطالعه

## نمودار ۹. تعداد واژه های مرتبط با محیط زیست، آلودگی، امنیت، ثبات و آسایش در قانون اساسی و سند پیشنهادی الگو



### ۹. جمع بندی و نتیجه گیری

استفاده از واژه های اقتصاد اسلامی در اسناد، لزوماً اجرای آنها را به سمت اسلامی تر شدن نمی برد و فراوانی واژه ها، هیچ تضمینی برای اجرا ندارد و وجود آنها در اسناد: رفاً قدم اول است و برای تحقق آنها تمهیدات دیگری می باید که بحث آن در این مقال نمی گنجد.

به هر حال، در سند پیشنهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به طور نسبی<sup>۱</sup>، به عدالت و محرومیت (زدایی)، سرمایه اجتماعی- که در قانون اساسی اصلاً به کار نرفته<sup>۲</sup>- مشارکت، (مقابله با) ربا، سلامت، تعلیم و تربیت، تأمین اجتماعی و تکافل عمومی، محیط زیست، امنیت، ثبات و آرامش توجه شایانی شده است.

۱. نسبت به قانون اساسی

۲. همان گونه که در متن مقاله اشاره شد، شاید به این دلیل که در زمان تدوین قانون اساسی این واژه مصطلح نبوده است.

در این میان، واژه های اقتصاد اسلامی و استقلال اقتصادی در سند پیشنهادی الگو اصلاً به کار نرفته و در قانون اساسی، واژه اقتصاد اسلامی فقط یک بار و واژه استقلال اقتصادی ۸ بار ذکر شده، و به برنامه و برنامه‌ریزی هم در سند نسبت به قانون اساسی کم توجهی شده است.

همچنین به واژه های مرتبط با حقوق (انسانی، فردی، اقتصادی و ...)، قانون (قانون مداری، قانون گرایي و حمایت های قانونی) و مسؤولیت (مسؤول و مسؤولیت (پذیری) و پاسخ و پاسخگویی) در سند پیشنهادی الگو نسبت به قانون اساسی کم توجهی شده است.

واژه فساد، در سند الگو فقط یک بار به کار رفته و واژه های رشوه، اختلاس، استثمار، انحصار، و سوء استفاده دولتی، همچنین واژه های (مقابله با) اسراف و اضرار (به غیر)، (مقابله با) تبذیر، (مقابله با) تعرض به مال (دیگران)، اشتغال، بیکاری، بیمه، (مقابله با) آلودگی و تخریب محیط زیست در سند پیشنهادی الگو اصلاً مشاهده نمی شود؛ در حالی که این واژه ها در مجموع ۳۱ بار در قانون اساسی به کار رفته است.

واژه اشتغال نیز در سند پیشنهادی الگو به کار نرفته است. اما با نظر به اینکه اشتغال یکی از معضلات تمام سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده که اکثر قریب به اتفاق این سالها، کشورمان با نرخ بیکاری دو رقمی مواجه بوده، در سند به اشتغال بی توجهی شده است و می دانیم که افراد بیکار هیچگونه الگویی را بر نمی تابند.

در مجموع، می توان نتیجه گیری کرد که با توجه به نقض حقوق دیگران، قانون شکنی، بی مسؤولیتی و عدم پاسخگویی<sup>۱</sup>، فساد گسترده و سیستماتیک شامل رشوه، اختلاس، انحصار در اعطای مجوزها، پیمانکاری ها و ... اسراف و تبذیر در مصارف کالاهای کمیاب (مانند آب)، تعرض به مال (دیگران)، بیکاری بالا، آلودگی و تخریب محیط زیست<sup>۲</sup> در کشورمان، تدوین کنندگان سند پیشنهادی الگو در این موارد، بی توجهی و کم کاری کرده اند.

## ۱۰. پیشنهادات

با توجه به معضلات پیچیده کشور که رفته رفته بغرنج تر می شود، و با مفاهیم و واژه های طرح شده در این مقاله نیز ارتباط دارد، و نظر به اولویت های مبرم کشور، پیشنهادات برای تدوین سند نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به صورت زیر تقسیم بندی و عرضه می گردد:

پیشنهاد می شود موارد زیر و شدت اهمیت توجه به واژه ها و مفاهیم مرتبط با آنها، مدنظر قرار گیرد:

۱. برای نمونه درباره رییس جمهور سابق کشور و عضو فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خبرها و گزارش های رسمی و عمومی می خوانیم: دادستان دیوان محاسبات، اطلاعات تکانه دهنده ای از ۷ پرونده تخلف کلان احمدی نژاد را اعلام کرد (۸ مرداد ماه ۱۳۹۶: [khabaronline.ir](http://khabaronline.ir))؛ همچنین عضو کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت: «حکم دیوان محاسبات در خصوص پرونده ۴۶ هزار میلیارد ریالی احمدی نژاد قطعی است» (۲۸ مهرماه ۱۳۹۶: [tejaratemrouz.ir](http://tejaratemrouz.ir)).

۲. پرونده های بسیار انبوه قضایی که در محاکم تشکیل می شود و تفکیک موضوعی آنها، گواه ناهنجاری های فوق می باشد؛ به طوری که رییس قوه قضاییه چندی پیش اعلام کرده است: «دادگستری جمهوری اسلامی در سال ۹۵ به ۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار پرونده رسیدگی کرده است که این میزان بسیار فراتر از استانداردهای بین المللی است.» (۲۶ تیرماه ۱۳۹۶: [mehrnews.com](http://mehrnews.com)).

به مفاهیم مرتبط با رعایت حقوق انسانی، فردی، اقتصادی و ...، مسؤولیت پذیری و پاسخگویی، مقابله با قانون شکنی، فساد، رشوه، اختلاس، انحصار، سوء استفاده دولتی، بیکاری، آلودگی و تخریب محیط زیست، اضرار (به غیر)، (مقابله با) تعرض به مال (دیگران)، توجه بسیار اکید ضرورت دارد؛  
به مفاهیم و واژه های مرتبط با (مقابله با) اسراف و (مقابله با) تبذیر و بیمه همگانی نیز توجه اکید معطوف گردد؛

همچنین به مفاهیم و واژه اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی، برنامه و برنامه ریزی توجه شود.

دو توصیه خارج از چارچوب مقاله ولی مرتبط:

- «تحلیل گفتمان» نیز درباره پیش نویس سند الگو و حتی درباره قانون اساسی به انجام برسد تا معانی مستتر که ممکن است در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی در این اسناد موجود باشد، شفاف شود.
- با توجه به اینکه کشور با مشکلات اساسی و حیاتی مواجه است که برخی از آنها به معنای دقیق کلمه در آستانه بحران قرار دارند، مناسب تر است منابع پژوهشی اعم از فیزیکی، مالی و بویژه انسانی، به جای پرداختن به تدوین پر هزینه الگوهایی از این دست، تا دیر نشده است، به حل مسائل اصلی با استفاده از صاحب نظران، متخصصان و کارشناسان تخصیص یابد<sup>۱</sup>.

---

۱. توضیح و دلایل آن را در مقاله «آیا تدوین الگو در شرایط فعلی کشور، از اولویت یک برخوردار است؟» که در ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عرضه شد، آورده ام (مصطفوی، ۱۳۹۶).



## منابع و مأخذ

- ارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۵) اصول برنامه‌ریزی درسی: ماهیت برنامه‌ریزی درسی - مبانی فلسفی، روانشناختی و جامعه‌شناختی برنامه، ارزشیابی برنامه، تحلیل محتوا؛ تهران: موسسه انتشارات یادواره کتاب.
- آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری (۱۳۹۱) تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه؛ راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال اول، شماره ۳، تابستان. اطلاعات تکان‌دهنده دادستان دیوان محاسبات از ۷ پرونده تخلف کلان احمدی‌نژاد (۸ مرداد ماه ۱۳۹۶): <http://www.khabaronline.ir/detail/691919/Politics/government>
- بلیک، رید و ادوین هارولدس (۱۳۷۸) طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات؛ ترجمه مسعود اوحدی؛ تهران: انتشارات سروش.
- بیگدلی، ایمان‌اله؛ پرویز صباحی و سعید اعظمی (۱۳۹۳) تحلیل شناختی اجتماعی پیام‌های تبلیغاتی انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری ایران با توجه به مدل حکمرانی خوب؛ دوفصلنامه شناخت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان.
- جعفری هرنندی، رضا؛ نصر، احمدرضا و میرشاه جعفری، سیدابراهیم (۱۳۸۷) تحلیل محتوا روشی پرکار در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تأکید بر تحلیل محتوای کتابهای درسی؛ فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی حوزه و دانشگاه، ش ۵۵، تابستان: ص. ۵۶.
- حکم دیوان محاسبات در خصوص پرونده ۴۶ هزار و ۱۰ میلیارد ریالی احمدی‌نژاد قطعی است؛ عضو کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت (۲۸ مهر ماه ۱۳۹۶): <http://tejaratemrouz.ir/fa/news/25475>
- تعداد پرونده‌های قضایی در کشور بسیار فراتر از استانداردها است؛ اظهارات رئیس قوه قضائیه در جلسه مسئولان عالی قضایی، ۲۶ تیر ۱۳۹۶: <http://www.mehrnews.com/news/4033664>
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶) پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)؛ دانشگاه امام صادق (ع).
- صفوی، کورش (۱۳۸۲) معنی‌شناسی کاربردی؛ تهران: انتشارات همشهری.
- ضیغمی، رضا؛ معصومه باقری نسامی؛ سیده فاطمه حقدوست اسکوئی و منصوره یادآور نیکروش (۱۳۸۷) تحلیل محتوا؛ فصلنامه پرستاری ایران، جلد ۲۱، شماره ۵۳، بهار.
- عبدی، علی (۱۳۹۶) تعریف قانون اساسی؛ تاریخ مراجعه شهریور ۱۳۹۶: <http://abdilawyer.com/constitutional-law>
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸) منطق پژوهش تطبیقی؛ فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران: دوره ۳، ش. ۴ (زمستان): ۹۲-۷۶.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۶) تحلیل مقایسه‌ای کیفی در علوم اجتماعی؛ فصلنامه نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره پیاپی (پاییز) ۳۱: ۱۶۷-۱۴۳.

مدنی، جلال الدین (۱۳۸۸) مروری بر شکل گیری قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران؛ فصلنامه زمانه، شماره ۱۶.

مصطفوی، سیدمحمدحسن (۱۳۸۸) آسیب شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی؛ هشتمین نشست محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی، تبریز، اردیبهشت.

مصطفوی، سیدمحمدحسن (۱۳۹۵) مرور برنامه های توسعه با معیار برخی شاخص های مرتبط با اقتصاد اسلامی (به روش تحلیل محتوا)؛ فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۵، تابستان.

مصطفوی، سیدمحمدحسن (۱۳۹۶) آیا تدوین الگو در شرایط فعلی کشور، از اولویت یک برخوردار است؟؛ ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ماه، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

Berelson, B. (1952) Content analysis in communications research; Illinois: Free Press.  
Downloadable fulltext <http://www.mpi.nl/publications/escidoc-2281462>

Hsieh H. F. & Shannon S. (2005) Three approaches to qualitative content analysis; *Qualitative Health Research* 15: 1277-88.

Peters, Marie (1971) The 'Monitor' on the Constitution, 1755-65: New Light on the Ideological Origins of English Radicalism; *The English Historical Review*, Vol. 86, No. 341: 706-27: <http://dedaban.blogfa.com/post/8>

Stivers, T. (2015) Coding social interaction: A heretical approach in conversation analysis?; *Research on Language and Social Interaction*, 48(1): 1-19.

Vaismoradi, M.; Turunen, H., & Bondas, T. (2013) Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study; *Nursing & health sciences*, 15(3): 398-405.

<http://www.yjc.ir/fa/5064326>

## عدالت و جایگاه آن در ایران

دکتر حسین صادقی<sup>۱</sup>

### چکیده

عدالت از مفاهیم کلیدی و اساسی در علوم اجتماعی است که اندیشمندان زیادی در خصوص آن به ارائه نظر و دیدگاه پرداخته‌اند. هدف مقاله حاضر آن است که با بررسی مفهوم عدالت و گستره آن، ضمن نقد دیدگاه کلاسیک و مدرن در خصوص عدالت، به ارائه یک دیدگاه تلفیقی در زمینه عدالت در جامعه بشری بپردازد. بر مبنای این دیدگاه تلفیقی که می‌توان آن را عدالت فراگیر نامید، دیدگاه کلاسیک با مفروض پنداشتن نظم یگانه برای جوامع بشری و دیدگاه مدرن با نگاه یک بعدی و ایدئولوژیک به مقوله عدالت، دارای ضعف‌های عمده در ارائه یک تعریف جامع و عملیاتی از عدالت برای جوامع بشری می‌باشند. بر این اساس نیاز به یک رویکرد و نگاه تلفیقی به عدالت ضروری است. این دیدگاه تلفیقی از عدالت معتقد است که در جهان امروزی برای اعمال عدالت به معنی واقعی آن در جامعه انسانی، باید از هر دو کلیدواژه دیدگاه چپ و راست یعنی فرصت برابر و توزیع برابر استفاده کرد. بر این اساس بر مبنای یافته‌های این مقاله عدالت واقعی را می‌توان فرصت‌های برابر با تأکید بر توزیع مجدد در چارچوب ترتیبات نهادی و نظم غیر یگانه و غیر منحصر به فرد جامعه انسانی تعریف کرد.

**واژگان کلیدی:** عدالت فراگیر، برابری فرصت، برابری توزیع، آرمان شهر

## ۱- مقدمه

عدل مصدر یا اسم جمع است و مذکر، مونث، مفرد و جمع آن یکسان می‌باشد (موسوی، ۱۳۸۰: ۲۱). عدالت را نیز می‌توان «وجود امکانات مساوی برای همه، نیل به استحقاق‌ها و قرار گرفتن هرچیز در جایگاه مناسب و شایسته آن» تعریف کرد (عیوضلو، ۱۳۷۹: ۴۶-۴۴). از نظر جایگاه علمی نیز عدالت یک مبحث پایه‌ای و بین رشته‌ای در علوم انسانی است و آن را می‌توان محور همه مکاتب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دانست. در ادبیات کلاسیک علوم سیاسی بحث عدالت یکی از مباحث پایه‌ای و اساسی است و ذهن اندیشمندان این رشته را از دیرباز به خود مشغول داشته است. جایگاه عدالت در مباحث اقتصاد هم بسیار برجسته است و اندیشمندان اقتصادی نیز از زاویه دید خود به تفکر در این مفهوم پرداخته‌اند. بر این اساس می‌توان گفت عدالت و جایگاه آن در جامعه بشری قدمتی چند هزارساله دارد و آن را می‌توان فصل مشترک همه مکاتب و ادیان اعم زمینی و آسمانی دانست. در اسلام و بالاخص تفکر شیعی نیز عدالت به عنوان یک اصل اولیه جایگاه والایی دارد؛ تا جایی که این اصل در کنار چهار اصل دیگر، اصول دین را تشکیل می‌دهند. با توجه به این توضیحات می‌توان چنین گفت که عدالت گمشده همه انسان‌ها است و همه انسان‌ها در طول تاریخ دنبال آن بوده و هستند و این داستان هرگز به پایان نمی‌رسد چرا که پاسخ به این سؤال که عدالت خوب است یا بد است، از قبل مشخص است و همه می‌گویند عدالت خوب است، لکن بلافاصله اگر از افراد سؤال کنیم که عدالت چیست، به طرز حیرت‌آوری با جواب‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم که هریک با دیگری تفاوت‌ها و افتراقات اساسی دارد. این موضوع سبب گردیده است که حول محور عدالت دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی در طول تاریخ شکل بگیرد که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد. بر این اساس در این مقاله ابتدا به چیستی عدالت و تعریف آن از دیدگاه کلاسیک و مدرن پرداخته خواهد شد و سپس به گستره عدالت و مؤلفه‌های نه‌گانه آن پرداخته خواهد شد و در پایان با نقد دو دیدگاه کلاسیک و مدرن، دیدگاه تلفیقی از عدالت تحت عنوان عدالت فراگیر ارائه خواهد شد.

شکل ۱. عدالت و مکاتب



## ۲- مطالعات انجام شده در مورد عدالت

شاید افلاطون را بتوان یکی از قدیمی‌ترین اندیشمندانی دانست که در خصوص عدالت به ارائه دیدگاه خود پرداخته است. بنا بر اندیشه افلاطون جامعه خوب جامعه‌ای است که دارای چهار خصلت دانایی، شجاعت، خویشتن‌داری و عدالت باشد (افلاطون، ۱۳۶۷: ۱۰۱۰). از نظر وی در چنین جامعه‌ای عدالت آن است که هرکس باید تنها به یک کار مشغول باشد و آن کاری است که با طبیعت و استعدادش سازگار است. بر این اساس عدالت این است که هرکس کار خود را انجام دهد و به کار دیگران دخالت نکند (افلاطون، ۱۳۶۷: ۱۰۱۸). با توجه به این تعریف از عدالت، افلاطون معتقد است که ظلم نقطه مقابل و عکس عدالت است. یعنی این که هریک از طبقات سه‌گانه پیشه‌وران و سپاهیان و پاسداران تنها به انجام وظیفه خود اکتفا کند، عدل است، و جامعه‌ای که چنین وضعی در آن حکمفرما باشد جامعه‌ای است عادل (افلاطون، ۱۳۶۷: ۱۰۲۰). در واقع افلاطون با تأکید بر دو عنصر نابرابری طبیعی در بین افراد یک جامعه و لزوم تقسیم کار متناسب با استعداد افراد در یک جامعه، تعریف خود از عدالت را ارائه می‌دهد. ارسطو دیگر اندیشمند کلاسیکی است که در خصوص عدالت صاحب دیدگاه می‌باشد. وی با تقسیم عدالت به دو نوع توزیعی و تصحیحی معتقد است که عدالت حد وسط است میان ارتکاب ظلم و تحمل ظلم، زیرا یکی تجاوز از اندازه درست است و دیگری مجبور شدن به قبول کم‌تر از اندازه درست. عدالت حد وسط است ولی نه آن‌گونه که دیگر فضایل حد وسط‌اند بلکه عدالت حد وسط را معین می‌کند در حالی که ظلم مایه افراط و تفریط است

(ارسطو، ۱۳۷۸: ۱۸۳). در روم باستان نیز سیسرون از جمله افرادی است که در خصوص عدالت دارای دیدگاه می‌باشد. وی با ایجاد تقابل میان خردمندی و عدالت، معتقد است که «عدالت به ما فرمان می‌دهد که تمامی انسان‌ها را از مشکلات نجات دهیم، اینکه منافع تمامی نسل بشر را در نظر داشته باشیم، اینکه به هرکس آنچه شایسته آن است، بدهیم، و به اموال عمومی و مقدس نزدیک نشویم، یا آنچه به سایرین تعلق دارد» (حاجی حیدر، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۴). مضافاً اینکه سیسرون معتقد است که: «آنهایی که در قانون سهم هستند در عدالت نیز باید سهم باشند و آنهایی که از این چیزها به یکسان بهره می‌برند باید به شکل اعضای جامعه‌ای مشترک‌المنافع نگریسته شوند» (فاستر، ۱۳۶۱: ۳۸۳). علاوه بر اندیشمندان روم باستان، در اندیشه مسیحیت نیز عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد. سن توماس اکویناس یکی از اندیشمندان دوره قرون وسطی است که صاحب‌نظران اروپایی او را به اتفاق بزرگترین فیلسوف مسیحیت می‌دانند (عنایت، ۱۳۴۹: ۱۱۲). اکویناس دولت را مانند جامعه امری طبیعی می‌دانست. دولت کارگزار فضیلت اخلاقی به مفهوم ارسطویی است؛ و خیر و خوبی گوهر بنیادین عقل عملی محسوب می‌شود. رگه‌های واقع بینی و فایده‌گرایی در کشف مفهوم عدالت در اندیشه اکویناس مشاهده می‌شود؛ چرا که به اعتقاد او مهم نیست چقدر قانون خوب است، بلکه مهم آن است که چه مقدار شانس اجرا دارد. بهترین نوع حکومت را خدا مشخص کرده است: نظام سلطنتی که مردم در آن مشارکت دارند (پادشاهی مشروطه). به طور کلی، می‌توان گفت عدالت در قرون وسطی با قانون طبیعی و وحی الهی توجیه می‌شد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۷۲). با آغاز دوران مدرن نیز اندیشمندان مختلفی همچون ماکیاول، هابز، کانت، جان لاک، هگل و بنتام و ... به ارائه دیدگاه‌های خود در خصوص عدالت پرداخت هاند. از مهم‌ترین اندیشمندان دوران معاصر که به ارائه دیدگاه در خصوص عدالت پرداخته است، جان رالز می‌باشد. وی به عنوان یکی از بزرگترین فیلسوفان سیاسی قرن بیستم در کتاب نظریه عدالت ابتدا به بیان دو اصل عدالت به شرح زیر می‌پردازد:

اصل نخست: هر شخص قرار است حق برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با آزادی مشابه دیگران داشته باشد.

اصل دوم: قرار است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای ساماندهی شوند که: الف) به نحو معقول انتظار رود به سود همگان باشند و ب) وابسته به مشاغل و مناصبی باشند که دسترسی به آنها برای همگان امکان‌پذیر است (رالز، ۱۳۸۷: ۱۱۰). در پرتو این دو اصل رالز معتقد است که: «همه ارزش‌های اجتماعی - آزادی و برابری فرصت‌ها، درآمد و ثروت و پایه‌های عزت نفس - باید به نحو برابر توزیع شوند، مگر آنکه توزیع نابرابر هر یک، یا همه این ارزش‌ها به سود همگان باشد. بی‌عدالتی همان نابرابری‌هایی است که به سود همگان نیست» (رالز، ۱۳۸۷: ۱۱۲). رالز در کتاب دیگر خود "عدالت به مثابه انصاف" نیز در خصوص دو اصل عدالت معتقد است که: «الف) هر شخصی نسبت به طرحی کاملاً کافی از آزادی‌های اساسی برابر که با طرح مشابهی از آزادی‌ها برای همگان همساز باشد، حق لغو ناشدن یکسان دارد؛ ب) نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط قابل قبول هستند: نخست اینکه نابرابری‌ها باید مختص به مناصب و مقام‌هایی باشند که تحت شرایط برابری منصفانه

فرصت‌ها باب آنها به روی همگان گشوده است و دوم اینکه این نابرابری‌ها باید بیشترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد (اصل تفاوت)» (رالز، ۱۳۸۳: ۸۴).

یان تین برگن نیز به عنوان یکی از اقتصاددانان بزرگ قرن حاضر نیز در خصوص عدالت معتقد است که «عدالت یعنی وضعیت برابری رفاه برای تمامی افراد که معرف گروه‌های اجتماعی هستند، تا آنجا که موضوع به عناصر و عوامل اجتماعی بستگی دارد» (برگن، ۱۳۶۹: ۴۴).

فردریش فون هایک دیگر اندیشمند مهم و تأثیرگذار دوران جدید است که در خصوص عدالت دارای دیدگاه و صاحب نظر می‌باشد. هایک به عنوان یک اقتصاددانان و با استفاده از مفهوم نظم خودجوش و تأکید بر دو مقوله آزادی و اقتصاد بازار معتقد است که در مورد جامعه انسان‌های آزاد، اصطلاح عدالت اجتماعی به هیچ وجه معنایی ندارد. وی اصطلاح عدالت اجتماعی را که امروزه عموماً مترادف با آنچه در گذشته عدالت توزیعی نامیده می‌شد را چیزی بجز فرمولی پوچ نمی‌داند که عادتاً برای طرح ادعایی خاص بدون اقامه هیچ دلیلی به کار می‌رود (هایک، ۱۳۹۴: ۲۰۰-۱۹۹). از نظر هایک پوچی کامل اصطلاح عدالت اجتماعی از اینجا پیداست که درباره اینکه عدالت اجتماعی در هر مورد خاص نیازمند چیست، هیچ توافقی وجود ندارد؛ و هیچ محکی نیست که اگر افراد اختلاف نظر پیدا کردند بدان وسیله بتوان نتیجه گرفت که حق با کیست ... هیچ کس هنوز حتی یک قاعده کلی پیدا نکرده است که بتوان نتیجه گرفت در همه موارد مشمول آن، چه چیزی به لحاظ اجتماعی عادلانه است. تنها استثنا، قاعده دستمزد برابر برای کار برابر است. رقابت آزاد چون شایستگی یا نیاز و امثال آن‌را به حساب نمی‌گیرد که اساس مطالبه عدالت اجتماعی است، به اجرای قاعده دستمزد برابر گرایش دارد (هایک، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

در پایان این بخش می‌توان گفت که همان‌طور که از بررسی اندیشه‌های متفکران مختلف نیز مشخص است هیچ قاعده و تعریف کامل و منسجمی که حاصل اجماع بین اندیشمندان گوناگون علوم اجتماعی بر سر مفهوم عدالت باشد وجود ندارد و هریک از این افراد از زاویه دید خود و بر اساس شرایط تاریخی و فکری زیسته در آن به تعریف خود از عدالت پرداخته است.

### ۳- چిستی عدالت

با توجه به توضیحات فوق و در یک تقسیم‌بندی کلی، عدالت را از نظر مفهومی و چيستی می‌توان در دو دیدگاه کلاسیک و جدید به شرح زیر تعریف کرد.

#### ۳-۱- دیدگاه کلاسیک

این دیدگاه که آغاز آن به یونان باستان برمی‌گردد، بر مبنای نوشته‌های فلاسفه آن سرزمین است. افلاطون به عنوان یکی از این فلاسفه در خصوص عدالت معتقد است که هرکس باید تنها به یک کار مشغول باشد و آن کاری است که با طبیعت و استعدادش سازگار است. بر این اساس عدالت این است که هرکس کار خود را انجام دهد و به کار دیگران دخالت نکند (افلاطون، ۱۳۶۷: ۱۰۱۸). ارسطو نیز در تعریف عدالت همان‌طور

که در صفحات پیشین نیز بدان اشاره شد، تأکید خود را بر حد وسط می‌گذارد و معتقد است که عدالت حد وسط است میان ارتکاب ظلم و تحمل ظلم. بر این اساس می‌توان چنین گفت که شاه بیت همه این نوشته‌های یونان که بعدها در عصر اسلامی به عربی و سپس به فارسی ترجمه شد، این است که در دستگاه فکری این اندیشمندان، عدالت به یوتوپیا یا مدینه فاضله مربوط است و هرکدام از این افراد متفکر در یونان باستان، یک یوتوپیا ترسیم می‌کنند و در آن مدینه فاضله، جایگاه عدالت را نشان می‌دهند. این ادبیات بعدها از یونانی به عربی و سپس به فارسی وارد شد و اندیشمندان قدیم در جهان اسلام همچون فارابی و ابن سینا نیز با تاسی و پیروی از حکمای یونان، به بسط و گسترش عدالت از این منظر پرداختند. بنا بر نظر فارابی: «مدینه فاضله شبیه تن آدمی است که هر عضوی به کار معینی اختصاص دارد و همه در خدمت سلامت و حفظ حیاتند ... مقتضای عدل همین است که نظام مدینه با نظام کل موجودات موافق و متناسب باشد و این نظام عدل وقتی پدید می‌آید که رئیس مدینه و اهل آن نظام کلی عالم را بشناسند و به صفات خدا و عقول مفارق و مراتب و افعال و هریک و به حدود و صدور و ارتباط اجزای عالم با یکدیگر معرفت داشته باشند» (داوری اردکانی، ۱۳۹۰: ۲۲۴-۲۲۳). در واقع علمای قدیم، اندیشه عدالت و جایگاه آن در جامعه بشری را بدین صورت پیش برده‌اند که معتقد بودند همان‌طور که نظام هستی (نظام طبیعی)، یک نظم منحصر به فرد دارد، جامعه انسانی نیز مشابه طبیعت است و یک نظم منحصر به فرد دارد. به بیان دیگر در این اندیشه مدینه فاضله به معنی آن است که همان‌گونه که جهان هستی نظم منحصر به فرد دارد، مشابه آن، جامعه بشری هم نظم منحصر به فرد و یگانه دارد. بنابر جهان‌بینی و دستگاه فکری این حکما، جامعه خوب جامعه‌ای است که این نظم را درک کند و در زندگی جمعی بشری آن را به کار بندد. اندیشمندان کلاسیک، در پاسخ به این سؤال که یک شهر به طور آرمانی چگونه باید اداره شود و روابط بین شهروندان چگونه باید باشد؟ معتقدند که در چنین جامعه‌ای، از نظام هستی و نظم حاکم بر آن باید تبعیت کرد. به عبارت دقیق‌تر از نظر این اندیشمندان جامعه خوب جامعه‌ای است که در قدم اول نظم طبیعی حاکم بر جهان را درک کند و سپس در پرتو این درک، به برقراری این نظم در جامعه انسانی همت بگمارد. عدالت در اینجا بدان معنی است که بتوان این نظم را در جامعه برقرار کرد. بر این اساس اندیشمندان کلاسیک که مبدأ آن را می‌توان یونان در نظر گرفت، این چنین نظمی را مفروض گرفته بودند و هرکدام در یوتوپیای خودشان، تصویری از یک جامعه آرمانی را ارائه کرده بودند. این تفکر در ادامه و از طریق ترجمه در دوران اسلامی، ابتدا به زبان عربی و سپس به زبان فارسی برگردانده شد و در بین اندیشمندان اسلامی از جمله فارابی و ابن سینا نیز تأثیر زیادی از خود برجای گذاشت. به عنوان مثال مولوی در مثنوی معنوی با همین دیدگاه معتقد است که:

عدل چه بود؟ آب ده اشجار را                      ظلم چه بود؟ آب دادن خار را

همچنین وی در جای دیگری معتقد است که:

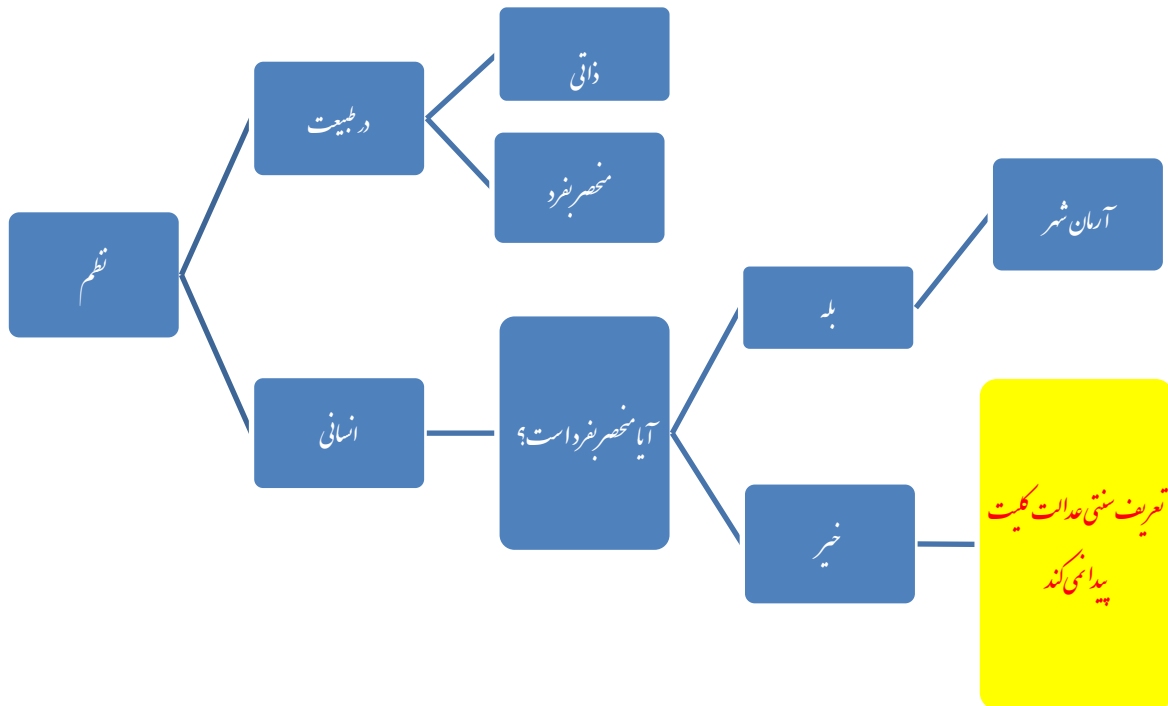
عدل چه بود، وضع اندر موضع اش                      ظلم چه بود، وضع در ناموضع اش

در پایان این قسمت به طور خلاصه می‌توان چنین گفت که در دیدگاه کلاسیک، عدالت بدان معنی است که هر چیزی باید سر جای خودش قرار بگیرد و این شاه بیت تعریف کلاسیکی عدالت است. همچنین در



دیدگاه کلاسیک، تعریف عدالت بسته و متوقف بر ایجاد یک اتوپیا است و بر مبنای آن که یک اتوپیا را تصویر کنیم، می‌توان به تعریف عدالت در درون این اتوپیا نیز پرداخت. نتیجه آنکه در این دیدگاه ترتیبات نهادی و اجتماعی یک نظم منحصر به فرد دارد و این نظم منحصر به فرد است که عدالت را تعیین می‌کند. دیدگاه کلاسیک با این تعریف از عدالت و مبنا قرار دادن آن در چارچوب اتوپیا در اینجا متوقف می‌شود.

شکل ۲. عدالت در اندیشه کلاسیک



### ۲-۳- دیدگاه مدرن در خصوص عدالت

علاوه بر اندیشه و دیدگاه کلاسیک در خصوص عدالت که مبتنی بر یوتوپیا و نظم یگانه بود، در دوران جدید نیز در خصوص اینکه عدالت چیست و کیک منابع جامعه را چگونه باید تقسیم کرد، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول که لیبرال‌ها طرفدار آن هستند و از آن حمایت می‌کنند، برابری در فرصت است و دیدگاه دوم که متعلق به سوسیالیست‌ها می‌باشد، برابری در توزیع و نتیجه است. از نظر اندرو هیوود اندیشه فرصت‌های برابر را می‌توان در نوشته‌های افلاطون یافت که نظر داد موقعیت اجتماعی باید دقیقاً بر توانایی و کوشش فرد مبتنی باشد. لیبرال‌های جدید معتقدند که فرصت برابر سنگ پایه عدالت اجتماعی است و محافظه‌کاران جدید و سوسیال دموکرات‌ها نیز آن را به عنوان یک اصل بنیادی پذیرفته‌اند. برابری فرصت به یک آرمان نابرابری، اما آرمانی بسیار خاص اشاره می‌کند؛ به یک جامعه شایسته‌سالار (هیوود، ۱۳۸۳: ۴۳۲-۴۳۱)؛ در حالی که لیبرال‌ها با تأکید بر فرصت برابر به تعریف عدالت می‌پردازند و آن را با شایستگی و دارا بودن فرصت‌های یکسان برای افراد درون یک جامعه در یک ردیف قرار می‌دهند، لکن از سوی دیگر سوسیالیست‌ها با

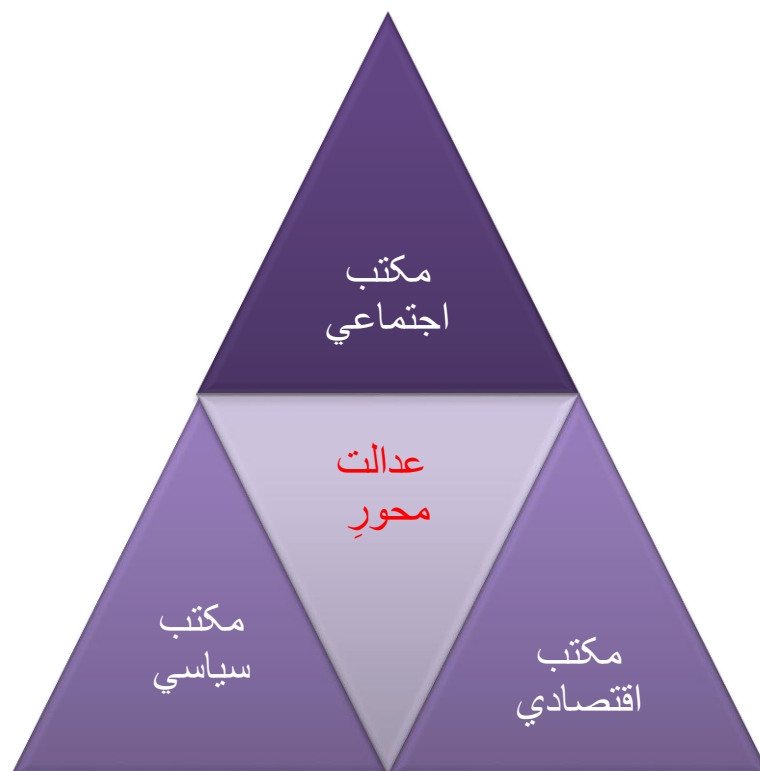
رد این دیدگاه، تأکید خود را بر توزیع برابر در جامعه می‌گذارند. هیوود با معرفی روسو به عنوان سخنگوی این مکتب فکری معتقد است که سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و برخی آنارشیست‌ها سطح بالایی از برابری اجتماعی را هدف بنیادی می‌دانند، در حالی که محافظه‌کاران و لیبرال‌ها معتقدند برابری اجتماعی غیراخلاقی یا غیرطبیعی است. توجه به نتایج، نه فرصت‌ها، نظر را از آغاز زندگی به نتایج پایانی آن، از بخت‌ها به پاداش‌ها می‌کشاند (هیوود، ۱۳۸۳: ۴۳۵). با توجه به این توضیحات و در پایان این بخش می‌توان گفت که در دوران جدید دو دیدگاه فرصت برابر و توزیع برابر هریک با ارائه دیدگاه خود در خصوص عدالت به مناقشه جدی با یکدیگر پرداخت هاند. با توجه به دو مثال زیر می‌توان این دو دیدگاه را به نحو بهتری شرح و نشان داد.

مثال اول: کار انسان‌ها دسته جمعی است و تولید در مشارکت جمعی نمود دارد. فرض کنید که چند نفر کار می‌کنند و یک کیک تولید می‌شود. سؤال این است که تولید کیک، یک کار تیمی و دسته‌جمعی است و آیا می‌شود درصد سهم هریک از این افراد از کیک را مشخص بکنیم؟ این سؤال بسیار مبنایی است و بسته به اینکه برای فرد یا جمع سهم مشخص گردد، تعریف عدالت دچار تفاوت اساسی می‌شود.

مثال دوم: تیم فوتبال برآمده از ۱۱ نفر است. سؤال این است که آیا می‌شود سهم و درصد افراد یک تیم از برد یا باخت را نشان داد و نقش هرکدام را حساب کرد؟ در این مثال نیز همچون مثال شماره یک اگر معتقد باشیم که نمی‌شود سهم افراد را مشخص کرد، و در واقع معتقد باشیم که بازیکنان در یک مفهوم به نام تیم گم شده و استحاله پیدا کرده‌اند و تیم را اصالت بدهیم، در نتیجه ما به سمت دیدگاه چپ متمایل شده‌ایم و بالعکس اگر به تک‌تک بازیکنان از برد یا باخت درصد بدهیم، به سمت اندیشه راست متمایل شده ایم.

با توجه به این دو مثال فوق، می‌توان این دیدگاه را به سطح جامعه نیز تعمیم داد. اقتصاددانان کل محصول تولید شده در یک‌سال (یعنی تولید ناخالص داخلی تولید شده در یک‌سال) را، یک کیک در نظر می‌گیرند. در اینجا اگر از زاویه دیدگاه چپ و طرفداران توزیع برابر به موضوع نگریسته شود، باید گفت که این کیک را کل جامعه تولید کرده است و در یک تقسیم کار اجتماعی افراد مشارکت کرده‌اند و این کیک تولید شده است. بر این اساس اصلاً نمی‌توانیم سهمی برای افراد تعیین بکنیم. به عبارت دیگر در اینجا تقدم را به جامعه و اصالت را به جمع می‌دهیم و تکلیف کیک اینگونه می‌شود که به همه به‌طور یکسان از کیک داده می‌شود که در عمل توزیع برابر انجام می‌گیرد. لکن اگر از زاویه و نقطه نظر فرصت برابر به موضوع نگریسته شود، باید برای هر یک از افراد سهمی مشخص گردد و هرکس به‌طور نابرابر و به میزان شایستگی از کیک جامعه برخوردار باید گردد. در این‌جا برخلاف دیدگاه چپ، فرد در جامعه مستهلک می‌شود و فردیت اصالت دارد؛ در حالی که در دیدگاه چپ، سوسیالیست‌ها اعتقادی به فرصت‌های برابر ندارند و معتقدند جامعه همچون یک تیم است و تولید انجام گرفته در یک جامعه محصول و برآیند کار جمعی تمامی افراد آن جامعه است که در نتیجه آن، همه افراد جامعه باید در توزیع سهمیه باشند.

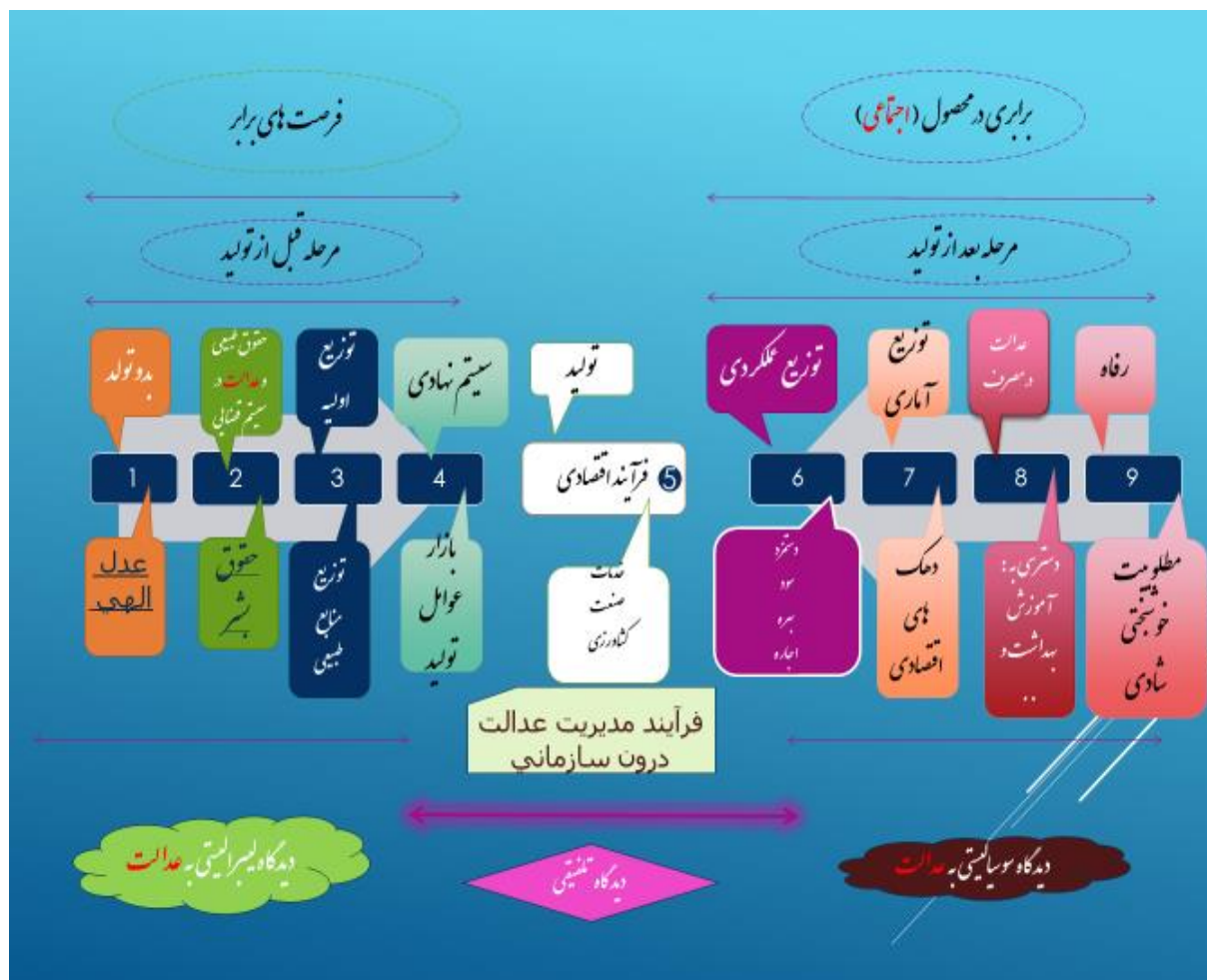
شکل ۳. عدالت و ارتباط آن با مکاتب عمده علوم انسانی



#### ۴- گستره ی عدالت

گستره و قلمرو عدالت را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو مرحله قبل از تولید و بعد از تولید تقسیم کرد. بحث در مورد عدالت قبل از فرایند تولید، اشاره به برابری فرصت‌ها دارد و عدالت در بعد از تولید با توزیع برابر ارتباط دارد. به عبارت دیگر دو کلیدواژه اصلی در این بحث فرصت برابر و توزیع برابر می‌باشد و بر مبنای آن می‌توان عدالت و گستره آن را در ۹ مؤلفه به شرح زیر دنبال کرد.

شکل ۴. گستره عدالت و مؤلفه‌های آن



۱- بدو تولد: در این مؤلفه که به بحث عدل الهی مربوط می‌شود، سؤال از عدالت در مورد بدو تولد می‌شود. این بحث به عدل الهی مربوط است و اولین پرسشی که در این زمینه هست، آن است که چرا در جهان، تبعیض و تفاوت وجود دارد؟ چرا یکی سفید است و دیگری سیاه، یکی زشت است و دیگری زیبا، یکی سالم است و دیگری علیل (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۰). برای گسترش عدالت در این مؤلفه در کشور، باید به اموری همچون بهره‌مندی از مراقبت‌های سلامت، خدمات بیمه‌ای و در یک کلام تأمین نیازهای اساسی افراد در طول زندگی توجه کرد.

۲- حقوق پایه‌ای طبیعی: این مؤلفه همان حقوق بشر است که در اقتصاد بدان حقوق طبیعی پایه یا اولیه می‌گویند. بر مبنای این مؤلفه بحث این است که آیا انسان‌ها حقوق طبیعی پایه‌ای دارند یا ندارند؟ قانون اساسی کشور ایران به عنوان مهم‌ترین میراث و پیمان مشترک بین دولت و ملت، با تأکید بر اصولی همچون حقوق مساوی و برابری در پیشگاه قانون در این زمینه می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» (اصل نوزدهم قانون

اساسی). همچنین بر مبنای اصل بیستم این قانون «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (اصل بیستم قانون اساسی).

۳- توزیع اولیه: منظور از این مؤلفه توزیع منابع طبیعی و عدالت در توزیع منابع طبیعی است. در یک جامعه اگر منابع اولیه به صورت نابرابر بین افراد تقسیم گردد، شکاف طبقاتی و نتایج حاصل از آن گریبانگیر آن جامعه خواهد گردید.

۴- سیستم نهادی: بر مبنای این مؤلفه بسته به اینکه کدام سیستم و ترتیبات نهادی همچون بازار، دولت و ... در جامعه حکمفرماست، عدالت دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. در ایران، با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و به دلیل ماهیت ضد سرمایه دارانه این انقلاب، نوعی ضدیت با نهاد بازار و بخش خصوصی شکل گرفت که با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ به یک ترتیب نهادی قانونی تبدیل گردید. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با تأکید بر بخش دولتی قدرتمند و مکمل دانستن بخش خصوصی استوار است (اصل ۴۴ قانون اساسی). با توجه به این اصل می‌توان گفت که در نبود بخش خصوصی قدرتمند و نهاد بازار، و تأکید بیش از حد بر ساختار دولت محور، عدالت نیز دستخوش تغییر و تحول در جامعه می‌گردد و به طور ناقص اجرا می‌شود.

۵- فرایند تولید و عدالت درون سازمانی: بعد از طی این ۴ مرحله، مرحله تولید فرا می‌رسد و تولید در این مرحله شکل می‌گیرد. در واقع مؤلفه پنجم، تولید است که در اینجا بحث سازمان یعنی سازمان تولید مطرح می‌شود. در مؤلفه ۵ یعنی تولید، از عدالت درون سازمان صحبت به میان می‌آید و بحث بر سر عدالت در فرایند تولید است. ذکر این نکته ضروری است که عدالت تا قبل از تولید در شکل برابری فرصت‌ها نمود می‌یابد.

۶- توزیع عملکردی: توزیع دو قسمت دارد که قسمت اول آن توزیع فردی و قسمت دوم آن توزیع عملکردی است. توزیع عملکردی یعنی اینکه سهم هر کدام از ۴ نهاد اصلی تولید، از تولید به عمل آمده، به چه میزان است و چگونه تعیین می‌شود. به بیان دقیق‌تر سهم هر کدام از این نهادها از کیک تولید چقدر است. در اندیشه اسلامی نهاد پول به سبب ایفای نقش ربوی سهمی ندارد. در سیستم مارکسیستی ارتدوکس نیز، نهاد سرمایه هیچ سهمی ندارد و تمامی سود حاصل از تولید به دولت تعلق می‌گیرد که چنین دولتی موظف است آن را بین مردم بازتوزیع کند. در خصوص توزیع عملکردی در ایران باید گفت که ماشین اقتصادی ایران به سبب مشکلات نهادی و تاریخی، هر ۴ نهاد اصلی تولید را به مقدار زیادی استفاده می‌کند؛ لکن برون‌داد آن بسیار نازل است. در چنین شرایطی و با توجه به بهره‌وری پایین و نیز وابستگی دولت به درآمد نفت که می‌توان دولت در ایران را یک دولت رانتیر قلمداد کرد، فرایند اجرای عدالت و توزیع عملکردی دچار مشکلات فراوان می‌گردد.

۷- توزیع آماری: این مؤلفه به دنبال بررسی این موضوع است که افراد مختلف جامعه، به چه میزان در کیک تولید جامعه سهیم می‌گردند. اگر هر ۴ نهاد تولید در تولید شرکت کنند، توزیع آماری مشخص می‌کند که

هر فرد چه قدر باید بگیرد که برای این امر باید افراد را بر اساس میزان درآمد از دهک یک تا ده طبقه‌بندی کرد. نکته مهم در توزیع آماری عدالت بازتوزیعی است. این موضوع که میزان دریافت مالیات از دهک‌های بالای جامعه و بازتوزیع آن به دهک‌های پایین، به چه مقدار و توسط چه مکانیسمی انجام شود، از مسائلی است که محل مناقشه فراوان است. بر این اساس می‌توان گفت در مؤلفه توزیع آماری، بحث بر سر افراد و میزان مالیات‌گیری از آنها است. در خصوص توزیع آماری و عدالت بازتوزیعی در ایران باید گفت که به سبب رانتیر بودن دولت و عدم وابستگی دولت به مالیات، عدالت بازتوزیعی در عمل با چالش‌های جدی مواجه است. چرا که در دولت‌های رانتیر به واسطه وجود رانت، توانایی و کارویژه استخراجی و دوباره توزیعی دولت تضعیف می‌شود. برخلاف اکثر دولت‌ها که مجبور به اخذ مالیات از جامعه و صنایع خود می‌باشند تا بتوانند به حیات خود ادامه بدهند، دولت رانتیر نیاز واقعی به اخذ مالیات ندارد (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۳۹). عدم نیاز به مالیات در دولت‌های رانتیر که کشور ایران را نیز در برمی‌گیرد، سبب می‌گردد که عملاً سیستم مالیات‌گیری در این کشورها رو به ضعف و انحطاط گراید و تمامی طبقات و افراد در جامعه به توزیع درآمد حاصل از رانت نفت از سوی دولت وابسته باشند که در چنین شرایطی عدالت بازتوزیعی و توزیع آماری محلی از اعراب نخواهد داشت.

۸- عدالت در مصرف: منظور از این مؤلفه که با الگوی مصرف و سبک زندگی دارای ارتباط تنگاتنگ می‌باشد، میزان دسترسی افراد یک جامعه به اموری مانند بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش و دیگر نیازهای اساسی و ضروری است. در این خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۴۳، که تداعی کننده دولت‌های رفاهی و الگوی تأمین نیازهای اساسی است، با تأکید بر این موضوع می‌گوید که اقتصاد جمهوری اسلامی بر مبنای تأمین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه است، استوار می‌شود (اصل ۴۳ قانون اساسی).

۹- عدالت در رفاه: این مؤلفه به عنوان آخرین مؤلفه، به بحث عدالت در توزیع رفاه می‌پردازد. در اینجا به موضوعاتی همچون حکمرانی خوب، مطلوبیت، شادی، خوشبختی و ... پرداخته می‌شود و می‌توان گفت که اگر مؤلفه‌هایی همچون توزیع آماری به عدالت از حیث کمی و آماری می‌پردازند، این مؤلفه به عدالت از حیث کیفی می‌پردازد.

در یک جمع بندی خلاصه از این قسمت می‌توان گفت که در مبحث عدالت و بر مبنای مؤلفه‌های آن، اگر تأکید خود را بر روی چهار مؤلفه اول بگذاریم و اصالت را به قبل از تولید بدهیم، به سمت دیدگاه راست لیبرالیستی سوق پیدا کرده‌ایم. لکن اگر تأکید خود را بر روی ۴ مؤلفه دوم بگذاریم و اصالت را به بعد از تولید بدهیم، به سمت دیدگاه چپ سوسیالیستی متمایل گشته‌ایم. در واقع بنا بر دیدگاه راست، افراد در جامعه حل نمی‌شوند و این افراد هستند که اصالت دارند و عدالت آن است که شرایط اولیه مسابقه برای همه برابر باشد. بر طبق این دیدگاه عدالت به برابری فرصت‌ها معنی پیدا می‌کند. لکن سیستم سوسیالیستی به بعد از تولید توجه می‌کند و معتقد است که در جامعه تقسیم کار اجتماعی وجود دارد و جامعه به مثابه یک تیم است و تیم بر فرد اصالت دارد. عدالت در این سیستم این‌گونه است که چون تیم جامعه، تولید را انجام داده است، لذا عدالت در نحوه توزیع کیک و چگونگی آن خلاصه می‌شود.

## ۵- عدالت فراگیر

تعریف کلاسیک از عدالت و پذیرفتن آن یک شرط اولیه دارد و آن این است که ما ابتدا بپذیریم که یک نظم منحصر به فرد و ترتیبات نهادی در جامعه انسانی وجود دارد. در حالی که دیدگاه نگارنده این مقاله بر آن است که برخلاف طبیعت که یک نظم منحصر به فرد در آن حاکم است، در جامعه انسانی، ترتیبات اداره امور منحصر به فرد و یگانه نیست و جوامع انسانی به شکل‌های مختلفی می‌توانند ترتیبات نهادی خودشان را ایجاد و امور خودشان را اداره کنند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نظم و ترتیبات نهادی یگانه در جوامع بشری وجود ندارد و حتی دو روستای کنار یکدیگر هم مثل هم نیستند. این مسئله‌ای است که در متون اسلامی و در قرآن هم در سوره حجرات تأیید شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». بر اساس این آیه انسان از مرد و زن آفریده شد و سپس در شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف قرار داده شد که فلسفه این کار آن است که شناخته شود (لتعارفوا). در واقع بر اساس فلسفه قرآنی و با توجه به این آیه، انسان‌ها همان‌طور که به طور انفرادی با هم فرق دارند، از حیث زندگی جمعی و آداب و سنن نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. نتیجه آنکه هم بر اساس آیات قرآنی و هم بر اساس مطالعات تجربی بشری می‌توان گفت که یک نظم یگانه و منحصر به فرد در جوامع انسانی وجود ندارد و با این استدلال می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تعریف کلاسیک از عدالت دارای یک نقص عمده می‌باشد و قابلیت اجرایی و عملی ندارد. در تعریف مدرن از عدالت نیز همان‌گونه که در صفحات فوق بدان اشاره شد هر دو دیدگاه چپ و راست دارای یکسوی‌نگری می‌باشند و هیچکدام از این دو دیدگاه مدرن، به تمامی ابعاد و مؤلفه‌های نه‌گانه عدالت در قبل از تولید و بعد از تولید توجه شایسته نمی‌کنند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد نیاز به یک نگاه تلفیقی از عدالت که هم متضمن فرصت برابر و هم توزیع برابر باشد، اجتناب‌ناپذیر است که می‌توان آن را عدالت فراگیر (فرصت‌های برابر با تأکید بر توزیع مجدد) نامید.

## ۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی مفهوم عدالت و گستره آن پرداخته شد و نشان داده شد که در خصوص عدالت و تعریف آن دو دیدگاه کلاسیک و مدرن وجود دارد. دیدگاه کلاسیک که آغاز آن به یونان باستان برمی‌گردد، بر مبنای نوشته‌های فلاسفه آن سرزمین است که بعدها از یونانی به عربی و سپس به فارسی ترجمه شد. در این دیدگاه، عدالت بدان معنی است که هر چیزی باید سر جای خودش قرار بگیرد و این شاه بیت تعریف کلاسیکی عدالت است. همچنین در دیدگاه کلاسیک تعریف عدالت بسته و متوقف بر ایجاد یک اتوپیا است و بر مبنای آنکه یک اتوپیا را تصویر کنیم، می‌توان به تعریف عدالت در درون این اتوپیا نیز پرداخت. نتیجه آنکه در این دیدگاه ترتیبات نهادی و اجتماعی یک نظم منحصر به فرد دارد و این نظم منحصر به فرد است که عدالت را تعیین می‌کند. در اندیشه مدرن نیز در خصوص اینکه عدالت چیست و یک منابع جامعه را چگونه باید تقسیم کرد، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول که لیبرال‌ها طرفدار آن هستند و از آن حمایت می‌کنند،

برابری در فرصت و اصالت فرد است و دیدگاه دوم که متعلق به سوسیالیست‌ها می‌باشد برابری در توزیع و نتیجه، و تقدم جامعه بر فرد است. بر مبنای یافته‌های این مقاله، باید گفت که هر دو دیدگاه سنتی و مدرن دارای اشکالات جدی در خصوص عدالت می‌باشند. چرا که دیدگاه سنتی نظم یگانه را مفروض می‌گیرد؛ در حالی که جوامع بشری هرگز دارای یک نظم یگانه نبوده‌اند. از سوی دیگر هر دو تعریف چپ و راست مدرن از عدالت نیز دارای یکسونگری و نگاه ایدئولوژیک به مفهوم عدالت می‌باشند و هیچیک به تنهایی و فارغ از دیگری توان ایجاد عدالت در جوامع مدرن بشری را ندارد. بر این اساس به نظر می‌رسد یک دیدگاه تلفیقی که در بردارنده هر دو کلیدواژه فرصت برابر و توزیع برابر باشد، بهتر می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشری در خصوص عدالت در جوامع مدرن باشد.



## منابع و مأخذ

- ارسطو (۱۳۷۸)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- افلاطون (۱۳۶۷)، دوره کامل آثار افلاطون، جلد دوم، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
- برگن، یان تین (۱۳۶۹)، توزیع عادلانه درآمد، کوششی برای بیان کمی موضوع، اشتغال، توزیع درآمد و استراتژی توسعه، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.
- حاجی حیدر، حمید (۱۳۸۸)، تحول تاریخی مفهوم عدالت، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم: ۲۹ تا ۵۸.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۸)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶)، اصول عدالت سیاسی، فصلنامه نقد و نظر، بهار و تابستان، شماره ۱۰ و ۱۱: ۳۶۸ تا ۳۸۹.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۰)، ما و تاریخ فلسفه اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- رالز، جان (۱۳۸۷)، نظریه عدالت، ترجمه سید محمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- راولز، جان (۱۳۸۳)، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوم.
- عنایت، حمید (۱۳۴۹)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، انتشارات فرهمند، چاپ اول.
- عیوضلو، حسین (۱۳۷۹)، بررسی و تحلیل امکان سازگاری معیارهای عدالت و کارآیی در نظام اقتصاد اسلامی، رساله دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فاستر، مایکل (۱۳۶۱)، خداوندان اندیشه سیاسی (جلد اول)، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۷)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران، چاپ شصت و سوم.
- موسوی، سیدجمال الدین (۱۳۸۰)، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- هایک، فردریش فون هایک (۱۳۹۴)، در سنگر آزادی، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: نشر ماهی، چاپ دوم.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۳)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: نشر قومس، چاپ اول.



# عدالت در بهره‌مندی از خدمات بخش بهداشت با بهره‌گیری از تأمین مالی اسلامی با تأکید بر وقف

پرویز رستم‌زاده<sup>۱</sup>  
شهره نصیرآبادی<sup>۲</sup>

## چکیده

سلامت مردم یک کشور بر توسعه اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی و سیاسی آن کشور تأثیر می‌گذارد. با وجود اینکه بخش سلامت یکی از اولویت‌های مهم در تخصیص بودجه دولت است، مشکل کمبود منابع مالی برای توسعه مراکز درمانی، کاهش توان مالی دولت‌ها در استمرار تأمین مالی بخش بهداشت و بالا بودن سهم مردم از هزینه‌های درمان یکی از چالش‌های اقتصاد برای دسترسی عادلانه به این امکانات است. بالا بودن هزینه‌های درمانی برای خانوارها، بخصوص اقشار آسیب‌پذیر، باعث می‌شود که خانوارها برای تأمین هزینه‌های درمانی از مخارج ضروری خود بکاهند و در نتیجه شرایط رفاهی خانوارها تنزل یابد.

هدف این مقاله ارزیابی وضعیت تأمین مالی و عدالت در سلامت در کشور و بررسی تأثیر وقف به عنوان یکی از راه‌های تأمین مالی در توسعه بهداشت در ایران می‌باشد. بدین منظور با استفاده از شاخص مشارکت عادلانه، وضعیت عدالت در تأمین مالی بخش بهداشت مورد بررسی قرار گرفت و با روش توصیفی - تحلیلی تأثیر وقف بر توسعه بهداشت تشریح شد. نتایج نشان داد با وجود اینکه دو شاخص هزینه‌های کمرشکن و فقر سلامت روند نزولی داشته است، اما با توجه به افزایش تعرفه‌ها و اضافه شدن خدمات پزشکی جدید به تعهدات پایه و بیمه کردن بدون پشتوانه مالی پایدار، منجر به مشکلاتی مانند افزایش بدهی سازمان‌های بیمه‌ای شده است و از طرفی دولت نیز به تنهایی قادر به تأمین مالی بخش درمان نخواهد بود. جلب مشارکت‌های مردمی و جذب کمک‌های خیرین و واگذاری امر بهداشت و درمان به مردم به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه می‌تواند در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: توسعه بهداشت، تأمین مالی، وقف، ایران

طبقه‌بندی JEL: I15، I11، P36

## ۱. مقدمه

سلامت به عنوان یکی از پیش نیازهای رفاه اجتماعی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی و سیاسی یک کشور تأثیر می‌گذارد. یکی از عوامل اساسی در حفظ و ارتقا سلامت، دسترسی به امکانات بخش بهداشت و درمان می‌باشد. با توجه به لزوم تأمین اجتماعی و بهداشت برای همه مردم ایران (اصل بیست و نهم قانون اساسی) و تأمین نیازهای اساسی از جمله بهداشت و درمان برای همه (اصل چهل و سوم قانون اساسی) و در راستای تحقق عدالت در برخورداری از سلامت، رفاه و تأمین اجتماعی در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، توسعه و دسترسی عادلانه به خدمات درمان حائز اهمیت بوده اما با وجود اینکه بخش سلامت یکی از اولویتهای مهم در تخصیص بودجه دولت است، مشکل کمبود منابع مالی برای توسعه و تجهیز مراکز درمانی دولتی، کاهش توان مالی دولتها در استمرار تأمین مالی بخش بهداشت و بالا بودن سهم مردم از هزینه‌های درمان در بخش خصوصی یکی از چالشهای اقتصاد برای دسترسی عادلانه به این امکانات است. ناکافی بودن برخی تجهیزات در بخش دولتی باعث می‌شود افراد برای دسترسی به این خدمات به مراکز خصوصی مراجعه کنند و اقشار آسیب‌پذیر با توجه به بالا بودن سهم آنها در تأمین هزینه‌های درمان از مخارج ضروری خود بکاهند و در نتیجه شرایط رفاهی خانوارها تنزل یابد و منجر به فقر سلامت شود. بنابراین بررسی عدالت در تأمین مالی در راستای توسعه بخش بهداشت حائز اهمیت است.

بررسی تجربه کشورها نشان می‌دهد که تأمین منابع مالی بخش بهداشت از طریق دولت، خانوار، کمکهای اهدایی مردم، سازمان های غیردولتی، نهادهای خیریه و سازمان های بین‌المللی انجام می‌شود. در کشورهای اسلامی، اوقاف و درآمد حاصل از آنها یکی از راه های تأمین مالی زیرساخت های عمده اقتصادی است. با بهره‌گیری از درآمدهای اوقاف می‌توان رهیافت های مناسبی برای تأمین مالی، توسعه و تجهیز مراکز درمانی و افزایش سطح بهداشت بخصوص برای اقشار آسیب‌پذیر و محرومان جامعه ارائه داد. هدف این مقاله ارزیابی وضعیت تأمین مالی و عدالت سلامت، در کشور و بررسی نقش وقف در توسعه بهداشت ایران می‌باشد. بدین منظور در ادامه ابتدا مروری بر مطالعات انجام شده در این زمینه داشته سپس اثرات هزینه‌های درمانی و روشهای تأمین مالی بخش سلامت مورد بررسی قرار خواهد گرفت و با بررسی جایگاه وقف در بخش درمان با استفاده از شاخصها، وضعیت عدالت در تأمین مالی بخش بهداشت مورد بررسی قرار می‌گیرد. و در نهایت راهکارهایی برای توسعه بهداشت با استفاده از درآمدهای وقفی ارائه شده است.

## ۲. مروری بر مطالعات انجام شده

در مطالعات زیادی، اهمیت سلامت برای دستیابی به رفاه و عدالت در پرداخت های سلامت مورد بررسی قرار گرفته است. اما مطالعات اندکی منابع تأمین مالی بخش سلامت را با استفاده از روشهای تأمین مالی اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه برخی از این مطالعات مرور می‌شود.

آصف‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای توصیفی، منابع تأمین مالی و درآمدهای بیمارستان ها را با هدف تعیین وضعیت درآمد بیمارستان ها در استان گیلان مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان

می‌دهد که به طور متوسط حدود ۱۸ درصد درآمد بیمارستان‌های این استان از محل درآمدهای نقدی، ۸۲ درصد سازمان‌های بیمه‌گر بوده است و سهم مبالغ دریافتی از بیماران به درآمد کل بیمارستان در مناطق محروم بیشتر بوده است.

صادقی و زارع (۱۳۸۸)، تأثیر نظام تأمین منابع مالی در بهبود عملکرد بیمارستان‌ها را در کشورهای آمریکا، فرانسه، استرالیا، کانادا، انگلستان، ترکیه، کره جنوبی، نروژ و ایران با روش توصیفی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که منابع مالی لازم برای بیمارستان‌ها باید توسط دولت تأمین شود.

فضالی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی درصد خانوارهای مواجه با هزینه‌های کمرشکن سلامت برای سال ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که حدود ۲/۵ درصد از جمعیت کشور در معرض هزینه‌های فاجعه بار سلامت قرار داشتند و گروه خانوارهای روستایی تحت تکفل، بیکاران، خانوارهایی که تعداد فرزندان زیر ۱۲ سال و اشخاص بالای ۶۰ سال آنان بالاتر از متوسط جامعه است و افراد بدون چتر حمایتی بیمه، با احتمال بیشتری با هزینه‌های کمرشکن سلامت مواجه خواهند شد.

هادیان و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای روند نابرابری در هزینه‌های سلامت و خوراکی خانوارهای کشور طی دوره ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸ بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد در سالهای مورد مطالعه، ضریب جینی برای هزینه‌های سلامتی هم در مناطق شهری و هم روستایی روندی نزولی داشته است.

کنوال و فرانک<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای نشان دادند که با گسترش پوشش بیمه‌ای خانوارها و کاهش مخارج مستقیم برای استفاده از خدمات مراقبت سلامت، شاخص مشارکت مالی عادلانه در سطح ملی بهبود یافت و تعداد خانوارهایی که بیش از یک سوم درآمد قابل تصرف خود را برای مراقبت سلامت هزینه کرده بودند، کاسته شد.

### ۳. اثرات هزینه‌های درمانی بر جامعه

توسعه تکنولوژی و دانش پزشکی از یکسو و نیاز به فراهم نمودن تجهیزات جدید متناسب با دانش روز و انتظارات بهداشتی و درمانی از سوی دیگر، با افزایش هزینه‌های درمانی مشکلاتی را در زمینه تأمین مالی هزینه‌های بهداشتی و درمانی برای مراکز درمانی و افراد جامعه به وجود آورده است. در شرایط غیرعادلانه و بالا بودن پرداخت‌ها و عدم تأمین مالی و تجهیز مراکز درمانی، خانوارها بخصوص اقشار آسیب‌پذیر دچار مشکلات متعددی خواهند شد.

بر اساس تئوری سرمایه انسانی، انسان محور اصلی توسعه پایدار است و سلامت به عنوان عاملی مهم در رشد اقتصادی می‌باشد. سلامتی افراد به عنوان ذخیره سرمایه است و با وجود اینکه با گذر طبیعی عمر، این سرمایه مستهلک خواهد شد؛ اما بیماری باعث استهلاک غیرطبیعی آن می‌شود و سرمایه‌گذاری در سلامت

1. Knaul & Frenk

2. Natural Aging

(بهداشت و درمان) منجر به جبران این استهلاک خواهد شد. گروه آسیب‌پذیر جامعه به واسطه تأمین مالی برای دستیابی به برخی از فرایندهای درمانی که در مراکز دولتی و تحت پوشش بیمه انجام نمی‌شود، به ناچار از مخارج ضروری خود مانند خوراک، آموزش و تحصیل می‌کاهند و علاوه بر کاهش رفاه خانوار، بر فرایند انباشت سرمایه و در نهایت تولید، رشد و توسعه اقتصادی جامعه در آینده تأثیر خواهد گذاشت.

از طرفی افزایش بار مالی هزینه‌های درمانی منجر به کاهش پس‌انداز خانوار می‌شود و گروهی به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های درمانی از ادامه درمان صرف نظر می‌کنند و سطح سلامت و بهداشت خانوارها و جامعه کاسته می‌شود. به دنبال آن، عده‌ای از خانوارها از فقر آنی و گذرا در تله فقر پایدار و دائم گرفتار می‌شوند. سهم بالای پرداخت هزینه‌های درمانی توسط خانوار سبب می‌شود خانواده‌ای که در زمان بیماری هزینه‌هایش به سمت هزینه‌های سلامت متمایل است، بالای خط فقر قرار گیرد و به عبارتی اگر هزینه کل خانوار بالاتر از خط فقر باشد و هزینه کل بدون در نظر گرفتن هزینه مشارکت مردم در پرداخت هزینه‌های درمان زیر خط فقر باشد، خانوار فقر ناشی از هزینه‌های درمانی را تجربه خواهد کرد و در دام فقر گرفتار خواهد شد. در ادامه، منابع تأمین مالی مراکز درمانی و منابع تأمین مالی هزینه‌های درمانی خانوار بیان می‌شود.

#### ۴. منابع تأمین مالی بخش سلامت

##### ۴-۱. منابع تأمین مالی هزینه‌های درمانی خانوار

بهداشت، کالایی عمومی است و همواره مورد نیاز همه جوامع می‌باشد و به عنوان یکی از نیازهای اساسی باید برای تمامی افراد تأمین شود. از این جهت تأمین مخارج بهداشت و درمان از اهمیت بالایی برخوردار است. به طور کلی منابع تأمین مالی هزینه‌های بهداشت و درمان برای خانوار عبارتند از:

الف) درآمدهای دولتی که از محل منابع عمومی تأمین می‌شود؛

ب) منابع شرکتها و موسسات دولتی: این منابع به عنوان بخشی از جبران خدمات کارکنان می‌باشد؛

ج) بیمه‌های اجتماعی درمانی؛

د) بیمه‌های درمانی خصوصی؛

ه) پرداخت‌های مستقیم خانوار؛

و) موسسات غیرانتفاعی خصوصی.

##### ۴-۲. منابع تأمین مالی مراکز درمانی و بیمارستان‌ها

مراکز درمانی و بیمارستان‌ها به چهار دسته بیمارستان‌های دولتی، خصوصی، خیریه و نیمه دولتی تقسیم می‌شوند و تفاوت این مراکز در تعرفه و نحوه تأمین مالی است. در کشورهای در حال توسعه، بخش سلامت با توجه به زیرساخت‌ها، وضعیت اجتماعی و اقتصادی به روش‌های متعددی تأمین مالی می‌شود. بررسی تجربه کشورها نشان می‌دهد که تأمین منابع مالی جهت ساخت و ایجاد مراکز درمانی و بهداشتی از طریق

دولت، خانوار، کمک‌های اهدایی مردم، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای خیریه و سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌گیرد.

تأمین مالی از طریق دولت با استفاده از درآمدهای دولت می‌باشد که عمدتاً شامل درآمدهای مالیاتی است. امکان تأمین مالی کل بخش درمان با استفاده از بودجه عمومی دولت امکان‌پذیر نیست. با وجود اینکه یارانه‌های دولتی برای بیمه‌های درمانی گروه‌های کم درآمد در نظر گرفته شده است؛ اما افزایش پایه‌های مالیاتی و به دنبال آن افزایش سطح درآمدهای مالیاتی با توجه به بزرگ بودن بخش غیر رسمی در کشور، توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه و عدم تمکین مالیاتی منجر به کاهش رفاه افراد آسیب‌پذیر خواهد شد. بیمه‌های درمانی خصوصی بیشتر نقش بیمه‌های مکمل و بیمه‌های تکمیلی را دارند. این نوع بیمه‌ها به دلایلی مانند شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، عوامل جمعیتی، اپیدمیولوژی‌های بیماری‌ها و غیره در نظام تأمین مالی از کارآمدی لازم برخوردار نیستند (قیاسوند و همکاران، ۱۳۹۰). افزایش تعرفه‌ها و اضافه شدن خدمات پزشکی جدید به تعهدات پایه و بیمه کردن بدون پشتوانه مالی پایدار، منجر به مشکلاتی مانند افزایش بدهی سازمان‌های بیمه‌ای شده است.

حیاتی بودن خدمات سلامت، عدم تقارن اطلاعات زمینه ایجاد تقاضای القایی را فراهم می‌کند و وضعیت انحصاری در ارائه خدمات بر رقابت‌پذیری این بخش اثر می‌گذارد و به دنبال آن اثرات خارجی و ناهمگونی خدمات و ایجاد بازار ناکامل و محصول ناهمگن به همراه افزایش فزاینده هزینه‌های سلامت منجر به شکست بازار در ارائه خدمات سلامت می‌شود. بنابراین شکست بازار در حوزه سلامت حضور دولت را الزامی می‌کند؛ اما با توجه به عدم ناکارآمد بودن و شکست دولت در تأمین مالی، در چنین شرایطی جامعه به منابع تأمین مالی پایدار در بخش درمان برای تجهیز مراکز درمانی در راستای افزایش عدالت در دسترسی به امکانات و کمک به افراد آسیب‌پذیر و کم درآمد در تأمین هزینه‌های درمانی نیازمند می‌باشد. در برنامه‌های توسعه نیز بر کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت، بهبود وضعیت عدالت در تأمین مالی و تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت تأکید شده است. درآمدهای بالقوه موقوفات می‌تواند در تأمین مالی این بخش مورد استفاده قرار گیرد.

در جوامع اسلامی وقف به عنوان یکی از راه‌های تأمین مالی است که با تغییر در کاربرد منابع، آنها را به یک سرمایه‌گذاری مولد تبدیل می‌کند که خدمات و درآمدی برای مصرف نسل آینده ایجاد می‌کند. وقف سبب افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف می‌شود و سرمایه ایجاد شده در اثر افزایش پس‌انداز می‌تواند مولد کالاها و خدمات باشد و تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد.

## ۵. وقف و جایگاه آن در بخش درمان

وقف یکی از بهترین راه‌های تأمین مالی و مظهر احسان و نیکوکاری و کمک به مصالح جامعه است که علاوه بر مبارزه با خود محوری و ثروت اندوزی، به کاهش فقر و مفساد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند. وقف و درآمدهای وقفی در پرکردن خلأهای اجتماعی نقش بسزایی خواهند داشت. دولت می‌تواند با هدایت

موقوفات در جهت رفع نیازهای ضروری جامعه و اختصاص این درآمدها در بخش‌هایی که بودجه دولتی کافی نمی‌باشد، در توسعه و بهبود اوضاع جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد.

در قرآن با وجود اینکه کلمه وقف به صورت مستقیم بیان نشده است اما دو آیه به باقیات الصالحات، ده آیه به خیر و خیرات و حدود پانزده آیه به صدقات و در شصت آیه به انفاق اشاره شده است که مصداق وقف می‌باشد و نشان دهنده اهمیت آن در آیات اسلامی است. وقف شامل وقف اموال، وقف سهام، وقف پول و اوراق وقفی است. وقف اموال با هدف حل مشکل فقر می‌باشد و برای اینکه افراد با هر توان مالی بتوانند در پروژه‌های وقفی شرکت کنند، از اوراق وقفی استفاده می‌شود. این اوراق ابزار مناسبی برای رشد و توسعه اقتصادی است. اوراق وقفی با جذب نقدینگی مازاد مردم خیر و هدایت آنها در طرح‌های عام المنفعه در ایجاد اشتغال و عدالت توزیعی جامعه مؤثر، و اوراق وقفی شامل اوراق وقف پول و اوراق وقف گروهی می‌باشد.

مروری بر آیات و روایات اسلامی در زمینه بهداشت بیانگر اهمیت بهداشت در اسلام است. برخورداری از بهداشت و سلامت و دسترسی عادلانه به مراکز و خدمات درمانی حقوق مسلم فردی و اجتماعی است. ارائه عادلانه خدمات و آموزش‌های بهداشتی، آسایش، رفاه عمومی و امنیت جامعه را افزایش می‌دهد. از اهداف اصلی نظام مالی اسلام، تلاش برای ایجاد عدالت همه جانبه در جامعه است. وقف مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، تأمین تجهیزات درمانی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها در راستای کاهش هزینه‌های درمانی مردم می‌تواند در اجرای عدالت مؤثر باشد. بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های وقفی وسیله‌ای برای کاهش هزینه‌های درمانی مردم است. در کشورهای اسلامی، وقف اموال در امور درمانی به دلیل جنبه‌های انسان دوستانه و سفارش‌های مکرر اسلام مبنی بر کمک به ناتوانان و بیماران، همواره مورد توجه افراد خیر بوده است.

در ایران ساخت و تجهیز مراکز درمانی وقفی سابقه طولانی دارد و حدود ۱۵ درصد بیمارستان‌های بخش عمومی را بیمارستان‌های موقوفه تشکیل می‌دهند. از جمله مراکز درمانی موقوفه که با هدف ارائه خدمات رایگان بهداشتی برای افراد آسیب‌پذیر و خانوار کم درآمد ساخته شده‌اند، می‌توان به دارالشفای بیمارستان‌های نوریه و ارجمند در کرمان، بیمارستان مرادی رفسنجان، بیمارستان آیت اله نبوی در دزفول، بیمارستان‌های گودرز و آرش در یزد، بیمارستان‌های نمازی و خلیلی شیراز، بیمارستان کامکار عرب‌نیا در قم و بیمارستان‌های فیروزآبادی و امیرالمؤمنین (ع) و بیمارستان تخصصی سرطان در تهران و سایر مراکز وقفی اشاره کرد.

## ۶. شاخص‌های عدالت در تأمین مالی درمان

در این مقاله وضعیت عدالت با بهره‌گیری از دو شاخص مشارکت مالی خانوار در هزینه‌های درمان و شاخص فقر درمان نشان داده شده است. بدین منظور از داده‌های بودجه خانوار برای دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۹ استفاده شد. شاخص مشارکت مالی خانوار در هزینه‌های درمان با محاسبه نسبت هزینه‌های بهداشت و درمان به کل درآمد مازاد بر هزینه‌های حداقل معاش (توان پرداخت خانوار) حاصل گردید. اگر نسبت هزینه بهداشت به توان پرداخت خانوار از ۰/۴۰ تجاوز کند، خانوار دچار هزینه‌های کمرشکن می‌شود و در اثر هزینه‌های

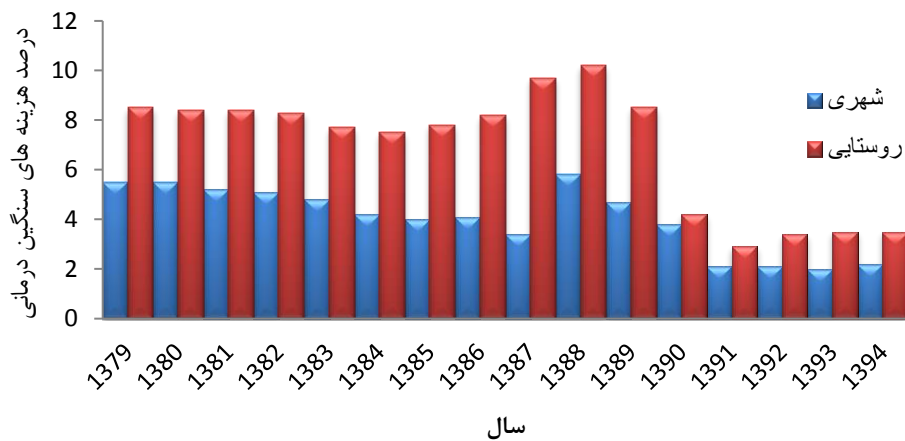


درمانی با فقر مواجه می‌شود. با محاسبه مشارکت مردم در پرداخت هزینه‌های سلامت، با تحلیل کاربردی فقر سلامت در اثر هزینه‌های سلامت نیز محاسبه شد.

روند شاخص هزینه‌های سنگین درمان در طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۴ برای بخش شهری و روستایی در نمودار (۱) نشان داده شده است.

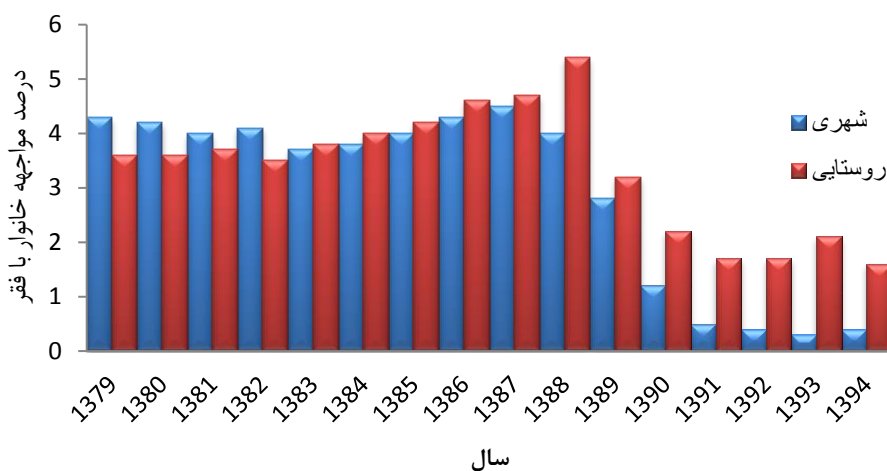
همان طور که مشاهده می‌شود در سالهای ۱۳۹۱ به بعد با اجرای نظام سلامت همگانی درصد خانوارهایی که با هزینه‌های کمرشکن درمانی مواجه شده‌اند، کاهش یافته است.

### نمودار ۱. درصد خانوارهای مواجه با هزینه‌های سنگین درمانی در مناطق شهری و روستایی (۱۳۷۹-۱۳۹۴)



در نمودار (۲) درصد خانوارهایی که در اثر هزینه‌های بالای درمانی گرفتار فقر می‌شوند، ملاحظه می‌گردد. با در نظر گرفتن آستانه خط فقر به میزان ۰/۴۰ و با تحلیل مشارکت مالی، این شاخص محاسبه شده است؛ که اگر هزینه کل خانوار بالاتر از خط فقر باشد و هزینه کل بدون در نظر گرفتن هزینه مشارکت مردم در پرداخت هزینه‌های درمان زیر خط فقر باشد، خانوار فقر ناشی از هزینه‌های درمانی را تجربه خواهند کرد و در دام فقر گرفتار خواهد شد.

## نمودار ۲. درصد مواجهه خانوار با فقر در اثر هزینه‌های درمانی در مناطق شهری و روستایی (۱۳۷۹-۱۳۹۴)



بررسی روند شاخص فقر سلامت نیز مؤید نتایج درصد مواجهه خانوار با هزینه‌های سنگین درمانی است. همان‌طور که نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهد، درصد خانوارهای روستایی که در اثر هزینه‌های درمان دچار فقر می‌شوند و یا با هزینه‌های سنگین مواجه می‌شوند، بیشتر است که به دلیل توان پرداخت کمتر خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری است. هرچند هر دو شاخص بیانگر افزایش عدالت در تأمین هزینه‌های درمان و کاهش مواجهه خانوار با فقر سلامت و هزینه‌های کمرشکن درمان است، اما با توجه به اینکه افزایش تعرفه‌ها و اضافه شدن خدمات پزشکی جدید به تعهدات پایه و بیمه کردن بدون پشتوانه مالی پایدار، منجر به مشکلاتی مانند افزایش بدهی سازمان‌های بیمه‌ای شده است و از طرفی دولت نیز به تنهایی قادر به تأمین مالی بخش درمان نخواهد بود. جلب مشارکت‌های مردمی و جذب کمک‌های خیرین و واگذاری امر بهداشت و درمان به مردم به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه می‌تواند در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد.

### ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع سلامت و دسترسی به خدمات سلامت و تأکید برنامه‌های توسعه بر کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت، بهبود وضعیت عدالت در تأمین مالی نظام سلامت و تأکید بر تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت و مشکلات ایجاد شده برای سازمان‌های بیمه‌گر و کاهش توان مالی دولت‌ها در استمرار تأمین مالی بخش بهداشت، درآمدهای وقفی به عنوان یک منبع مالی بالقوه می‌تواند در تجهیز مراکز درمانی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر در راستای استفاده از خدمات درمانی گران‌قیمت مورد استفاده

- قرار گیرد و در بالا رفتن سطح سلامت در جامعه و کاهش درصد مواجهه خانوار با فقر در اثر هزینه‌های درمانی مؤثر باشد. در این راستا راهکارهای زیر ارائه می‌شود:
- تدوین و اجرایی نمودن سیاست‌های حمایتی برای کاستن از مواجهه خانوارها (بخصوص خانوارهای کم درآمد و آسیب‌پذیر) از پرداخت‌های سلامتی که منجر به هزینه‌های کمرشکن و یا فقر می‌شود؛
  - توجه به ویژگی‌های خانوارها (نوع شغل، بعد خانوار، شهری یا روستایی، میزان درآمد و میزان آسیب‌پذیری از فقر) در تدوین تعرفه‌های درمانی؛
  - هدایت انگیزه‌های خیرخواهانه مشارکتی مردم به سمت نیازهای واقعی جامعه و جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های خیریه؛
  - تقویت و گسترش فرهنگ وقف در راستای تأمین مالی عادلانه هزینه‌های سلامت؛
  - فرهنگ‌سازی توسط رسانه‌ها در راستای گسترش امور درمانی وقفی.

## منابع و مأخذ

- آصف زاده؛ سعید و همکاران (۱۳۹۳). بررسی درآمد اختصاصی بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی استان گیلان در سال ۱۳۹۱. مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ۹۲(۲۳): ۶۳-۶۸.
- راغفر؛ حسین، خضری، محمد، واعظ مهدوی؛ زینب و کبری سنگری مهذب (۱۳۹۲). تأثیر ناکارایی بیمه‌های درمانی در فقر خانوارهای کشور. مجله پژوهشی حکیم، ۱۶(۱): ۹-۱۹.
- سند ملی توسعه بخش بهداشت و درمان در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
- صادقی، نغمه و زارع، حسین (۱۳۸۸). تأثیر نظام تأمین مالی در بهبود عملکرد بیمارستان. فصلنامه پایش، ۸(۲): ۱۳۵-۱۴۵.
- عالم واقف، حاج ابراهیم میرزاخویی، انتشارات اوقاف، ۱۳۹۳.
- قیاسوند، حسام، هادیان، محمد و محمدرضا ملکی (۱۳۹۰). ارتباط بیمه سلامت و هزینه‌های سنگین خدمات درمانی در بیمارستان های مرتبط با دانشگاه علوم پزشکی ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۹۴: ۲۰۷-۲۲۴.
- کریمی، ایرج؛ نصیری پور، امیر اشکان؛ ملکی، محمد رضا و هادی مخترع (۱۳۸۴). ارزیابی شیوه‌های تأمین مالی و نظام پرداخت به ارائه کنندگان خدمات سلامت در کشورهای منتخب ارائه الگو برای ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سلامت: ۱۸(۲۲).
- ماهر، علی؛ احمدی، علی محمد و ثشکری جمنانی، آناهیتا (۱۳۸۷). شناسایی چگونگی روش‌های تأمین منابع مالی نظام سلامت کشورهای منتخب در فاصله سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۸ و ارائه ساز و کارهای تولید منابع مالی جدید در نظام سلامت ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱: ۱۱۵-۱۴۹.
- نگاهی نو به آثار اجتماعی وقف، قاسمی‌زاده راوری، انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۶.
- یوسفی، مهدی، عساری آرانی، عباس و سبحانی، بهرام (۱۳۹۳). بررسی میزان مشارکت مالی خانوارها در استفاده از خدمات سلامت. مجله پی‌اورد سلامت، ۸(۶): ۵۱۷-۵۲۷.
- Knaul, F., & Frenk, J. (2005) Health insurance in Mexico: achieving universal coverage through structural reform. *Health Affairs*, 24(6):1467-76.
- Mehrara, M., Fazaeli, A.A. (2010) Health Finance Equity in Iran: an Analysis of Household Survey Data, *Journal of Health Administration*, 13 (40): 51-61.

## ارزیابی قانون برنامه ششم توسعه از منظر عدالت اقتصادی

سید احسان خاندوزی<sup>۱</sup>

زهرا ذاکری<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله پاسخی است به پرسش نسبت قانون برنامه ششم توسعه با عدالت اقتصادی. به این منظور و برای روشن ساختن موضع نظری خود در مساله عدالت، هفت دسته نظریات مهم و متاخر در عدالت مرور شده اند و نظریه اسلامی عدالت به جهت معیارهای جامعتر و حجیتی که برای قانونگذار مسلمان دارد، به عنوان دیدگاه مختار، تبیین شده است. سپس با استفاده از معیارهای مصرح در عدالت اقتصادی اسلام، تک تک مواد دو قانون «احکام دائمی برنامه های توسعه و برنامه ششم توسعه» مورد بررسی قرار گرفته و سهم هر یک از زوایای عدالت در این دو قانون شناسایی شده است. نتایج نشان می دهد نزدیک ۳۰ درصد احکام قانون برنامه ششم توسعه با تحقق عدالت اقتصادی ارتباط «مستقیم» دارند که از این میان، سازوکارهای بازتوزیعی، عدالت سرزمینی، حمایت های اجتماعی خاص و پیشگیری از بروز فساد، به ترتیب با ۳۳، ۲۷، ۱۸ و ۱۳ درصد بیشترین احکام حوزه عدالت را به خود اختصاص داده اند، شرعیت و استحکام قراردادهای در کنار عدالت بین نسلی و بین جنسیتی کمترین مواد را دارا هستند. از سوی دیگر بیش از ۵۵ درصد احکام مرتبط با عدالت در برنامه ششم، از جنس مقدمات بلندمدت (مانند تهیه اسناد، تشکیل شورا، اصلاح ساختارها و غیره) محسوب می شوند، همچنین تعداد انگشت شماری از احکام قانون برنامه ششم، در تعارض با معیارهای عدالت اسلامی ارزیابی شده است.

**واژگان کلیدی:** نظریه های عدالت، اقتصاد ایران، برنامه ششم توسعه، قانونگذاری، اقتصاد اسلامی

---

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. پژوهشگر دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

## مقدمه

قانون برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) به لحاظ ساختار قانون نویسی، در تداوم مسیر برنامه های سوم تا پنجم توسعه و با نگاهی جامع نگر برای حوزه های مختلف تدوین شده است و سومین قانون برنامه پس از انقلاب اسلامی است که از ابتدای تدوین تا سال پایانی اجرای آن در دوره یک دولت قرار دارد. این قانون ۱۲۲ ماده ای گرچه حاصل افزودن ده ها ماده مفصل از سوی مجلس شورای اسلامی به لایحه مختصر و ۳۴ ماده ای دولت بود اما اگر در کنار قانون احکام دائمی برنامه های توسعه (مصوب ۱۳۹۵) لحاظ شود، می تواند بیانگر مجموعه احکامی باشد که دولت و مجلس برای سالهای پیش رو در نظر گرفته اند.

از آنجا که در مدل برنامه نویسی جامع، ما با کثرت اهداف در اکثر حوزه های اقتصادی و غیراقتصادی، کثرت ابزارها و سیاست های اجرایی و در نهایت احکام متکثر مواجه هستیم، می توان وزن هر یک از اهداف کلان و راهبردی مدنظر سیاستگذار را از خلال مواد قانون کشف کرد. شاید به همین قاعده ناصواب است که در دوره بررسی لایحه برنامه، تلاش دستگاه های مختلف آن است که بخشهای بیشتری از قانون را به احکام حوزه خود اختصاص دهند تا بدین ترتیب، وزن بخش خویش را در پنج سال اجرای قانون، از جهت دریافت بودجه و امثالهم افزایش دهند.

برشی از برنامه توسعه که در این مقاله مدنظر است، نه برش بخشی و دستگامی، بلکه کنکاش در موادی از برنامه است که ناظر به تحقق هدف عدالت اجتماعی و اقتصادی است. اهمیت عدالت در نظام سیاست گذاری و برنامه ریزی منحصر به آموزه های مکتب اسلام نیست، هرچند در این نگرش از اولویت و ابعاد ویژه ای برخوردار است. تأکیدات اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و رهبران نظام در کنار مطالبه عمومی رفع فقر و فساد و نابرابری های ناموجه، موجب شده که انتظار داشته باشیم، تنظیم کنندگان برنامه های توسعه جایگاه مستقلی را به موضوع عدالت اختصاص دهند. باید بر همه این نکات، نامگذاری دهه چهارم انقلاب به عنوان «عدالت و پیشرفت» را افزود که در نتیجه محوریت برنامه های پنجم و ششم را مشخص کرده است. از منظر صورت، برخی حقوقدانان معتقدند که اگر یک حکم قانونی، رویه ها و تشریفات تصویب را به درستی طی کرده باشد، شرایطی مانند کلی بودن و الزام آور بودن و غیره را دارا باشد و دولت یا مجلس متکی بر آراء اکثریت مردم یک جامعه، آن را تأیید کرده باشد، می توان آن حکم قانونی را عادلانه شمرد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۰).

از منظر محتوا، برخی دیگر از اندیشمندان بر این باورند که گرچه طی تشریفات قانونی، لازم است اما برای تأیید عادلانه بودن قانون کافی نیست. این جریان معتقدند عدالت حائز اصول و معیارهایی در مکتب مقبول نزد عالمان و سیاستگذاران یک جامعه است، که اگر قانون با آن اصول و معیارها منطبق یا در راستای تحقق آنها بود، آنگاه می توان حکم قانونی را عدالت محور شمرد.

این مقاله بر اساس دیدگاه دوم تنظیم و با هدف تطبیق محتوای قانون برنامه ششم با معیارهای عدالت تدوین گردیده است. پیش از ورود به بخش نخست باید یک نکته دیگر مورد توجه قرار گیرد. مواد قانون می توانند دو نسبت متفاوت با معیارهای عدالت داشته باشند:

۱. رابطه صریح و مستقیم: برخی مواد قانون به شکل صریحی در راستای معیارهای عدالت هستند و نسبت میان حکم قانون و هدف عدالت به وضوح قابل شناسایی است؛

۲. رابطه ضمنی و غیرمستقیم: پیچیدگی نسبت میان پدیده های اجتماعی گاه به گونه ای است که موجب پیوندهای غیرمستقیم می شود. به بیان دیگر برخی مواد قانونی آشکارا نسبتی با معیارهای عدالت ندارند اما می توانند به شکل غیرمستقیم به تقویت یا تضعیف معیارهای عدالت منجر شوند.

به عنوان نمونه اگر کاهش نابرابری درآمد یا مصرف را به عنوان یکی از ملاکهای عدالت بپذیریم، حکم قانونی مبنی بر سقف درآمدی مدیران و مقامات به شکل صریح در راستای معیار فوق است، در مقابل افزایش پذیرش دانشجویان از مناطق محروم و کمتر توسعه یافته می تواند در آینده و به شکل غیرمستقیم موجب ارتقاء توانمندی، بهبود دسترسی به شغل و رشد سطح درآمد این اقشار و در نهایت کاهش نابرابری درآمدی گردد. در این مقاله به جهت دشواری استدلال برای پیوندهای ضمنی و غیرمستقیم، تنها به موادی از قانون برنامه پرداخته شده است که به شکل صریح و مستقیم با معیارهای عدالت نسبت دارند.

با وجود آنکه تنظیم کنندگان تمام شش برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی و حتی برنامه های عمرانی پیش از آن، عدالت را به عنوان یکی از سرفصل های برنامه خود معرفی کرده اند، اما تفاوت تلقی ها در مفهوم عدالت، شیوه تحقق و سیاست های منجر به عدالت موجب شده که تفاوت های متعددی در رویکرد برنامه های توسعه نسبت به عدالت اجتماعی وجود داشته باشد. بر این اساس در بخش نخست مقاله ضمن مروری مختصر بر تئوری های رقیب در عدالت (با تأکید بر عدالت اقتصادی)، معیارهای عدالت در هر رویکرد و رویکرد مختار تشریح می شود. سپس در بخش دوم به بیان احکام مرتبط قانون برنامه ششم با معیارهای مذکور خواهیم پرداخت و در بخش سوم تحلیل و جمع بندی ارائه خواهد شد.

### ۱. چارچوب نظری: معیارهای عدالت اقتصادی

با توجه به ماهیت نرماتیو تئوری های عدالت، بر اساس مبناهای متفاوت می توان دسته بندی های مختلفی از نظریات عدالت در غرب ارائه داد. با توجه به لزوم ارائه یک تصویر کلی قابل فهم، ما در این تحقیق از محوریت صاحب نظران مختلف می گذریم و تلاش می کنیم تئوری های عدالت اقتصادی را با توجه به مکاتب و رویکردهای کلی تقسیم نماییم.

برخلاف قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که پرچم عدالت، در تئوری و در عمل، به دست دیدگاه های سوسیالیستی و در راس همه پیروان کارل مارکس بود، نیمه دوم قرن بیستم با ضعف تدریجی این جریان ها توأم شد و لیبرال ها توانستند پرچم تئوری پردازی عدالت را از دست نومارکسیست ها برابند. بنابراین جز خرده نظریاتی که پیرامون دولت رفاه و نیازهای اساسی (پل استریتن)، برابری در منابع اقتصادی (رونالد دوورکین) یا ساختار نظام جهانی (سمیر امین و امانوئل والرشتاین) مطرح شد، تئوری قابل اعتنایی از اردوگاه برابری طلبان ارائه نگردید (خاندوزی، ۱۳۹۰).

## ۱-۱. معیار در عدالت مساوات گرا

تساوی طلبی، مساوات‌گرایی یا برابری خواهی، اندیشه‌ای است که از گذشته‌های بسیار دور نزد متفکران وجود داشته است. گرچه مشهور است جریان‌های مارکسیست و سوسیالیست پرچم دار تلقی‌های مساوات‌گرایانه از عدالت هستند، اما نگرش‌های رایج دیگری نیز با همین ویژگی وجود دارند. در جریان‌های غیرمارکسیست، آثار رونالد دوورکین حاوی مهمترین دفاعیه‌ها از برابری طلبی است. یکی از نخستین سؤالاتی که فرد مساوات‌طلب باید به آن جواب دهد، این است که برابری چه چیزی؟ (سؤالی که آمارتیا سن در کتابش آن را مهمترین سؤالات نظریات عدالت می‌شمارد)؛ بهتر بگوییم، دقیقاً چه چیزی را دولت باید برابر کند؟ در نظریه‌های مساوات‌طلبانه مدرن دو پاسخ شاخص به این سؤال هست: برابری رفاه و برابری منابع یا امکانات؟

مساوات‌طلبی رفاهی مشکلات جدی دارد. چونکه ممکن است خوشبخت کردن یک فرد به سبب داشتن ذوق و پسند متفاوت بسیار دشوارتر از خوشبخت کردن فرد دیگر باشد و ارضای این ذوق و پسندها پرهزینه‌تر هستند. رفاه را هرگونه که تعریف کنیم عده‌ای در جامعه گرفتار مشکلات طبیعی‌اند؛ مثلاً بیماران که این در رفاهشان تأثیر منفی دارد و برای آنکه به مرز خوشبختی و رفاه آدمهایی که این مشکلات را ندارند، برسند، باید امکانات و منابع گسترده‌ای را صرف کرد. در نتیجه برابر کردن رفاه تبدیل به امری پرهزینه و یا شاید محال گردد. خصوصاً این افراد سالم هستند که اکثر این منابع و امکانات را با کار خود فراهم می‌آورند. برای همین، بسیاری از مساوات‌طلبان به پیروی از رونالد دوورکین<sup>۱</sup> به دفاع از مساوات‌طلبی امکاناتی پرداخت هاند، که می‌گوید دولت باید نه رفاه، بلکه منابع و امکانات را برابر کند (موحد، ۱۳۸۱: ۳۳۶). این مساله صرفاً به همین سادگی نیست که به هر کس مقدار یکسانی از منابع و امکانات داده شود و دولت چنان نقل و انتقال منابع و امکانات را زیر نظر داشته باشد که اطمینان حاصل شود این برابری حفظ خواهد شد. بلکه آنچه دوورکین بیان می‌کند نحوه‌ای از توزیع منابع و امکانات است که در عین اینکه به همگان دقیقاً یک مقدار از منابع و امکانات را نمی‌دهد، همگان را از سهم خویش راضی نگه می‌دارد. دوورکین برای روشن کردن نظر خود دست به آزمایش می‌زند: تصور کنید گروهی مردم کشتی شکسته در جزیره‌ای دورافتاده تصمیم گرفته‌اند منابع و امکانات آن جزیره را میان خود تقسیم کنند. با توجه به اینکه آنها از ذوق و پسند خود آگاهند، تصمیم می‌گیرند از روش حراج استفاده کنند. به هر یک از آنان قدرت خرید برابری داده می‌شود که واحد این قدرت خرید را صدف می‌نامند. تمام اجناس و املاک جزیره غیر از خود مردم قابل فروشند. مسئول حراج برای هر قلم جنس، قیمتی تعیین می‌کند و تمام اجناس و املاک جزیره براساس قیمت‌های پیشنهادی به فروش می‌رسد. پس از فرایند حراج نیز هر یک از مردم جزیره آزاد است که جنسی را که خریده است، بفروشد یا معاوضه کند. دوورکین می‌گوید: حال ما به برابری رسیده‌ایم. البته همه چیزهای یکسانی صاحب نشده‌اند و هر کس داشته‌های دیگران را به یک چشم ارزشگذاری نمی‌کند. ذوق و پسند متفاوت آنها قانعشان می‌کند که برخی از آنها نسبت به دیگری بهتر عمل کرده است و برنده‌اند. اما نکته مهم این است که همه آنها بختی معادل با بقیه داشته‌اند تا با همان منابع و امکانات اولیه



تمنیات خود را به بهترین نحوی که می‌توانستند ارضا کنند. در ادامه دوورکین به دولت‌ها توصیه می‌کند سهمی تقریباً برابر و نه دقیقاً برابر از منابع و امکانات به مردم بدهند تا قادر شوند طرح و نقشه‌های زندگی خود را تعقیب کنند (همپتن، ۱۳۸۰: ۲۷۶-۲۶۶). روشن است که از دل این نظریه وظایف وسیع دولت در حوزه بازتوزیع استخراج می‌شود. در نیمه دوم قرن بیستم الگوی مساوات‌گرایانه جای خود را به الگوی تأمین نیازهای اساسی<sup>۱</sup> و تشکیل دولت رفاه‌هایی مشابه اسکاندیناوی داد (از این دیدگاه‌ها می‌توان تحت عنوان مساوات در حداقل رفاه نام برد). در نگرش حامیان الگوی دولت رفاه، تمام شهروندان جامعه را برای دریافت قدر کفایتی از منافع اجتماعی از سوی بخش عمومی، مستحق و شایسته می‌دانند؛ البته دولتی مبتنی بر فرایندهای دموکراتیک، شفاف و پاسخگو، که مشکلات تساوی طلبی سوسیالیستی را نداشته باشد (رم، ۲۰۰۱). این نگرش ماهیتی حقوق نگر دارد و تأمین حق سلامت، بهداشت، آموزش و حداقل معیشت را تکلیف جامعه و دولت برای آحاد شهروندان و انسان‌ها می‌داند.

برابری در رفاه به معنای برخورداری همه افراد از سطح همانند رضایت و ارضاء نیاز است و احتمالاً مستلزم یک دولت رفاه پدرسالارانه. اما در برابری فرصت رفاهی، چون افراد کاملاً مسؤول گرایشها و سلیقه‌های خود به شمار می‌روند، حداکثر کاری که جامعه می‌تواند انجام دهد حصول اطمینان از این امر است که هر کس فرصت و امکان ارضای نیاز یا پسند خود را داشته باشد، یعنی سطح مشترکی از سلامت، آموزش و دسترسی به منابع مالی. مشابه همین تفاوت میان برابری منابع (درآمد و ثروت) با برابری فرصت دستیابی به منابع وجود دارد (پتريک، ۱۳۹۴: ۲۶).

## ۲-۱. معیار در عدالت آزادی‌مدار (اختیارگرا)

کتاب فردریش فون هایک در نیمه دوم قرن بیستم بزرگترین نماینده آن برداشتی از عدالت است که آزادی را ارزش کانونی جامعه می‌داند. بیانهای دیگری از این دیدگاه نزد هابز و لاک قابل ردیابی است. به عنوان نمونه هابز معتقد است زمانی که دولت قوانین اصلی را برای حراست از جان و مال مردم وضع کرد، دیگر عدالت در مبادله و در توزیع، بی‌فایده‌اند؛ زیرا ارزش هر چیز از جمله کار آدمیان در دادوستد داوطلبانه یا بازار تعیین می‌شود و هیچ مبنای اخلاقی دیگری برای تعیین ارزش وجود ندارد (هابز، ۱۳۸۰: ۴۵). در اندیشه لاک نیز جز اصول آزادی (با همان نگاه حقوق طبیعی و عقلی)، حفظ امنیت و حق مالکیت مبنای دیگری برای سنجش عدالت اجتماعی یافت نمی‌شد (لاک، ۱۳۸۷: ۴۵).

اما آنچه فردریش فون هایک در خصوص عدالت می‌گوید، فراتر از نظر فلاسفه لیبرال است؛ به نحوی که وی را در زمره لیبرتارین‌ها (اختیارگرا) جای می‌دهند که شعبه افراطی و ضد دولت از ایده آزادی‌خواهی کلاسیک است.

نکته برجسته‌ای که هایک در نظریه خود اشاره می‌کند، آن است که «عادلان» وصف رفتار انسانی است و

بس. یک وضعیت اجتماعی را نمی‌توان موضوع عدل یا ظلم دانست. بر همین اساس قواعد رفتار عادلانه ناظر بر قواعد مستقل از وضع نهایی است که کمک‌کار ایجاد نظم خودجوش اجتماعی است و پایه حقوق خصوصی و یک جامعه آزاد به شمار می‌روند. هایدک معتقد است قواعد مبتنی بر غایت که مناسب یک اجتماع کوچک یا یک سازمان است، تنها برای دولت به کار می‌رود و می‌توان آن را حقوق عمومی نامید؛ اما برای جامعه به کار نمی‌رود (هایک، ۱۹۷۶: ۳۱). به نظر او همانطور که نمی‌توان درباره یک پدیده ذاتاً اجتماعی مانند نحوه گفتار یا پوشش مردمان جامعه قضاوت عادلانه یا ظالمانه نمود، درباره نحوه توزیع مالکیت‌ها نیز نمی‌توان چنین سخنی گفت زیرا محصول انتخاب‌های آزاد و تاریخی میلیون‌ها انسان است که بدون نقشه قبلی یا بدون تحمیل، چنین وضعی یافته است.

به اعتقاد هایدک اگر یک وضعیت یا شرایط اجتماعی را عادلانه یا ناعادلانه می‌خوانیم معنای آن این است که یک فرد یا برخی افراد خاص را مسئول آن شرایط یا مجاز برای تغییر آن بدانیم. یک موقعیت اقتصادی یا سیاسی (مثل فاصله فقیر و غنی) می‌تواند از نظر ما خوب یا بد باشد؛ اما نمی‌تواند متصف به عدل گردد. به دیگر سخن نمی‌توان امری را که خارج از اراده یا کنترل انسان است، ناعادلانه یا غیراخلاقی خواهند و اگر گاه شرایطی را که ناشی از انجام یک وظیفه اخلاقی است (مانند شرایط دستمزد کارگران)؛ در واقع عمل انسانی موجب آن را عادلانه می‌شماریم، نه آن موقعیت خارجی را (همان: ۳۲).

به نظر هایدک ما حتی می‌توانیم رفتارهای جمعی از مردم یا یک سازمان مانند دولت را ناعادلانه بخوانیم اما نمی‌توان در مورد جامعه اینگونه سخن گفت. پس در اندیشه هایدک عدالت اجتماعی به عدالت در رفتار عاملان اجتماعی (افراد یا دولت) تقلیل می‌یابد. در این نگاه هدف قانون ایجاد زمینه و انگیزه برای رفتارهای عادلانه است و گرچه قانون می‌تواند به درستی وضعی شود یا به غلط، اما حتی قانون نیز خود عادلانه یا ناعادلانه نیست. به همین ترتیب نتایج حاصل از یک موقعیت اقتصادی و اجتماعی (مانند فقر برخی گروه‌ها) نیز نمی‌تواند ناعادلانه تلقی شود (همان). زیرا اساس در نظم خودجوش موقعیت یک فرایند برآیندی از اعمال بسیاری افراد است و هیچکس مسئولیت یا قدرت تعیین آن را که نتیجه و پیامد این همه رفتار مستقل چگونه خواهد بود ندارد. از این رو در نظم خودجوش نمی‌توان قاعده‌ای برای موقعیت نهایی افراد تعریف کرد. بنابراین اگر موقعیت اجتماعی یا ثروت بیشتر فرد الف نسبت به ب، نتیجه خاص رفتار یک فرد نباشد، نمی‌توان شرایط فرد ب را ناعادلانه توصیف نمود. در این نظریه عدالت توزیعی در جامعه هیچ معنایی ندارد (همان: ۳۳).

با توجه به اینکه رفتار عادلانه در نزد هایدک تنها در حوزه رفتارهای اثرگذار بر دیگران معنا دارد، تمام پرسش عدالت اجتماعی در اندیشه هایدک عبارت می‌شود از اینکه: قواعد رفتار فردی عادلانه در حریم عمومی چیست؟ به نظر هایدک نه تمام عدالت در شکل قانون رسمی جلوه می‌کند و نه تمام قانون بیان اصول عدالت است. در یک جامعه آزاد از تمام قانون، تنها بخش قواعد رفتار فردی را باید بر شهروندان حاکم نمود و حقوق بخش عمومی تنها شامل اعضاء سازمان و دولت می‌شود. اما او قواعد رفتار عادلانه را به دو بخش تقسیم می‌کند: حقوق خصوصی (شامل آزادی و مالکیت شخصی) و حقوق کیفری (همان: ۳۴). از این میان

هیچ تک‌گزاره‌ای بیانگر عدالت نیست بلکه کل آنها یک نظام را تشکیل می‌دهند. اصولی که بیانگر شرایط کسب و انتقال دارایی‌ها، عقد قراردادهای یا کسب و خلع از حقوق اجتماعی یا قدرت سیاسی هستند، همگی در خدمت وضع قوانین قرار می‌گیرند تا از قواعد رفتار عادلانه حمایت کنند (همان: ۳۵). این عصاره و فلسفه قانون‌گذاری اختیارگرایان است.

هایک با استناد به اصل وضع قانون برای افراد و موقعیت‌های ناشناخته، نکته بدیع دیگری در نظریه عدالتش وارد می‌کند و آن ماهیت سلبی اصول عدالت است (که البته این در سنت لیبرال ریشه دارد). از آنجا که قواعد رفتار عادلانه بدون در نظر گرفتن یک نتیجه نهایی یا موقعیت مطلوب وضع می‌گردد، همه این قواعد ماهیت سلبی دارند یعنی افراد را از نوعی تعامل و رفتار بازمی‌دارند؛ نه اینکه رفتار و هدف خاصی را توصیه و ترغیب نمایند (همان: ۳۶). در نتیجه عدالت یعنی قواعدی که به من می‌گوید با دیگری چگونه مبادله نکن (حقوق خصوصی) و چگونه مراوده نکن (حقوق کیفری). اصرار این رویکرد بر دولت حداقلی که نه وظایف گسترده و نه اختیارات و مداخلات وسیعی داشته باشد، از این مبنا نشات می‌گیرد.

بهترین نقش برای عدالت از نظر هایک حفاظت از حوزه آزادی فردی و نفی غایات جمعی است. شدت حمایت از وضع موجود و حتی‌الامکان واگذاری تمام امور به سازوکارهای خودتنظیم بازار در نظرات هایک به اوج خود می‌رسد؛ به نحوی که او حتی مداخله به قصد اصلاح‌کردن فرایندهای نادرست بازار را نیز موجب بربادرفتن نظم بازار می‌داند (همان: ۱۴۲).

گرچه می‌توان کتاب معروف روبرت نوزیک با نام «بی سروری، دولت و آرمانشهر» را به عنوان متن مبنای مورد بررسی این رویکرد قرار داد؛ اما واقعیت آن است که تمام ایده‌های نوزیک به نحو فلسفی‌تری ریشه در آراء هایک دارد. تمام مسائلی که نوزیک در فصل هفتم کتابش پیرامون بی‌معنایی عدالت توزیعی، رد هرگونه الگوی از پیش‌نوشته شده از عدالت و نفی قواعد مبتنی بر یک وضع نهایی مفروض بیان می‌کند، به نحو کامل‌تری در اندیشه هایک یافت می‌شود و تنها تفاوت عبارت جدیدی است که نوزیک تحت عنوان معیار استحقاق برای عدالت برمی‌شمرد و یک قاعده سه مرحله‌ای برای آن وضع می‌کند (نوزیک، ۱۹۷۴: ۱۵۰):

- کسی که مالی را مطابق اصول عادلانه تملک دارایی‌ها به دست می‌آورد، مستحق آن است؛
- کسی که مالی را مطابق اصول عادلانه انتقال دارایی‌ها از فرد دیگری که استحقاق مالکیت آن را داشته دریافت می‌کند، مستحق آن است؛

• هیچکس مستحق هیچ مالی نیست، مگر با به‌کار بردن (یا تکرار) اصل اول یا دوم.

بنابراین عدالت توزیعی به صورت دیگر معنایی ندارد و به صورت تاریخی هر توزیعی که طی آن هر فرد به دارایی مستحق خود رسیده باشد، عادلانه خواهد بود.

در این دیدگاه به نظر می‌رسد ریشه سیاست‌ها در مکتب اصالت فرد و طفیلی‌شمردن جامعه است؛ به نحوی که هایک در کتابش به فاقد ارزش بودن جامعه تصریح دارد. گذشته از نقدهای فلسفی و اخلاقی و اجتماعی که بر فردگرایی افراطی وارد است، محدودکردن عدل به رفتارهای عامدانه انسانی و همچنین اساس

ایده طبیعی بودن فقر و بی‌عدالتی (تشبیه تطور تاریخی زبان) به شدت محل مناقشه است. از سویی گاه عدالت حکم می‌کند نتایج رفتارهای غیرعمدی نیز جبران شود؛ مانند راننده‌ای که به غیرعمد کسی را مجروح می‌کند یا می‌کشد (آرونز، ۲۰۰۹: ۹۱).

### ۳-۱. معیار در عدالت قراردادگرا

قراردادگرایان مخالف ایده آزادی برابر در جامعه عادلانه نبودند، اما به جای تعیین ساده اصل آزادی به عنوان ملاک عدل اجتماعی، معتقد به سازوکاری برای شناخت و توافق جامعه بر سر اصول عدالت بودند. در اندیشه جان رالز موضوع عدالت نه رفتارها و داوری‌های خاص بلکه «ساختار بنیادین جامعه» است؛ یعنی حقوق اساسی سیاسی و ترتیبات اقتصادی و اجتماعی کلان (رالز، ۱۳۸۷: ۳۷). البته وی منکر کاربرد مفهوم عدالت برای دیگر سطوح نیست، اما ساختارهای جامعه را نخستین و اثرگذارترین موضوع عدالت می‌داند و تأکید دارد که مهم دانستن دادگری یا بیدادگری نهادهای تحقق یافته جامعه است (همان: ۱۰۲ و ۱۰۶). به نظر وی اصول عدالت دو کارکرد مهم دارند: اول، تعیین شیوه تخصیص حقوق و تکالیف در نهادهای اساسی جامعه و دوم، تعیین شیوه مناسب توزیع منافع و هزینه‌های همکاری اجتماعی (همان: ۳۴). بر این مبنا اصول عدالت بخشی (و مهمترین بخش) از ایده‌آل اجتماعی است (همان: ۴۱).

ویژگی متمایز دیگر نظریه رالز آن است که در روش‌شناسی استخراج اصول عدالت، پیرو روسو و کانت است و مبنای قرارداد اجتماعی را پیش می‌کشد، قرارداد فرضی انسان‌های آزاد، عقلایی (نفع‌طلب) و برابر که در پس پرده‌ای از ناآگاهی قرار دارند، یعنی هیچکس از جایگاه خود در جامعه، موقعیت طبقاتی یا شأن اجتماعی و مقام سیاسی‌اش اطلاع ندارد و حتی از بخت و بهره خود در توزیع دارایی‌ها و توانایی‌های طبیعی نیز بی‌خبر است (همان: ۴۴). بدین ترتیب اصول عدالت حاصل یک توافق یا چانه‌زنی منصفانه است و از قبل به نفع یا زیان اشخاص یا گروه‌های خاص تدوین نشده است (همان: ۹۲). رالز نام ایده خود را از آن جهت عدالت به مثابه انصاف گذاشت که توافق بر سر اصول عدالت در وضعیت نخستین به صورت منصفانه صورت می‌گیرد. وی معتقد است در چنین شرایطی است که بیشتر همکاری داوطلبانه در جامعه شکل می‌گیرد.

حال با تمام این مقدمات و شرایط، اصول عدالت مورد توافق منصفانه چیست؟ وی اصل مطلوبیت‌گرایی یعنی توزیعی که مطلوبیت کل جامعه را بیشینه نماید، را چندان برای پذیرش همگانی معقول نمی‌داند و البته خود اذعان دارد که مساله‌گزینش اصول بی‌اندازه دشوار است و نباید توقع داشت همگان را قانع کند (همان: ۴۹). رالز در نهایت معتقد است افراد در وضعیت نخستین دو اصل را بر می‌گزینند:

اصل نخست، مستلزم برابری در تخصیص حقوق و تکالیف پایه است: هر شخص قرار است حق برابری با دیگران در برخورداری از گسترده‌ترین آزادی‌های اساسی سازگار با آزادی‌های دیگران داشته باشد (همان: ۱۱۰).

اصل دوم، بیانگر دلیل و جهت نابرابری‌هایی است که جامعه آنها را می‌پذیرد: قرار است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به گونه‌ای ساماندهی شوند که اولاً، وابسته به مناصب و مزایایی باشد که باب آن تحت

شرایط برابری فرصتها به روی همگان گشوده باشد و ثانیاً، بیشترین سود را برای نابرخوردارترین‌ها در بر داشته باشد (همان: ۱۴۱).

به نظر رالز در تحقق جامعه عادلانه اصل برابری بر اصل تفاوت (اصل دوم) مقدم است و در اصل دوم نیز فراهم کردن فرصتهای برابر نسبت به توجه به محروم‌ترین گروه‌ها اولویت دارد.

وی در کتاب عدالت به مثابه انصاف تصریح می‌کند از بین نظام‌های سیاسی ممکن در عصر جدید، تنها دو رژیم دموکراسی مبتنی بر مالکیت خصوصی و سوسیال دموکراسی آرایش‌های نهادی‌ای هستند که این ظرفیت را دارند که دو اصل عدالتش را برآورده سازند (رالز، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۲۸). از خلال سطور کتاب رالز تمایل او به دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی (در مقابل دموکراسی رویه‌ای که جز خواست اکثریت محدودیتی بر محتوای قانون وجود ندارد) به وضوح خودنمایی می‌کند؛ زیرا تصریح حقوق و آزادی‌های برابر و همگانی در قانون اساسی خود مانع نقض یکباره و کلی آن خواهد شد.

مساله عدالت توزیعی در نظریه رالز مترادف توزیع بین‌نسلی است و نه صورت مساله توزیع ثروت و منزلت در یک مکان و زمان. پرسش او این است که نهادهای ساختار اساسی را چگونه باید به صورت طرح واحدی تنظیم کرد تا نظام منصفانه و کارآمدی از همکاری اجتماعی بتواند از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد؟ (رالز، ۱۳۸۳: ۹۳) به نظر می‌رسد رالز در خصوص کالاهای تولید شده، مساله توزیع را مهم نمی‌داند؛ زیرا مشخص است ارزش تولید شده باید به که برسد، او تنها مساله عدالت تخصیصی را درباره کالاهایی که حاصل تولید انسان نیست و کسی حقی بر آن ندارد، قابل طرح می‌داند. بنابراین رالز در حوزه‌ای خاص با نظر امثال نوزیک موافق است، زیرا خود تصریح می‌کند که ساختار اساسی به گونه‌ای تنظیم می‌شود که وقتی همه از قواعد به رسمیت شناخته شده پیروی کنند و به دعاوی تعیین شده با قواعد احترام گذارند، توزیع‌های خاص حاصل شده کالاها عادلانه به شمار می‌رود، فارغ از اینکه توزیع چگونه رقم خورده است (همان: ۹۴). رالز این مساله را عدالت زمینه‌ای می‌نامد. البته تفاوت رالز با نوزیک در آن است که وی عدالت زمینه‌ای را مرحله‌ای پس از تنظیم عادلانه ساختارهای اساسی جامعه می‌داند (همان: ۹۸). نقطه افتراق دیگر رالز آن است که او تصریح دارد منظورش صرفاً رفع موانع انتخاب (آزادی منفی) نیست، بلکه دادن توانمندی برای انتخاب واقعی به گروه‌های محروم است.

#### ۴-۱. معیار در عدالت رفاه‌گرا

به عقیده ریچارد پازنر (به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های رشته حقوق و اقتصاد) در کتاب اقتصاد عدالت، فرض اصلی علم اقتصاد، رفتار عقلایی مردم یعنی حداکثرکردن رضایت‌مندی مادی شخصی است و مهمترین قواعد اقتصادی با اتکاء به این فرض استخراج می‌شود. اما این فرض منحصر در تصمیمات بازاری و روابط صرفاً اقتصادی نیست، بلکه عموم مردم در دیگر حوزه‌ها نیز عقلایی رفتار می‌کنند. وی به صراحت معتقد است بسیاری از انتخاب‌ها از نوع تخلف یک مجرم و میزان جریمه پیش‌گیرانه گرفته تا زمان ازدواج، انتخاب تعداد فرزند، مدرسه محل تحصیل و رشته انتخابی و غیره، بر اساس همان فرض رفتار عقلایی قابل

توجیه، پیش‌بینی و در نتیجه سیاست‌گذاری است (پازنر، ۱۹۸۳: ۲). او خود می‌داند که در این نگرش پیرو جرمی بنتام است.

به تصریح پازنر او به دنبال نگرشی در باب عدالت است که مطلوبیت‌گرایی بنتام را که مورد هجوم شدیدترین نقدهای اخلاقی است، با سنت کانت که احترام به آزادی و حقوق انسان‌ها است، جمع نماید: همان دوراهی‌ای که رالز بر سر آن، راه دوم را برگزیده بود. بر این اساس او اصل حداکثرسازی ثروت جامعه را به عنوان معیار عدالت برمی‌شمرد، اصلی که به دلیل امکان انتخاب‌های بیشتر انسان‌ها (آزادی) و امکان تعریف وسیع ثروت‌های غیربازاری و غیرپولی (اخلاق) به لحاظ فلسفه اخلاق بیشتر قابل دفاع است (همان: ۶۵). جدای از این قابلیت، ثروت نسبت به مطلوبیت ذهنی، معیار مناسب‌تری برای یک علم اثباتی است و ماهیتی کمی دارد.

به نظر پازنر نظریه او هم از جهت تلقی عدالت به عنوان ساختار بنیادین جامعه و نظام توزیع حقوق و وظایف، با رویکرد رالز سازگاری دارد و هم از جهت عدم تعارض با موقعیت نخستین، موقعیتی که افراد در پرده جهل قواعدی را به عنوان عادلانه برمی‌گزینند که بیشترین رفاه (ثروت) را برای جامعه به دنبال داشته باشد. به قول پازنر هر انتقادی از جهت عدالت به بازار آزاد وارد باشد، حتی اقتصاددانان مارکسیست نیز قبول دارند که این نظام به کارآیی و افزایش ثروت بیشتری منجر می‌شود. همچنین بسیاری از اصول اخلاق اجتماعی را می‌توان هم‌آهنگ با اصل حداکثرسازی ثروت دانست، در حالی که مطلوبیت‌گرایی این ویژگی را ندارد. به عنوان مثال پایبندی به تعهدات و احترام به حق مالکیت، راستگویی و غیره به دلیل تأثیری که بر مساعد شدن فضای کسب‌وکار و افزایش اعتماد و کاهش هزینه‌های مبادله دارند، در نهایت به رشد ثروت و رفاه اقتصادی منجر می‌شوند (همان: ۶۷).

قطعاً یک انتقاد به این نظریه، امکان خدشه وارد شدن به حقوق اصلی انسان‌ها با توجیه حداکثرکردن ثروت است. پازنر خود معتقد است این کاستی نظریه‌اش بسیار کمتر از مطلوبیت‌گرایان است. او توصیه نمی‌کند به بهانه تولید بیشتر ثروت افراد مجاز به نقض حقوق مالکیت و مبادله داوطلبانه شوند. به بیان دیگر باید در کنار اصل حداکثرسازی ثروت: صاحبان حق را نیز مشخص نمود (همان: ۷۱).

به نظر پازنر حقوق را تنها دستور الزامی مقام رسمی جامعه تعیین نمی‌کند، بلکه حقوق سازوکار تغییر انگیزه‌ها و تنظیم رفتارهای اجتماعی است. این حقوق آنگاه عادلانه است که با حفظ حقوق اصلی انسانی، جهت‌گیری تمام قوانین به سوی انگیزه‌بخشی برای حداکثرکردن ثروت جامعه باشد. بر این اساس پازنر یک گزاره اثباتی دارد و آن اینکه حقوق کامن‌لا در طول تاریخ و به نحو غیربرنامه‌ریزی شده، بر اساس هدف بیشترین رفاه اقتصادی تطور یافته و احکامش را تنظیم کرده است. گزاره دستوری پازنر نیز آن است که این هدف‌گذاری برای حقوق عمومی و دادگاه‌ها بهترین است و باید رفاه اقتصادی، معیار قانون‌گذاری و حقوق باشد (همان: ۴-۵).

## ۵-۱. معیار در عدالت زمینه گرا

بر اساس دیدگاه مایکل والزر (۱۹۸۳) در کتاب قلمروهای عدالت، نحوه تقسیم و برخورداری هر کس از قدرت و منصب، امنیت، ثروت و کار، حیثیت و شهرت، پاداش و مجازات و غیره را موضوعات عدالت اجتماعی می‌شمارد، مواهب کثیری که با تکثری در رویه‌ها، کارگزاران و معیارهای توزیع تناسب دارد (والزر، ۱۳۸۹: ۲۴).

وی معتقد است فرایند اصلی عدالت توزیعی عبارت است از تصور، خلق، ارزش‌گذاری و توزیع مواهب<sup>۱</sup> در جامعه. در اینجا تصور و خلق مواهب اجتماعی بر توزیع تقدم دارد. مواهب با معانی خود، ابزار حیاتی مناسبات اجتماعی‌اند و پیش از آنکه در دستان مردم قرار گیرند در ذهن آنها پیدا می‌شوند (همان: ۲۹). این تلقی از خیرات اجتماعی قرابت بسیار زیادی با «مفاهیم اعتباری» در فلسفه اسلامی دارد که اتفاقاً مرحوم علامه طباطبایی بحث عدل را در همین زمینه و بستر طرح می‌کند.<sup>۲</sup> والزر نظریه خود درباره مواهب را در شش قضیه بیان می‌کند (همان: ۲۹-۳۴).

۱. مواهب موضوع عدالت توزیعی، مواهبی اجتماعی‌اند و نمی‌توان ارزش آنها را مستقل از دیگران تعیین کرد.

۲. انسان‌ها به علت شیوه‌ای که مواهب اجتماعی را تصور، خلق و تصاحب می‌کنند و به کار می‌بندند، هویت‌هایی انضمامی می‌پذیرند.

۳. هیچ مجموعه واحدی از مواهب اساسی یا اولیه وجود ندارد که در تمام جهانهای مادی و معنوی قابل تصور و ارزش‌گذاری مشابه باشد.

۴. معیارهای و سامان‌های توزیع، ذاتی مواهب فی‌نفسه نیستند، بلکه جزئی از ماهیت اجتماعی آنهاست. به بیان دیگر هر توزیعی در نسبت با معناهای اجتماعی مواهب مورد بحث عادلانه یا ناعادلانه خواهد بود.

۵. معانی اجتماعی خصلتی تاریخی دارند و بدین ترتیب توزیع‌ها، و به تبع عادلانه بودن یا نبودن آنها، در گذر زمان تغییر می‌کنند (هرچند پاره‌ای از مواهب اساسی، در زمانها و مکانهای زیادی هنجارگذار به شمار می‌روند).

۶. هنگامی که معناها متمایز باشند، توزیع‌ها بایست مستقل و منفک از هم باشند. هر موهبت اجتماعی یک سپهر توزیعی خاص خود را می‌سازد که سامان‌ها و معیارهای درونی خود را دارد.

در میان این قلمروهای مختلف، دو مشکل می‌تواند بروز نماید: نخست، سلطه یعنی یک موهبت مسلط که افراد واجد آن به همین دلیل، مهار طیف وسیعی از دیگر مواهب را در دست گیرند. دوم، انحصار یعنی محدود ساختن یک موهبت در میان افرادی معدود به قصد سوءاستفاده از آن و زمینه‌سازی سلطه. وی البته معتقد است هیچگاه یک موهبت اجتماعی بر تمامی مواهب سلطه نداشته و هیچ انحصاری هم کامل نبوده است، اما هر جامعه الگوهای تبدیل مواهب دارد؛ به نحوی که موهبت مسلط به برخی دیگر از خیرات اجتماعی تبدیل می‌شود: در یک جامعه سرمایه‌سالار، سرمایه سلطه دارد و خیلی راحت به حیثیت اجتماعی

1. goods

۲. ر. ک: فصل ششم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم تالیف علامه طباطبایی.

و قدرت سیاسی تبدیل می‌شود (همان: ۳۶). به همین نحو در هر دوره‌ای که مثلاً آریستوکراسی یا حاکمیت کلیسا وجود داشته، موهبت مسلط و الگوی تبدیل آن به دیگر مواهب اجتماعی متفاوت بوده است.

والزر تمام مبارزات اجتماعی پیرامون توزیع را در قالب یکی از سه گونه زیر جای می‌دهد:

- انحصار ناعادلانه است: موهبت مسلط باید به طور برابر یا عادلانه‌تری توزیع شود.
- سلطه ناعادلانه است: راه باید برای توزیع‌های مستقل همه مواهب اجتماعی باز بوده و هیچکدام مسلط نباشند.

• این الگوی سلطه و انحصار ناعادلانه است: موهبت مسلط که در انحصار یک گروه است باید جای خود را به یک موهبت مسلط دیگر بدهد.

وی بیشتر فلاسفه اجتماعی را حامی گزاره اول می‌داند (مدرنیته از مخالفت با انحصار اشراف بر زمین و معیشت، ارباب کلیسا بر حقیقت و پادشاهان بر قدرت آغاز شد). برخی مانند مارکس معتقد به گزاره سوم و خود والزر مدافع گزاره دوم است (همان: ۳۹). مخالفان انحصار، با وجود یک موهبت مسلط مشکلی ندارند، اما می‌گویند اگر همان موهبت مسلط به نحو وسیع توزیع شده باشد، ممکن نیست هیچ موهبت دیگری به انحصار گروهی درآید. مثلاً در جامعه سرمایه‌دار اگر همگان به نحو تقریباً برابری پول یا زمین داشته باشند، کسی بر دیگران مسلط نخواهد شد؛ یعنی شکستن انحصار پول، در عمل سلطه پول را خنثی می‌کند. اما به نظر والزر این «برابری ساده» دیری نخواهد پایید؛ زیرا در فرایند تبدیل مواهب، مردم پول را برای کسب زمین یا کارخانه یا تحصیلات عالی به کار می‌برند و به تدریج مالکیت یا کارفرمایی یا فرهیختگی موهبت مسلط خواهد شد و کم‌کم به انحصار گروهی خاص در خواهد آمد. اینجاست که دوباره به وضعیت جامعه نابرابر و توأم با انحصار خواهیم رسید. البته بسیاری از فلاسفه اجتماعی این رویه را پذیرفته و برای تعدیل آن، تنها حدود و قیودی را برای موهبت مسلط معرفی می‌کنند، مثلاً اصل تفاوت راز (نابرابری‌ها به نفع محروم‌ترین‌ها باشد) تنها یک قید برای تعدیل اوضاع است؛ یعنی انحصار سرمایه‌داران یا فن‌سالاران را از اساس تغییر نمی‌دهد (همان: ۴۲). روشن است که حتی اگر از برابری کامل در هر موهبتی شروع کنیم، به تدریج و در دادوستد، وضع نابرابر شده و موهبت مسلط به چنگ گروهی معدود می‌افتد و چنین موقعیتی نیازمند تنظیم قواعد دولتی برای محدود نگه‌داشتن نابرابری‌ها است. یعنی برای غلبه بر انحصارها قدرت دولتی لازم است، قدرتی که می‌تواند خود انحصار جدید و خطرناک‌تری ایجاد نماید (همان: ۴۳).

نظریه والزر در باب عدالت آن است که هدف باید از برابری ساده و نفی انحصار به برابری پیچیده و نفی سلطه تغییر یابد. جامعه عادلانه در نظر او جامعه‌ای نیست که درون هر یک از قلمروهای عدالت (ثروت، قدرت، شهرت و غیره) برابری ساده حاکم باشد. ممکن است مواهب اجتماعی مختلف به نحوی که در واقعیت هستند، نابرابر و حتی انحصارطلبانه توزیع شده باشد، اما هیچ موهبت خاصی به طور عام قابل تبدیل به دیگر مواهب نیست و در نتیجه نابرابری‌های یک حوزه به دیگر حوزه‌ها سرریز نمی‌کند، نابرابری‌های مختلف به یکدیگر اضافه نخواهند شد، جامعه عادل یعنی تحقق برابری پیچیده، یعنی نبود موهبت مسلط (همان: ۴۶). امتیاز دیگر این حالت لزوم کمتر برای مداخله دائمی دولت و انحصار قدرت دولتی است. در این



شرایط هیچ شهروندی به دلیل جایگاهش در حوزه موهبت الف، مزیتی در قلمرو موهبت ب ندارد. به بیان دیگر موهبت الف را نباید در میان مردان و زنانی توزیع کرد که موهبت ب را دارند، صرفاً به این علت که آنها دارای ب هستند (همان: ۵۱).

والزر سه معیار برجسته برای سه قلمرو یک اجتماع سیاسی بیان می‌کند و البته باب معیارهای بیشتر را نمی‌بندد (همان: ۵۹-۵۲).

- اول، معیار توزیعی مبادله آزاد در قلمرو مبادلات بازاری، که البته درون خود حاوی تکثر است و متضمن هیچ شکل نهایی خاصی در توزیع نیست.
- دوم، معیار شایستگی در قلمرو مناصب رسمی و قلمرو پاداش و کیفر، که آن هم منعطف و کثرت‌گراست.
- سوم، معیار نیاز در قلمرو امور خیریه، نوع دوستی و کمک به تنگدستان.

### ۶-۱. معیار در عدالت قابلیت‌گرا

آمارتیا سن به عنوان برجسته‌ترین اندیشمندی که ایده قابلیت را پرورانده، معتقد است که تعریف جامع و مانع عدالت، نه شرط لازم و نه شرط کافی برای ارائه شاخص و سیاست عادلانه است. این نکته به ظاهر عجیب تاحدی ریشه در شناخت اجمالی همگان از مصادیق عدل و ظلم دارد. سن تلاش امثال رالز برای ترسیم زوایای یک جامعه عادلانه را رویکرد تعالی‌گرا<sup>۱</sup> می‌خواند که هدفش معرفی ترتیبات اجتماعی کاملاً عادلانه است. وی در مقابل به طرفداری از رویکرد تطبیقی<sup>۲</sup> می‌پردازد که تمرکز آن بر رتبه‌بندی ترتیبات اجتماعی است (سن، ۲۰۰۹: ۱۵). سن در رویکرد تطبیقی تاحدی زیادی از روش کنت ارو و نظریه انتخاب اجتماعی<sup>۳</sup> الهام می‌گیرد، نظریه‌ای که به دنبال بیان ترجیحات اجتماعی از دید مردم جامعه است (همان: ۹۵).

به نظر او جستجو برای راه‌های مختلف گسترش عدالت در جامعه مستلزم قضاوت‌های تطبیقی از عدالت است که در آن معرفی ترتیبات کاملاً عادلانه نه لازم است نه کافی. مثلاً سیاست‌های ریشه‌کنی گرسنگی یا بی‌سوادگی گامی به پیش برای تحقق عدالت است، اما ممکن است فاصله جامعه را با لوازم و اقتضائات عدالت به معنای متعالی و کامل چندان بهبود نبخشد. بسیاری از عناصری که موجب تقویت عدالت در رویکرد مقایسه‌ای می‌شوند، در رویکرد متعالی همچنان جزء حالت‌های بی‌عدالتی طبقه‌بندی می‌شوند. مثلاً نظام بیمه درمان پیشرفتی در عدالت است، اما بی‌عدالتی‌های بسیاری را در همان حوزه درمان باقی می‌گذارد. واقعیت آن است که رویکرد متعالی کاملاً متفاوت و متمایز از دغدغه‌های رایجی است که مردم در جهان خارج با آن سروکار دارند.

البته تأکید بر اهمیت قضاوت‌های کاربردی و عملگرا دلیل کافی و مناسبی برای نفی رویکرد متعالی نیست. سن در این راستا دو پرسش را مطرح می‌کند: اولاً، آیا پاسخ به پرسش رویکرد متعالی به طور

1. Transcendental approach  
2. Comparative approach  
3. Social choice theory

طبیعی و غیر مستقیم ما را به ارزیابی تطبیقی رهنمون نمی‌شود (از طریق فاصله ما با وضعیت هدف)؟ این فرضیه را کافی بودن بررسی‌های متعالی‌گرا می‌نامد. ثانیاً، آیا پاسخ به پرسش رویکرد متعالی یک پیش‌نیاز ضروری برای نظریه عدالت تطبیقی است؟ این فرضیه را ضرورت بررسی‌های متعالی‌گرا می‌نامد. وی در نهایت نتیجه می‌گیرد که تعیین دقیق ویژگی‌های جامعه عادلانه هیچ ثمره قطعی و استلزامی برای رتبه‌بندی موقعیت‌ها از وضع عادلانه و فاصله با شرایط بهینه ندارد.

وی نقطه عزیمت خود را سؤال از چگونگی گسترش و بهبود عدالت می‌داند، نه پرسش از ماهیت نهادهای جامعه عادلانه (همان: ۹). این نقطه عزیمت متفکران را با تحقق واقعی و بیرونی عدالت در جامعه درگیر می‌کند نه معنای ذهنی عدالت. به بیان دیگر نگرش ترتیبات‌محور<sup>۱</sup> از عدالت را ناچار می‌کند به نگرش تحقق‌محور<sup>۲</sup> نزدیک شود. نگرش ترتیبات‌محور به معنای جستجوی ترتیبات ایده‌آل اجتماعی است. یکی از دلایلی که سن را به رویکرد تحقق‌محور مایل می‌سازد، آن است که وی معتقد است دفاع از مجموعه یکتایی از اصول کامل عدالت کاری است از لحاظ منطقی و عقلی، دشوار و راهی است پر از سنگ و خار (همان: ۱۱).

به نظر آمارتیا سن جامعه‌ای عادلانه است که افراد بتوانند اولویت‌ها و خواست‌های زندگی خویش را آنگونه که خود می‌اندیشند برآورده سازند (همان: ۲۳۱). او همچنین بسط و تعمیق آزادی را مهمترین راهکار رفع بی‌عدالتی می‌داند، زیرا هم از جهت فرصت‌ها و هم فرایندها ارزش بیشتری فراهم می‌کند (همان: ۲۲۸). البته سن از موضع اختیارگرایی محض (لیبرتاریسم) به آزادی نمی‌نگرد، بلکه تصریح می‌کند همزمان با فرصتهایی که آزادی در اختیار مردم جامعه قرار می‌دهد مسئولیت‌های آنها نیز در قبال تصمیماتی که آزادانه می‌گیرند، بالا می‌رود. بنابراین دیدگاه قابلیت در دل خود، پایبندی به وظایف و تکلیف‌گرایی را نیز با خود به همراه دارد (همان: ۱۹). این ویژگی در نگرش‌های بدیل مانند مطلوبیت‌گرایی وجود ندارد.

تفاوت نظریه سن در آن است که بی‌عدالتی توزیعی (فقر) را به محرومیت از توانمندی‌ها و شکوفا نکردن قابلیت‌ها باز می‌گرداند؛ به نحوی که انسان‌های توانمند خواهند توانست از دام فقر برهند. وی بر این اساس نظریه «قابلیت» را مطرح می‌سازد و بدین منظور مفهوم آزادی را بسط می‌دهد (همان: ۵۸-۲۳۲). به نظر او آزادی به مفهوم ایجابی (به معنای داشتن قدرت) و توانمندساختن محرومان راهکار رفع فقر است، نه بازتوزیع درآمدها. در نظر او نظام بازار به دلیل اینکه امکانات و انتخاب‌های بیشتری برای شکوفایی قابلیت‌ها و فرصت‌های برابر به مردم می‌دهد، کاملاً در راستای بهبود عدالت عمل می‌کند (سن، ۱۳۸۱). سن گرچه برخلاف رالز استقرار عدالت را از نهادهای اساسی یک سیستم شروع نمی‌کند، اما در مسیر تحقق عدالت اجتماعی نقش مهمی برای تغییر ساختارها و نهادها قائل است. به نظر سن برای بهبود عدالت، ما نیازمند دو دسته تدابیر همزمانیم: اصلاحات نهادی و تغییرات رفتاری (سن، ۲۰۰۹: ۱۱۱).

## ۷-۱. معیار در عدالت اسلامی

واقعیت آن است که باریک اندیشی در موضوع عدالت نزد اندیشمندان مسلمان بسیار قابل توجه و تاحدی جامع بخشهایی از شش معیار پیشین است. با لحاظ مبنای ارزشی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظریه مختار و معیارهای مدنظر ما در این مقاله، معیارهای عدالت اسلامی است.

در میان اندیشمندان مسلمان، محمدباقر صدر اصولی را تحت عنوان مالکیت مختلط (عمومی - خصوصی)، آزادی محدود و تکافل اجتماعی (برای رفع فقر) به عنوان معیار یک اقتصاد عادلانه مطرح ساخت و در مجموع توزیع پیش از تولید (بر اساس معیار برابری و اولویت با احیاگر و حیازت کننده)، حین تولید (بر اساس معیار کار) و توزیع پس از تولید (بر اساس معیار نیاز) را برای نخستین بار ارائه کرد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۲۴). مرتضی مطهری نیز از حقوق طبیعی که مبتنی بر استعدادهای طبیعی است، دفاع کرده و در عرصه اقتصاد به خلق ثروت مستمر و همچنین برابری در خصوص حقوق اساسی و در برابر قانون می انجامد (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۲ و ، ۱۳۷۰: ۵). محمدرضا حکیمی مساله توازن در مصرف را محور یک اقتصاد عادلانه می داند که به رفع فقر و رفع زمینه های تکاثر می انجامد و در بخش تولید نیز اصل استفاده مبتنی بر قوام جامعه از اموال را مطرح می سازد (حکیمی، ۱۳۶۷، ج ۶). توتونچیان و عیوضلو نیز از روش چندمعیاره برای ترکیب معیارهای نزد سایر اندیشمندان مسلمان بهره می برند (توتونچیان و عیوضلو، ۱۳۷۹).

باتوجه به مزیت دیدگاهی که در کتاب مدینه عاده (۱۳۹۰) درج شده است، در این مقاله معیارهای دیدگاه مذکور را مبنا قرار می دهیم. در این نظریه حقوق گرا، عدالت اقتصادی به معنای وضعیت بایسته انواع حقوق اقتصادی در جامعه شامل حقوق انسانی و حقوق غیر انسانی (طبیعی) است. به زبان قرآن، عدالت اقتصادی شامل دو بعد اساسی قسط و شکر است که قسط بیانگر مراعات حقوق انسانی و شکر بیانگر حقوق فرا انسانی (طبیعی) می باشد و نقض حقوق انسانی به ظلم و نقض حقوق فرا انسانی (طبیعی) به کفران تعبیر شده است. دغدغه اصلی در اقتصاد اسلامی، شیوه مواجهه انسان و جامعه انسانی با اشخاص و اموال است و هدف اولیه اقتصاد اسلامی در عدالت اقتصادی (مناسباتی که حقوق انسان ها و منابع غیر انسانی ادا شود) خلاصه می شود و تا این هدف ضمانت نشود، نوبت به اهداف حداکثری و فضایل اخلاقی نمی رسد. به طور کلی عدالت را می توان به چهار شاخه عدالت در تملک و مبادله، عدالت بازتوزیعی، عدالت در تولید و عدالت مصرفی تقسیم بندی کرد (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۳۳):

حقوق انسانی در گسترده ترین معنای آن شامل حقوق افراد دیگر و اجتماعات انسانی در محدوده های زمانی و مکانی گوناگون می شود. علاوه براین، از نظر اسلام تمام منابع بالقوه که به ما امکان و فرصت بهره گیری می دهند، در نحوه مواجهه انسان با آنها دارای حقوقی هستند. این منابع را می توان به سه گروه منابع طبیعی، اموال (ثروتها و سرمایه های مالی و فیزیکی) و موهبتها (امکانات، تواناییها، استعدادها و فرصتها) تقسیم کرد. در قرآن کریم، رعایت حقوق فرا انسانی به معنای مواجهه صحیح با منابع بوده که با واژه شکر بیان شده و در مقابل، مواجهه ناصحیح با منابع با واژه کفران و در مواردی با واژه اسراف بیان شده است. بنابراین تمام مکانیسم هایی که بهره وری و خلق ثروت را (البته در چارچوب حقوق بین طبقاتی و بین

نسلی) گسترش می دهند، یکی از ارکان عدالت اسلامی محسوب می شوند: برابری فرصتها، آزادی انتخاب، رقابت حداکثری و دانایی محوری از سازوکارهای توسعه این زاویه از عدالت اسلامی به شمار می روند. رانت‌های غیراستحقاقی و فساد از این زاویه معیارهای ضدعدل اند.

عدالت انسانی به دو شکل مناسبات اقتصادی در مرحله تملک و همچنین دادوستد (مبادله و قرارداد) و مناسبات اقتصادی در مرحله اعطاء مواهب، بازتوزیع و تأمین حداقل‌های معیشت کرامتمند تقسیم می‌شود. تضمین حقوق مالکیت مشروع در کالاهای خصوصی و عمومی (به تناسب هر کدام) و همچنین استحکام قراردادها و عادلانه بودن مبادلات (با معیارهایی چون ربوی نبودن، مبتنی بر جهل و فریب نبودن، شفافیت و رضایتمندی و غیره) از مصادیق عدالت در تملک و مبادله دانسته می‌شوند. اولویت فقراء غیرارادی در برخورداری از بازتوزیع و تأمین حداقل معیشت برای آحاد جامعه توسط سه سازوکارهای چرخش ثروت، انتقال مازاد درون اجتماعی یا اجرای قواعد مالیات - یارانه حکومتی از ابعاد عدالت بازتوزیعی محسوب می‌شود که معیار رفع فقر مطلق و کاستن مستمر از فقر نسبی در این رابطه قابل طرح است. نکته دیگر توسعه جغرافیایی و تاریخی اصول فوق است؛ یعنی اولاً، لزوم برخورداری بی تبعیض تمام گروه‌های اجتماعی و مناطق، از نظام نامه حقوقی اسلام که منجر به توجه به مناطق ضعیف نگهداشته شده و نابرخوردار می‌شود و ثانیاً، لزوم توجه به سهمی است که نسل‌های آتی از منابع عمومی بین نسلی داشته و دارند. توجه پایانی، لزوم سازوکارهای گردش پول و دسترسی به اعتبار به مثابه رکن نظام اقتصادی مدرن است به نحوی که در رگولاتوری این مساله باید تأمین معیارهای عدل در بخش واقعی اقتصاد و اجتماع مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به ابعاد نظریه اخیر، در بخش دوم مقاله معیارهای هفت گانه زیر به عنوان معیار عدالت اقتصادی مورد استناد قرار خواهد گرفت:

- توجه به عدالت بین نسلها؛
- ملاحظه عدالت در بین مناطق (سرزمینی)؛
- کاهش زمینه فساد؛
- رفع فقر و نابرابریهای ناموجه از طریق توزیع درآمد و ثروت؛
- رفع فقر و نابرابریهای ناموجه از طریق حمایت‌های خاص (حمایت اجتماعی)؛
- شرعیت و استحکام قراردادها؛
- استفاده بهره‌ور از اموال (در تولید یا مصرف).

## ۲. مواد ناظر به عدالت در قانون برنامه ششم

قانون برنامه ششم توسعه در دو بخش «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور»<sup>۱</sup> و «قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰-۱۳۹۶»<sup>۱</sup>، در سال ۱۳۹۵ به

۱. قانون احکام دائمی در جلسه علنی روز ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.

تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. با توجه به این مسئله در این بخش به تفکیک قوانین مذکور مواد ناظر به عدالت ارائه شده است.

### ۱-۲. مواد ناظر به عدالت در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه

قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مشتمل بر هفتاد و سه ماده و صد تبصره است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در ۱۹ ماده از ۷۳ ماده مذکور، در قالب ۵۷ بند، جزء و یا تبصره به مسئله عدالت توجه شده است. چنانکه در بخش قبل گفته شد، به منظور تبیین مسیر اثرگذاری مواد قانون احکام دائمی بر عدالت اقتصادی از دسته‌بندی زیر استفاده شده است:

- ایجاد عدالت از مسیر کاهش زمینه‌های بروز فساد؛
  - عدالت سرزمینی؛
  - بهره‌وری در تولید یا مصرف؛
  - شریعت و استحکام قراردادها؛
  - ایجاد عدالت بین‌نسلی؛
  - رفع فقر از طریق بازتوزیع؛
  - و رفع فقر از طریق حمایت اجتماعی.
- در جدول زیر دسته‌بندی فوق به تفکیک مواد، بندها، اجزاء و تبصره‌های مربوطه ارائه شده است:

### جدول ۱. مواد ناظر به عدالت در قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۱۴	الف	تکلیف کلیه دستگاه‌های اجرایی به انجام معاملات ارزی در داخل و خارج از کشور، از طریق حساب‌هایی که با تأیید بانک مرکزی ایجاد کرده‌اند.	کاهش زمینه‌های بروز فساد
۱۴	ب	تکلیف کلیه دستگاه‌های اجرایی به اعلام فهرست کلیه حساب‌های ارزی خارج از کشور خود به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران	کاهش زمینه‌های بروز فساد
۲۰	الف	تمرکز حساب‌های کلیه دستگاه‌های موضوع بند «الف» ماده (۱۲) قانون پولی و بانکی کشور نزد بانک مرکزی	کاهش زمینه‌های بروز فساد
۳۶	الف	الزام کلیه اشخاصی که تاکنون نسبت به انتشار اوراق بهادار اقدام کرده‌اند به ثبت آن در نزد بورس اوراق بهادار	استحکام قراردادها
۴۲		مجاز بودن واردات تجاری هر نوع کالا به کشور صرفاً از مبادی و مرزهای رسمی کشور	کاهش زمینه‌های بروز فساد
۳۱	الف	تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان	عدالت سرزمینی
۳۱	الف تبصره ۱	معرفی شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیری ناظر بر توسعه استانها	عدالت سرزمینی
۳۱	ب جزء «۲»	بررسی و نظارت بر توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل استان	عدالت سرزمینی
۳۱	ب جزء «۳»	تصویب طرح‌های توسعه و عمران شهرستان و روستا	عدالت سرزمینی
۳۱	ب جزء «۴»	شناخت و اولویت‌بندی قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی استان و ایجاد زمینه‌های لازم و تشویق و توسعه مشارکت و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از طریق بخش خصوصی، تعاونی و ...	عدالت سرزمینی

۱. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۴۰۰-۱۳۹۶) در جلسه علنی روز ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی تصویب شده است.

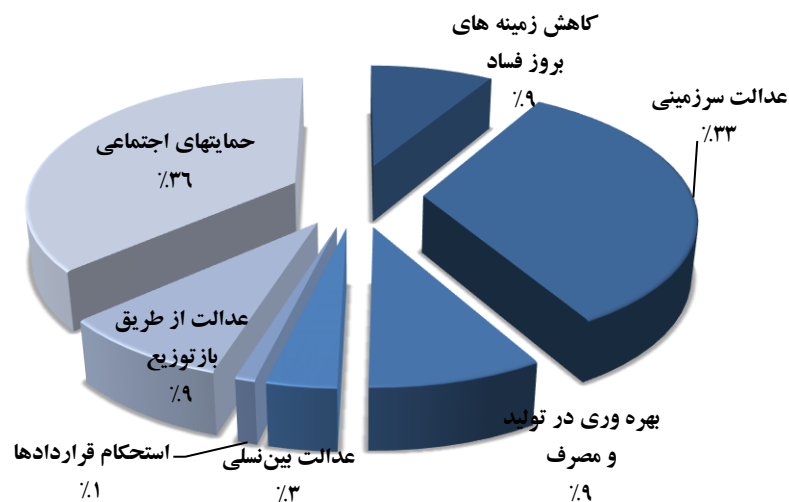
ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۳۱	ب جزء «۵»	اتخاذ سیاست‌های مناسب جذب و رفع مشکل سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات توسعه‌ای بخش‌های دولتی و غیردولتی در سطح استان	عدالت سرزمینی، بهره‌وری در تولید یا مصرف
۳۱	ب جزء «۷»	بررسی راه‌های تجهیز و جذب منابع و پس‌اندازهای بخش غیردولتی در استان	عدالت سرزمینی
۳۲		استقرار نظام راهبری توسعه سرزمین و نظارت بر اجرای آن	عدالت سرزمینی
۳۲	الف جزء «۱»	بررسی و نظارت بر اجرای نظام راهبری توسعه سرزمین و تنظیم روابط ارکان و اجزای آن	عدالت سرزمینی
۳۲	الف جزء «۲»	بررسی، تصویب، هماهنگی و نظارت مستمر بر تهیه برنامه‌ها و طرح‌های توسعه سرزمین در سطوح ملی، منطقه‌ای و استانی	عدالت سرزمینی
۳۲	الف جزء «۳»	بررسی برنامه‌های اجرایی آمایش سرزمین و اسناد آمایش ملی، منطقه‌ای و استانی	عدالت سرزمینی
۳۲	الف جزء «۴»	نظارت بر اجرای اصول و ضوابط ملی آمایش سرزمین در سطوح ملی، منطقه‌ای و استانی و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط	عدالت سرزمینی
۳۲	ب	تأمین اعتبار در بودجه جهت توسعه سواحل مکران	عدالت سرزمینی
۳۲	پ جزء «۱»	تعریف شهرستانهایی که نرخ بیکاری آنها بالاتر از میانگین نرخ بیکاری کشور می‌باشد به‌عنوان مناطق غیربرخوردار از اشتغال	عدالت سرزمینی
۳۲	پ جزء «۲»	الزام دولت به ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در مناطق غیربرخوردار از اشتغال	عدالت سرزمینی
۳۲	پ جزء «۳»	معافیت مالیاتی واحدهای صنعتی، معدنی و خدماتی در مناطق غیربرخوردار از اشتغال	عدالت سرزمینی
۴۶	ب	امنیت مرز با ایجاد واحدها و تشکل‌های مردم‌نهاد به‌منظور توسعه مشارکت مرزنشینان در تأمین امنیت مرزها	عدالت سرزمینی
۶۰		تهیه طرح مطالعات جامع کاهش ضایعات کشاورزی و نیز طرح آمایش صنایع تبدیلی و نگهداری محصولات کشاورزی	عدالت سرزمینی، بهره‌وری در تولید یا مصرف
۶۸		ایجاد سازمان توسعه سواحل مکران به‌عنوان سازمان توسعه‌ای با شخصیت شرکتی برای برنامه‌ریزی	عدالت سرزمینی
۱۲	الف	ایجاد شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی	بهره‌وری در تولید یا مصرف
۲۲		ممنوعیت برقراری موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی برای واردات به جز در مواردی که رعایت موازین شرع اقتضاء می‌کند	بهره‌وری در تولید یا مصرف
۲۹	ب	انعقاد قرارداد با تشکل‌های روستایی و عشایری برای انجام طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در ارتباط با حفظ و احیای منابع طبیعی	بهره‌وری در تولید یا مصرف
۲۹	پ	حفظ حقوق عشایر دارای پروانه چرای دام در مناطق مرتعی حفاظت‌شده	بهره‌وری در تولید یا مصرف
۳۱	ب تبصره ۴	شمول مالیاتی آستانهای مقدس و قرارگاه‌های سازندگی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به اشخاص مذکور نسبت به تمامی فعالیت‌های اقتصادی‌شان	بهره‌وری در تولید یا مصرف
۱۶		تشکیل صندوق توسعه ملی	عدالت بین‌نسلی
۲۹	الف	ممنوعیت بهره‌برداری از مراکز و زیستگاه‌های طبیعی بیش از توان اکولوژیک آنها	عدالت بین‌نسلی
۳۲	پ	تکلیف دولت به اختصاص سه‌درصد (۳٪) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی به ترتیب یک‌سوم به آستانهای نفت‌خیز و گازخیز و دوسوم به شهرستانهای مناطق کمترتوسعه‌یافته	عدالت از طریق بازتوزیع
۲۷	ب	توزیع درآمد ناشی از فروش حقایق به‌حق‌داران متعلق به آنها	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۰	الف	مستثنی کردن جوامع عشایری و روستایی از دریافت عوارض جابجایی کالا و مسافر	عدالت از طریق بازتوزیع
۶۰	تبصره ۲	مشارکت دولت تا سقف چهل‌ونه‌درصد (۴۹٪) در صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی	عدالت از طریق بازتوزیع
۵۷	ب	تکلیف دولت به بازنشسته کردن و پرداخت مستمری به کلیه بیمه‌شدگان تحت پوشش صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر که به سن هفتادسالگی رسیده‌اند	عدالت از طریق بازتوزیع
۳		ایجاد صندوق‌های بازنشستگی غیردولتی با تضمین پوشش تعهدات آتی بیمه‌شدگان بازنشسته	حمایت‌های اجتماعی
۳۸	ج جزء «۱»	طبقه‌بندی زندانیان و بازداشت‌شدگان براساس سابقه و نوع جرائم ارتكابی، تفکیک متهمان از محکومان در بازداشتگاه‌های موقت در شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت	حمایت‌های اجتماعی
۳۸	ج جزء «۱» تبصره	تحت پوشش خدمات جامع و همگانی سلامت کشور قرار گرفتن زندانها به عنوان منطقه بهداشتی	حمایت‌های اجتماعی
۳۸	ج جزء «۲»	آموزش زندانیان واجد شرایط	حمایت‌های اجتماعی
۳۸	ج جزء «۳»	رفع مشکل معیشتی خانواده‌های زندانیان بی‌بضاعت	حمایت‌های اجتماعی
۳۸	ج جزء «۴»	تسهیل بازگشت محکومان پس از تحمل کیفر به زندگی شرافتمندانه و رفع موانع اشتغال آنان با ساماندهی و محدود کردن موارد استعلام از سوء‌پیشینه به موارد خاص	حمایت‌های اجتماعی

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۳۸	ج جزء «۵»	معرفی زندانیان نیازمند اشتغال به مراجع ذی ربط پس از آزادی	حمایت های اجتماعی
۵۷	الف جزء «۱»	بسته سیاستی (صیانت اجتماعی) مبتنی بر مصون سازی و پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی	حمایت های اجتماعی
۵۷	الف جزء «۲»	بسته سیاستی (حمایت اجتماعی) مبتنی بر ارائه خدمات اجتماعی متناسب با نیازهای جسمی و روانی اقشار و گروه های هدف	حمایت های اجتماعی
۵۷	الف جزء «۳»	بسته سیاستی (مساعادت اجتماعی) مبتنی بر ارائه خدمات جبرانی و ترمیمی متناسب با نیازهای معنوی و مادی اقشار و گروه های هدف	حمایت های اجتماعی
۵۷	الف جزء «۴»	بسته سیاستی (بیمه های اجتماعی) مبتنی بر ایجاد زمینه جلب مشارکت بیشتر ذی نفعان در تأمین مالی خدمات اجتماعی	حمایت های اجتماعی
۵۷	الف تبصره ۱	انجام احکام مربوط به بند «الف» ماده (۵۷) از طریق نیازمندیابی فعال، غربالگری اجتماعی و آزمون وسع و متناسب با نیازهای اقشار و گروه های هدف	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۱»	اجرای طرح های حمایت از کودکان در معرض آسیب های اجتماعی	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۲»	اجرای طرح های حمایت از زنان و دختران با اولویت زنان سرپرست خانوار	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۳»	اجرای طرح های حمایت از سالمندان و برنامه های غنی سازی دوران سالمندی	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۴»	ایجاد مرکز اطلاعات و مطالعات آسیب های اجتماعی	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۵»	اجرای طرح های غربالگری اجتماعی، امداد اجتماعی و توانمندسازی اقشار و گروه های نیازمند	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۶»	جلب مشارکت خیریه ها، واقفان، سازمان های مردم نهاد و نیز بنیادها و نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری در جهت پیشبرد برنامه های حمایت اجتماعی	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۷»	اقدام به شناسایی به موقع اقشار و گروه های هدف و در معرض آسیب های اجتماعی و نیازمند دریافت خدمات، حمایت ها و مساعدت های اجتماعی با رویکرد توانمندسازی، کارگستری	حمایت های اجتماعی
۵۷	پ جزء «۸»	ارائه خدمات حمایتی و توانبخشی به کلیه معلولان، مددجویان و گروه های آسیب پذیر	حمایت های اجتماعی
۶۳		افزایش سرمایه صندوق های رفاه دانشجویان وزارتخانه ها از محل فروش امکانات و اموال	حمایت های اجتماعی

مأخذ: قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، از بین مواد معطوف به ایجاد عدالت سهم قابل ملاحظه ای در قالب حمایت های اجتماعی بوده و عدالت سرزمینی در رتبه دوم قرار گرفته است. نمودار زیر پراکندگی مواد مورد بررسی را در هر یک از سرفصل های تعریف شده نشان می دهد:

### نمودار ۱. درصد فراوانی مواد مرتبط با عدالت در طبقات تعریف شده



مأخذ: محاسبات تحقیق

البته باید توجه داشت که سرعت اثربخشی اقدامات مورد تأکید در راستای توسعه و ایجاد عدالت، با یکدیگر متفاوت است. به عبارت دیگر بررسی‌های دقیق‌تر در ماهیت مواد مورد بررسی حکایت از آن دارد که بخش قابل توجهی از مواد (۶۵ درصد) جنبه ایجاد زیرساخت برای تحقق عدالت را داشته‌اند و بنابراین نمی‌توان از آنها انتظار اثربخشی سریع و کوتاه مدت داشت. بعلاوه چگونگی اجرای احکام مذکور نیز در میزان تحقق اهداف عدالت محور آنها بسیار اثرگذار خواهد بود و در صورت کاستی در سطح مدیریت و اجرا حتی ممکن است آثار و تبعات ضد عدالت نیز ظاهر شود.

## ۲-۲. مواد ناظر به عدالت در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه

قانون برنامه پنج ساله ششم کشور مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره است. در ماده (۲) این قانون که به معرفی اولویت‌های برنامه پرداخته است، به مواردی نظیر «نظام عادلانه پرداخت و رفع تبعیض»، «توانمندسازی محرومان و فقرا با اولویت زنان سرپرست خانوار»، «بیمه‌های اجتماعی و ساماندهی و پایداری صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی» اشاره شده است. همچنین به طور کلی در ۵۴ ماده از ۱۲۴ ماده مذکور (در قالب ۱۲۱ بند، جزء و تبصره) اهداف و اقداماتی مبتنی بر ایجاد و توسعه عدالت وجود دارد. در قانون پنج ساله برنامه ششم علاوه بر طبقه‌بندی‌های ارائه شده در قانون احکام دائمی، یک مورد نیز در راستای «ایجاد عدالت جنسیتی» وجود داشته است.

جدول زیر موارد مربوطه را طبق دسته‌بندی ارائه شده در بخش پیشین ارائه کرده است:

## جدول ۱. مواد ناظر به عدالت در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

### فرهنگی کشور

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۷	پ	موظف شدن دولت به تنظیم اعتبارات بیست درصد (۲۰٪) دستگاه‌های اجرایی مندرج در قوانین بودجه سنواتی به صورت بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد	کاهش زمینه های بروز فساد
۸	الف	اصلاح نظام مالی و محاسباتی خزانه‌داری کل کشور	کاهش زمینه های بروز فساد
۸	ب	تهیه نرم‌افزار حسابداری واحد و یکپارچه با قابلیت ثبت رویدادهای مالی	کاهش زمینه های بروز فساد
۸	پ	طراحی نظام نظارت مالی متناسب با شرایط کشور و نظارت مالی بر بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد	کاهش زمینه های بروز فساد
۱۴		اعمال محدودیت، ممنوعیت توزیع سود و اندوخته‌ها بین سهامداران مؤثر، سلب حق رأی از آنها به‌طور موقت و سلب حق تقدم خرید از سهامداران مؤثر و ...	کاهش زمینه های بروز فساد
۱۶		تشکیل شورای فقهی در بانک مرکزی	کاهش زمینه های بروز فساد
۱۸		استقرار سامانه‌های نظارتی برخط توسط بانک مرکزی	کاهش زمینه های بروز فساد
۲۸	بند «ب»	به‌کارگیری افراد در قالب قرارداد کار معین (مشخص) یا ساعتی برای اجرای وظایف پست‌های سازمانی، فقط در سقف مقرر در قانون مدیریت خدمات کشوری	کاهش زمینه های بروز فساد



ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۲۹		تکلیف دولت به راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق و مزایا	کاهش زمینه های بروز فساد
۳۹	بند «ب»	ارائه دریافت‌ها و پرداخت های مرتبط با قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به مجلس با بودجه‌های سنواتی	کاهش زمینه های بروز فساد
۶۷	بند «پ»	الکترونیکی کردن کلیه فرآیندها و خدمات با قابلیت الکترونیکی و تکمیل بانک‌های اطلاعاتی مربوط با استفاده از بخش خصوصی	کاهش زمینه های بروز فساد
۶۸	بند «الف»	انجام استعلامات هویت اشخاص حقیقی، کالا و خدمات، دارائی‌های منقول و غیرمنقول (از جمله ملک، وسایل نقلیه و اوراق بهادار) و نشانی مکان‌محور به‌صورت الکترونیکی	کاهش زمینه های بروز فساد، استحکام قراردادهای
۷۰	چ	تشکیل پایگاه اطلاعات برخط بیمه‌شدگان درمان کشور	کاهش زمینه های بروز فساد
۱۰۶	بند «ت» جزء (۴)	برنامه‌ریزی برای پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز	کاهش زمینه های بروز فساد
۱۱۴		راه‌اندازی و ساماندهی دفتر املاک کشور به صورت الکترونیک	کاهش زمینه های بروز فساد
۱۱۷	الف	ایجاد سامانه‌ای الکترونیک با امکان پاسخگویی فوری و برخط به استعلامات مورد نیاز مراجع قضائی ذی‌صلاح	کاهش زمینه های بروز فساد
۲۶	بند «الف» جزء (۱)	تهیه سند آمایش سرزمین ملی و استانی	عدالت سرزمینی
۲۶	بند «الف» جزء (۴)	واگذاری کلیه اختیارات و وظایف قابل واگذاری دستگاه‌های اجرائی به واحدهای مربوطه خود در استانیها	عدالت سرزمینی
۲۶	بند «الف» جزء (۵)	تهیه طرح‌های هادی روستایی و تعیین محدوده روستاها در سراسر کشور	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «الف» جزء (۱)	تهیه برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی ۵ هزار روستا	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «الف» جزء (۴)	توسعه حداقل پنجاه و چهار خوشه کسب و کار روستایی، بهره‌برداری و ساخت نود و هشت ناحیه صنعتی روستایی و ایجاد یک میلیون و نهصد و چهارده هزار فرصت شغلی در روستاها و مناطق عشایری	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «الف» جزء (۶)	تهیه طرح‌های هادی و طرح‌های توسعه و بازنگری آنها برای همه روستاها و آبادی‌های بالای بیست خانوار و مناطق عشایری	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «الف» جزء (۷)	آموزش صدهزارنفر از روستاییان و عشایر به‌عنوان عناصر پیشرو و تسهیل‌گر در زمینه برنامه‌ریزی محلی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌های فرهنگی	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «الف» جزء (۸)	شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی جهت اجرای طرح‌های ایمن‌سازی	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «الف» جزء (۹)	تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی بافت‌های فرسوده در روستاهای دارای اولویت	عدالت سرزمینی

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۲۷	بند «ب» جزء (۱)	امکان‌سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدوده‌های روستاها	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «ب» جزء (۲)	طراحی و اجرای طرح‌های (پروژه‌های) دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای واقع در حریم رودخانه‌ها	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «ب» جزء (۳)	یکپارچه‌سازی حداکثری فعالیت‌ها و برنامه‌های عمران و توسعه روستایی، عشایری و کشاورزی کشور و مدیریت آنها با رویکرد جهادی و نظارت‌پذیر	عدالت سرزمینی
۲۷	بند «ب» جزء (۴)	تأمین و تخصیص اعتبار مورد نیاز جهت احداث، بهسازی و آسفالت و نگهداری راه‌های روستایی روستاهای بالای بیست خانوار جمعیت و مناطق عشایری	عدالت سرزمینی
۳۶	بند «الف»	تأمین حداقل سی درصد (۳۰٪) آب آشامیدنی مناطق جنوبی کشور از طریق شیرین کردن آب دریا	عدالت سرزمینی
۴۱	بند «ب»	تعیین تکلیف در مورد روستاهای هلیله و بندرگاه مجاور نیروگاه اتمی بوشهر	عدالت سرزمینی
۵۹	بند «ب» جزء (۱)	بهسازی و نوسازی سالانه حداقل دویست هزار واحد مسکونی روستایی با پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت با کارمزد پنج درصد (۵٪)	عدالت سرزمینی
۶۲		ارتقای شرایط محیطی پایدار و فراگیر ساکنان مناطق حاشیه‌نشین و برخورداری آنها از مزایای شهرنشینی و پیش‌نگری و پیشگیری از ایجاد سکونتگاه‌های غیرمجاز	عدالت سرزمینی
۶۲	بند «الف»	برنامه‌ریزی برای مدیریت و توزیع متناسب فعالیت، جمعیت و مهاجرت در کشور و ممانعت از توسعه حاشیه‌نشینی با رویکرد تقویت مبادی مهاجرت، با ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین و کاهش جمعیت آن به میزان سالانه ده درصد (۱۰٪)	عدالت سرزمینی
۶۲	بند «ب»	سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین تعیین شده توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در چهارچوب «سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیرمجاز»	عدالت سرزمینی
۶۲	بند «پ»	تهیه و اجرای طرح‌های هادی برای روستاهای واقع در حریم شهرها با رویکرد کنترل محدوده روستاهای مذکور در حد رشد طبیعی آنها	عدالت سرزمینی
۶۲	بند «ت»	طراحی و ایجاد کمربند سبز در اطراف مراکز جمعیتی توسط شهرداری‌ها	عدالت سرزمینی
۶۷	بند «الف» جزء (۲)	تکلیف دولت به سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای که امکان ارائه حداقل چهار خدمت الکترونیکی اصلی دولت (سلامت، آموزش، کشاورزی و بانکی) در هشتاد درصد (۸۰٪) روستاهای بالای بیست خانوار کشور امکان‌پذیر گردد.	عدالت سرزمینی
۶۹		فراهم کردن برنامه هوشمندسازی مدارس، امکان دسترسی الکترونیک (سخت‌افزاری - نرم‌افزاری و محتوا) به کتب درسی، کمک آموزشی، رفع اشکال، آزمون و مشاوره تحصیلی، بازی‌های رایانه‌ای آموزشی، استعدادسنجی، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، مهارت‌های فنی و اجتماعی را به‌صورت رایگان برای کلیه دانش‌آموزان شهرهای زیر بیست هزار نفر و روستاها و حاشیه شهرهای بزرگ	عدالت سرزمینی
۷۴	ح	تخصیص نیروهای پزشکی طرح نیروی انسانی مورد نیاز سازمان تأمین اجتماعی با اولویت مناطق محروم	عدالت سرزمینی
۷۴	ذ	اقدام به نسبت به تکمیل، تجهیز، ارتقاء خدمات مراکز بهداشتی و درمانی در مناطق معدنی محل استقرار وزارت نفت در مناطق نفت‌خیز و گازخیز	عدالت سرزمینی
۸۰	بند «پ» جزء (۱)	شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها و تمرکز بخشیدن حمایت‌های اجتماعی	عدالت سرزمینی
۸۰	بند «پ»	بهبود کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و ترویج مهاجرت معکوس از طریق آمایش سرزمین	عدالت سرزمینی

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
	جزء (۲)		
۸۰	بند «پ» جزء (۳)	برنامه‌ریزی برای مدیریت و توزیع متناسب فعالیت، جمعیت و مهاجرت در کشور	عدالت سرزمینی
۱۰۲	ب	حمایت، پشتیبانی و ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده از طریق توسعه مشاغل خانگی، بنگاههای زود بازده اقتصادی و تعاونی‌های تولیدی روستایی و خانواده محور	عدالت سرزمینی
۱۱۲	ب	سازمان موظف است ارزیابی جامعی از وضعیت توسعه‌یافتگی زیرساخت‌های این مناطق را تا سطح شهرستان تهیه کند.	عدالت سرزمینی
۱۱۲	پ	دولت موظف است ردیف متمرکزی را در قوانین بودجه سنواتی به‌جبران عقب‌ماندگی‌ها و ارتقای شاخصهای برخورداری مناطق موضوع این ماده اختصاص دهد به‌گونه‌ای که این شاخص‌ها سالانه ده‌درصد (۱۰٪) افزایش یافته و به سطح متوسط شهرستانهای برخوردار کشور برسد.	عدالت سرزمینی
۱۲۰	الف	تکلیف دولت به تهیه سند ملی توانمندسازی و ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی	عدالت سرزمینی
۹۵	ج	برخورداری کلیه مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت از کانون‌های فرهنگی و هنری	عدالت سرزمینی
۴	ز	موظف شدن دولت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی، مهارت‌افزایی و ارتقای دانش حرفه‌ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش‌بنیان مبتنی بر سند ملی کار شایسته	بهره وری در تولید یا مصرف
۲۵	الف	مجاز شمردن دستگاه‌ها به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی (به‌جای تولید خدمات)	بهره وری در تولید یا مصرف
۲۷	بند «الف» جزء (۳)	کاهش مدت زمان پاسخ به استعلام‌ها و صدور پروانه ساخت بنگاههای اقتصادی روستایی و عشایری	بهره وری در تولید یا مصرف
۳۱	بند «ب»	انجام به موقع خرید تضمینی محصولات کشاورزی	بهره وری در تولید یا مصرف
۳۳	بند «پ»	ایجاد خوشه‌های صادراتی، نشانهای تجاری و اختصاص مشوق‌های صادراتی به صادرات محصولات کشاورزی	بهره وری در تولید یا مصرف
۴۶	بند «ج»	کاهش ورود کالای قاچاق	بهره وری در تولید یا مصرف
۴۸	بند «ج»	استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های شرکت‌های بخش خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اکتشاف، تولید و بهره‌برداری (نه مالکیت) میادین نفت و گاز	بهره وری در تولید یا مصرف
۵۱	بند «ب»	ارائه حمایت و مشوق‌های لازم، نسبت به واگذاری حق بهره‌برداری و مدیریت بنادر کوچک و محلی، اعطای مجوز احداث بنادر کوچک جدید به اشخاص حقوقی حرفه‌ای و معتبر غیردولتی	بهره وری در تولید یا مصرف
۵۲	بند «الف»	سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در احداث و بهره‌برداری از حمل و نقل ریلی درون‌شهری و برون‌شهری مانند سرمایه‌گذاری در مناطق کمترتوسعه‌یافته تلقی می‌شود	بهره وری در تولید یا مصرف
۱۰۱		اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و ارزیابی آثار و تصمیمات براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی	عدالت جنسیتی
۶	بند «ب» جزء (۱)	توزیع عوارض وصولی بند «الف» ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده به نسبت هفتاددرصد (۷۰٪) شهرها و سی‌درصد (۳۰٪) روستاها و مناطق عشایری و براساس شاخص جمعیت	عدالت از طریق بازتوزیع
۶	بند «ب» جزء (۲)	توزیع عوارض موضوع بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و همچنین عوارض ارزش‌افزوده گاز طبیعی موضوع قانون مذکور و عوارض شماره‌گذاری خودروهای موضوع بند (ج) ماده (۴۳) قانون مذکور به نسبت دوازده‌درصد (۱۲٪) سهم کلانشهرها، پنجاه‌وسه‌درصد (۵۳٪) سایر شهرها و سی‌وپنج‌درصد (۳۵٪) روستاها و مناطق عشایری	عدالت از طریق بازتوزیع
۶	بند «ب» جزء (۳)	توزیع عوارض آلاینده‌ی واحدهای تولیدی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده در هر شهرستان به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و فرمانداری‌ها (برای روستاهای فاقد دهیاری و مناطق عشایری) همان شهرستان	عدالت از طریق بازتوزیع
۷	بند	تعیین سهم سه درصد (۳٪) مناطق نفت‌خیز، گازخیز و توسعه‌نیافته از منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و	عدالت از طریق

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
	«ب» جزء (۱)	خالص صادرات گاز	بازتوزیع
۷	ح	اختصاص توزیع سی درصد (۳۰٪) از اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌های کشور به شورای برنامه‌ریزی استانها	عدالت از طریق بازتوزیع
۲۶	بند «ب»	اختصاص پنج تا هشت درصد (۵٪ تا ۸٪) از سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی مصوب قانون بودجه سالانه به تهیه و اجرای طرح‌های هادی و بهسازی روستاهای شهرستان توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان	عدالت از طریق بازتوزیع
۲۷	بند «الف» جزء (۵)	تأمین منابع مورد نیاز برای رشد سالانه حداقل پنج درصد (۵٪) شاخص‌های برخورداری تعیین‌شده در ساماندهی عشایر	عدالت از طریق بازتوزیع
۲۷	بند «الف» جزء (۱۰)	بخشودگی سود و جرائم تسهیلات پرداخت‌شده به افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی جهت بازسازی اماکن مسکونی مناطق روستایی آسیب‌دیده از حوادث طبیعی و غیرمترقبه	عدالت از طریق بازتوزیع
۲۹	تبصره	اختلاف حقوق و مزایای بین مقامات، رؤسا، مدیران و کارکنان موضوع این ماده در مشاغل مشابه و شرایط مشابه در هر صورت از بیست درصد (۲۰٪) تجاوز نکند	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۰		تکلیف دولت به متناسب‌سازی دریافت‌ها و برخورداری از امکانات شاغلین، بازنشستگان و مستمری‌بگیران کشوری و لشکری	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۲	بند «ب» جزء (۱)	تکلیف دولت به ایجاد ردیف مستقل پرداخت خسارت به بیمه‌گذاران محصولات کشاورزی و صندوق بیمه کشاورزی در لوایح بودجه سالانه	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۲	بند «ب» جزء (۳)	ارائه کمک‌های فنی و اعتباری برای نوسازی باغ‌های فرسوده کشور	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۲	بند «ب» جزء (۴)	اختصاص معادل ریالی ده درصد (۱۰٪) ورودی سالانه صندوق توسعه ملی نزد بانک عامل مطابق ضوابط صندوق جهت پرداخت تسهیلات به متقاضیان غیردولتی سرمایه‌گذار بخش کشاورزی؛ نایع تبدیلی و تکمیلی این بخش، محیط زیست مرتبط با بخش کشاورزی	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ب»	تخصیص حداقل بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق‌های حمایت از بخش کشاورزی جهت تسهیلات برای صادرات این بخش	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ت»	کاهش حداقل ده درصدی (۱۰٪) شکاف قیمت دریافتی تولیدکنندگان و قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان نهائی	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ث»	پوشش بیمه اجباری کلیه دامها در مقابل بیماری‌های مشترک و واگیردار، پرداخت حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) سهم بیمه‌گر توسط دولت	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ج»	افزایش سرمایه صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی به هفت درصد (۷٪) از ارزش سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ج»	افزایش سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در کل سرمایه‌گذاری‌ها به میزان سالانه حداقل دودرصد (۲٪)	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ح»	ارتقای سطح کلی حمایت از کشاورزی، سالانه تا دو درصد (۲٪) ارزش تولید این بخش	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «خ»	بخشودگی سود و کارمزد و جریمه وام‌های دریافتی کشاورزان خسارت‌دیده از حوادث غیرمترقبه و امهال اصل وام آنان به مدت سه سال	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۳	بند «ذ»	اختصاص حداقل پانزده درصد (۱۵٪) از متوسط تسهیلات اعطایی بانکهای عامل غیرتخصصی کشور به بخش کشاورزی	عدالت از طریق بازتوزیع
۳۶	بند «ب»	تخصیص عوارض حاصل از چشمه‌های آب معدنی و درمانی در محدوده شهرستان‌هایی که ظرفیت توسعه گردشگری دارند، به شهرداری‌ها یا دهیاری‌های همان منطقه	عدالت از طریق بازتوزیع

زمینه ارتباط با عدالت	اقدام	بند	ماده
عدالت از طریق بازتوزیع	اعمال حمایت از صندوق ضمانت صادرات ایران: صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک، بیمه فعالیت‌های معدنی و صنایع دریایی توسط دولت	بند «خ»	۴۶
عدالت از طریق بازتوزیع	تکلیف دولت به تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان‌قیمت و زمین مورد نیاز برای کاهش آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی و همچنین تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد شهری	بند «ب»	۵۹
عدالت از طریق بازتوزیع	تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان‌قیمت و زمین مورد نیاز برای کمک به ساخت و یا خرید سالانه حداقل صد و پنجاه هزار واحد مسکن اقشار کم‌درآمد در شهرها	بند «ب» جزء (۲)	۵۹
عدالت از طریق بازتوزیع	تکلیف دولت به پیش‌بینی و تأمین اعتبار مورد نیاز یارانه غذایی دانشجویی و کمک به دانشجویان کم‌بضاعت مالی	بند «ت»	۶۵
عدالت از طریق بازتوزیع	اجباری بودن پوشش بیمه سلامت برای تمامی آحاد جمعیت کشور	الف	۷۰
عدالت از طریق بازتوزیع	خانواده روستاییان، عشایر و اقشار نیازمند تحت پوشش نهادهای حمایتی معادل هفت درصد (۷٪) حداقل حقوق و دستمزد مشمولان قانون کار. صددرصد (۱۰۰٪) حق بیمه این گروه‌های اجتماعی بر مبنای بند (الف) این ماده توسط دولت در قالب بودجه سنوایی تأمین می‌شود	بند «ب» جزء (۱)	۷۰
عدالت از طریق بازتوزیع	الزامی بودن پوشش بیمه سلامت برای افراد خارجی مقیم در کشور، از جمله پناهندگان گروهی مورد تأیید دفتر اتباع خارجی وزارت کشور	بند «ب» جزء (۵)	۷۰
عدالت از طریق بازتوزیع	پرداخت حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی متناسب با سطح محرومیت بر مبنای متوسط بیست درصد (۲۰٪) حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار		۷۹
عدالت از طریق بازتوزیع	معافیت افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و خیرین مسکن‌ساز برای هر کدام از افراد تحت پوشش نهادها و سازمان‌های حمایتی از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و دهیاری و هزینه‌های انشعاب آب، فاضلاب، برق و گاز برای واحدهای مسکونی	بند «ج» جزء (۲)	۸۰
عدالت از طریق بازتوزیع	اختصاص یک‌درصد (۱٪) از محل وصول عوارض ورود کالا و خدمات این مناطق برای اشتغال محرومان و نیازمندان بومی	الف	۸۳
عدالت از طریق بازتوزیع	تکلیف دولت به کلیه مطالبات معوق خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران (جانبازان و آزادگان)	الف	۸۸
عدالت از طریق بازتوزیع	تکلیف سازمان و بنیاد نسبت به تأمین و پرداخت صددرصد (۱۰۰٪) سرانه بیمه عمر و حوادث جانبازان و آزادگان، والدین، همسر و فرزندان شهدا فاقد پوشش بیمه عمر و حوادث	ت	۸۸
عدالت از طریق بازتوزیع	تأمین و پرداخت یا معافیت حداقل سی‌درصد (۳۰٪) هزینه شهریه تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی، دوره‌های شبانه دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه پیام نور و سایر دانشگاه‌های مورد تأیید وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وفق بودجه سنوایی - بهره‌مندی رایگان از خدمات مراکز فرهنگی عمومی و ناوگان حمل و نقل شهری - معافیت از پرداخت سی‌درصد (۳۰٪) هزینه از طریق هر یک از شرکت‌های دولتی و خصوصی هواپیمایی، ریلی و دریایی در سفرهای داخلی و عتبات عالیات برای یکبار در سال - تأمین آرامستانها بدون اخذ هزینه - بهره‌مندی از انشعاب رایگان آب، فاضلاب، برق و گاز برای یک بار در یک واحد مسکونی - بهره‌مندی از امتیازات یک مقطع تحصیلی بالاتر مطابق قوانین مربوطه و برای رزمندگان با حداقل شش‌ماه حضور داوطلبانه در دفاع مقدس در حقوق و مزایای اجتماعی - کسری یا معافیت از خدمت سربازی با اذن فرمانده کل قوا	ث	۸۸
عدالت از طریق بازتوزیع	تکلیف بانک مرکزی نسبت به ارائه سالانه تسهیلات مسکن فقط یک‌بار با سود حداکثر چهاردرصد (۴٪) به تعداد پنجاه هزار نفر به رزمندگان دارای حداقل شش‌ماه سابقه حضور در جبهه و آزادگان با حداقل سه ماه اسارت که فاقد مسکن ملکی می‌باشند و تاکنون مسکن، زمین یا تسهیلات مسکن دریافت ننموده‌اند.	الف	۸۹
عدالت از طریق بازتوزیع	ایثارگران در پرداخت هزینه‌های حق الثبت و حقوق دولتی مربوط به خرید و فروش، ترهین اسناد مالکیت تسهیلات وام خرید یا ساخت مسکن از هفتاد درصد (۷۰٪) معافیت برخوردار می‌باشند.	تبصره بند «ب»	۸۹

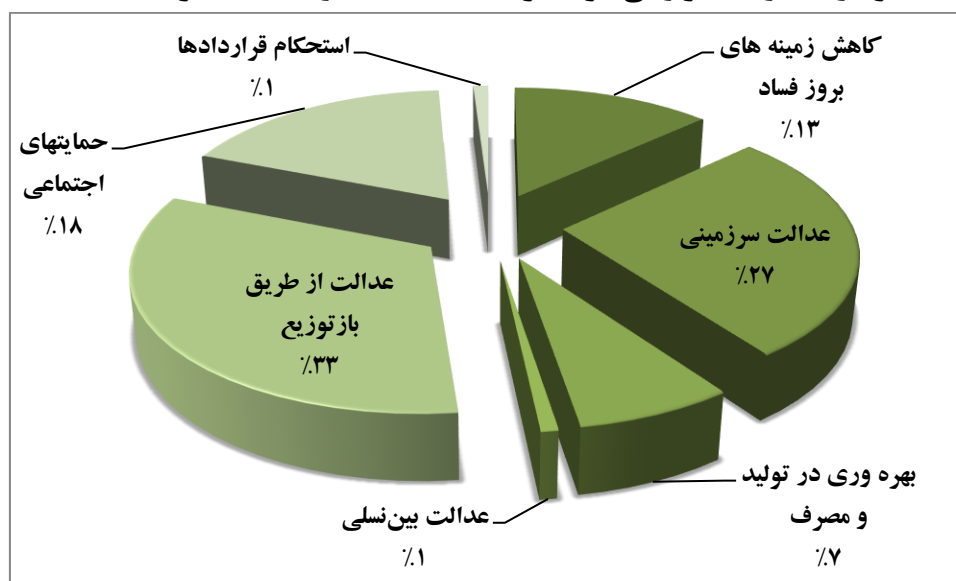
ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
۸۹	پ	تکلیف بانک مرکزی نسبت اختصاص حداقل ده درصد (۱۰٪) منابع قرض الحسنه تمامی بانکها و مؤسسات پولی و اعتباری دولتی اشتغال ایثارگران از طریق صندوق اشتغال و کارآفرینی ایثارگران	عدالت از طریق بازتوزیع
۹۰	ب	تعیین هزینه شهریه مشمولان ماده (۶۶) قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران در دانشگاههای پردیس بین الملل دانشگاههای دولتی یا غیردولتی حداکثر در سقف شهریههای دانشگاه آزاد اسلامی داخل کشور	عدالت از طریق بازتوزیع
۹۴		تکلیف دولت به اختصاص بیست و هفت صدم درصد (۰.۲۷٪) از کل نه درصد (۰.۹٪) مالیات بر ارزش افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، فدراسیون بین المللی ورزشهای زورخانهای و کشتی پهلوانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش بانوان و زیرساختهای ورزش به ویژه در حوزه معلولان و جانبازان	عدالت از طریق بازتوزیع
۷۰	ح	تکلیف دولت به ایجاد وحدت رویه بین بیمه های درمانی صندوقها و سازمان های بیمه ای	حمایت های اجتماعی
۷۸		طراحی و اجرای برنامه های لازم برای نیل به اهداف زیر: - کاهش درصد مواجهه خانوارها با هزینه های کمرشکن سلامت از طریق تعمیم و ارتقاء بیمه های اجتماعی درمانی - درصد مراجعین - ضریب پوشش بیمه های اجتماعی درمانی پایه (کل) - درصد - اشتغال افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی - ایجاد مسکن برای نیازمندان (مسکن اجتماعی و حمایتی) - افزایش حمایت از معتادان - افزایش حمایت از سالمندان - افزایش کودکان تحت پوشش حمایت غذایی - پرداخت شهریه دانشجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی - افزایش حمایت از کودکان بی سرپرست - افزایش حمایت از کودکان یتیم - افزایش توان بخشی مددجویان مبتنی بر جامعه روستایی - افزایش توان بخشی مددجویان مبتنی بر جامعه شهری - افزایش تأمین وسایل توان بخشی مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی - افزایش حمایت از کودکان خیابانی	حمایت های اجتماعی
۸۰		تکلیف دولت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی با اولویت اعتیاد، طلاق، حاشیه نشینی، کودکان کار و مفسد اخلاقی	حمایت های اجتماعی
۸۰	ت	تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار	حمایت های اجتماعی
۸۰	بند «ج» جزء (۱)	تداوم اجرای طرح ساماندهی و توان بخشی بیماران روانی مزمن با پوشش حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) جمعیت هدف	حمایت های اجتماعی
۸۰	بند «ج» جزء (۲)	تداوم اجرای طرح ساماندهی و توان بخشی سالمندان با پوشش حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) جمعیت هدف	حمایت های اجتماعی
۸۰	بند «ج» جزء (۱)	اجرای برنامه تأمین مسکن اجتماعی و حمایتی	حمایت های اجتماعی
۸۰	ح	برنامه ریزی جهت کاهش ۲۵ درصدی جمعیت کودکان کار	حمایت های اجتماعی
۸۱		تدوین برنامه، برقراری، استقرار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چند لایه	حمایت های اجتماعی
۸۲		برقراری مستمری بازنشستگان برای کلیه بیمه شدگان صندوق های بازنشستگی بر مبنای میانگین دو سال آخر دریافتی که دارای کسور بازنشستگی	حمایت های اجتماعی
۸۳	ب	کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی موظفند جهت توانمندسازی افراد تحت پوشش خود سالانه یکصد هزار نفر به ترتیب هفتاد درصد (۷۰٪) کمیته امداد امام خمینی (ره) و سی درصد (۳۰٪) سازمان بهزیستی را صاحب شغل نمایند	حمایت های اجتماعی
۸۴		محسوب کردن مشاغل آتش نشانی و پرتوکاری اشعه جزء مشاغل سخت و زیان آور	حمایت های اجتماعی
۸۷	تبصره بند «الف»	رزمندگان هشت سال دفاع مقدس که صورت سانه بالینی همزمان مجروحیت را ندارند اما مجروحیت آنها توسط کمیسیون پزشکی نهاد اعزام کننده (نیروهای مسلح) احراز می گردد را به عنوان جانباز تلقی و حداقل پنج درصد (۵٪) جانبازی به آنها تعلق می گیرد.	حمایت های اجتماعی
۸۷	ث	مجاز نبودن دستگاه های اجرایی به معرفی ایثارگران و خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان به عنوان نیروی مازاد	حمایت های اجتماعی

ماده	بند	اقدام	زمینه ارتباط با عدالت
		(عدم نیاز)	
۸۷	ج	تکلیف دولت به استخدام تمام فرزندان شهداء و فرزندان جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر	حمایت های اجتماعی
۸۷	خ	امکان بازنشستگی با حداکثر هشت سال سنوات ارفاقی و با دریافت حقوق و مزایای کامل برای کلیه فرزندان و همسران شهدای شاغل	حمایت های اجتماعی
۸۷	ر	امکان خدمت تا ۳۵ سال برای ایثارگرانی که از امتیاز یک مقطع تحصیلی بالاتر بهره‌مند می‌باشند با داشتن مدرک کارشناسی	حمایت های اجتماعی
۹۰	الف	سهمیه ورود با پنج درصد (۵٪) سهمیه اختصاصی برای جانبازان زیر بیست و پنج درصد (۲۵٪) و همسران و فرزندان جانبازان زیر بیست و پنج درصد (۲۵٪) و همسران و فرزندان رزمندگان، با حداقل شش ماه حضور داوطلبانه در جبهه به سی درصد (۳۰٪) افزایش یابد.	حمایت های اجتماعی
۹۲	ح	تحت پوشش بیمه قرار گرفتن اصحاب فرهنگ و هنر و رسانه و صدا و سیما که شغل خود را از دست می‌دهند.	حمایت های اجتماعی
۱۰۳	پ	تکلیف دولت به تأمین خوابگاه‌های مناسب برای دانشجویان متأهل	حمایت های اجتماعی
۸۷	ز	امکان خدمت برای آزادگانی که زودتر از سی سال خدمت بازنشسته شده‌اند.	حمایت های اجتماعی
۹۰	پ	تکلیف کلیه دانشگاه‌ها به جذب حداقل بیست درصد (۲۰٪) اعضای هیأت علمی مورد نیاز خود از بین جامعه ایثارگران شامل فرزندان و همسران شهداء، جانبازان پانزده درصد (۱۵٪) و بالاتر، آزادگان و همسران و فرزندان آنان، همسران و فرزندان جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر، رزمندگان با حداقل شش ماه سابقه حضور در جبهه که دارای مدرک علمی دکتری هستند.	حمایت های اجتماعی

مأخذ: قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

بر اساس جدول فوق، بیشترین فراوانی مواد مرتبط با عدالت از جنس «عدالت از طریق بازتوزیع» و «عدالت سرزمینی» بوده است. چنانکه ملاحظه می‌شود قانون برنامه ششم توسعه به صورت پرننگی حاوی ابعاد بازتوزیعی و نگرشهای توسعه منطقه ای و عدالت سرزمینی است. نمودار زیر درصد فراوانی مواد مرتبط با عدالت در قانون برنامه پنج ساله ششم را نمایان می‌سازد:

نمودار ۲. درصد فراوانی مواد مرتبط با عدالت در طبقات تعریف شده



مأخذ: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در مورد قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه ذکر شد، برخی از احکام در برنامه ماهیت ایجاد زیرساخت را داشته‌اند و برخی دیگر نظیر توزیع درآمد در کوتاه‌مدت اثربخش خواهند بود. این مسئله در مورد قانون برنامه پنج ساله ششم نیز صادق است. بررسی‌های صورت گرفته بر روی ماهیت مواد مورد نظر در این مطالعه حکایت از آن دارد که حدود ۵۵ درصد از مواد ماهیت «ایجاد زیرساخت جهت تحقق عدالت» داشته‌اند و ۴۵ درصد در صورت تحقق منابع مورد نظر، احتمالاً در کوتاه مدت اثربخش خواهند بود. البته باید توجه داشت اگرچه قانونگذار هیچگاه صراحتاً با هدف ایجاد بی عدالتی به تصویب احکام قانونی نمی پردازد، اما با معیار قرار دادن نظریه اسلامی عدالت، برخی از احکام قانون برنامه ششم را باید مغایر معیارهای عدالت برشمرد. برای نمونه می‌توان به مواردی نظیر «مجاز نبودن دستگاه‌های اجرایی به معرفی ایثارگران و خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان به عنوان نیروی مازاد» و «تکلیف کلیه دانشگاه‌ها به جذب حداقل بیست درصد (۲۰٪) اعضای هیأت علمی مورد نیاز خود از بین جامعه ایثارگران شامل فرزندان و همسران شهدا، جانبازان، آزادگان و ... که دارای مدرک علمی دکتری هستند»، اشاره کرد. گرچه بر اساس معیارهای عدالت، حمایت از گروه‌های اجتماعی خاص برای تأمین حداقل‌های معیشت کرامت‌مند، نوعی تبعیض موجه و حمایت روا محسوب می‌شود، اما نقض استحقاق، موجب تبعیض ناموجه خواهد شد. اگر فردی از خانواده‌های ایثارگران واقعاً به عنوان نیروی مازاد و فاقد بهره‌وری شناخته شود یا بدون صلاحیت‌های رقابتی، به عضویت هیأت علمی دانشگاه‌ها درآید، این شیوه مصداق حمایت ناروا به شمار می‌رود، هرچند می‌توان برای همین گروه‌ها نیز، در صورت شمول معیار فقر، نوع دیگری حمایت‌های موجه تعریف کرد.

### ۳. تحلیل و نتیجه‌گیری

منطبق بودن یا نبودن مصوبات مجلس یا دولت با عدالت، منوط به توافق بر سر معیارهای عدالت است و البته این پرسشی است که علی‌رغم صدها کتاب و هزاران مقاله همچنان نزد متفکران مفتوح است (سندل، ۲۰۰۹: ۲). به‌رغم تکرار پرشمار هدف عدالت در سخنان رهبران و مسئولان نظام طی دهه‌های اخیر، متأسفانه در اسناد رسمی و بالادستی کشور، تصویر منسجم و روش‌مندی از معیارهای عدالت وجود ندارد و تنها اشارات پراکنده و غیرروشمندی به چشم می‌خورد. در چنین فضایی، محقق می‌تواند نزدیکترین تئوری عدالت به چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان پایه قرار دهد. در این مقاله، ضمن مروری بر معیارهای عدالت در شش دیدگاه متعارف در ادبیات غرب، ملاک‌های مدنظر دیدگاه هفتم به عنوان نظریه مختار معرفی گردید. معیارهای عدالت اقتصادی در این نظریه عبارتند از (خاندوزی و سیدنورانی، ۱۳۹۵):

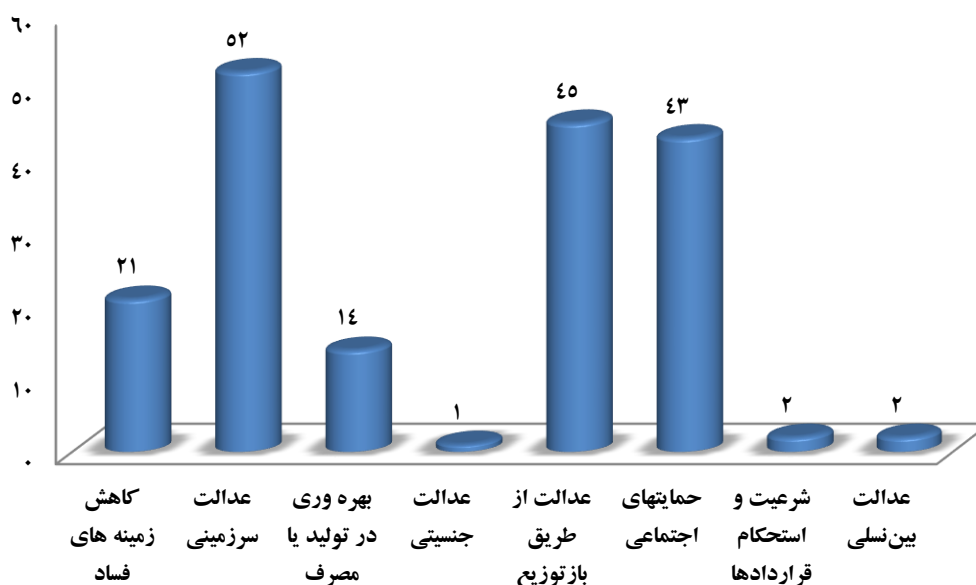
- توجه به استفاده از منابع طبیعی با مراعات سهم نسل‌های آتی؛
- ملاحظه سطحی از توازن و تناسب در بین مناطق (سرزمینی)؛
- کاهش زمینه فساد؛
- رفع فقر و نابرابری‌های ناموجه از طریق توزیع درآمد و ثروت؛



- رفع فقر و نابرابریهای ناموجه از طریق حمایت های خاص (حمایت اجتماعی)؛
- شرعیت و استحکام قراردادها؛
- استفاده بهره ور از اموال (در تولید یا مصرف).

در نمودار ۳ توجه به ضعف موضع حقوقی و توانمندی زنان در استیفای حقوق خود، یک معیار نیز در خصوص عدالت جنسیتی اضافه شده است. با لحاظ معیارهای فوق، در «قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور» و «قانون برنامه توسعه پنج ساله ششم کشور» ۱۷۸ حکم «مستقیماً» مرتبط با بهبود عدالت وجود داشته است که در خصوص برنامه ششم، تقریباً معادل یک سوم احکام قانون است. روشن است که اگر شبکه تأثیر و تاثرات غیرمستقیم مدنظر قرار گیرد، حجم بیشتری از مواد قانونی با مساله عدالت مرتبط خواهند شد. نمودار زیر فراوانی احکام مستقیماً مرتبط با عدالت اقتصادی را در طبقات تعریف شده نشان می دهد:

#### نمودار ۱. فراوانی احکام برنامه ششم توسعه در طبقات مختلف مربوط به عدالت



مأخذ: محاسبات تحقیق

گرچه نقاط تمرکز قانون احکام دائمی برنامه های توسعه بر اولاً، حمایت های اجتماعی خاص از گروه های ضعیف و ثانیاً، عدالت سرزمینی بود و تمرکز قانون برنامه ششم توسعه اولاً، بر سازوکارهای بازتوزیعی برای رفع فقر و نابرابری و ثانیاً، عدالت سرزمینی، اما در مجموع دو قانون احکام ناظر به توازن در مناطق یا همان عدالت سرزمینی (بویژه دوگان روستا - شهر و همچنین مناطق محروم) بیش از سایر ابعاد عدالت اقتصادی مد نظر قانونگذار بوده است. مواد متناظر با بازتوزیع درآمد و ثروت و سپس حمایت از گروه های خاص اجتماعی (از زنان سرپرست خانوار گرفته تا زندانیان و غیره) از عدالت جنسیتی با تنها یک حکم اگر بگذریم،

ابعاد عدالت بین نسلی و استحکام قراردادها با تنها ۲ حکم کمترین توجه را از مقنن دریافت کرده اند، لازم به ذکر است که در خصوص شرعیت قراردادها (ابعاد فقهی معاملات و قراردادها از ربا تا سایر احکام شرعی) هیچ حکمی در قانون برنامه ششم و قانون احکام دائمی برنامه‌ها یافت نمی‌شود و ۲ حکم اشاره شده در نمودار، ناظر به استحکام بخشیدن به قراردادها برای ایفای بهتر تعهدات طرفین است. استفاده بهره‌ور از اموال و منابع (چه در فرایندهای تولیدی و چه مدیریت مصرف) نیز تقریباً مورد توجه جدی قانونگذار نبوده است. در میانه معیارهای بسیار مورد توجه و معیارهای مغفول، معیار کاهش فساد اقتصادی و مالی قرار دارد که می‌توان گفت نسبتاً مورد توجه مجلس و دولت واقع شده است.

همچنان‌که در متن مقاله ذکر شد، توجه به دو نکته حائز اهمیت است: اولاً، بیش از نیمی از احکام مستقیماً مرتبط با عدالت اقتصادی در این قوانین، احکامی بودند که در سطح تعیین راهبرد و مقدمه‌سازی عدالت قرار دارند (مانند ایجاد ساختارهای اداری، نگارش اسناد و الزام به مطالعات و امثالهم) و کمتر از ۵۰ درصد مواد حاوی سیاست مشخص و قابل اعمال، قابل نظارت و پایش برای عدالت بودند. به همین جهت نباید در خصوص آثار احتمالی اجرای این دو قانون، انتظار بالایی داشت (گذشته از آنکه درصد تحقق برنامه‌های توسعه پنج ساله در کشور همواره پایین بوده است). ثانیاً، تعداد انگشت شماری از احکام قانون برنامه ششم، حاوی تبعیض‌های ناروا و غیرموجه بر اساس معیارهای عدالت است (در بخش اینترگران) که بر اساس معیارهای معرفی شده در مقاله، مغایر عدالت اقتصادی محسوب می‌شود.

مساله پایانی آن است که با توجه به عدم ارائه یک لایحه کامل تحت عنوان برنامه ششم توسعه از سوی دولت و اضافه شدن اکثر مواد قانون برنامه ششم در فرایند مجلس شورای اسلامی و با لحاظ اینکه متن نهایی محصول پیشنهادهای متکثر تعداد زیادی از نمایندگان و کمیسیون‌هایی است که در خصوص آرایش کلی قانون (سهم هر موضوع) و رویکرد محتوایی آن، توافقی نداشته‌اند، یافته‌های این مقاله در خصوص وزن هر یک از ابعاد عدالت را می‌توان اولویت‌های ذهن ناخودآگاه مجلس شورای اسلامی دانست. این در حالی است که ممکن است بخشهای دیگری از قانون برنامه ششم یا سایر مصوبات مجلس، خود عامل ایجاد بی‌توازی میان مناطق یا عامل تکثیر گروه‌های ضعیف و حاشیه‌ای باشد. در این صورت بهتر است قانونگذار به جای تمرکز بر حمایت‌های خاص یا بازتوزیع منابع بین گروه‌ها و بین مناطق شهری - روستایی، بر اصلاح قواعد نظام اقتصادی به گونه‌ای متمرکز شود که کمترین نیاز به بازتوزیع وجود داشته باشد، هرچند تا زمان اصلاح کامل سیستم، نمی‌توان منکر نقش مهم سازوکارهای بازتوزیعی گردید.

## منابع و مأخذ

- پتریک، تونی فیتز. (۱۳۹۴) نظریه رفاه. ترجمه هرمز همایون پور. تهران: نشر گام نو.
- توتونچیان، ایرج و عیوضلو، حسین. (۱۳۷۹) کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد. مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، شماره ۲.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران. (۱۳۶۷) الحیات. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خاندوزی، سید احسان و سیدنورانی، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۵) معرفی و محاسبه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی از منظر اسلامی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۵.
- خاندوزی، سید احسان. (۱۳۹۰) بازخوانی و نقد نظریه های عدالت اقتصادی در قرن بیستم. فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۶۸.
- خاندوزی، سید احسان. (۱۳۹۱) مدینه عادل: مقدمه ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- رالز، جان. (۱۳۸۳) عدالت به مثابه انصاف. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: نشر ققنوس.
- رالز، جان. (۱۳۸۷) نظریه عدالت. ترجمه سیدمحمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی. ترجمه حسین راغفر. تهران: نشر کویر.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۳) اقتصاد ما. ترجمه حسینی، سید ابوالقاسم و برهانی، سید محمد مهدی. قم: پژوهشگاه شهید صدر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷) فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۸) فلسفه حقوق. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- لاک، جان. (۱۳۸۷) رساله ای درباره حکومت. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نشر نی.
- مجلس شورای اسلامی. قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور. چاپ اداره کل قوانین، ۱۳۹۵.
- مجلس شورای اسلامی. قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰-۱۳۹۶. چاپ اداره کل قوانین، ۱۳۹۵.
- مطهری. (۱۳۷۰) نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷) نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- موحد، محمد علی. (۱۳۸۱) در هوای حق و عدالت. تهران: نشر کارنامه.
- والزر، مایکل. (۱۳۸۹) حوزه های عدالت. ترجمه صالح نجفی. تهران: نشر ثالث.
- هابز، توماس. (۱۳۸۰) لویاتان. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- همپتن، جین. (۱۳۸۰) فلسفه سیاسی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: نشر طرح نو.
- Arons, Eric. (2009) Hayek versus Marx. New York: Routledge.
- Harsanyi, J.C. (1982) Morality and the theory of rational behavior, in Sen & Williams, Utilitarianism and Beyond, Cambridge University Press.

- Hayek, F.V. (1976) The mirage of social justice. New York: Routledge.
- Nozik, Robert. (1974) Anarchy, state and utopia. Basic Books.
- Posner, Richard. (1981) The economics of justice. Harvard University Press.
- Sandel, M.(2009) Justice: What's the Right Thing to Do? New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Sen, Amartya. (2000) Social justice and the distribution of income, Handbook of income distribution, Vol.1, Ch.1.
- Sen , Amartya. (2009) The idea of justice. New York: Allen Lane.

## بررسی عدالت در توزیع بار مالی هزینه های بخش بهداشت و درمان در ایران

دکتر سارا امامقلی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

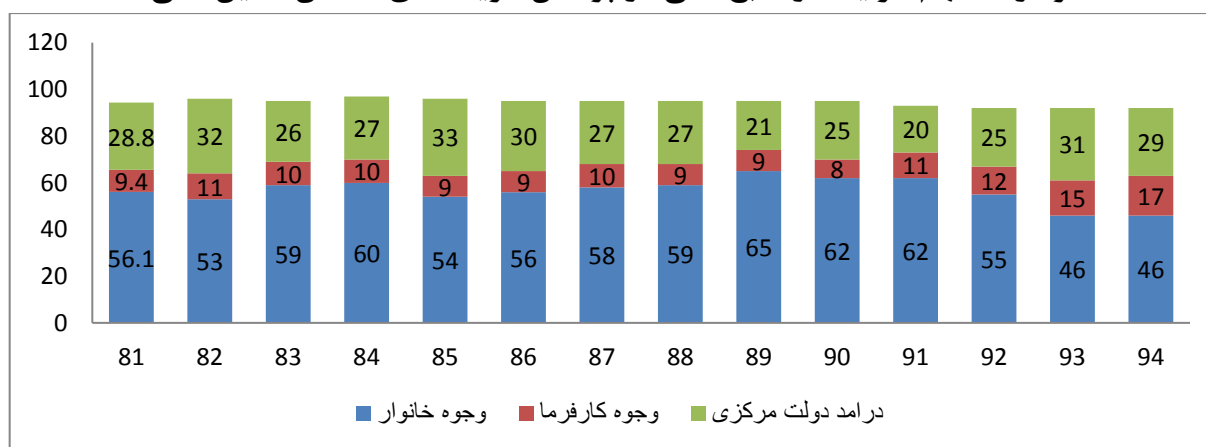
برنامه تحول سلامت با توجه سند چشم انداز ۲۰ ساله و سیاست های کلی سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری از اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ آغاز شد. هدف از اجرای طرح تحول سلامت برقراری عدالت در تأمین مالی و بهره مندی از سیستم مراقبت های بهداشتی و درمانی، بهبود کیفیت خدمات، حفظ شان و کرامت بیماران و نهایتاً کاهش سهم مردم در پرداخت مستقیم هزینه های خدمات بهداشتی درمانی است. هدف مطالعه حاضر بررسی روند انواع هزینه های بهداشت و درمان طی سالهای ۹۴-۱۳۸۱ و تعیین میزان مواجهه خانوارها با هزینه های کمرشکن در سال ۱۳۹۳ می باشد. نتایج نشان می دهند که با اجرای طرح تحول سلامت علی رغم کاهش سهم خانوارها در تأمین مالی هزینه های بهداشت و درمان و بیمه به ۴۶ درصد، میزان پرداخت از جیب واقعی خانوار حدود ۱۶ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۳، به طور متوسط ۵ درصد از خانوارهای شهری و ۸ درصد از خانوارهای روستایی، با هزینه های کمرشکن مواجه شده اند. همچنین در خانوارهای شهری و روستایی میزان مواجهه دهک اول تقریباً دو برابر کل کشور و به ترتیب برابر ۹ و ۱۳ درصد می باشد.

**واژگان کلیدی:** عدالت، توزیع، بار مالی هزینه های بهداشت و درمان

## ۱. مقدمه

باتوجه به شیوه تأمین مالی در هر نظام سلامت، شدت فشار مالی ایجاد شده در اثر مشارکت مالی خانوارها در تأمین هزینه های سلامت در کشورهای مختلف متفاوت می باشد. تأمین هزینه های سلامت در کشورهای کم درآمد و مخصوصاً کشورهای آسیایی اغلب از طریق پرداخت از جیب و بدون سازو کارهای پیش پرداختی مانند حق بیمه سلامت انجام می شود (۱). این هزینه ها و تکیه زیاد به پرداخت از جیب مانع از جستجو یا دریافت مراقبت توسط افراد می شود، و یا اینکه افرادی که به دنبال مراقبت از خود هستند، با هزینه های مالی کمرشکن مواجه شده و به ورطه فقر کشیده می شوند. طبق تخمین سازمان جهانی بهداشت سالانه حدود ۴۴ میلیون خانوار (معادل بیش از ۱۵۰ میلیون نفر) در سراسر جهان، با هزینه های کمرشکن سلامت مواجه می شوند؛ از این تعداد، حدود ۲۵ میلیون خانوار یا بیش از ۱۰۰ میلیون نفر به دلیل پرداخت هزینه های سلامت در دام فقر گرفتار می شوند (۲-۵). لذا این احتمال وجود دارد که برخی خانوارها برای جلوگیری از پیامدهای منفی ناشی از تأمین هزینه های خدمات بهداشتی درمانی از دریافت خدمات مورد نیازشان اجتناب نمایند و مجبور به تحمل درد و رنج بیماری شوند. حساب های ملی سلامت نشان می دهد که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ سهم پرداخت از جیب خانوارهای ایرانی از کل هزینه های سلامت از ۵۶٫۱ درصد تا ۴۶ درصد متغیر بوده است و بیشترین مقدار آن مربوط به سال ۱۳۸۹ و برابر ۶۵ درصد است. در رده بعدی، بیشترین سهم تأمین مالی از محل درآمدهای دولت مرکزی و پس از آن سهم کارفرما می باشد (نمودار ۱).

نمودار ۱. سهم هر یک از منابع مالی در پوشش هزینه های عاملان تأمین مالی



منبع: حساب های ملی سلامت، مرکز آمار ایران

هنگامی که خانوار بخش عمده ای از منابع خود را صرف خدمات سلامت می کند، موجب نادیده گرفتن سایر نیازها و احتمال کاهش سطح زندگی آن خانوار می شود، بنابراین تأمین مالی عادلانه و رفع ریسک

مواجهه خانوارها با هزینه های کمرشکن سلامت، یکی از اهداف دستیابی به عدالت در تمامی جوامع محسوب می شود.

در آموزه‌های اسلامی باتوجه به سفارشات اکیدی که در زمینه رعایت عدالت و انصاف وجود دارد این مساله اهمیت ویژه ای می یابد. همچنان که از دیدگاه حضرت علی (ع) عدالت، اساس حکومت، عامل سامان یابی و رفاه مردم بوده و ملاک حکمرانی صحیح، اجرای عدالت است (۶).

از دیدگاه متون اسلامی هنگامی که عدالت محمول قضیه باشد، به این معنی که مستلزم فهرست نمودن کارها یا وضعیت‌هایی باشد که واژه عدالت بر آنها حمل می شود، دیدگاه عدالت به حمل شایع صناعی می‌باشد. عدالت به حمل شایع صناعی خود شامل سه نوع می باشد: عدالت صیانتی، عدالت کیفی و عدالت توزیعی (۷).

لزوم وجود عدالت در تأمین مالی بخش بهداشت و درمان و کاهش هزینه های پرداخت از جیب خانوار که منجر به هزینه های کمرشکن می شوند را می توان با استفاده از دو نوع عدالت صیانتی و توزیعی بیان کرد:

- در قلمرو عدالت صیانتی، عدالت شکلی اقتضا می کند که جان، مال و آبروی تمامی افراد به طور برابر از تعرض مصون باشند و نیز از جان، مال و آبروی تمامی افراد به طور برابر حفاظت شود (۷)، بنابراین باتوجه به اینکه سلامت یکی از نیازهای اولیه در همه جوامع می باشد، شیوه های تأمین مالی در نظام سلامت باید به گونه ای باشند که پرداخت هزینه های بهداشت و درمان توسط افراد منجر نشود، در معرض فقر قرار بگیرند.
- در قلمرو عدالت توزیعی، به هنگام توزیع سودهای زندگی اجتماعی میان افراد، علاوه بر توجه به لیاقت‌های ناهمگون افراد، توجه به نیازهای اساسی یکسان همه افراد جامعه ضروری می باشد (۷). بنابراین تفاوت در سطوح درآمدی افراد نباید مانع دستیابی آنها به سلامت شود، افزایش تعرفه های خدمات بهداشتی و درمانی و نیز هزینه های سلامت اگرچه ممکن است برای همه افراد جامعه نرخ یکسانی داشته باشد، اما در صورت نبود پوشش حمایتی و بیمه ای مناسب و هدفمند، این افزایش، گروه‌های درآمدی ضعیف‌تر را با شدت بیشتری متأثر می کند و ممکن است مانع از دستیابی دهکهای فقیرتر به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب شود. همچنین اگر میزان مواجهه با هزینه های کمرشکن سلامت در میان دهکهای درآمدی متفاوت باشد، عدالت توزیعی مورد سؤال قرار می گیرد.

در برنامه های چهارم، پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مسئله عدالت در بخش سلامت به وضوح در قالب دو هدف مورد تأکید قرار گرفته است که عبارتند از: ۱- کاهش سهم پرداخت از جیب مردم از کل هزینه های سلامت به ۳۰ درصد و ۲- کاهش درصد مواجهه خانوارها با هزینه های کمرشکن سلامت به کمتر از یک درصد تا پایان برنامه پنجم توسعه (۸).

به منظور تقویت و بهبود عملکرد نظام سلامت، اصلاحات حوزه بهداشت و درمان در دستور کار سیاست گذاران سلامت قرار گرفت. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر اساس «اسناد بالادستی به ویژه سند چشم انداز ۲۰ ساله، سیاست های کلی نظام در بخش سلامت (ابلاغی مقام معظم رهبری)، مواد قانونی

مرتبط با سلامت در برنامه پنجم توسعه و برنامه های دولت یازدهم»، اجرای برنامه تحول سلامت را از اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ آغاز کرد.

تحول در نظام سلامت ایران با سه رویکرد حفاظت مالی از مردم، ایجاد عدالت در دسترسی به خدمات سلامت و ارتقای کیفیت خدمات با ۸ بسته خدمتی اجرا می‌شود. هدف از اجرای طرح تحول سلامت برقراری عدالت در تأمین مالی و بهره مندی از نظام مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، بهبود کیفیت خدمات، حفظ شأن و کرامت بیماران و نهایتاً کاهش سهم مردم در پرداخت از جیب هزینه های خدمات بهداشتی و درمانی است.

هدف مطالعه حاضر بررسی شاخص پرداخت از جیب و توزیع انواع مختلف هزینه های سلامت طی دوره ۹۴-۱۳۸۱ و تعیین میزان هزینه های کمرشکن در سال ۱۳۹۳ می باشد. در این راستا، پس از این مقدمه، مقاله حاضر در بخش ۲ به پیشینه تحقیق می پردازد. سپس روش تحقیق در بخش ۳ بیان می شود. همچنین نتیجه‌گیری در بخش ۴ و بحث در بخش ۵ ارائه می شود.

## ۲. پیشینه موضوع

مکنگا و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه ای تأثیر پرداخت از جیب را بر بروز و عمق فقر در مالاوی بررسی کردند. این مطالعه بر اساس داده های جمع آوری شده از ۱۲،۲۷۱ خانوار نشان داد که با افزایش آستانه از ۱۰ تا ۴۰ درصد، پرداخت از جیب بین ۹،۳۷ تا ۰،۷۳ درصد خانوارها را به هزینه های بهداشتی کمرشکن می کشاند. هنگامی که پرداخت از جیب برای برآورد فقر در نظر گرفته می شود، ۰،۹۳٪ جمعیت فقیر در نظر گرفته می شود و شکاف فقر تقریباً به میزان ۲،۵۴٪ افزایش می یابد. همچنین ساکنین مناطق روستایی و خانوارهای با درآمد متوسط بیشتر در معرض مخارج بهداشتی کمرشکن هستند (۹).

یاردیم و همکاران (۲۰۱۰) مطالعه ای در ترکیه با استفاده از داده های ۵۹۳۰ خانوار شهری و ۲۶۲۸ خانوار روستایی انجام دادند. نتایج نشان دادند که نسبت خانوارهای مواجه با هزینه های کمرشکن در سال ۲۰۰۶، ۰،۶ درصد و نسبت خانوارهای مواجه با هزینه های کمرشکن به تفکیک بیستک درآمدی به ترتیب ۰،۵، ۰،۹، ۰،۶، ۰،۵ و ۰،۵٪ درصد از فقیرترین تا ثروتمندترین است. زایش فقر در خانوارهای بیستک اول و دوم به ترتیب ۱،۷ و ۰،۱ و در مجموع ۰،۴ درصد بود (۱۰).

در ایران در مورد تعیین هزینه های کمرشکن مطالعات مختلفی انجام شده است که اغلب به صورت منطقه‌ای و استانی بوده اند، البته مطالعاتی نیز در سطح کل کشور با استفاده از اطلاعات هزینه درآمد خانوار انجام شده اند.

علیزاده هنجنی (۱۳۸۵) با استفاده از داده های سال ۱۳۸۱ میزان مواجه با هزینه های کمرشکن را ۳،۹ درصد بیان کرده اند (۱۱).

مهرآرا (۱۳۸۹) با استفاده از اطلاعات سال ۱۳۸۶ میزان مواجه با هزینه های کمرشکن سلامت را ۲،۵ درصد به دست آورده است (۱۲).



نکوبی مقدم (۱۳۹۱) با استفاده از اطلاعات سال ۱۳۸۷ میزان مواجهه با هزینه‌های کمرشکن را ۲,۸ درصد نشان داده است (۱۳).

راغفر (۱۳۹۲) با اطلاعات خانوارها برای سالهای منتخب طی دوره ۸۸-۱۳۶۳، میزان مواجهه خانوارهای شهری و روستایی با هزینه‌های کمرشکن سلامت را در سال ۸۸ به ترتیب ۴ و ۵,۴ درصد به دست آورده است (۱۴).

### ۳. روش تحقیق

برای بررسی وضعیت عدالت در تأمین مالی هزینه‌های خانوارها در بخش بهداشت و درمان، میزان هزینه‌های کمرشکن سلامت در کشور به صورت مقطعی برای سال ۱۳۹۳ محاسبه شدند. اطلاعات روند تغییر هزینه‌ها طی ۹۴-۱۳۸۱ در سطح کلان از حساب‌های ملی سلامت استخراج شده‌اند. برای استخراج اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای سال ۱۳۹۳ از ریزداده‌های خانوارها در مرکز آمار ایران استفاده شده است. نمونه اولیه شامل ۱۷۶۸۱ خانوار شهری و ۱۷۶۸۱ خانوار روستایی بود که از میان آنها ۱۲۳۷۳ خانوار روستایی و ۱۲۴۸۱ خانوار شهری هزینه‌های بهداشت و درمان بزرگتر از صفر داشته‌اند.

جهت اندازه‌گیری میزان عدالت در توزیع بار مالی هزینه‌های درمانی می‌توان به بررسی میزان پرداخت مستقیم از جیب برای خدمات سلامت پرداخت، اما این شاخص تأثیر در توان پرداخت خانوارها را به خوبی نشان نمی‌دهد. بنابراین برای تعیین اینکه آیا مشارکت در تأمین مالی بخش بهداشت و درمان عادلانه بوده است یا خیر می‌توان از دو رویکرد استفاده کرد:

#### الف) رویکرد هزینه‌های کمرشکن واگستاف و ون دورسلر<sup>۱</sup>

برای محاسبه هزینه‌های کمرشکن از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$R=T/X \text{ یا } R=T/(X-f(x))$$

R: سهم مخارج oop برای بهداشت و درمان از کل مخارج خانوار و یا از کل مخارج غیرغذایی خانوار

T: پرداخت‌های oop برای مراقبت سلامت

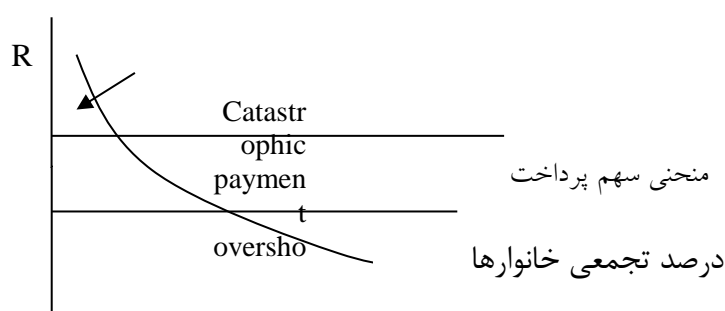
X: کل مخارج خانوار

X-f(x): مخارج غیر غذایی خانوار یا مخارج احتیاطی

بر اساس راهنمای WHO معیار آستانه برای حالت اول (سهم مخارج oop برای بهداشت و درمان از کل مخارج خانوار)، ۱۰ درصد، و برای حالت دوم (سهم مخارج oop برای بهداشت و درمان از کل مخارج غیرغذایی خانوار)، ۴۰ درصد می‌باشد. اگر سهم مربوطه بیش از این اعداد باشد، خانوارها با هزینه‌های اسف بار مواجه هستند. هزینه‌های کمرشکن سرانه به صورت نسبتی از خانوارها که سهم مخارج سلامت‌شان به کل مخارج (یا مخارج غیرخوراکی) بیشتر از آستانه مشخصی می‌شود، محاسبه می‌شود.

$$H = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N E_i$$

مقدار سرشماری با فرمول بالا به دست می آید؛ که  $N$  حجم نمونه و  $E$  برابر با یک است اگر پرداخت از جیب خانوار  $\bar{A}$ م به صورت نسبتی از مخارج مصرفی اش (کل یا غیرخوراکی) بزرگتر از آستانه باشد و در غیر این صورت برابر با صفر. روش سرشماری، نسبت خانوارهایی را که پرداخت از جیب بالاتر از آستانه مشخص دارند برآورد می کند، اما میزانی را که این پرداخت ها بیشتر هستند مشخص نمی کند (۱۵). همچنین می توان از طریق منحنی سهم پرداخت، کل میزان جهش در مخارج را اندازه گیری کرد. برای این کار روی محور افقی درصد تجمعی خانوارها را که برحسب  $R$  از بیشترین به کمترین مرتب شده اند و روی محور عمودی، خود  $R$  قرار دارد. سطح زیر این منحنی و بالای آستانه، کل جهش مخارج<sup>۱</sup> نام دارد.



میزان بالاتر از حد رفتن<sup>۲</sup> پرداخت کمرشکن برای نشان دادن این موضوع برآورد می شود که چه میزان پرداخت از جیبها بیشتر از آستانه هستند. این میزان از رابطه زیر به دست می آید:

$$O_i = E_i ((T_i / x_i) - z)$$

$T_i$  پرداخت از جیب خانوار  $\bar{A}$ م،  $x_i$  کل مخارج خانوار (خوراکی یا غیرخوراکی) و  $z$  سهم بودجه آستانه است. میانگین پرتاب بالاتر از حد از رابطه زیر به دست می آید:

$$O = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^N O_i$$

اگر  $f(x)$  را به عنوان مخارج خوراکی در نظر بگیریم، گفته می شود یک خانوار متحمل پرداخت های کمرشکن است، اگر  $T_i/x_i$  یا  $T_i/[x_i-f(x)]$  بیشتر از آستانه معین  $z$  شود. شدت مخارج کمرشکن با میزان پرداخت بیش از آستانه تعریف می شود، که میانگین گیری شده است. این معیار تحت عنوان پرتاب مثبت متوسط<sup>۳</sup> (MPO) می باشد (۱۵).

$$MPO = \frac{O}{H} \rightarrow O = H \times MPO$$

1. payment overshoot  
2. overshoot  
3. mean positive overshoot

### ب) رویکرد هزینه‌های فقیرکننده ژو<sup>۱</sup>

برای برآورد مخارج فقیرکننده با استفاده از رویکرد ژو به داده‌های مخارج سلامت پرداخت از جیب خانوار، مخارج مصرفی خانوار، مخارج خوراکی، خط فقر، مخارج معیشتی خانوار و ظرفیت پرداخت خانوار نیاز داریم. در این روش باید سهم مخارج خوراکی خانوار را با تقسیم مخارج خوراکی خانوار بر کل مخارج مصرفی اش به دست آوریم. برای اینکه خانوار را در مبنای قابل مقایسه‌ای قرار دهیم، بعد خانوار معادل برای هر خانوار ایجاد می‌شود. پس از تعیین مقیاس معادل برای خانوار، مخارج خوراکی معادل با تقسیم مخارج خوراکی هر خانوار بر بعد معادل خانوار به دست می‌آید (۱۶).

در این مطالعه روش مورد استفاده برای تعیین هزینه‌های کمرشکن، روش واگستاف و ون دورسلر می‌باشد. پرداخت برای مراقبت‌های سلامت هنگامی کمرشکن است که از سطح مشخصی از درآمد خانوار بیشتر شود و منجر به این گردد خانوار مصرف دیگر کالاها و خدمات ضروری را فدا کند (۱۷-۱۹).

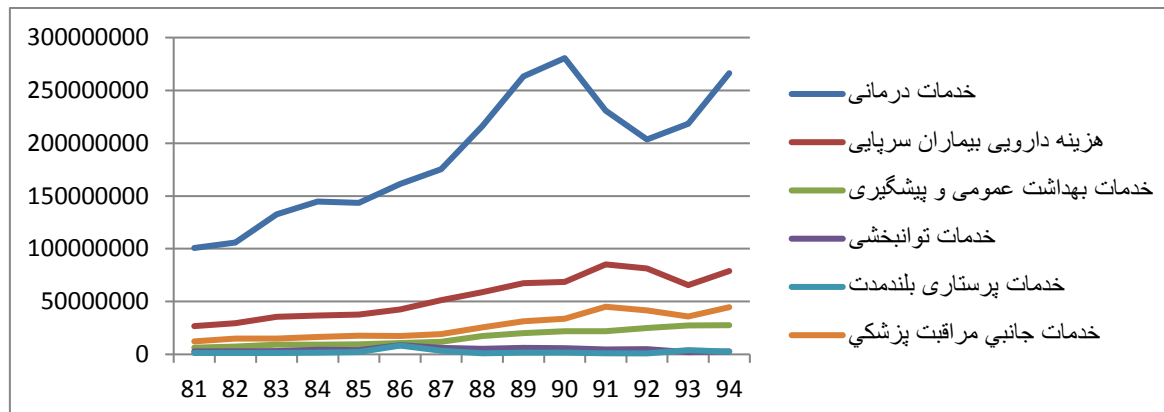
بر اساس مطالعات مختلف استدلال می‌شود که "درآمد مؤثر" (کل مخارج مصرفی خانوار) در مقایسه با درآمد بهتر وضعیت قدرت خرید خانوار را نشان می‌دهد (۲۰). "ظرفیت پرداخت" در سطح خانوار به صورت درآمد مؤثر باقیمانده بعد از پرداخت بابت نیازهای معیشتی تعریف می‌شود (۲۰). سازمان جهانی بهداشت، استفاده از مخارج غیرخوراکی را به عنوان سنجی برای ظرفیت پرداخت خانوار توصیه می‌کند و این به عنوان مخارج کسر هزینه‌های کمرشکن است: صورت کسر نیز مخارج بهداشتی درمانی است (۲۱).

سطح آستانه توصیه شده، ۴۰ درصد مخارج غیرخوراکی است. و کسر حاصله با این نسبت مقایسه تا مشخص شود چند درصد خانوارها با هزینه‌های کمرشکن مواجه هستند. در مورد این آستانه تردیدهایی وجود دارد؛ چنانکه برخی مطالعات سطوح ۵ یا ۱۵ درصد را در نظر گرفته‌اند. بنابراین آستانه‌های متفاوت، تأثیر اقتصادی هزینه‌های بهداشتی درمانی بر خانوار را متفاوت نشان می‌دهند (۲۲). بنابراین می‌توان پرداخت از جیب را به عنوان هزینه‌های کمرشکن در نظر گرفت اگر بیشتر از ۴۰ درصد مخارج غیرخوراکی یا بیش از ۱۰ درصد کل مخارج باشد (۲۳). البته تعدادی افراد معتقدند که در کشورهای کم درآمد، مخارج غیرخوراکی شاخص بهتری برای استاندارد زندگی هستند (۲۴-۲۵).

### ۴. نتایج

باتوجه به بررسی حساب‌های ملی سلامت طی دوره ۹۴-۱۳۸۱ می‌توان مشاهده کرد که هزینه واقعی خدمات درمانی، هزینه دارویی بیماران سرپایی، هزینه خدمات جانبی مراقبت پزشکی که سه گروه پرهزینه‌ترین خدمات می‌باشند، تقریباً روند صعودی داشته است (نمودار ۲).

## نمودار ۲. روند هزینه های انواع خدمات بهداشتی و درمانی طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۱ (به قیمت ثابت ۱۳۹۰)



همچنین اگرچه باتوجه به آمار نمودار (۱)، سهم پرداخت از جیب خانوار از کل هزینه‌های سلامت طی سالهای ۹۳-۹۴ کاهش داشته، اما مقدار واقعی کل هزینه‌های سلامت و پرداخت از جیب طی این سالها به ترتیب ۱۸,۰۲ و ۱۶,۱۰ درصد افزایش یافته است. بخشی از این افزایش به دلیل افزایش مصرف خدمات بهداشتی و درمانی و بخشی نیز به دلیل عدم پوشش هزینه‌های افزایش یافته توسط بیمه‌ها می‌باشد (جدول ۱).

### جدول ۱. نرخ رشد مخارج سلامت طی سالهای ۹۴-۱۳۹۳

درصد تغییر	هزینه‌ها (میلیون ریال به قیمت ثابت ۱۳۹۰)
۱۶,۱۰	میزان پرداخت از جیب خانوارها از کل هزینه‌های سلامت
۱۸,۰۲	کل هزینه‌های سلامت
۲۱,۸۶	هزینه خدمات درمانی
۲۰,۲۹	هزینه دارویی بیماران سرپایی
۱,۱۲	هزینه خدمات بهداشت عمومی و پیشگیری
۳۲,۷۸	هزینه خدمات توانبخشی
-۳۷,۰۹	هزینه خدمات پرستاری بلندمدت
۲۴,۳۱	هزینه خدمات جانبی مراقبت پزشکی

باتوجه به جدول (۲) طی دوره ۹۴-۱۳۸۱ سهم پرداخت از جیب خانوار از کل هزینه‌های خدمات درمانی، هزینه خدمات پرستاری بلندمدت و انواع داروها و کالاهای مربوط به بیماران سرپایی دارای روند کاهشی بوده، اما سهم پرداخت از جیب برای خدمات توانبخشی و خدمات جانبی مراقبت پزشکی روند افزایشی داشته است.

### جدول ۲. درصد پرداخت از جیب خانوار از کل هزینه‌های مربوط به هر بخش

۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	۹۰	۸۹	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱	
۳۵	۳۸	۴۸	۵۵	۵۸	۶۱	۵۷	۵۹	۵۳	۵۴	۵۹	۶۰	۵۰	۵۶	هزینه خدمات درمانی

۷۹	۷۳	۲۹	۳۱	۳۲	۳۱	۱۹	۱۵	۴۳	۱۷	۱۳	۱۴	۱۴	۱۷	هزینه خدمات توانبخشی
۱۷	۱۹	۵۹	۶۶	۷۹	۷۷	۷۳	۸	۷۳	۲۳	۸	۱۰	۱۸	۱۵	هزینه خدمات پرستاری بلندمدت
۵۳	۵۷	۴۹	۵۵	۶۵	۶۹	۶۹	۷۰	۶۶	۶۳	۶۲	۶۰	۶۹	۶۸	هزینه خدمات جانبی مراقبت پزشکی
۶۱	۶۱	۶۵	۷۷	۷۶	۷۶	۷۵	۷۶	۷۴	۷۳	۷۷	۷۶	۷۴	۷۶	انواع دارو و سایر کالاهای پزشکی توزیع شده به بیماران سرپایی

### ۵. نتایج تحلیل هزینه‌های کمرشکن

با در نظر گرفتن سربار مالی در دهکهای درآمدی می‌توان مشخص کرد که در هر دهک چند درصد از خانوارها با هزینه‌های کمرشکن سلامت مواجه هستند. در اینجا هنگامی گفته می‌شود که یک خانوار مواجه با هزینه‌های کمرشکن سلامت می‌باشد که هزینه‌های بهداشت و درمان بیشتر از ۴۰ درصد از هزینه‌های غیرخوراکی خانوارها را تشکیل دهند. در این قسمت برای ایجاد امکان مقایسه، علاوه بر آستانه ۴۰ درصد، تحلیل مورد نظر برای آستانه‌های ۱۰، ۱۵ و ۲۵ درصد نیز انجام شده است. با در نظر گرفتن آستانه ۴۰ درصد برای سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از کل هزینه‌های غیرخوراکی، ۵ درصد از خانوارها با هزینه‌های کمرشکن مواجه بوده‌اند.

### جدول ۳. هزینه‌های کمرشکن در خانوارهای شهری (با آستانه ۴۰ درصد)

دهک پنجم	دهک چهارم	دهک سوم	دهک دوم	دهک اول	کل کشور	سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از کل هزینه‌های غیرخوراکی (شهری)
آستانه ۴۰ درصد						
٪۵	٪۵	٪۴	٪۳	٪۹	٪۵	Head count (%)
٪۰,۶۲	٪۰,۵۵	٪۰,۶	٪۰,۴	٪۱,۰۷	٪۱	overshoot
٪۱۲,۸۵	٪۱۱,۶۴	٪۱۴,۳۷	٪۱۳,۴۵	٪۱۲,۳۶	٪۱۳	Mean positive overshoot(MPO)
آستانه ۲۵ درصد						
٪۱۲	٪۱۳	٪۱۲	٪۸	٪۲۴	٪۱۴	Head count (%)
٪۱,۷۸	٪۱,۷۹	٪۱,۷۲	٪۱,۲	٪۳,۳۳	٪۲	overshoot
۱۴,۷۱	٪۱۴	٪۱۴,۴۴	٪۱۴,۲۴	٪۱۴,۱۳	٪۱۴,۳	Mean positive overshoot(MPO)
آستانه ۱۵ درصد						
٪۲۵	٪۲۶	٪۲۵	٪۱۹	٪۴۷	٪۲۹	Head count (%)
٪۳,۵۴	٪۳,۶۶	٪۳,۵	٪۲,۵	٪۶,۷۴	٪۴	overshoot
٪۱۴,۳	٪۱۴,۰۲	٪۱۳,۶۶	٪۱۳,۰۳	٪۱۴,۳۴	٪۱۴	Mean positive overshoot(MPO)
آستانه ۱۰ درصد						
٪۳۹	٪۳۸	٪۳۸	٪۲۸	٪۶۷	٪۴۲	Head count (%)
٪۵,۱۲	٪۵,۲۳	٪۵	٪۳,۷	٪۹,۵۵	٪۶	overshoot
٪۱۳,۲۶	٪۱۳,۸۲	٪۱۳,۲	٪۱۲,۹۵	٪۱۴,۲۴	٪۱۳,۶	Mean positive overshoot(MPO)

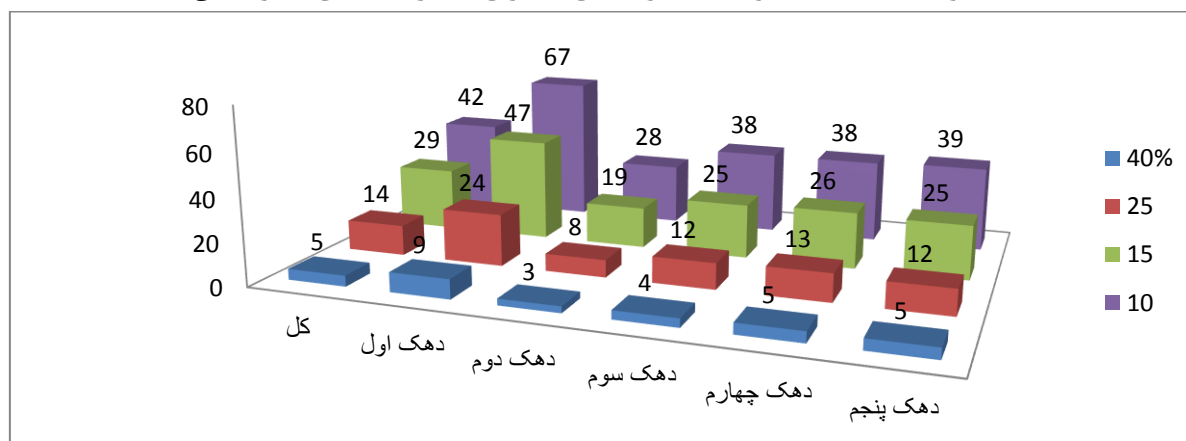
منبع: یافته‌های تحقیق

براساس مقدار overshoot به طور متوسط پرداخت‌ها به میزان ۱ درصد از آستانه ۴۰ درصد بیشتر، و به طور متوسط حدود ۶ درصد از آستانه ۱۰ درصد بیشتر هستند، O سطح زیر منحنی سهم پرداخت و بالای سطح آستانه را نشان می‌دهد. اگرچه H وقوع هزینه‌های کمرشکن را نشان می‌دهد، O شدت وقوع را نشان می‌دهد (جدول ۳).

براساس MPO آن افرادی که بیش از ۴۰ درصد هزینه‌های غیرغذایی‌شان را برای هزینه‌های سلامت خرج می‌کنند، مخارج بهداشت و درمان‌شان به طور متوسط حدود ۵۳ درصد (۱۳+۴۰) از هزینه‌های غیرغذایی‌شان می‌باشد.

باتوجه به نمودار (۳)، با در نظر گرفتن سطح آستانه ۴۰ درصد به عنوان سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از هزینه‌های غیرخوراکی برای خانوارهای شهری، میزان مواجهه کل خانوارهای شهری با هزینه‌های کمرشکن، ۵ درصد اما میزان مواجهه دهک اول بیش از دو برابر کل کشور و برابر ۹ درصد می‌باشد. با کاهش آستانه هزینه‌های کمرشکن، میزان درصد خانوارهایی که مواجهه پیدا می‌کنند، افزایش می‌یابد. حتی با وجود تغییر آستانه هزینه‌های کمرشکن، همواره درصد خانوارهای مواجهه شده در دهک اول حدود دو برابر بیشتر از بقیه دهکها می‌باشد.

نمودار ۳. درصد مواجهه خانوارهای شهری با هزینه‌های کمرشکن



با در نظر گرفتن سربار مالی در دهکهای درآمدی برای خانوارهای روستایی نیز می‌توان مشخص کرد که در هر دهک چند درصد از خانوارها با هزینه‌های کمرشکن سلامت مواجه هستند. به عبارت دیگر در چند درصد از خانوارها هزینه‌های بهداشت و درمان بیشتر از ۴۰ درصد از هزینه‌های غیرخوراکی‌شان می‌باشد. مجدداً برای ایجاد امکان مقایسه، علاوه بر آستانه ۴۰ درصد، تحلیل مورد نظر برای آستانه‌های ۱۰، ۱۵ و ۲۵ درصد نیز انجام شده است. همچنین مشخص شده که به طور متوسط هر خانوار چقدر بیشتر از آستانه برای هزینه‌های بهداشت و درمان می‌پردازد و متوسط مواجهه شدن آن با هزینه‌های کمرشکن چقدر است.

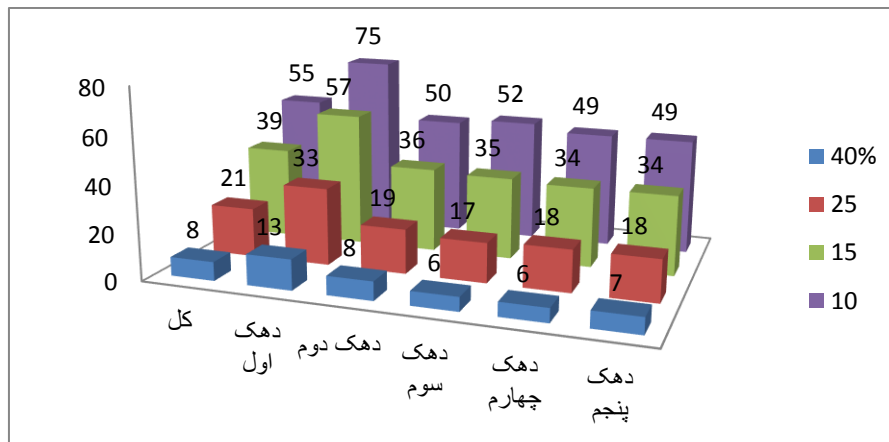
جدول ۴. هزینه های کمرشکن در خانوارهای روستایی

دهک پنجم	دهک چهارم	دهک سوم	دهک دوم	دهک اول	کل کشور	سهم هزینه های بهداشت و درمان از کل هزینه های غیرخوراکی (روستایی)
۷	۶	۶	۸	۱۳	۸	Head count (%)
۱,۱	۰,۸۴	۰,۸۲	۰,۹۷	۱,۸۷	۱,۱۲	overshoot
۱۴,۷۵	۱۳	۱۲,۸۱	۱۲,۴۷	۱۳,۹۲	۱۳,۴۹	Mean positive overshoot(MPO)
آستانه ۲۵ درصد						
۱۸	۱۸	۱۷	۱۹	۳۳	۲۱	Head count (%)
۲,۹۳	۲,۵۴	۲,۴	۲,۸۳	۵,۱۵	۳,۱۷	overshoot
۱۵,۹۷	۱۴,۳۹	۱۳,۹۴	۱۴,۹۲	۱۵,۶۳	۱۵,۰۸	Mean positive overshoot(MPO)
آستانه ۱۵ درصد						
۳۴	۳۴	۳۵	۳۶	۵۷	۳۹	Head count (%)
۵,۴۹	۴,۹۹	۴,۸۳	۵,۴۸	۹,۵۳	۶,۰۷	overshoot
۱۶	۱۴,۸۸	۱۳,۹۱	۱۵,۰۴	۱۶,۶۲	۱۵,۴۴	Mean positive overshoot(MPO)
آستانه ۱۰ درصد						
۴۹	۴۹	۵۲	۵۰	۷۵	۵۵	Head count (%)
۷,۵۵	۷,۰۲	۶,۹۶	۷,۶۴	۱۲,۸	۸,۴	overshoot
۱۵,۳۴	۱۴,۴	۱۳,۵	۱۵,۲۶	۱۷,۲	۱۵,۳۱	Mean positive overshoot(MPO)

منبع: یافته های تحقیق

به همین ترتیب می توان مشخص کرد با وجود آستانه های مختلف، چند درصد از خانوارهای روستایی مواجهه با هزینه های کمرشکن دارند و شدت آن چقدر است. با در نظر گرفتن آستانه ۴۰ درصد، ۸ درصد از خانوارهای روستایی مواجهه با هزینه های کمرشکن دارند و به طور متوسط پرداخت ها به میزان ۱,۱۲ درصد از آستانه ۴۰ بیشتر هستند. براساس MPO مخارج بهداشت و درمان آن خانوارهای روستایی که بیش از ۴۰ درصد هزینه های غیرغذایی شان را به عنوان هزینه های سلامت خرج می کنند، به طور متوسط حدود ۵۳,۴۹ (۱۳,۴۹+۴۰) درصد از هزینه های غیرغذایی شان می باشد (جدول ۴). هنگامی که آستانه سنجش هزینه های کمرشکن به ۱۰ درصد تبدیل می شود، ۵۵ درصد از خانوارهای روستایی در معرض هزینه های کمرشکن هستند و به طور متوسط حدود ۵۵,۳۱ درصد از مخارج غیرخوراکی آنها صرف مخارج بهداشت و درمان می شود.

#### نمودار ۴. درصد خانوارهای روستایی مواجه با هزینه های کمرشکن



باتوجه به نمودار (۴)، با در نظر گرفتن سطح آستانه ۴۰ درصد به عنوان سهم هزینه های بهداشت و درمان از هزینه‌های غیرخوراکی برای خانوارهای روستایی، میزان مواجه کل خانوارهای روستایی با هزینه‌های کمرشکن، ۸ درصد اما میزان مواجه دهک اول تقریباً ۱۶،۶ برابر کل کشور و برابر ۱۳ درصد می باشد. با کاهش آستانه هزینه های کمرشکن، میزان درصد خانوارهایی که مواجه پیدا می کنند، افزایش می یابد. حتی با وجود تغییر آستانه هزینه های کمرشکن، همواره درصد خانوارهای مواجه شده در دهک اول حدود دو برابر بیشتر از بقیه دهکها می باشد.

براساس نتایج حاصله میزان مواجهه کل خانوارهای شهری با هزینه های کمرشکن، ۵ درصد اما میزان مواجهه خانوارهای روستایی ۸ درصد می باشد. ذکر این نکته قابل اهمیت است که میزان مواجه دهک اول (فقیرترین افراد) همواره حدود دو برابر دهک پنجم (ثروتمندترین) افراد و برای خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۹ و ۱۳ درصد می باشد. براساس اطلاعات موجود، درصد خانوارهای مواجه شده با هزینه های کمرشکن در تمامی دهکها، در روستاها بیشتر از شهرها بوده است.

#### ۶. بحث

برای خانوارهای شهری، براساس مقدار overshoot به طور متوسط پرداخت ها به میزان ۱ درصد از آستانه ۴۰ درصد بیشتر هستند. در سال ۱۳۹۳، به طور متوسط، سهم هزینه های بهداشت و درمان ۵ درصد از خانوارهای شهری بیش از ۴۰ درصد هزینه‌های غیرخوراکی بوده است؛ به این معنی که با هزینه‌های کمرشکن مواجه بوده‌اند.

براساس یافته‌های مطالعه، آن افرادی که بیش از ۴۰ درصد هزینه های غیرغذایی شان را برای هزینه‌های سلامت خرج می کنند، مخارج بهداشت و درمان‌شان به طور متوسط حدود ۵۳ درصد از هزینه های غیرغذایی آنها می باشد.

همچنین برای خانوارهای روستایی در همان سال، به طور متوسط ۸ درصد از خانوارها با هزینه‌های کمرشکن (هزینه های بهداشت و درمان بیش از ۴۰ درصد هزینه های غیرخوراکی بوده) مواجه بوده اند و



هزینه‌های بهداشت و درمان این خانوارها به طور متوسط ۵۳,۵ درصد از کل هزینه‌های غیرخوراکی شان را تشکیل می‌دهد.

با در نظر گرفتن سطح آستانه ۴۰ درصد به عنوان سهم هزینه‌های بهداشت و درمان از هزینه‌های غیرخوراکی برای خانوارهای شهری، میزان مواجهه کل خانوارهای شهری با هزینه‌های کمرشکن، ۵ درصد اما میزان مواجهه دهک اول تقریباً دو برابر کل کشور و برابر ۹ درصد می‌باشد. با کاهش آستانه هزینه‌های کمرشکن، میزان درصد خانوارهایی که مواجه پیدا می‌کنند، افزایش می‌یابد. حتی با وجود تغییر آستانه هزینه‌های کمرشکن، همواره درصد خانوارهای مواجه شده در دهک اول حدود دو برابر بیشتر از بقیه دهکها می‌باشد.

در خانوارهای روستایی نیز میزان مواجهه کل خانوارهای روستایی با هزینه‌های کمرشکن، ۸ درصد اما میزان مواجهه دهک اول ۱,۶ برابر کل کشور و برابر ۱۳ درصد می‌باشد. همچنین میزان مواجهه خانوارهای روستایی در دهک اولی (کم درآمدترین افراد) تقریباً دو برابر خانوارهای دهک پنجم (پر درآمدترین افراد) می‌باشد.

از آنجایی که رسیدن به عدد زیر یک درصد برای وقوع هزینه‌های کمرشکن از اهداف برنامه پنجم بوده، مقایسه ارقام مربوط به هزینه‌های کمرشکن نشان می‌دهد که این عدد در سال ۱۳۹۳ برای خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب ۸ درصد و ۵ درصد بوده است و برای خانوارهای روستایی و شهری در دهک اول به ترتیب ۱۳ و ۹ درصد می‌باشد؛ به این معنی که فقیرترین خانوارها بیشترین مواجهه با هزینه‌های کمرشکن را داشته‌اند.

بر اساس نتایج حاصله اگرچه درصد پرداخت از جیب از کل هزینه‌های بهداشت و درمان کاهش یافت، اما مقدار ریالی آن (به قیمت ثابت) افزایش یافته و همین امر موجب هزینه‌های کمرشکن شده است. بنابراین با توجه به الزام برنامه پنجم و ششم توسعه کشور در جهت کاهش هزینه‌های پرداخت از جیب، افزایش سهم دولت در تأمین مخارج عمومی سلامت و تخصیص مناسب منابع دولتی در بخش سلامت از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین سیاستگذاران جهت کاهش پرداخت از جیب باید به تقویت بیمه‌ها بپردازند و جهت افزایش سهم دولت نیز باید منابع پایداری در بودجه عمومی دیده شود و با در نظر گرفتن نابرابری در توزیع هزینه‌های بهداشت و درمان، استان‌هایی که بیشترین میزان نابرابری در آنها دیده می‌شود، باید در اولویت هدفگذاری قرار گیرند.

## منابع و مأخذ

- آیین پرست، افسون و همکاران. (۱۳۹۴) هزینه های کمرشکن در نظام سلامت ایران: مروری نظامند بر شواهد موجود. پایش، ۱۵(۱): ۷-۱۷.
- پناهی، حسین و همکاران. (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر هزینه های کمرشکن خدمات درمانی در بیمارستانهای عمومی شهر تبریز: یک مطالعه موردی. پایش، دوره ۱۳، شماره ۶: ۶۶۳-۶۵۵.
- حاجی حیدر، حمید. (۱۳۸۸) بررسی جامع مفهوم عدالت از دیدگاه اسلام. معرفت سیاسی، شماره ۲: ۷-۳۶.
- راغفر، حسین، صدیقه عطرکارروشن و ماندانا عاطفی. (۱۳۹۲) محاسبه شاخص عدالت در مشارکت مالی و نسبت خانوارهای مواجه با هزینه‌های کمرشکن سلامتی در مناطق مختلف ایران بین سال‌های منتخب ۱۳۸۸-۱۳۶۳. جلد ۱۶، شماره ۳: ۱۸۲-۱۹۱.
- علیزاده هنجنی، حسین و امیرعباس فضائلی. (۱۳۸۴) وضعیت عدالت در تأمین مالی نظام سلامت در ایران. دوره ۵، شماره ۱۹.
- عیوضلو، حسین. (۱۳۸۶) ارائه شاخص هایی جهت ارزیابی عملکرد و تحلیل جهت گیری سیاست های توسعه در راستای تحقق عدالت اجتماعی. گزارش دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مهرآرا، محسن، علی اکبر فضائلی و امیرعباس فضائلی. (۱۳۸۹) بررسی برابری در تأمین مالی هزینه های سلامت خانوارهای ایرانی. جلد ۱۳، شماره ۴۰.
- Carrin, G., Evans, D., Xu, K. (2007) Designing health financing policy towards universal coverage. *World Health Organ.*: 85(9).
- Carrin, G., James, C., Evans, D. (2005) Achieving universal health coverage: developing the health financing system. Geneva: World Health Organization.
- Ekman, B. (2007), Catastrophic health payments and health insurance: some counterintuitive evidence from one low-income country. *Health Policy* 83: 304-313.
- Flores, G., Krishnakumar, J., O'Donnell, O. & Van Doorslaer, E. (2008) Coping with health-care costs: implications for the measurement of catastrophic expenditures and poverty. *Health Economics* 17: 1393-1412.
- Goudge, J., Russell, S., Gilson, L., Molyneux, C. & Hanson, K. (2009) Household experiences of ill-health and risk protection mechanisms. *Journal of International Development* 21: 159-168.
- Knaul, F.M., Arreola-Ornelas, H., Méndez-Carniado, O., Bryson-Cahn, C., Barofsky, J., Maguire, R. et al. (2006) Evidence is good for your health system: policy reform to remedy catastrophic and impoverishing health spending in Mexico. *The Lancet*. 200.
- Laokri S. (2017) Collaborative Approaches and Policy Opportunities for Accelerated Progress toward Effective Disease Prevention, Care, and Control: Using the Case of Poverty Diseases to Explore Universal Access to Affordable Health Care. *Frontiers in medicine*. 4:130.

- Mchenga, M., Chirwa, G.C., Chiwaula, L.S. (2017) Impoverishing effects of catastrophic health expenditures in Malawi. *Int J Equity Health*.16.
- Nekoei Moghadam, M., Banshi, M., Akbari, Javar M., Amiresmaili, M., Ganjavi, M. (2012) Iranian Household Financial Protection against Catastrophic Health Care Expenditures. *Iranian Journal of public health* 41: 62-70.
- O'Donnell, O.A.; Van Doorslaer, E.; Wagstaff, A.; Lindelow, M. (2008) Analyzing Health Equity Using Household Survey Data: A Guide to Techniques and Their Implementation. World Bank: Washington, DC, USA.
- Onoka, Chima A., Obinna, E., Onwujekwe, Kara Hanson and Benjamin S. Uzochukwu. (2011) Examining catastrophic health expenditures at variable thresholds using household consumption expenditure diaries, Volume 16 No 10:1334-41.
- Rashad, Ahmed Shoukry, Mesbah Fathy Sharaf. (2015) Catastrophic Economic Consequences of Healthcare Payments: Effects on Poverty Estimates in Egypt, Jordan, and Palestine, *Economies*, 3, 216-234; doi:10.3390/economies3040216.
- Wagstaff A. (2008) Measuring Financial Protection in Health. World Bank, Washington DC.
- WHO. (2000) World Health Report 2000. Health Systems: Improving Performance. World Health Organization, Geneva.
- World Bank Group Discussion Paper. (2013) Monitoring Progress towards Universal Health Coverage at Country and Global Levels: A Framework, [http://www.who.int/healthinfo/country\\_monitoring\\_evaluation/universal\\_health\\_coverage/en/](http://www.who.int/healthinfo/country_monitoring_evaluation/universal_health_coverage/en/).
- Xu, K., Klavus, J. & Kawabata, K. *et al.* (2003) Household health system contributions and capacity to pay: definitional, empirical and technical challenges. In: *Health Systems Performance Assessment: Debates, Methods and Empiricism* (eds CJL Murray & DB Evans) World Health Organization, Geneva: 533-542.
- Xu, K.; Evans, D.B.; Kawabata, K.; Zeramdini, R.; Klavus, J.; Murray, C.J. (2003) Household catastrophic health expenditure: A multicountry analysis. *Lancet*, 362: 111-117.
- Yardim, M.S., Cilingiroglu, N., Yardim, N. (2010) Catastrophic health expenditure and impoverishment in Turkey. *Health policy*. 94(1): 26-33.



## مدل سازی شریعت بر اساس فرآیند بهینه سازی مقید پویا

### فرهاد داودی پور<sup>۱</sup>

#### چکیده

شریعت الهی به عنوان تنها راه رستگاری انسان ها درصدد ارایه برنامه رفتاری برای زندگی انسان است. از طرفی انسان به جهت خلقت مادی خود و زندگی در دنیا با محدودیت های بسیاری مواجه است که مانع می شود تا بتواند همه رفتارهایی را که به سعادت او می افزایند، انجام دهد. بنابراین شریعت الهی باید برنامه رفتاری ای را ارایه کند که انسان در پرتو عمل به آن و با توجه به محدودیت های زیستی و مادی ای که دارد، بتواند به بیشترین سطح ممکن از سعادت دست یابد. از اینجا است که پروردگار متعال باید از بین همه رفتارهای سعادت آفرین فقط بعضی را در برنامه شریعت قرار دهد و بعضی دیگر را از این برنامه خارج سازد. این پژوهش در تلاش است که نشان دهد پروردگار متعال بر اساس قواعد رفتار بهینه سازی مقید این انتخاب را انجام می دهد.

**واژگان کلیدی:** دین، بهینه سازی مقید، بهینه سازی غیر مقید، زیست جهان اجتماعی، شریعت

## مقدمه

بخش عمده‌ای از این مقاله توجه به این دارد که چگونه شارع مقدس در تشریح دین نوع بشر را به صراط‌های مستقیمی رهنمون می‌سازد که از آنچه در اختیار دارند و شرایط و محدودیت‌هایی که در آن زیست می‌کنند، بتوانند به بهترین وجه استفاده کنند و بر این اساس حداکثر رضامندی پروردگار و کمال و سعادت حقیقی را تحصیل نمایند. این رفتار را بهینه‌سازی می‌نامیم.

چون بهینه‌سازی در این مقاله و در بسیاری از تحلیل‌ها نقش مهمی را بازی می‌کند، لذا، قبل از ورود به تحلیل مبحث لازم است اصول اساسی رفتار بهینه‌سازی مورد ملاحظه قرار گیرند. فهم کامل این اصول به شکلی مؤثر از مشکلات در فهم مباحث نظری که در آینده مطرح می‌گردند، خواهد کاست.

تمام رفتار بهینه‌سازی در دو طبقه قرار می‌گیرند: بهینه‌سازی مقید و غیر مقید. در این دو نوع رفتار حداکثر کردن هدفی یا حداقل کردن هزینه‌ای مورد نظر است.

تمام تجزیه و تحلیل‌های بهینه‌سازی‌ای که فقط با یک دوره زمانی در ارتباط هستند، جزء تحلیل‌های ایستا طبقه بندی می‌شوند. اما برای تجزیه و تحلیل برخی از مسایل لازم است تا بیش از یک دوره زمانی در نظر گرفته شود، و باید تحلیل‌های بهینه‌سازی چند دوره‌ای و پویا برای آنان صورت پذیرد.

انواع محدودیت‌هایی که برای زندگی انسان وجود دارد و از منابع دین بویژه قرآن قابل استنباط می‌باشد، بخش دیگری از مباحث این مقاله را شامل می‌شود. و در پایان و به عنوان نتیجه‌گیری چگونگی تشریح دین از جانب پروردگار با توجه محدودیت‌های زندگی انسان مدل‌سازی می‌گردد.

## مفهوم مدل و مدل‌سازی

پدیده مدل‌سازی از زمانی که بشر سعی داشته محیط خود را بشناسد، به تدریج به وجود آمد و از آن زمان تاکنون نقش حیاتی در فعالیت فکری ایفا نموده است. به کارگیری مدل بدان جهت است که فرد بتواند روابط بین متغیرهای گوناگون را در چارچوب معینی توضیح دهد. دانشمندان تقریباً بدون استثنا معتقدند که یکی از عوامل مهم و ضروری در تهیه معیار جهت حل مساله ساختن مدل و استفاده از آنها است. لذا می‌توان گفت: «مدل‌نمایی است از یک شیء، سیستم و یا یک ایده به شکلی غیر از آنچه خود پدیده داراست». معمولاً هدف از آرایه مدل این است که ما را در توضیح دادن، درک و اصلاح سامانه مورد نظر یاری کند. فرایند ساختن مدل، برای افراد متخصص و تصمیم‌گیرندگان مختلف روش اصولی: صریح و مؤثری را فراهم می‌آورد. که به وسیله آن می‌توان قضاوت و ادراک خود را درباره موضوع به صورت متمرکز و قابل فهم برای دیگران بیان نمود.

### بهینه سازی غیر مقید

تیوری بهینه سازی غیر مقید بسیار ساده است. مفهوم اصلی در این تیوری در نهایت برابر کردن هزینه ها و فایده ها می باشد، به محض اینکه این اصل فهمیده شود درک بقیه موضوعات مستقیماً دنبال می گردد. جهت تشریح این موضوع، ابتدا چگونگی تصمیم حداکثر کردن را با مثالی مورد ملاحظه قرار می دهیم.

### حداکثر کردن غیر مقید

فعالیت اقتصادی را در نظر بگیرید که فایده حاصل درآمدی است که بر حسب ریال اندازه گیری می شود. هر قدر سطح فعالیت وسیع تر باشد به همان اندازه فایده آن در دوره زمانی مربوطه بیشتر و هر قدر سطح فعالیت وسیع تر باشد به همان اندازه هزینه های ریالی آن بیشتر است. در نتیجه فرد برای هر واحد اضافی از فعالیت انتخاب شده، علاوه بر دریافت فایده اضافی هزینه های اضافی را نیز باید متقبل گردد. فایده ناشی از انتخاب واحد اضافی را فایده نهایی و هزینه آن را هزینه نهایی آن واحد می نامیم. مطلوب تصمیم گیرنده آن است که سطحی از فعالیت را انتخاب کند که فایده حاصل شده از آن فعالیت منهای هزینه هایش به حداکثر برسد. در واقع با این انتخاب ارزش خالص فایده حاصل شده به حداکثر می رسد.

تصور کنید که در حال حاضر تصمیم گیرنده هیچ سطحی از فعالیت را انتخاب ننموده است، اما انتخاب یک واحد از آن را مورد ملاحظه قرار می دهد. آیا این واحد از فعالیت می باید انتخاب شود؟ در صورتی پاسخ بله است، که این واحد بیش از آنچه هزینه در بر دارد، به فایده بیفزاید، و پاسخ نه است، در صورتی که فایده این واحد از هزینه همان واحد کمتر باشد. به عبارت دیگر، این واحد را اضافه می کند، اگر فایده نهایی آن بیش از هزینه نهایی اش باشد. و اگر چنانچه فایده نهایی کمتر از هزینه نهایی باشد، این واحد را اضافه نمی کند. تا کنون بحث نسبتاً آسان بود.

تصور نمایید واحد یک انتخاب شود، آیا واحد دوم نیز می باید انتخاب شود؟ با به کارگیری استدلال فوق، آن واحد می بایست اضافه شود اگر فایده نهایی آن از هزینه نهایی اش بیشتر باشد. این روش در مورد هر واحد اضافی از فعالیت ها صدق می کند. تا زمانی که فایده اضافی هر واحد اضافی از فعالیت بزرگتر از هزینه اضافی اش باشد، سطح فعالیت می باید گسترش یابد. به محض رسیدن به سطحی از فعالیت که در آن افزایش یک واحد دیگر، هزینه نهایی را بیش از فایده نهایی، اضافه می سازد، نمی باید واحد مذکور را اضافه نمود. به این منوال بازدهی خالص کل (فایده کل منهای هزینه کل) حداکثر می شود. بنابراین اصل زیر به طور منطقی اثبات می گردد:

### اصل

به منظور حداکثر بازدهی و مطلوبیت خالص از هر رفتار و فعالیتی، تصمیم گیرنده می باید آن سطحی از فعالیت را انتخاب نماید که در آن فایده نهایی آخرین واحد انتخاب شده با هزینه نهایی آن واحد برابر باشد.

بهینه سازی مقید

حداکثر کردن مقید

اجازه دهید یک حالت عمومی را به عنوان مثال در نظر بگیریم. وضع فردی را تصور کنید که می‌خواهد فایده ای را از به کار گیری دو نوع فعالیت الف و ب به دست می‌آید را حداکثر نماید. قید یا محدودیتی که فعالیت‌ها تحت آن شرایط قابل حصول می‌شوند، عبارت است از قیمت و هزینه آن فعالیت‌ها، و همچنین مقدار محدودی بودجه پولی، که جهت خرید فعالیت‌ها موجود است. این محدودیت به صورت رابطه ذیل نوشته می‌شود:

$$\text{تعداد فعالیت ب} \times \text{قیمت فعالیت ب} + \text{تعداد فعالیت الف} \times \text{قیمت فعالیت الف} = \text{بودجه پولی}$$

این رابطه نشان می‌دهد که کل هزینه صرف شده بر روی فعالیت‌ها می‌باید برابر با مقدار بودجه موجود باشد. فرض کنیم فایده نهایی فعالیت‌ها مثبت باشد اما میزان آن در واحد‌های بیشتر به مرور کوچکتر گردد. فایده نهایی ناشی از هر واحد هزینه صرف شده (مثلاً هر ریال صرف شده) برای واحدی از فعالیت‌های الف و ب را می‌توانیم به صورت:  $\frac{\text{فایده نهایی الف}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت الف}}$  و  $\frac{\text{فایده نهایی ب}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت ب}}$  بنویسیم. به این معنی که اگر یک واحد اضافی الف به اندازه ۱۰ واحد به فایده بیفزاید و هزینه هر واحد الف برابر با ۲ واحد باشد، در آن صورت فایده نهایی هر واحد هزینه صرف شده (مثلاً هر ریال صرف شده) برای یک واحد از فعالیت الف برابر با ۵ واحد است. به عبارت دیگر هر واحد هزینه صرف شده برای فعالیت الف به اندازه ۵ واحد به فایده نهایی می‌افزاید.

اگر تصمیم‌گیرنده تمام بودجه خویش را صرف هزینه‌های فعالیت‌های الف و ب بنماید و در پایان باز رابطه:  $\frac{\text{فایده نهایی ب}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت ب}} > \frac{\text{فایده نهایی الف}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت الف}}$  برقرار باشد، این شخص حداکثر فایده را از بودجه مشخص خود کسب نمی‌کند. چون در حالتی که رابطه فوق برقرار است، فایده نهایی ناشی از صرف یک واحد هزینه برای آخرین واحد فعالیت الف بیش از فایده نهایی یک واحد هزینه صرف شده برای آخرین واحد فعالیت ب می‌باشد. این شخص باید بودجه خود را از فعالیت ب به فعالیت الف تخصیص مجدد نماید. در این صورت بر مقدار فایده کل وی افزوده می‌شود؛ چرا که هر واحد هزینه صرف شده، برای فعالیت الف نسبت به فعالیت ب، موجب افزایش بیشتری در فایده کل می‌گردد؛ در حالی که تخصیص مجدد هزینه از فعالیت ب به فعالیت الف جریان می‌یابد، نقطه ای می‌باید حاصل شود که در آن فایده نهایی آخرین واحد هزینه صرف شده برای فعالیت الف برابر باشد. با فایده نهایی آخرین واحد هزینه صرف شده برای فعالیت ب (  $\frac{\text{فایده نهایی ب}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت ب}} = \frac{\text{فایده نهایی الف}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت الف}}$  ) و در این صورت است که تصمیم‌گیرنده فایده کسب شده در شرایط محدود خویش را حداکثر خواهد کرد.

این قاعده در مواقعی که بیش از دو فعالیت با هزینه ای مشخص می‌توانند کسب شوند نیز صدق می‌کند، به طوری که محدودیت بودجه در آن موقع نیز باید رعایت شود. زمانی که نامساوی در میان هر جفتی از فعالیت‌ها حاصل گردد، می‌باید هزینه‌ها از فعالیت‌هایی که فایده نهایی هر واحد هزینه صرف شده بر



آن کم است، کسر شود و به فعالیتی که فایده نهایی هر واحد هزینه صرف شده بر آن زیاد است، جریان پیدا کند. در این صورت ضمن اینکه محدودیت بودجه رعایت می شود، فایده کل نیز افزایش می یابد. بنابراین اصل زیر برقرار می شود:

با توجه به محدودیت بودجه یا امکانات و قیمت یا هزینه هر کدام از فعالیت های متعدد، حداکثر کردن فایده کل قابل دستیابی با بودجه مشخص ایجاب می کند که رابطه زیر برقرار باشد؛

$$\frac{\text{فایده نهایی الف}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت الف}} = \frac{\text{فایده نهایی ب}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت ب}} = \frac{\text{فایده نهایی ج}}{\text{هزینه یک واحد فعالیت ج}} = \dots$$

این رابطه معرف آن است که فایده نهایی هر واحد هزینه صرف شده بر آخرین واحد از هر فعالیت به کار گرفته شده، می باید در میان همه فعالیت ها برابر باشد. و این نحوه از تصمیم فرایند بهینه سازی مقید نام دارد. هرچند در مثال های مربوطه به محدودیت و هزینه پولی اشاره شد، لکن محدودیت های غیر پولی مانند زمان، توانایی جسمی، شرایط اجتماعی، اندوخته دانایی جامعه و غیره نیز می توانند به عنوان محدودیت و قید مطرح باشند.

### پویایی

پرواضح است که جامعه و افراد آن در مسیر زندگی در حال سیر و حرکت هستند و به همین جهت در هر لحظه از زمان ویژگی ها و محدودیت های خاص همان زمان را دارا می شوند که این خود باعث می شود تا در بهینه سازی رفتارشان عنصر زمان نیز به واسطه اینکه محدودیت هایی را اقتضا می کند، در نظر داشته باشند.

در این خصوص علامه طباطبایی معتقد است: پس اجتماع نیز در حرکت است، اما با حرکت تک تک انسان ها و نیز اجتماع تحول می پذیرد، باز با تحول افراد و اجتماع از همان آغاز حرکتش به سوی هدفی که دارد، یک وحدتی دارد که حافظ وحدتش، وجود مطلق آن است.<sup>۱</sup>

### زندگی در زمین مقتضی محدودیت

خلقت و وجود انسان در دو نشئه و دو ساحت تحقق دارد. ساحت اول ساحت عالم ملکوت و نشئه غیر مادی است که در آن نشئه وجود انسان به گونه ای است که هیچ محدودیت و قیدی در مسیر انجام رفتارهای سعادت‌مندانانه برای او وجود ندارد. در این ساحت انسان در عالم قدس به سر می برد و برای او ممکن است رفتارهای مختلف و متعددی را در عرض هم و در آن واحد انجام دهد؛ بدون اینکه یکی از این رفتارها مانع انجام رفتار دیگری شود. زیرا در این ساحت از وجود انسان، نه زمانی هست و نه مکانی و نه محدودیت های دیگر.

ساحت و نشئه دومی که وجود انسان در آن تحقق دارد، ساحت و نشئه مادی و دنیایی زندگی انسان است. در این ساحت وضع به منوال ساحت قبل نیست. و این طور نیست که انسان بتواند رفتارهای سعادت آفرین مختلف و متعددی را در عرض هم و در آن واحد انجام دهد. زیرا محدودیت هایی که اقتضای نشئه مادی و زندگی دنیایی هستند، از قبیل محدود بودن به پوشش زمان و محدود بودن به پوشش مکان و دیگر محدودیت‌های زندگی زمینی مانع می شوند که انسان بتواند در آن واحد چند رفتار را انجام دهد. در واقع این رفتارها در دنیای مادی متضاد یکدیگر می باشند و قابل جمع در زمان یا مکان واحد نیستند.

علامه طباطبایی می گوید: کلامی که از ملایکه در جریان خلقت انسان حکایت شده، اشعار بر این معنا دارد، که ملایکه از کلام خدای تعالی که فرمود: می خواهم در زمین خلیفه بگذارم، چنین فهمیده اند که این عمل باعث فساد و خونریزی در زمین می شود، چون می دانسته اند که موجود زمینی به خاطر اینکه مادی است، باید مرکب از قوای غضبی و شهوی باشد، و چون زمین دار تراحم و محدودالجهات است، و مزاحمت در آن بسیار می شود، مرکباتش در معرض انحلال، و انتظام هایش و اصلاحاتش در مظنه فساد و بطلان واقع می شود، لاجرم زندگی در آن جز به صورت زندگی نوعی و اجتماعی فراهم نمی شود، و بقا در آن به حد کمال نمی رسد، جز با زندگی دسته جمعی، و معلوم است که این نحوه زندگی بالاخره به فساد و خونریزی منجر می شود.<sup>۱</sup>

و باز ایشان در جای دیگری اظهار می دارد: از همین جا می تواند حدس بزند که شجره نامبرده (ولا تقربا هذه الشجره) درختی بوده که نزدیکی به آن مستلزم تعب و بدبختی در زندگی دنیا بوده.<sup>۲</sup> حیات دنیا حقیقتش آمیخته با حقیقت زمین است، یعنی دارای گرفتاری و مستلزم سختی است. و لازمه آن نیز این است که انسان در آن تکون یابد، و دوباره با مردن جزء زمین شود، و آنگاه برای بار دیگر از زمین مبعوث گردد.<sup>۳</sup>

### زیست جهان اجتماعی بودن اقتضای بهینه سازی خلقت انسان

یکی از مهمترین قیدها و محدودیت هایی که لازمه زندگی زمینی است، محدود بودن و مقید بودن زندگی انسان زمینی به زندگی اجتماعی است. در عین حال این محدودیت تفاوت بسیار مهمی با محدودیت های دیگر انسان زمینی دارد. بسیاری از محدودیت ها برای انسان زمینی وجود دارد که خود انسان در اتخاذ آنها هیچ نقشی ندارد و فقط از جانب طبیعت و خلقت طبیعی انسان به او تحمیل و اجبار شده است. مانند محدود بودن انسان به بسیاری از عدم توانایی ها. مثلاً انسان توانایی ندارد از تعداد ساعات مستمر مشخصی بیشتر بیدار بماند. و یا از تعداد ساعات مشخصی بیشتر نمی تواند گرسنه بماند و از این قبیل. اما محدود بودن انسان زمینی به زندگی اجتماعی بدین شکل نیست و اینطور نیست که انسان از جانب طبیعت و

۱. المیزان، ج ۱، ص ۱۷۷

۲. المیزان، ج ۱، ص ۲۰۰

۳. المیزان، ج ۱، ص ۲۰۷

ویژگی های جسمی اش مجبور به زندگی در اجتماع باشد. و در واقع طبیعت انسان منافاتی با زندگی خارج از اجتماع ندارد. بلکه این محدودیت را انسان با اختیار و انتخاب خود بر خود تحمیل کرده است. بدین معنا که نوع انسان بر اساس قوه عاقله خود و با محاسبه گری که انجام می دهد به این نتیجه می رسد که با پذیرش این قید و زندگی در اجتماع می تواند با روش های ساده تر و کم مؤونه تری نسبت به روشهای مربوط به زندگی فردی نیازهای خلقت مادی و تمایلاتش را برآورده سازد. در واقع او حساب می کند که هرچند با زندگی در اجتماع محدودیت هایی بر او بار می شود که منجر به کاهش لذایذ برای او می شود؛ لکن در عوض لذایذ بسیار بیشتری را برای او به همراه می آورد و همین محاسبه او را رهنمون به ایجاد قید زیست جهان اجتماعی برای خود می کند.

علامه طباطبایی در موارد متعددی به علت و چگونگی شکل گیری جامعه و لوازم آن پرداخته است: سلطنت دنیوی از هر نوعی که باشد، و با جمیع شؤون و قوای مقننه، و قوای حاکمه، و قوای مجریه اش، مبتنی بر حوایج زندگی است، و این حاجت زندگی است که ایجاب می کند چنین سلطنتی و چنین قوانینی به وجود آید، تا حوایج انسان را که عوامل زمانی و مکانی آن را ایجاب می کند، برآورد. به همین جهت چه بسا می شود که متاعی را مبدل به متاعی دیگر، و منافی را فدای منافی بیشتر می کند.<sup>۱</sup>

چون احتیاجات طبیعی او یکی دوتا نبود، و یک انسان به تنهایی نمی توانست همه حوایج خود را برآورد، چون نیروی طبیعی شخص او وافی به این کار نبود، لذا فطرتش راه چاره ای پیش پایش گذاشت و آن این بود که متوسل به زندگی اجتماعی شود، و برای خود تمدنی بوجود آورد، و حوایج زندگی را در میان افراد اجتماع تقسیم کند، و برای هر یک از ابواب حاجات، طایفه ای را موکل سازد، عیناً مانند یک بدن زنده، که هر عضو از اعضاء آن، یک قسمت از حوایج بدن را برمی آورد، و حاصل کار هر یک عاید همه می شود.<sup>۲</sup>

دانشمندانی که متخصص در جامعه شناسی و صاحب نظر در این فن هستند، اگر در پیرامون آثار و خواصی که از این پدیده که نامش اجتماع است و بدان جهت که اجتماع است، ناشی می شود، دقت و غور کنند، شکی برایشان نمی ماند که اصولاً پدید آمدن حقیقتی به نام اجتماع و سپس منشعب شدن آن به شعبه های گوناگون و اختلاف ها و چندگونگی آن به خاطر اختلاف طبیعت انسان ها، فقط و فقط یک عامل داشته و آن درکی بوده که خدای سبحان انسان ها را به آن درک ملهم کرده، درک به این معنا که حوایجش که اتفاقاً همه در بقای او و به کمال رسیدنش مؤثرند یکی دو تا نیست تا خودش بتواند به رفع همه آنها قیام کند، بلکه باید اجتماعی تشکیل دهد، و بدان پایبند شود، تا در آن مهد تربیت و به کمک آن اجتماع در کارها و حرکات و سکناش موفق شود و یا به عبارتی همه آنها به نتیجه برسد و گرنه یک دست صدا ندارد.<sup>۳</sup>

۱. المیزان، ج ۱، ص ۳۱۸

۲. المیزان، ج ۱، ص ۳۱۸

۳. المیزان، ج ۱، ص ۵۰۶

خلقت وقتی احساس کرد که تک تک انسان‌ها وجودی ناقص دارند و نیازمند به استکمالند و استکمال هم نمی‌توانند بکنند مگر در زندگی اجتماعی، به همین جهت تک تک انسان‌ها را مجهز به ادوات و قوایی کرد که با آن بتواند در استکمال خویش بکوشد، و بتواند در ظرف اجتماع برای خود جایی باز کند.<sup>۱</sup>

### زیست جهان‌های گوناگون در دوره‌های بشریت

لازم است توجه داشته باشیم محدودیت‌های که از جانب طبیعت بر زندگی زمینی انسان تحمیل و اجبار می‌شود، در طول تاریخ و با گذر زمان تغییری نمی‌یابد و یا تغییر بسیار اندکی پیدا می‌کند؛ زیرا طبیعت انسان در طول زمان تغییر چندانی نمی‌یابد. اما محدودیت‌های ناشی از اجتماعی بودن زندگی انسان که همان‌طور که بیان شد، اقتضای بهینه‌سازی خلقت نوع انسان است و انسان بر اساس در نظر گرفتن جمیع شرایطش و با محاسبه منافع و مضار آن، این قید را با اختیار به خود تحمیل می‌کند، در طول زمان قابل تغییر و تحول است. در واقع ممکن است شرایطی که انسان با در نظر گرفتن آن شرایط این شیوه خاص مناسبات اجتماعی را به عنوان روش بهینه زندگی اتخاذ کرده است، تغییر یابد. آنگاه قطعاً شرایط جدید با محاسبه منافع و مضار می‌تواند مناسبات اجتماعی دیگری را به عنوان روش بهینه زندگی اجتماعی اقتضا کند. و این امکان تغییر مهمترین رخدادی است که در مقام مدل‌سازی شریعت و همین‌طور در مقام تولید قواعد استنباط از دین باید مورد توجه قرار بگیرد. زیرا برقراری هر کدام از این مناسبات روش زندگی سعادت آفرین مخصوص به خود را طلب می‌کند که با دیگر مناسبات متضادش ناهمگون است. در واقع اینجاست که بزنگاه مساله ثبات و تغییر را در دین ایجاد می‌نماید. این نوع تغییر در مناسبات زندگی نوع انسان به اندازه‌ای در روش سعادت آفرین زندگی مؤثر است که حتی می‌تواند در مواردی باعث تغییر شریعت و فرستاده شدن پیامبری با شریعت جدید گردد.

علامه طباطبایی در این باره عقیده دارد: آمدن پیامبری دیگر و نسخ احکام دینی پیامبر گذشته، بر طبق مقتضای اختلافی است که در دوره‌های بشریت است.<sup>۲</sup>

مجتمع بشری به هیچ وجه قادر بر حفظ حیات، و ادامه وجود خود نیست، مگر با قوانینی که از نظر خود اجتماع معتبر شمرده شود، تا آن قوانین، ناظر بر احوال اجتماع باشد، و بر اعمال یک یک افراد حکومت کند، و البته باید قانونی باشد که از فطرت اجتماع، و غریزه افراد جامعه، سرچشمه گرفته باشد، و بر طبق شرایط موجود در اجتماع وضع شده باشد، تا تمامی طبقات هر یک بر حسب آنچه با موقعیت اجتماعی اش سازگار است، راه خود را به سوی کمال حیات طی می‌کند، و در نتیجه جامعه به سرعت رو به کمال قدم بر می‌دارد، و در این راه طبقات مختلف، با تبادل اعمال، و آثار گوناگون خود، و با برقرار کردن عدالت اجتماعی، کمک کار یکدیگر در سیر و پیشرفت شوند.<sup>۳</sup>

۱. المیزان، ج ۱، ص ۵۶۵

۲. المیزان، ج ۱، ص ۳۸۱

۳. المیزان، ج ۱، ص ۲۷۹

«یهدی من یشاء الی صراط مستقیم» در این جمله کلمه (صراط) نکره، یعنی بدون الف و لام آمده، و این بدان جهت است که استعداد امت ها برای هدایت به سوی کمال و سعادت، و یا به عبارتی برای رسیدن به صراط مستقیم مختلف است.<sup>۱</sup>

### احکام شریعت راه بهینه به سوی کمال قوم

براساس مبانی اعتقادی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام اساساً شریعت اسلام برنامه ای است که پروردگار متعال به اقتضای حکمت خود آن را برای هدایت نوع انسان به کمال ارایه نموده است. در واقع شریعت برنامه سعادت آفرین زندگی نوع انسان با لحاظ همه ویژگی ها و شرایطی که در زندگی دنیایی خود دارد، می باشد. و پروردگار متعال بر اساس علم نامحدود و شناختی که از حقیقت انسان و نقطه کمال انسان و همین طور شرایط متحمله بر انسان دارد، راهی منحصر به فرد را در از طریق انبیا الهی و در قالب شریعت در اختیار انسان قرار می دهد تا وی با پیمودن این راه به درجات کمال واصل گردد. و چون پروردگار متعال در همه زمینه های پیش گفته علم لایتناهی دارد و حکیم علی الاطلاق است، پس راهی را که انسان ها را به آن راه رهنمون می سازد، قطعاً کوتاه ترین راه برای رسیدن به کمال است. و این به معنی بهینه بودن شریعت در مسیر دستیابی به کمال است.

علامه طباطبایی در این باره می گوید:

خداوند هر حکمی هم که بکند، به منظور هدایت خلق، و بر طبق مصلحت و کمالاتی است که برای فرد و نوع آنها اراده می کند. پس او هیچ حکمی نمی کند، مگر به خاطر اینکه به وسیله آن حکم، خلق را هدایت کند. و هدایت هم نمی کند، مگر به سوی آنچه که صراط مستقیم و کوتاه ترین راه به سوی کمال قوم و صلاح ایشان است.<sup>۲</sup>

خداوند امت اسلام را امتی وسط قرار داد، یعنی برای آنان دینی قرار داد که متدینین به آن دین را به سوی راه وسط و میانه هدایت می کند، راهی که نه افراط آن طرف را دارد، و نه تفریط این طرف را، بلکه راهی است که هر دو طرف را تقویت می کند. هم جانب جسم را، و هم جانب روح را البته به طوری که در تقویت جسم از جانب روح عقب نمانند، و در تقویت روح از جانب جسم عقب نمانند، و میانه هر دو فضیلت جمع کرده است.<sup>۳</sup>

### نتیجه گیری

معارف و احکامی که شریعت الهی متضمن آن است، معارفی است که پیروان دین را از کوتاه ترین راه به سوی کمال رستگاری هدایت می کند. شریعت بدین معنا دارای مراتب و سطوح مختلفی است.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۴۸۱

۲. المیزان، ج ۱، ص ۴۸۰

۳. المیزان، ج ۱، ص ۴۸۲

مرحله نخست را آنچه در علم الهی و مشیت ربانی برای هدایت انسان به سوی رستگاری وجود دارد، تشکیل می‌دهد. و دین نفس الامری نامیده می‌شود. در این مرحله از تشریح دین، خداوند آدمی را براساس گوهر وجودی اش و فطرت وی در نظر می‌گیرد. و هیچیک از تفاوت های ظاهری و خصوصیت های موقعیتی که برای انسان در طول زندگی مادی اش رخ می‌دهد را در نظر ندارد. یعنی پروردگار متعال انسان را با قید عدم محدودیت یا با قید بی قید بودن در نظر گرفته و متناسب با چنین لحاظی دین نفس الامری را تشریح نموده است. و این بدین معناست که در این مرحله پروردگار متعال از فرایند حداکثرسازی غیر مقید استفاده نموده است و تمام رفتارهای سعادت آفرین برای انسان از پرتأثیرترین شان تا کم تأثیرترین شان را تشریح می‌نماید. این نسخه رستگاری بشر در لوح محفوظ، حقیقتی عینی و واقعیتی ثبوتی دارد.

اما در مرحله دوم، تشریح دین بدین منوال نیست. این مرحله از دین که دین مرسل نامیده می‌شود، معلول نیازمندی بشر در زندگی روی زمین به پیام الهی است. و چون انسان بر روی زمین علاوه بر گوهر وجودی اش که در بین همه انسان ها مشترک و واحد است، دارای ویژگی هایی هست که باعث ایجاد تفاوت در بین انسان ها می‌گردد و همین طور شرایطی را دارد که برای او محدودیت های متعددی و ناتوانی های بسیاری را در انجام برخی رفتارها به همراه می‌آورد، که این محدودیت ها از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر تغییر می‌یابند. پس پروردگار متعال راهی را به عنوان مسیر رستگاری در اختیار انسان ها قرار می‌دهد که اولاً، بیشترین حد ممکن از سعادت را که برای انسان قابل دستیابی است، به همراه داشته باشد؛ ثانیاً، رفتارهایش برای نوع انسان و با توجه به توانایی ها و عدم توانایی های قابل انجام باشد و ثالثاً، کوتاه ترین راه ممکن برای رسیدن به این سطح از کمال نیز باشد. بنابراین در این مرحله پروردگار متعال تمام رفتارهایی را که در دین نفس الامری به عنوان مسیر سعادت قرار داده بود، تشریح نمی‌نماید و یا لاقلاً همه آنها را به صورتی الزامی تشریح نمی‌نماید. رفتارهای پرتأثیر در کمال را اولویت می‌دهد و چه بسا از برخی رفتارهای کم تأثیر صرف نظر می‌نماید. و حتی ممکن است برخی از رفتارهایی را که در دین نفس الامری الزام انجام داشته باشند، در این مرحله به الزام ترک مبدل سازد؛ چرا که انسان ها بر روی زمین از جهات گوناگون محدودیت ها و قیودی را دارند که باعث می‌شود کوتاه ترین مسیر سعادت برای آنها با موجوداتی که این محدودیت ها را ندارند، یکسان نباشد. محدودیت هایی از قبیل خلقت زمینی داشتن، مادی بودن و جسمانیت که هر کدام به نوعی در تنظیم راه سعادت برای انسان مؤثرند. همین طور قید اجتماعی بودن که مستلزم آن است که مسیر سعادت انسان به گونه ای ترسیم شود که انسان را در بستر جامعه اش و با لحاظ قیود ناشی از مناسبات اجتماعی به کمال برساند. و از طرفی انسان ها در دوره ها و مکان های مختلف استعدادها، مناسبات اجتماعی و محدودیت های مختلفی دارند. اینها همگی منجر می‌شود که شارع مقدس در ارایه مسیر سعادت که همان شریعت الهی است، برخی از رفتار هایی که فی نفسه سعادت آفرین است را تجویز ننماید و یا حتی منع کند و همین طور به عکس، و همین طور گاهی از رفتارهایی که فی نفسه شقاوت آفرین است، ممانعت نکند و یا تجویز نماید، چرا که او باید همه توانایی ها و استعداد های محدود انسان را در نظر بگیرد، و با توجه به آنها ترکیبی از رفتار ها را به او توصیه نماید که بیشترین حد کمال و سعادت ممکن را از آنها بتواند تحصیل نماید. پس لازم است برخی رفتار های سعادت

آفرین که مانع تحقق رفتارهای سعادت آفرین دیگری می شوند را حذف نماید تا مجموعه ای ارایه دهد که هم بیشترین حد از سعادت را برای انسان ارایه دهد و هم کوتاه ترین راه برای وی باشد. و این بدین معناست که پروردگار در ارایه شریعت مرسل از فرآیند بهینه سازی مقید بهره می گیرد و در واقع شریعت ارایه دهنده مسیر بهینه سعادت است. از همین جا دانسته می شود که چون محدودیت های انسان در زندگی زمینی در زمان ها و مکان های مختلف تغییر پذیر است. بویژه محدودیت های ناشی از مناسبات اجتماعی زندگی بشر. بنابراین پروردگار متعال در هر دوره ای متناسب با تغییر شرایط و مناسبات زندگی انسان ها، شریعت مرسل را نیز تغییر می دهد. که این امر در گذشته با ارسال پیامبر صاحب شریعت جدید و نسخ شریعت قبلی رخ می داده است. و در دین خاتم به عنوان آخرین دین مرسل نیز با قرار دادن عناصری و ارایه طریقی علمی امکان پویایی و تغییر را از درون این دین فراهم می سازد.

در تطبیق این مدل به رفتار شارع مقدس می توان به نظریه تزامم حفظی شهید صدر در مبحث تحلیل جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی و همین طور نظریه علامه طباطبایی در باب نسخ نیز مراجعه نمود.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- اعتصامی، منصور، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.  
جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، چاپ سوم. قم: انتشارات اسوه  
شیخ انصاری، مرتضی. المکاسب، قم: انتشارات جامعه مدرسین.  
صدر، سید محمدباقر. بحوث فی علم الاصول. مقرر: سید محمود هاشمی. ۷ جلد، قم: المجمع العلمي  
للشهیید صدر.  
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد  
باقر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. اصول کافی.  
مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید. قم: انتشارات موسسه امام خمینی.  
مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن. قم: انتشارات موسسه امام خمینی.  
مطهری، مرتضی، مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.  
موریس فیلیپس، تحلیل اقتصادی، ترجمه: اکبر کمیجانی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.  
هادوی تهرانی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد. چاپ اول. قم: موسسه رواق حکمت.  
هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام. چاپ اول. قم: موسسه رواق حکمت.



## بررسی سیاست تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد اسلامی

محمد مهدی عسکری<sup>۱</sup>

امیر احمد ذوالفقاری<sup>۲</sup>

### چکیده

سیاست تعیین حداقل دستمزد، به عنوان اقدامی در جهت حمایت از کارگران و تأمین سطح حداقلی معیشت برای آنها در اقتصاد متعارف مطرح گردیده است و موافقان و مخالفانی دارد. این موضوع در اقتصاد اسلامی نیز مورد مناقشه است.

این مقاله که با روش تحقیق اسنادی و کتابخانه ای و با مراجعه به منابع اسلامی نگارش یافته، با در نظر گرفتن یک مکانیزم عادلانه برای تعیین دستمزد نیروی کار و با تبیین وظایف دولت اسلامی در قبال کارگران نشان می‌دهد که در شرایط برقراری عدالت اعمال این سیاست صحیح نمی‌باشد؛ بلکه تأمین حداقل معاش نیروی کار بر عهده دولت بوده و دولت نباید این وظیفه‌اش را از طریق اعمال این سیاست بر عهده تولید کنندگان قرار دهد و بر تولیدکنندگان هزینه اضافی تحمیل نماید. بلکه دولت از طریق سیاست‌های تأمین اجتماعی و یا پرداخت یارانه‌های مستقیم باید حداقل معیشت کارگران را تأمین نماید. در صورت اعمال سیاست حداقل دستمزد نیز دولت باید مقدار کاسته شده از میزان سهم کارفرما از تولید در اثر اعمال این سیاست را به عنوان مالیات پرداخت شده بنگاه محسوب نماید.

**واژگان کلیدی:** حداقل دستمزد، دولت، حداقل معاش، اقتصاد اسلامی

طبقه بندی JEL: E24، J01، J08

۱. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی

## ۱. مقدمه

کاهش فقر و افزایش رفاه همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های علم اقتصاد بوده است و کسب درآمد برای امرار معاش و افزایش رفاه یکی از مهمترین انگیزه‌ها برای کار و تلاش می‌باشد. افراد معمولاً نیازهای مادی خود را از طریق درآمدی که با کار کردن به دست می‌آورد، تأمین می‌کنند و به همین جهت موضوع دستمزد نیروی کار به دلیل ارتباط با معیشت افراد، دارای اهمیت بالایی است. یکی از سیاست‌هایی که برای تضمین حداقل معاش برای کارگران پیشنهاد می‌گردد، سیاست تعیین حداقل دستمزد است. به این معنا که با توجه به سطح عمومی قیمت‌ها و همچنین سبد کالاهای ضروری برای حداقل معیشت، سطحی از دستمزد برای کارگران تعیین می‌گردد که با دریافت آن بتوانند حداقل معیشت خود را تأمین نمایند. این مقاله به دنبال آن است که چگونگی تأمین حداقل معاش برای کارگران و چگونگی اعمال سیاست تعیین حداقل دستمزد را در چارچوب اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده و سیاست مطلوب اسلامی را معرفی نماید.

در این راستا ابتدا مروری بر نظرات موجود در این زمینه در اقتصاد متعارف می‌گیرد و سپس موضوع در چارچوب اقتصاد اسلامی بررسی خواهد شد. برای پاسخ به سؤال مد نظر باید ابتدا چارچوب مطلوب تعیین دستمزد در اقتصاد اسلامی مشخص گردد. همچنین نقش دولت در تأمین معاش مردم به علاوه میزان حداقلی معاش نیز باید معلوم شود.

## ۲. بیان مساله

### ۲-۱. تعریف

حداقل دستمزد عبارت است از پایین‌ترین نرخ دستمزدی که به صورت قانونی توسط کارفرمایان به کارگران قابل پرداخت است (دانشنامه اقتصادی جدید پالگریو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

حداقل دستمزد، نرخ‌های مزدی است که از طریق قانون یا مذاکرات دسته جمعی برقرار می‌شود و با مزدهای پایین‌تر از این نرخ‌ها نمی‌توان کارگرها را استخدام کرد یا به عبارت دیگر مزد‌ها نمی‌توانند و نباید از این حد‌ها پایین‌تر باشند (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی: ۱۳۹۵).

در بیان دیگری می‌توان حداقل مزد را برابر با کمترین مزدی دانست که به یک کارگر غیرمتخصص داده می‌شود تا حداقل معیشت عادی او و خانواده‌اش را بر مبنای ضروریات جامعه تأمین نماید.

### ۲-۲. بیان تئوری

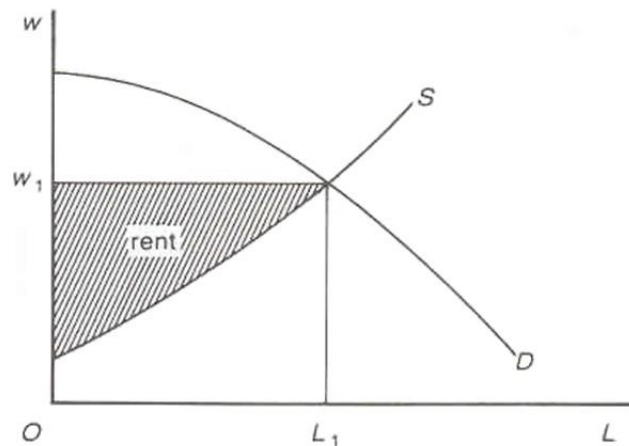
مسائل مربوط به نیروی کار و بحث‌هایی همچون دستمزد و سطح حداقلی آن در اقتصاد کار<sup>۲</sup> مطرح می‌گردند. این حوزه از علم اقتصاد به بررسی بازار کار و مسائل پیرامون آن می‌پردازد. بازار کار محل تقابل عرضه کنندگان نیروی کار و تقاضا کنندگان آن یعنی بنگاه‌های تولیدی است. در اقتصاد متعارف فرض این

1. The New Palgrave Dictionary of Economics

2. Labor Economics

است که بنگاه‌های تولیدی با هدف حداکثرسازی سود خود عمل می‌کنند و عرضه‌کنندگان کار نیز حداکثرسازی مطلوبیت خود را که تابعی از درآمد (مصرف) و فراغت آنها می‌باشد، دنبال می‌کنند. بازار کار در تلاقی منحنی عرضه و تقاضای نیروی کار به تعادل رسیده و در این شرایط سطح تعادلی اشتغال و دستمزد مشخص می‌گردد. در تعادل رقابتی بازار کار هر یک از عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان دارای یک عایدی اضافی نیز هستند که از حضور در بازار برای آنها حاصل گردیده است. این عایدی اضافی فاصله بین سطح دستمزد تعادلی بازار و سطح دستمزد مد نظر عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان در سطوح مختلف اشتغال است. این مطلب در نمودار شماره یک نشان داده شده است.

### نمودار ۱. تعادل در بازار کار



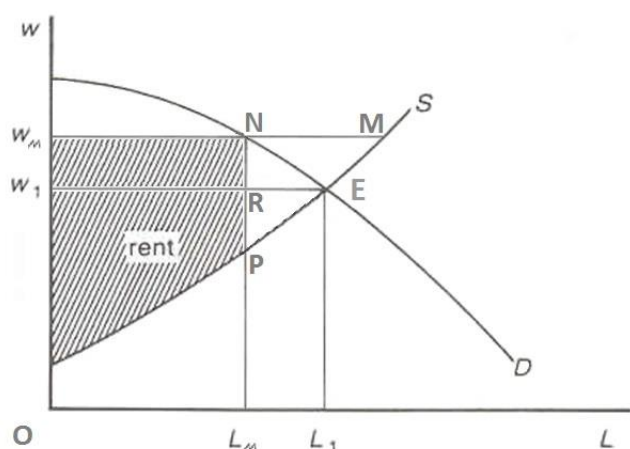
منبع: لیدلر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹

در نمودار بالا ملاحظه می‌گردد که بازار کار در سطح دستمزد  $w_1$  و سطح اشتغال  $L_1$  به تعادل رسیده است. منطقه هاشور خورده عایدی اضافی کارگران از حضور در بازار است. فضای بین سطح دستمزد تعادلی و منحنی تقاضای نیروی کار در حد فاصل  $OL_1$  نیز عایدی اضافی کارفرما از حضور در بازار می‌باشد. اما بحث تعیین حداقل دستمزد در جایی مطرح می‌شود که دستمزد تعادلی حاصل از فرایند بازار جهت تأمین حداقل معیشت نیروی کار کفایت نکند. این حالت ممکن است در مواقعی رخ دهد که سطح دستمزد اسمی تعادلی به خاطر بالارفتن عرضه نیروی کار در اثر افزایش جمعیت پایین بیاید و یا اینکه در اثر به وجود آمدن فضای تورمی، سطح دستمزد واقعی کاهش یابد. در این شرایط دولت در راستای حمایت از کارگران و تأمین حداقل معاش آنها باید اقداماتی انجام دهد. یکی از این اقدامات تعیین یک سطح حداقلی برای دستمزد کارگران است. چنین اقدامی برخی اثرات مثبت و منفی در پی خواهد داشت. کم و کیف این اثرات

مورد مناقشه اقتصاددانان قرار گرفته است و بر همین اساس گروهی اعمال این سیاست را صحیح می‌دانند و گروهی دیگر چنین اعتقادی ندارند.

اعمال سیاست حداقل دستمزد، علاوه بر سطح دستمزد، روی سطح اشتغال و رفاه کارگران و تولید کنندگان اثر مستقیم و روی سطح عمومی قیمت‌ها و تولید ناخالص داخلی و برخی دیگر از متغیرهای اقتصادی اثر غیر مستقیم داشته باشد. نمودار شماره دو برخی از تغییرات حاصل از اعمال این سیاست را نشان می‌دهد.

### نمودار ۲. بازار کار پس از اعمال سیاست حداقل دستمزد



همان گونه که ملاحظه می‌گردد، سطح دستمزد پس از اعمال سیاست حداقل دستمزد از  $w_1$  به سطح  $w_M$  ارتقاء و میزان اشتغال از  $L_1$  به سطح  $L_M$  کاهش می‌یابد. مطابق شکل نتیجه این اقدام، کاهش عایدی اضافی تولیدکنندگان به میزان  $w_M N E w_1$  و افزایش عایدی اضافی کارگران به میزان  $w_M N R w_1$  است. عایدی اضافی کارگران در کنار افزایش مذکور کاهش می‌یابد. اعمال این سیاست تنها وقتی به سود کارگران تمام خواهد شد که افزایش فوق‌الذکر در عایدی اضافی کارگران بر کاهش آن غلبه کند و از آن بیشتر شود. اما فارغ از اینکه اعمال این سیاست به سود کارگران خواهد بود یا خیر؟ رفاه کل جامعه به میزان  $N E P$  کاهش می‌یابد و جبران نخواهد شد. یکی از دلایلی که کلاسیک‌ها سیاست حداقل دستمزد را صحیح نمی‌دانند، همین کاهش رفاه کل جامعه است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه اثرات فوق‌الذکر همیشه یکسان نیست و میزان آن متناسب با ساختار عرضه و تقاضای نیروی کار تفاوت خواهد کرد و کشش عرضه و تقاضای نیروی کار در این باره تعیین‌کننده است. به بیان بهتر هرچه تقاضای بنگاه‌ها برای نیروی کار کم‌کشش‌تر باشد، میزان کاهش رفاه کل جامعه و همچنین کاهش سطح اشتغال در صورت اعمال این سیاست کمتر خواهد بود و بالعکس. از طرفی بازارهایی که عموماً موضوع حداقل دستمزد برای آنها مطرح است، دارای تقاضای به نسبت پرکشش‌تری هستند. علت

این مساله هم آن است که کشش پذیری تقاضا برای کالاها یا خدمات رابطه مستقیمی با وجود جانشین برای آنها دارد. کالاها و خدمات کم کشش عموماً دارای جانشین های کمتری نسبت به سایرین هستند؛ به این معنی که مثلاً در صورت افزایش قیمت کالا یا خدمت مورد نظر، افراد نمی‌توانند تقاضای خود از آن کالا یا خدمت را خیلی کاهش دهند؛ چون در صورت کاهش تقاضا فرد به جانشین مناسب برای جبران کاهش مصرف آن کالا یا خدمت خاص دسترسی زیادی ندارد. البته در کنار وجود جانشین، ضرورت استفاده یک کالا یا خدمت نیز در میزان کشش پذیری تقاضای آن مؤثر است.

بحث حداقل دستمزد عموماً برای بازار نیروهای کار ساده و فاقد مهارت مطرح می‌شود و سطح دستمزد بازاری نیروهای کار ماهر عموماً بالاتر از سطح حداقل معاش است. تعداد نیروهای کار غیر ماهر نیز عموماً در اقتصاد زیاد است و از همین رو برای نیروی کار غیر ماهر جانشین های زیادی وجود دارد. در نتیجه هرچقدر هم که نیاز به نیروی کار غیر ماهر زیاد شود، باز هم تقاضای آن پرکشش خواهد بود. به همین علت و با توجه به نکات فوق الذکر، بر اساس تحلیل بازاری اثر کاهش رفاه کل جامعه و همچنین افزایش بیکاری در اثر اعمال سیاست حداقل دستمزد به نسبت بیشتر خواهد بود.

تحلیلی که از نظر گذشت، بیشتر جنبه کلاسیکی دارد و کلاسیک‌ها از مخالفان سیاست حداقل دستمزداند. اقتصاددانان دیگری نیز هستند که در چارچوب یک تحلیل کلان، اشکالات وارده توسط نئوکلاسیک ها را رد کرده و بر خلاف آنها این سیاست را صحیح می‌دانند. در قسمت تاریخچه نظریه، مرور کوتاهی بر نظرات مخالفان و موافقان و همچنین سوابق اجرایی این سیاست خواهیم داشت.

### ۳. تاریخچه نظریه

#### ۳-۱. حداقل دستمزد در علم اقتصاد

این مساله با عنایت به اهمیت فراوانش مورد بحث و مناقشه بسیار قرار گرفته و اقتصاد دانان متعددی در این باره به اظهار نظر پرداخت هاند که به تعدادی از مهمترین موارد آن اشاره می‌شود.

از زمان آغاز انقلاب صنعتی در اواخر قرن هیجدهم و همزمان با پیشرفت و گسترش صنایع، بخش تولید به سمت دو قطبی کارفرما و نیروی کار پیش رفت. بخش کارگری به سرعت گسترش یافت و تعداد زیادی از افراد جامعه در کسوت نیروی کار درآمدند و طبقه کارگری شکل گرفت. در آن زمان قدرت صاحبان صنایع و تعداد نسبی بیشتر کارگران موجب شد که کارگران سهم زیادی از عواید حاصل از تولید نداشته، و عموماً سطوح درآمدی پایینی داشته باشند. همین مساله موجب بروز اعتصاب ها و تشنج‌های کارگری گردید و نتیجه این اتفاقات مشکلات اقتصادی دیگر مانند افزایش بیشتر فقر و بیکاری در نتیجه اخراج کارگران و همچنین مواجه شدن تولیدکنندگان با مشکل نیروی کار گردید. این مسائل و مشکلات در دوره صنعتی شدن موجب شد که بحث حمایت از کارگران از جمله مساله «حداقل مزد» مورد توجه دانشمندان علم اقتصاد قرار گیرد و اقتصاد دانان به فکر طراحی یک چارچوب نظری جهت حفاظت کارگران در مقابل پیامدهای منفی نیروهای بازار افتادند.

مساله حداقل مزد ابتدا در نظریات مالتوس<sup>۱</sup> (۱۸۳۴-۱۷۶۶) مطرح گردید. وی این بحث را در ضمن نظریه معروف خود مبنی بر آهسته تر بودن آهنگ افزایش مواد غذایی و خواربار نسبت به آهنگ رشد جمعیت مطرح کرد. او در آنجا بیان می دارد که افزایش رشد جمعیت موجب افزایش عرضه نیروی کار و رقابت بین عرضه کنندگان کار می گردد. در نتیجه سطح دستمزد رقابتی پایین خواهد ماند و هیچ گاه از میزان حداقلی خود که تأمین کننده حداقل معاش کارگران است، بالاتر نخواهد رفت.

اقتصاد دانان مکتب کلاسیک و نئو کلاسیک که بحث بازار آزاد و کارآیی بازار از اعتقادات محوری آنها می باشد، عموماً اعمال سیاست حداقل دستمزد را مثبت ارزیابی نمی کنند. آنها معتقدند که نظام بازار بهترین و کاراترین نتیجه را برای اقتصاد در بر خواهد داشت و موجب خواهد شد که همه بخش های اقتصاد به حالت بهینه خود برسند. هرگونه دخالت دولت در بازار موجب به هم خوردن تعادل بازار و در نتیجه ایجاد ناکارآیی می گردد. از نظر این گروه از اقتصاددانان تعیین سطح حداقلی برای دستمزد کارگران نه تنها به نفع آنها نیست بلکه با به هم زدن مکانیسم طبیعی بازار سطح رفاه کارگران و کل جامعه را کاهش خواهد داد.

آنها معتقدند افزایش حداقل دستمزد از طریق بالا بردن ماریجی خطر تورم - بیکاری، نه تنها تأثیرات مثبت این سیاست را در بعد اجتماعی خنثی می کند، بلکه با شدت بخشیدن به نابرابری های درآمدی، موجبات کند شدن آهنگ رشد اقتصادی را نیز فراهم می کند (نیومارک، شوایتزر و واشر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). توماس و ولشو می گویند زمانی که دولت در بازار آزاد دخالت می کند و حداقل دستمزد کارگران کم مهارت را بالاتر از دستمزد تعادلی بازار تعیین می کند، مسلماً اشتغال گروهی از کارگران کاهش می یابد. افزایش سطح دستمزد نیروی کار از سوی دیگر موجب خواهد شد که صنایع سرمایه بر و فناوری محور جایگزین صنایع کاربر شوند که این مطلب از طریق کاهش تقاضای نیروی کار موجب تشدید بیکاری می گردد. همچنین افزایش دستمزد هزینه تولید را بالا می برد که این مساله خود را در قیمت کالای تولید شده نشان خواهد داد و نتیجه آن افزایش سطح عمومی قیمت ها خواهد بود (توماس و ولشو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

بر خلاف کلاسیک ها گروه دیگری از اقتصاددانان هستند که تعیین حداقل دستمزد را موجب کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی می دانند. این افراد در بیان خود قیمت هر کالا یا خدمت را هزینه بازتوزیع آن معرفی می کنند. بر این اساس، دستمزد نیز هزینه بازتولید نیروی کار است. هزینه تولید نیروی کار ساده نیز عبارت است از هزینه ادامه حیات و تکثیر نسل کارگر. میزان هزینه حیات و تکثیر نسل نیز حداقل دستمزد را شکل می دهد. بنابراین، مطابق با چنین رویکردی، دستمزد باید تأمین کننده کلیه هزینه های این بازتولید (اعم از هزینه های خوراک، پوشاک، درمان، مسکن، آموزش و غیره) باشد.

این گروه از اقتصاد دانان با رد نظر کلاسیک ها مبتنی بر تورم زا بودن تعیین حداقل دستمزد، عدم اجرای چنین سیاستی را موجب بروز مشکلات در اقتصاد می دانند. افرادی مانند هوگان<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، ریسمن<sup>۵</sup>

1. Thomas Robert Malthus
2. Neumark; Schweitzer & Wascher
3. Thomas & Volsho, 2005
4. Hogan
5. Rissman

(۱۹۹۵)، کلارک<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) و مهرا<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) معتقدند که افزایش سطح دستمزد هیچگونه اثر تورمی در پی نخواهد داشت. این گروه از اقتصاددانان نظر کلاسیک ها که تعیین حداقل دستمزد را تورم زا می دانستند، رد می کنند.

فلپس پایین بودن غیر منصفانه دستمزدها را موجب پایین آمدن سطح بهره وری کارگران می داند. از نظر وی در چنین شرایطی کارگران فقط یک تعلق خاطر دوره ای به کار خود دارند. در این شرایط رقابت غیر قانونی بنگاه ها در جذب کارگران افزایش یافته و در نهایت هزینه های تولیدی بنگاه ها بالا می رود. از این طریق با فشار بر قیمت ها، تقاضا برای تولیدات داخلی کاهش یافته و کاهش تولید، بیکاری را افزایش خواهد داد. نتیجه این اتفاقات عمیق تر شدن شکاف درآمدی و فقر در جامعه است (مورای و هاخ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

### ۲-۳. حداقل دستمزد در عرصه اجرایی

تاریخ اعمال سیاست حداقل دستمزد به حوالی پایان قرن نوزدهم بازمی گردد. مقررات حداقل دستمزد در این مقطع زمانی از سیاست هایی به حساب می آمد که برای حفاظت کارگران در مقابل پیامدهای منفی نیروهای بازار اتخاذ می شد.

قوانین و مقررات مربوط به تعیین حداقل مزد، اولین بار در سال ۱۸۹۴ در کشور نیوزلند وضع گردید. در این کشور تعیین حداقل مزد طبق قانون به یک هیأت محول شد. سپس کشور استرالیا در سال ۱۹۰۲ و انگلستان در سال ۱۹۰۹ قوانینی را جهت تعیین حداقل مزد به تصویب رساندند. در کشورهای آمریکای شمالی قانون گذاری درباره حداقل مزد چند سال قبل از جنگ جهانی اول شروع شد (ظهوری، ۱۳۷۸). کانادا در سال ۱۹۱۸ و ایالات متحده در سال ۱۹۳۵ این اقدام را انجام دادند. در قاره آسیا نیز ژاپن در سال ۱۹۵۵، اندونزی در سال ۱۹۷۰ و کره جنوبی در سال ۱۹۸۶ مقرراتی جهت حداقل مزد وضع کردند.

در کشور ما ابتدا در سال ۱۹۶۹ (مصادف با ۱۳۴۸) قانون حداقل دستمزد نیروی کار تصویب شد. پس از انقلاب اسلامی نیز در قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی این مساله لحاظ گردیده است. مواد ۴۱ و ۴۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران به مساله حداقل مزد پرداخته است. در ماده ۴۱، شورای عالی کار موظف گردیده است که همه ساله میزان حداقل مزد کارگران را با در نظر داشتن دو معیار تعیین نماید: میزان تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود؛ و سطح حداقلی مزد بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده، باید به اندازه ای باشد که زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید. کارفرمایان نیز مجاز به پرداخت کمتر از حداقل مزد تعیین شده در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده نمی باشند. ماده ۴۲ نیز حداقل مزد را منحصرأً نقدی می داند و محاسبه پرداخت های غیر نقدی را به عنوان قسمتی از حداقل دستمزد مجاز نمی داند (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۹۵).

1. Clark

2. Mehra

3. Murray & Hugh

سازمان بین‌المللی کار<sup>۱</sup> که پیگیر امور مربوط به کارگران در سطح دنیا می‌باشد و در این راستا توصیه نامه‌ها و مقاوله نامه‌هایی تصویب کرده است. در آخرین توصیه نامه که مربوط به سال ۱۹۷۰ است، به رعایت مؤلفه‌هایی همچون نیازهای کارگران و خانواده آنان، سطح عمومی مزدها در کشور (نگاه مقایسه‌ای بین حداقل دستمزد و سایر سطوح دستمزدی)، هزینه زندگی و تغییرات آن (توجه به شاخص قیمت‌ها)، مزایای تأمین اجتماعی (برای حداقل کردن فرار بیمه‌ای)، استانداردهای نسبی زندگی سایر گروه‌های اجتماعی (توجه به کاهش فقر نسبی) و عوامل اقتصادی و ضروریات توسعه اقتصادی تأکید شده است. در مجموع باید گفت که بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار در حال حاضر بیش از نود درصد از کشورها به نحوی از انحاء از مقررات حداقل دستمزد برخوردارند.

پس از تبیین مساله در اقتصاد متعارف به بحث اسلامی آن می‌رسیم. جهت تبیین نظر اسلام در زمینه سیاست تعیین حداقل دستمزد، لازم است ابتدا ساز و کار اسلامی تعیین دستمزد مشخص گردد و سپس وارد موضوع حداقل دستمزد شویم.

#### ۴. چارچوب تعیین دستمزد نیروی کار در اقتصاد اسلامی

بر اساس فقه اسلامی فردی که می‌خواهد کسب درآمد کند در دو چارچوب می‌تواند کار کند. یکی این است که اجیر فرد دیگری شود؛ به این معنی که نیروی کار خود را در اختیار فرد دیگری قرار می‌دهد و در ازای آن پولی دریافت می‌کند. این حالت از قرارداد کاری در فقه در موضوع اجاره و بعضاً در جعاله مورد بحث قرار می‌گیرد. اما حالت دوم به شکل مشارکت کارگر و کارفرما در نتیجه کار می‌باشد. این دسته از قرارداد های کاری در قالب‌های مختلفی می‌تواند شکل گیرد. مثلاً به صورت قرارداد مشارکت در قالب عقد شرکت، قرارداد مضاربه، قرارداد مزارعه و یا مساقات انجام می‌شوند. شکل دوم از قراردادهای کاری بحث مفصلی را می‌طلبد که این مقاله قصد پرداختن به آن را ندارد. در اینجا فقط اشاره‌ای گذرا به تعیین دستمزد نیروی کار در حالت اول داریم. البته تعیین دستمزد نیروی کار در اقتصاد اسلامی بحث مفصلی است که در تحقیق دیگری به صورت کامل به آن پرداخته شده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۱) و در اینجا نتیجه آن تحقیق بیان گردیده و به عنوان فرضیه این تحقیق در نظر گرفته می‌شود.

مطابق منابع اسلامی اصلی‌ترین چارچوبی که در موضوع تعیین دستمزد مطرح است، مساله عدالت است. در اینجا تعریف عدالت، «إعطاء كل ذي حق حقه» (حکیم سبزواری، بی‌تا: ۵۴) در نظر گرفته می‌شود. این تعریف نشان می‌دهد که عدالت وقتی اجرا می‌شود که هر کسی حق خودش را دریافت کند. در مساله تعیین دستمزد باید گفت که از درآمد به وجود آمده از کل تولید حق هرکسی مقداری از درآمد است که توسط او به وجود آمده است. یعنی سهم هرکسی از تولید آن مقداری است که توسط او تولید شده و اگر او نبود آن مقدار تولید نمی‌شد. بر این اساس باید گفت که دستمزد کل نیروهای کار باید برابر مقداری از تولید باشد که توسط آنها به وجود آمده است و این مقدار باید به تناسب نقشی که هر یک از نیروهای کار براساس توانایی و



مهارت خود در تولید دارند، بین آنها تقسیم شود و در این صورت عدالت اجرا خواهد شد و هرکسی به حق خود خواهد رسید. بهترین راه برای تعیین مقدار تولید شده توسط هر یک از عوامل تولید همان ملاک تولید نهایی است. تولید نهایی نیروی کار به گونه‌ای که در اقتصاد با مشتق‌گیری از تابع تولید براساس نهاده نیروی کار محاسبه می‌شود، روش مناسبی برای تعیین مقدار تولید هر کارگر می‌باشد. در این حالت میزان تولید نهایی نیروی کار سهم وی از تولید را مشخص می‌کند و ارزش بازاری سهم کارگر از تولید، برابر دستمزد نقدی وی خواهد بود.

همچنین با عنایت به وجود تفاوت بین کارگران از نظر سطح مهارت می‌توان کارگران را از نظر مهارت به چند دسته تقسیم نمود و برای هر دسته یک متغیر در تابع تولید در نظر گرفت. فرض می‌شود که کارگران حاضر در هر دسته از نظر تأثیری که در تولید می‌گذارند با یکدیگر همسان هستند. مثلاً کارگرانی که کار مشابه هم انجام می‌دهند و یا کارگرانی که میزان برابری از تولید توسط آنها انجام می‌شود، در یک گروه مهارتی قرار می‌گیرند. با در نظر گرفتن گروه‌های مهارتی مختلف نیروی کار، برای محاسبه دستمزد عادلانه برای هر گروه مهارتی باید ابتدا برای هر فرایند تولیدی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی یک تابع تولید با در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های نیروی کار به شکل زیر برآورد شود:

$$Y = f(L_1, L_2, \dots, L_n, K_1, K_2, \dots, K_m)$$

سپس از تابع تولید بر حسب هریک از گروه‌های مهارتی کارگری ( $L_i$ ها) مشتق جزئی گرفته می‌شود که تولید نهایی هر گروه ( $MP_{Li}$ ) را مشخص خواهد کرد. با ضرب کردن آن در قیمت محصول در بازار کالا ( $P$ )، میزان دستمزد هر گروه از کارگران از فرایند تولید ( $W_i$ ها) مشخص می‌گردد:

$$W_i = P \frac{\partial(Y)}{\partial(L_i)} = P.MP_{Li}$$

نکته قابل توجه در اینجا آن است که نقش تولید نهایی نیروی کار در میزان دستمزد وی در مدل نئوکلاسیکی نیز مطرح است و در آنجا که دستمزد در چارچوب بازار تعیین می‌شود، عنصر تولید نهایی نیروی کار در میزان دستمزد او اثر می‌گذارد اما این اثر بسته به شرایط مختلف بازار تفاوت دارد. در مدل نئوکلاسیکی در صورتی که بازار کار و بازار کالا هر دو در شرایط رقابت کامل با اوصافی که درباره آن گفته شده باشند، آنگاه دستمزد نیروی کار برابر ارزش تولید نهایی وی می‌باشد؛ اما مشخص است که شرایط بازار رقابت کامل معمولاً در اقتصاد اتفاق نمی‌افتد و این فرض نئوکلاسیکی با عالم واقع تطابق چندانی ندارد. در شرایطی که هر یک از بازارهای کار یا کالا رقابتی نباشند، دستمزد نیروی کار برابر ارزش تولید نهایی نخواهد بود و صورت‌های دیگری خواهد داشت که هرچند عنصر تولید نهایی در آن وجود دارد اما تفاوت‌هایی با حالت رقابتی دارد. در حالی که مدل اسلامی ارائه شده هرچند عنصر تولید نهایی در آن وجود دارد اما با مدل نئوکلاسیکی تفاوت بنیادین دارد. این تفاوت در مبنای این مدل است. مدل غربی بر اساس هدف حداکثرسازی سود می‌باشد و در آن محوریت با این هدف است. در مدل نئوکلاسیکی مفهوم تولید نهایی مستقلاً جایگاهی ندارد و آنچه تعیین کننده است، حداکثرسازی سود می‌باشد و تولید نهایی نیروی کار نتیجه‌ای است که از حداکثرسازی سود حاصل شده است. از همین‌رو فقط در شرایطی که بازار کار و بازار

کالا به صورت رقابتی باشند، دستمزد کارگر برابر ارزش بازاری تولید نهایی وی می‌شود اما در حالت‌های دیگر که بازار کار یا بازار کالا یا هر دو رقابتی نباشند، دیگر دستمزد کارگر برابر این مقدار نخواهد شد و در هر حالت برابر با مقداری خواهد شد که سود را حداکثر نماید. اما مدل اسلامی ارائه شده فارغ از حداکثرسازی سود بر مبنای عدالت استوار است. در این مدل تولید نهایی مستقلاً و بدون در نظر گرفتن هدف دیگری، تعیین‌کننده دستمزد است. چون در این صورت عدالت اجرا خواهد شد. این مدل مزیت‌های زیادی دارد که از جمله آنها می‌توان به ایجاد عدالت توزیعی، ایجاد انگیزه در نیروی کار جهت تلاش بیشتر و در نتیجه افزایش کارایی و مواردی دیگر اشاره کرد.

پس از تبیین ساز و کار تعیین دستمزد، نوبت به بررسی نقش دولت اسلامی در تأمین معاش مردم می‌رسد که در قسمت بعدی به آن پرداخته می‌شود.

##### ۵. نقش دولت اسلامی در تأمین معاش مردم

از منظر اسلامی دولت موظف است که شرایطی را فراهم کند که در آن زندگی مردم تأمین شود. یعنی هر فردی باید یک حداقلی از معاش را داشته باشد. از این رو اگر فردی به هر دلیلی نتواند قسمتی یا تمام مخارج ضروری زندگی خود را تأمین کند، دولت که بیت المال مسلمین در اختیارش است، باید تا اندازه ای که مخارج ضروری زندگی فرد تأمین شود، به وی بپردازد و یا شرایطی را فراهم کند که این مهم در طی آن شرایط حاصل‌گردد. البته اگر شرایطی بود که حاکم نیز نتواند این کار را انجام دهد، این وظیفه بر عهده عموم مسلمین خواهد بود. این مطلب در آثار فقهی اسلامی کراراً مورد تأکید قرار گرفته است که در ادامه به تعدادی از مستندات فقهی آن اشاره می‌گردد:

«أنه لما كان فقيراً عاجزاً عن التكسب فنفقته على بيت المال المتكفل لأموار المسلمين، كما هو شأن كل عاجز عن الكسب فإن نفقته على الإمام الذي هو وليّ المسلمين ينفق عليه من بيت المال، و على تقدير عدمه فحاله حال بقيه الفقراء في أنه يجب على كافة المسلمين كفايه الإنفاق عليهم حفظاً للنفس المحترمه عن الهلكه» (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق: ۱۳۹، ۳۰).

«إذا لم يتمكّن من تحصيل نفقته و لو بالاستدانه من الغير، و مع فرض عدم التمكن يجب عليه تحصيله من بيت المال المعدّ لمصالح المسلمين» (اصفهانى (کمپانی)، ۱۴۰۹ق: ۲۹۷).

«أنّ البالغ المُعسر ينفقُ عليه من بيت المال» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۹، ۱۷)

«إنّ نفقه العاجز على إمام المسلمين، لأنّه وليّ الأمر، ينفق على المسلمين من بيت المال»

(خلخالی، ۱۴۲۷ق: ۲۴۸)

بر این اساس معلوم می‌شود که دولت موظف است سطح حداقل معاش را برای همه مردم تأمین نماید. این کار باید از طریق فراهم آوردن فرصت‌های شغلی برای همه جویندگان کار انجام پذیرد.

اما سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که این سطح حداقلی معیشت که دولت موظف به تأمین آن است، چیست و کم و کیف آن چگونه تعیین می‌گردد؟ در قسمت بعدی به این سؤال پاسخ داده خواهد شد.

## ۶. سطح حداقلی معاش از نظر اسلام

این مساله بر می‌گردد به این موضوع که میزان مخارج اولیه برای داشتن حداقل ضرورت های زندگی برای هر فرد چقدر است. اما ابتدا باید معلوم گردد که کدام امکانات و وسایل هستند که یک انسان باید ضرورتاً آنها را داشته باشد تا بتواند زندگی کند. این مساله در اقتصاد امروزی تحت عنوان خط فقر مطرح می‌شود که تحقیقات زیادی پیرامون آن صورت گرفته و مناقشات زیادی وجود دارد که ذکر آنها در این مجال نمی‌گنجد و فرصت دیگری می‌طلبد.<sup>۱</sup> در ادامه توضیحات مختصری پیرامون موضوع فقر ارائه شده و سپس شاخص‌های تشخیص فقر در اسلام بررسی می‌گردند.

### ۱-۶. تبیین فقر

در این موضوع، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد و تعاریف گوناگونی نیز از فقر ارائه شده است؛ برخی فقط دیدگاه اقتصادی دارند و فقر را «عدم دسترسی به منابع کافی جهت تأمین ضروریات زندگی» تعریف می‌کنند و گروهی دیگر با دیدی وسیع تر فقر را «محرومیت هایی که قابلیت های افراد را محدود می‌کند» نامیده‌اند. فقر تقسیم بندی‌های مختلفی را نیز دارد. دسته‌بندی هایی مانند: فقر مادی و فرهنگی، دائمی و موقتی، نسبی و مطلق و ... که هر یک از جنبه ای صورت گرفته‌اند. در این تقسیم‌بندی منظور از فقر مطلق ناتوانی در تأمین ضروریات اولیه زندگی است اما فقر نسبی به معنی ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای لازم یا مطلوب زندگی در جامعه فعلی است. با توجه به این تعریف رویکردهای مختلفی نیز برای اندازه‌گیری فقر و به تعبیر صحیح‌تر تعیین خط فقر وجود دارد. رویکردهایی که هر یک در این زمینه شاخصی را ارائه می‌دهند. منظور از خط فقر آستانه‌ای است که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند و بر اساس تعاریفی که از فقر اشاره شد، با هم فرق می‌کنند (غفورزاده، ۱۳۹۱: ص ۴۵ و ۸۰).

در رویکرد اسلامی به موضوع فقر باید گفت که اسلام به مساله فقر اهمیت زیادی داده و از طریق قوانین و احکامی که وضع نموده است، هدف کاهش و از بین بردن فقر را دنبال می‌کند. نکته مورد بحث این است که مرز فقر از نظر اسلام کجاست؟ یعنی آن سطحی از زندگی که دولت اسلامی موظف است برای افرادی که توانایی کار کردن را ندارند و یا افرادی که کار می‌کنند اما نمی‌توانند این سطح از زندگی را برای خود و افراد تحت تکفل خود فراهم آورند، تأمین نماید، کدام است و از چه طریقی باید مشخص شود. در این زمینه نیز تحقیقات زیادی صورت گرفته و نظریاتی داده شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱. ر.ک: پژوهان، ۱۳۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۹؛ دادگر و باقری، ۱۳۸۶؛ غفورزاده آرانی، ۱۳۹۱ و ...

## ۲-۶. عوامل تعیین حداقل معیشت

اگر فقه اسلامی را بررسی کنیم، راهکارهایی برای این منظور مشخص می‌گردد که در ادامه به آن اشاره می‌گردد.

## ۳-۶. موضوع "فقیر" در بحث زکات

یکی از جاهایی که در فقه اسلامی جواب این مساله را می‌توان در آن یافت، مواردی است که به بیان راه‌های مقابله با فقر پرداخته می‌شود که یکی از آنها بحث زکات است. زکات مصارف متعددی دارد که یکی از آنها فقیر است. راجع به اینکه فقیر یعنی کسی که باید به او زکات پرداخت شود، چه ویژگی‌هایی دارد، در روایات اشاراتی وجود دارد که در ادامه به برخی از این روایات به طور مختصر اشاره می‌گردد.

ابو بصیر نقل می‌کند: حضرت امام صادق (ع) راجع به مردی که کفشدوزی می‌کرده است و هشتصد درهم سرمایه داشته و تعداد افراد تحت تکفل وی زیاد بوده‌اند، سؤال کرده که آیا می‌تواند زکات دریافت کند؟ حضرت در جواب فرمودند: «یا ابا محمد أ یُربحُ فی دراهمه ما یقوت به عیاله و یفضل؟» یعنی آیا این مرد با این هشتصد درهمی که سرمایه کار خود کرده است می‌تواند به مقداری سود به دست آورد که کفاف قوت خانواده‌اش را بدهد و مقداری هم اضافه بماند که وی در جواب عرض کرده است که بله و وقتی که حضرت از مقدار اضافه آمده می‌پرسند، ابو بصیر عرض می‌کند که نمی‌دانم و حضرت در ادامه می‌فرمایند: «إن کان یفضل عن القوت مقدار نصف القوت فلا یأخذ الزکات و ان کان اقل من نصف القوت اخذ الزکات»؛ یعنی اگر مقدار اضافی به اندازه نصف قوت خانواده‌اش، یعنی کل درآمدش یک و نیم برابر قوت خانواده‌اش هست، نباید زکات بگیرد اما اگر کمتر از این مقدار است، می‌تواند زکات دریافت کند. ابوبصیر می‌گوید که از حضرت پرسیدم که آیا مال وی مشمول زکات می‌شود؛ یعنی آیا باید زکات بپردازد که حضرت جواب فرمودند: بله و وقتی پرسیدم که چگونه بپردازد، فرمودند: «یوسع بها علی عیاله فی طعامهم و کسوتهم و یبقی منها شیئا یناوله غیرهم و ما اخذ من الزکاه فضّه علی عیاله حتی یلحقهم بالناس»؛ یعنی باید زکات مالش را برای خانواده‌اش هزینه کند و غذا و پوشاک آنها را بهبود بخشد و زکات را تا جایی برای خانواده خود هزینه کند که آنها را به سطحی زندگی عموم مردم برساند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج۶، باب ۳۸، ح ۲).

با عنایت به این حدیث معلوم می‌شود که پرداخت زکات به فردی که خانواده‌اش را در حد "قوت لایموت" و اندکی بیشتر از آن تأمین می‌کند، جایز است. یعنی چنین فردی فقیر به حساب می‌آید. این پرداخت آنقدر ادامه دارد تا سطح زندگی آنها با سطح عادی زندگی مردم دیگر یکسان شود و اختلاف طبقه‌ای رفع شود.

و یا حدیث دیگری که به موثقه سماعه مشهور است. سماعه می‌گوید که از امام صادق (ع) پرسیدم که آیا می‌شود به کسی که صاحب خانه و خادم است، زکات داده شود و حضرت در جواب می‌فرمایند: بله و در ادامه می‌فرمایند مگر اینکه خانه او خانه غله باشد و از طریق این غله درآمدی برایش ایجاد شود که برای

خودش و خانواده‌اش کافی باشد. اما اگر برای غذا، پوشاک و نیازهای او و خانواده‌اش در شرایطی که اسراف نباشد، کفایت نکند، زکات برای او حلال است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۹، ح ۱).

بر اساس این روایت حضرت صادق علیه السلام پرداخت زکات را به مردی که آبرومند است و خانه و خادم دارد، تجویز می‌فرمایند و روایات بسیار با این مضمون وارد شده که از این روایات برداشت می‌شود که صرف داشتن خدم و حشم و خانه و حتی شتر مانع از دریافت زکات نمی‌شود.

همچنین روایت عبدالرحمن بن حجاج که از امام کاظم (ع) راجع به فردی که درآمد ثابتی از اقوام خود دارد ولی این درآمد همه احتیاجاتش را برآورده نمی‌کند، سؤال کرده که آیا گرفتن زکات برای او جهت توسعه زندگی خودش جایز است و حضرت در جواب موافقت می‌کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۱۱، ح ۱).

روایات بسیار دیگری که در باب زکات وارد شده است که با زکات می‌توان حج به جا آورد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، باب ۴۱، ح ۱) و یا می‌توان به فقیری آنقدر زکات داد تا غنی شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، باب ۲۴، ح ۵). در یکی از این احادیث در کتاب شریف کافی، عاصم بن حمید از ابو بصیر نقل می‌کند که شخصی به علت آنکه پیرمرد مستحق گوشت و خرما می‌خرد و کمی با توسعه زندگی می‌کند، از دادن زکات به او خودداری می‌کند و حضرت امام صادق (ع) با تأثر و تعجب به وی تذکر می‌دهند که خداوند متعال حساب مخارج فقر را از خوردن و آشامیدن و لباس پوشیدن و ازدواج و حتی صدقه دادن و حج به جا آوردن و سپس به مقدار کفایت این مخارج بر اغنیاء واجب فرموده و در اموال آنها حق فقراء را معین کرد.

براساس این روایات و روایات دیگری در این مضمون، معنای فقیر و ویژگی‌های فقیر توسط فقهاء مورد بحث قرار گرفته و آراء گوناگونی راجع به آن داده شده است. برخی از منابع فقهی فقیر را کسی می‌دانند که اموالش به اندازه‌ای باشد که به هیچ‌کدام از نصاب‌های زکات نرسد و پرداخت زکات بر او واجب نشود (طوسی، ۱۴۰۷ق) و برخی دیگر بحث کفایت و بحث هزینه سالانه را مطرح نموده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق؛ طوسی، ۱۴۰۰ق و ...). این نظرات هر یک پشتوانه‌ای از مستندات قرآنی و روایی را داراست و همچنین مورد نقد نیز قرار گرفته‌اند. در مجموع می‌توان گفت که فقیر کسی است که غنی نباشد؛ یعنی مخارج سال زندگی خود و افرادی که تحت تکفل او هستند را نداشته و امکان به دست آوردن آن در طی سال را نیز نداشته باشد.

### ۱-۳-۶. موضوع مفلس

جای دیگری که در فقه بحث لوازم ضروری زندگی مطرح می‌شود، راجع به فرد مفلس است. مفلس کسی است که میزان بدهی‌های او بیشتر از دارایی‌هایش باشد. اصطلاحاً مفلس کسی است که حاکم او را برای قرض‌هایی که از تمام دارایی او بیشتر است، از تصرف در اموال خودش منع کرده است. اموال او به گونه‌ای است که اگر تمام اموال او را بین طلبکاران تقسیم کنند، به همه نرسد (محقق داماد، ۱۳۸۹). حکم مفلس این است که حاکم اموال او را بین طلبکاران تقسیم می‌کند تا حقوق آنها را برگردانده و دین فرد مفلس را ادا نماید. اما بر اساس احکام فقهی با وجود اینکه تمام دارایی‌های فرد به اندازه بدهی او نیست ولی برخی از

لوازم زندگی از اموالی که حاکم با آنها دین فرد مفلس را ادا می‌کند، مستثنی شده‌اند. این کار به جهت جلوگیری از افتادن فرد مفلس در عسر و حرج برای فراهم کردن لوازم ضروری زندگی می‌باشد و تحت عنوان «مستثنیات دین» در منابع فقهی مطرح شده است. براساس منابع فقهی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق و ... ) منزل مسکونی، مرکب، البسه مدیون و خانواده او و هزینه زندگی مدیون و خانواده او مطابق با شأن آنها در فاصله زمانی توقیف اموال تا روز فروش اموال جزء مستثنیات دین می‌باشد. موارد مستثنیات دین توسط برخی فقهاء توسعه پیدا کرده است و مواردی مانند هزینه های درمانی و حتی مواد ضروری مورد مصرف در پذیرایی از مهمان را نیز در این زمره وارد کرده اند. در بیان فقهاء ملاک استثناء در این موارد احتیاج متعارف فرد مفلس است که کم و کیف آن براساس شأن و شرف او و موقعیت اجتماعی اش و تعداد افراد تحت تکفلش مشخص می‌شود.

آیت‌الله خوئی در منهاج الصالحین در این زمینه آورده‌اند: «و الضابط هو کلّ ما احتاج إليه بحسب حاله شرفه و کان بحیث لولاه لوقع فی عسر و شدّه أو حرازه و منقصه» (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۱) که مطلب ذکر شده را تأیید کرده و ملاک مستثنیات دین را افتادن فرد در عسر و سختی در صورت نبود آن عنوان می‌کنند. از همین رو مصادیق مستثنیات دین در طول زمان تغییر کرده و متناسب با نیازهایی که در هر زمانی وجود دارد، متفاوت است. به عنوان مثال در شرایط کنونی فقهاء مواردی مانند تلفن و اتومبیل را نیز با رعایت ضابطه شأن به عنوان مستثنیات دین شمرده‌اند.

البته در موضوع مستثنیات دین مباحث مفصلی وجود دارد که شامل مستندات مطالب عنوان شده و فروعات دیگر بحث می‌شود که در اینجا مجال پرداختن به آنها وجود ندارد<sup>۱</sup>.

### جمع بندی مباحث حداقل معیشت

در مجموع از مباحثی که راجع به بحث فقیر در موضوع زکات و نیز بحث مستثنیات دین در موضوع مفلس مطرح شد، این برداشت می‌شود که برخی از لوازم زندگی هستند که هر انسان زنده‌ای برای زندگی کردن به آنها احتیاج دارد و فارق از شرایط کاری که دارد، باید آنها را دارا باشد؛ به گونه‌ای که حتی اگر بدهی داشته باشد، نباید آنها به جای بدهی از وی گرفته شود. بر این اساس باید گفت وقتی که فرد مفلس باید این مقدار مشخص از امکانات زندگی را داشته باشد، افراد عادی نیز به طریق اولی باید زندگی حداقلی را دارا باشند.

در توضیح مخارج ضروری به مفهوم شأن باید توجه شود. معنای لفظی کلمه شأن، کار و حال است که اختصاص به احوال و امور بزرگ دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۳۰) و در اصطلاح معنایی آمیخته از مقام و منزلت و احتیاج و نیاز دارد. به صورت خلاصه باید گفت که هر فردی متناسب با موقعیت خانوادگی، علمی و ... یک دسته ویژگی‌ها و مخارج مالی پیدا می‌کند که آبروی فرد مبتنی بر آنها در اذهان عمومی شکل می‌گیرد. همین است که شأنیت فرد را شکل می‌دهد. به تعبیر دیگر باید گفت که با رعایت ضابطه عدم اسراف و

همچنین عدم وجود نیازهای کاذب، مخارج متناسب با شأن انسان مخارجی هستند که در صورت نبود آنها به آبروی فرد خللی وارد گردد.

برخی از مفاهیمی که در توضیح معنای فقیر یا مستثنیات دین آمده مانند مخارج ضروری فرد و وسایلی که برای زندگی حتماً باید داشته باشد و در شأن او باشد (طبق معنایی که از شأن ارائه شد)، از مفاهیم عرفی هستند و برحسب افراد مختلف و همچنین در طول تاریخ متفاوت‌اند. متناسب با تغییراتی که در زندگی بشر و تفاوت‌هایی که در وضع معیشت عمومی به وجود می‌آید و بلکه برحسب تفاوت مناطق و شهرها در یک زمان متفاوت و متغیر است.

در جامعه‌ای مانند جامعه امروزی که غذای عموم مردم برنج و نان گندم است کسی که نتواند این‌ها را برای خانواده‌اش تهیه کند و مثلاً فقط توانایی فراهم کردن نان جو را داشته باشد فقیر است در حالیکه در زمانهای قدیم دوره‌ای بوده است که نان جو رواج داشته و غذای اصلی مردم بوده است. در آن زمان کسی که نان جو می‌خورده فقیر محسوب نمی‌شده است. حتی می‌توان با استفاده از مفاهیمی که در روایات وارد شده این مسأله را به وسائل تفریح و حمل و نقل و ... نیز تعمیم داد. مثلاً امروزه اگر کسی پیاده مسافرت کند یا کفش نداشته باشد یا در یک زاغه یا چادر زندگی کند و یا لباس کرباس بپوشد از فقراء خواهد بود در حالیکه روزگاری سفر پیاده کردن معمول همه طبقات بوده است و یا کفش را فقط متجملین می‌پوشیدند و مواردی این چنینی در بین عموم مردم رواج داشته و شیوه زندگی اکثریت به این شکل بوده است. در مجموع باید گفت کسی که درآمد او کفاف زندگی عادی زمان را ندهد جزء فقراء بشمار می‌آید و در نتیجه هرچه سطح زندگی مردمی بالا برود، معنی فقر نیز تغییر می‌کند و توسعه می‌یابد.

با استفاده از بحث سطح زندگی حداقلی که در موضوع فقیر در بحث زکات و همچنین در موضوع مستثنیات دین گذشت به عنوان نتیجه می‌توان گفت که هر فردی از افراد مسلمان باید متناسب با شأن اجتماعی و افراد تحت تکفل خود؛ سطحی از امکانات مادی شامل مسکن (ملکی یا اجاره‌ای)، مرکب، خوراک، پوشاک، تفریحات متعارف شرعی و مواردی دیگر مورد نیاز را داشته باشد و این موارد را باید بتواند از زمانی از شبانه روز که به فعالیت اقتصادی اختصاص می‌دهد، به دست آورد.

#### ۷. سیاست مطلوب اسلامی جهت تأمین معاش حداقلی مردم

بر اساس آنچه گذشت مشخص گردید که تأمین فاصله دستمزد با سطح حداقل معیشت برعهده حکومت اسلامی یعنی همان دولت می‌باشد. برای تأمین این پرداختی ممکن است که میزانی از زکات که به فقیر و مسکین تعلق می‌گیرد کافی نباشد. در زمینه اینکه دولت چگونه این فاصله را تأمین نماید؛ بحث‌هایی صورت گرفته است. گروهی هستند که اعمال سیاست تعیین حداقل دستمزد را برای رفع چنین مشکلی توصیه می‌کنند. این افراد روایاتی را که در زمینه وظیفه دولت در تأمین حداقل معیشت برای مسلمانها

وجود دارد مؤیدی بر لزوم تعیین حداقل دستمزد می‌دانند و اشاره دارند که برای تأمین حداقل معیشت، مزد هیچ کارگری نباید از یک مقدار حداقلی کمتر باشد.<sup>۱</sup>

اما بر اساس آنچه که در این تحقیق آمد باید گفت که در مورد دلالت روایات ذکر شده باید دقت صورت گیرد. در قسمت ۵ مشخص گردید که تأمین فاصله بین دستمزد کارگر و سطح حداقل مورد نیاز برای زندگی کارگران وظیفه‌ای است که برعهده دولت قرار داده شده است. این مطلب از عبارت «علی‌الامام» فهمیده می‌شود. این عبارت می‌رساند که این نیاز را امام باید برطرف سازد و در عصر حاضر طبق اصل ولایت فقیه که بیان می‌دارد ولی فقیه جانشین امام است و تمام اختیارات حکومتی وی را دارد و وظایف حکومتی امام نیز برعهده اوست و از آنجاییکه در این زمان بازوی اجرایی ولی فقیه دولت می‌باشد این وظیفه برعهده دولت خواهد بود. اما باید اشاره کرد که هرچند دولت اسلامی حق دارد که قانون حداقل دستمزد را اعمال نماید و کارفرمایان را مجبور کند تا مبلغ بیشتری را به کارگران بپردازند؛ ولی این کار ابتداءً صحیح نمی‌باشد. زیرا در صورتی که دولت این کار را انجام دهد یک هزینه اضافی را به تولیدکننده تحمیل نموده است. همان گونه که اشاره رفت بر اساس چارچوب تعالیم دینی ملاک "ارزش بازاری تولیدنهایی" برای پرداخت دستمزد به نیروی کار عادلانه ترین روش است که طی آن به کارگر همان مقداری که توسط او تولید صورت گرفته است پرداخت می‌گردد. حال اگر این مقدار پرداختی کمتر از حداقل مورد نیاز برای تأمین نیازهای ضروری کارگر و افراد تحت تکفل او باشد و این کمبود بخواهد از طریق اعمال سیاست حداقل دستمزد برطرف گردد، تولیدکننده مجبور است این مقدار را بپردازد. با توجه به اینکه نیروی کار همه سهم خود از تولید را قبلاً دریافت کرده بود؛ این بار باید از سهم تولیدکننده یا صاحب سرمایه پرداخت گردد. نتیجه این کار این خواهد بود که برای تأمین کمبود نیازی که کارگر دارد؛ احب سرمایه را مجبور کنیم از حق و عایدی خود به او بپردازد.

برای جبران کمبود کارگران نسبت به حداقل معیشت، دولت می‌تواند از سیاست تأمین اجتماعی و یا سیاست پرداخت مستقیم یارانه استفاده نماید. منابع مالی آن را نیز از محل درآمدهای خود تأمین نماید. به عنوان نمونه از انفال که ثروت بسیار زیادی است که در اختیار دولت قرار دارد و یا اگر قصد انبساط پولی و افزایش حجم نقدینگی وجود ندارد از طریق گرفتن مالیات عادلانه از اقشار مختلف مردم این پرداختی‌ها را تأمین مالی نماید. دولت می‌تواند در صورت نیاز از مردم غنی‌تر که شاید کارفرمایان و صاحبان سرمایه نیز بین آنها باشند مالیات بگیرد و به فقرا بپردازد اما این مطلب که برای پرداخت به کارگرانی که درآمد پایینی دارند فقط کارفرمایان را مجبور به پرداخت این مبلغ نماید ابتداءً نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا دستمزدی که به کارگر در ساز و کار اسلامی پرداخته می‌شود برابر حق او و میزان تولید اوست و در صورت کم بودن اشکال از کم بودن تولید کارگر است و به خاطر پرداخت کم کارفرما نمی‌باشد.

البته اعمال سیاست حداقل دستمزد را نمی‌توان به کلی رد کرد. در برخی موارد که منبع مالی برای پرداخت جبرانی به کارگر وجود ندارد می‌شود از این سیاست بهره گرفت اما در این حالت باید میزان کاسته شده از حق تولیدکننده، به عنوان مالیات پرداخت شده او محسوب گردد.

۱. به عنوان نمونه ر.ک: نجفی‌علمی، ۱۳۹۰، صص ۱۶۵-۱۶۶.



## ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همانگونه که مشخص گردید، رابطه بین کارگر و کارفرما در جامعه اسلامی، مبتنی بر عدالت است. بر این اساس هریک از طرفین باید متناسب با نقشی که در فرایند تولید داشته است، از نتایج آن بهره مند گردد. از سوی دیگر بحث امرار معاش کارگران مطرح است که انگیزه آنها از انجام فعالیت اقتصادی می‌باشد.

در شرایطی که دستمزد دریافتی نیروی کار جوابگوی حداقل نیازهای وی نباشد، دولت باید این فاصله را جبران کند و نمی‌تواند کارفرما را مجبور به پرداخت سطح بالاتری از دستمزد به کارگر نماید. زیرا در شرایطی که دستمزد نیروی کار مطابق با روشی عادلانه تعیین گردد وی با دریافت دستمزد تمام حق خود را دریافت خواهد کرد و عایدی اضافه‌تری نخواهد داشت. زیرا باقی‌مانده نتایج تولید حق سایر عوامل است و به کارگری بهره‌ای از آنها نمی‌رسد. اگر دولت با وضع قانون حداقل دستمزد بخواهد تولیدکننده را مجبور به پرداخت مبلغی بالاتر از سهم کارگر به وی کند، تولیدکننده باید از سهم خودش به کارگر بپردازد که این کار ظلم در حق تولیدکننده خواهد بود. تولیدکننده هیچ وظیفه‌ای نسبت به تأمین معاش کارگر ندارد و صرفاً با وی یک قرارداد کاری دارد. وظیفه تأمین معاش کارگران برعهده دولت اسلامی می‌باشد و دولت باید از طریق درآمد‌هایی که دارد، مانند زکات، خمس، انفال، مالیات‌های ثانوی و ...، این کار را انجام دهد. تحمیل این کار بر تولیدکننده، علاوه بر اینکه اجحاف در حق وی است، موجب ایجاد تورم، بیکاری و مشکلات دیگری برای اقتصاد می‌گردد.

البته روشن است که این مطلب زمانی صحیح است که ساز و کار عادلانه تعیین دستمزد اعمال گردد. اما در صورتی که دستمزد به شیوه عادلانه تعیین نگردد، سیاست تعیین حداقل دستمزد ممکن است جهت گرفتن حق کارگران راهگشا باشد.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

- اصفهانی، (کمپانی)، محمد حسین، (۱۴۰۹ق)، الإجاره (للأصفهانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ۳۰، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول.
- حکیم سبزواری، بی تا، شرح أسماء الحسنی، قم: انتشارات مکتبه بصیرتی.
- حلی (علامه حلی)، جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء (چاپ جدید)، ۱۴، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول.
- خلخالی، سید محمد مهدی موسوی، (۱۴۲۷ق)، فقه الشیعه-کتاب الإجاره، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر، چاپ اول.
- ذوالفقاری، امیراحمد، (۱۳۹۱)، نظریه تعیین دستمزد در اقتصاد اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۳۰ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالقلم.
- شهید ثانی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ج ۶، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- غفورزاده آرانی، حسین، (۱۳۹۱)، تحلیل مقایسه ای مؤلفه های الگوی اندازه گیری خط فقر بر مبنای شریعت اسلام و اقتصاد متعارف، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- محقق داماد، سید مصطفی و اسلامی، مریم، (۱۳۸۹)، بررسی اجمالی حجر و ورشکستگی در فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه نامه الهیات، سال چهارم، شماره دهم، بهار، تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال.
- مقدس اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده و البرهان فی إرشاد الأذهان، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعه الإمام الخوئی، ۳۳، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره)، چاپ اول.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین (الخوئی)، ۲، نشر مدینه العلم، قم.
- مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، (۱۳۹۱)، مجموعه قوانین کار و تأمین اجتماعی (با آخرین اصلاحات)، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.

- نجفی علمی، (۱۳۹۰)، تحلیل مبانی اسلامی الگوی تولید مشارکتی و اثر آن در حل رکود تورمی اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع).
- Clark, Todd, (1997), Do Producer Prices Help Predict Consumer Prices, Federal Reserve Bank of Kansas City Research Paper, No. 97-09.
- Hogan, Vincent, (1998), Explaining the Recent Behavior of Inflation and Unemployment in the United States, IMF Working Paper, No. 98/145.  
<http://www.ilo.org>
- Laidler, David, (1989), Introduction to Microeconomics, 3<sup>rd</sup>. edition, Thilit-Allan.
- Mehra, Tash, (1993), Unit Labor Costs and Price Level, Federal Reserve Bank of Richmond Economic Review, No. 79: 35-52.
- Murray S. & Hugh M., (2007), Bringing Minimum Wages above the Poverty Line, Canadian Centre for Policy Alternatives, <http://www.gov.mb.ca>
- Neumark D.; Schweitzer M. & Wascher W., (1999), The effects of Minimum Wages Throughout the Wage Distribution, Workinh Paper 9919, Federal Reserve Bank of Cleveland.
- Rissman, Ellen, (1995), Sectoral Wage Growth and Inflation, Federal Reserve Bank of Chicago Economic Perspectives: 16-28.
- The New Palgrave Dictionary of Economics, (2008), 2<sup>nd</sup>. Edition, Amazon, US.
- Thomas W. & Volsho Jr., (2005), Minimum Wages and Incom Inequality In the American States:1960-2000 , Research in Social Stratification and Mobility, Vol. 23: 343-368.



# آسیب‌شناسی مبانی نظری سرمایه‌گذاری از منظر اسلامی و کاربرد سیاستی آن در ایران

امیرحسین مزینی<sup>۱</sup>

## چکیده

سرمایه‌گذاری یکی از متغیرهای کلیدی اقتصادی است. این متغیر به نوعی تضمین‌کننده جریان آتی تولید کالاها و خدمات در یک اقتصاد می‌باشد. ضمن اینکه در چارچوب اقتصاد کلاسیک فرایند شکل‌گیری سرمایه‌گذاری که از آن به سرمایه‌گذاری تعبیر می‌نمائیم از مجرای ارتباط بخش اسمی با بخش واقعی اقتصاد تحقق می‌یابد. این واقعیت به خودی خود نمی‌تواند مشکل‌زا باشد. اما از آنجا که در قالب فروض موجود نرخ بهره در بازار پول تعیین و بصورت برونزا به بخش واقعی اقتصاد (مثلاً از مجرای تقاضای سرمایه‌گذاری) دیکته می‌شود در چارچوب ملاحظات اسلامی قابل پذیرش نبوده و انتقاداتی به آن وارد شده است. بویژه زمانی که اقتصاد از حالت تعادلی خود خارج گردد. چرا که در مبانی اقتصاد اسلامی آنچه که تحت عنوان هزینه سرمایه شناخته می‌شود معادل نرخ بازگشت سرمایه در بخش واقعی اقتصاد در نظر گرفته می‌شود و نه نرخ بهره پول.

بحث فوق موضوع مقاله حاضر می‌باشد. بدین منظور تلاش گردیده با نگاهی آسیب‌شناسانه به مبانی نظری سرمایه‌گذاری، ملاحظات اسلامی در این حوزه با نیم‌نگاهی به شرایط موجود در ایران و جهان تبیین گردد. نتایج حکایت از آن دارند که در این خصوص می‌توان بجای تأکید بر نرخ بهره بعنوان مهمترین عامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری، از متغیرهایی بهره جست که تصویر واقعی تری از بازگشت سرمایه در بخش واقعی ارائه نمایند که بصورت نمونه می‌توان به شاخص بازده نقدی، شاخص قیمت و بازده نقدی، شاخص P/E و ... (در بازار سرمایه) اشاره نمود.

**واژگان کلیدی:** سرمایه‌گذاری، اقتصاد اسلامی، نرخ بهره، هزینه سرمایه، صکوک، اقتصاد ایران

## ۱. مقدمه

در سیستم حساب های ملی در کنار متغیرهایی چون تولید و مصرف، هنگامی که صحبت از متغیرهای تزریق و نشت می شود، سرمایه گذاری یکی از مهمترین متغیرهای سیاستگذاری به حساب می آید. این متغیر که روی دیگر پس انداز می باشد با هدف ایجاد ظرفیت برای جریان آتی تولید کالاها و خدمات در یک اقتصاد دنبال می شود. هنگامی که از سرمایه گذاری سخن به میان می آید، منظور جریانی از منابع پولی (تحت عنوان سرمایه) است که به یک فعالیت خاص تخصیص می یابد با این هدف که در آینده خلق ارزش نموده و علاوه بر اصل وجوه سرمایه گذاری شده، مقداری را در قالب عایدی، سود، بهره و ... نصیب سرمایه گذار نماید. بدیهی است در تعریف فوق در یک فرایند سرمایه گذاری، موضوعات و متغیرهای دیگری همچون نرخ ترجیح زمانی (نرخ تنزیل)، عایدی انتظاری، ریسک سرمایه گذاری، محیط کسب و کار و ... نیز موضوعیت می یابند. در این چارچوب مقوله سرمایه گذاری از ابعاد مختلفی قابل بررسی است مواردی چون ارزیابی اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی ... یک گزینه سرمایه گذاری<sup>۱</sup> عوامل مؤثر بر جریان سرمایه گذاری، نقش سرمایه گذاری در فرایند رشد اقتصادی و ... در مطالعه حاضر از مجموع موضوعات مرتبط با بحث سرمایه گذاری، بحث عوامل مؤثر بر تقاضای سرمایه در قالب تئوری های متعارف با تأکید بر ملاحظات اسلامی و استخراج کاربردهای سیاستی آن در اقتصاد ایران در دستور کار می باشد. بدین منظور در نظر است با مروری بر مبانی نظر سرمایه گذاری به نوعی آسیب شناسی الگوهای سرمایه گذاری از منظر ملاحظات اسلامی در دستور کار قرار گرفته و متعاقباً کاربردهای بحث در اقتصاد ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مقاله حاضر از پنج بخش بدین شرح تشکیل شده است. پس از مقدمه حاضر در بخش دوم به الگوهای سرمایه گذاری پرداخته می شود و متعاقباً در فصل سوم نقش نرخ بهره در مقوله سرمایه گذاری در اقتصاد متعارف مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. فصل چهارم به ملاحظات اسلامی در زمینه ارتباط میان نرخ بهره و تقاضای سرمایه گذاری اختصاص یافته و در فصل پنجم به جمع بندی، تحلیل و نتیجه گیری پرداخته می شود.

## ۲. الگوهای سرمایه گذاری در اقتصاد

سرمایه گذاری یکی از موضوعات کلیدی در اقتصاد می باشد. نظر به اهمیت این موضوع در مبانی نظری اقتصادی، الگوهای مختلفی در ارتباط با تقاضای سرمایه گذاری مطرح شده است که هر یک از منظر خاصی مقوله سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه را در اقتصاد مورد بررسی قرار داده اند. هرچند که همگی آنها کم و بیش از واقعیتی واحد (یکسان) حکایت می نمایند. با مروری بر مبانی نظری اقتصادی، به طور کلی، می توان ۶ دیدگاه مختلف را در خصوص زمینه های تحقق سرمایه گذاری مشاهده نمود که در ادامه به اجمال مورد اشاره قرار می گیرند<sup>۲</sup>.

1. Economic, Social, Environmental Appraisal of Projects

2. Chand, S. 7 New Theories of Investment Are Explained Below, <http://yourarticlelibrary.com>

### الف) تئوری شتاب<sup>۱</sup>

در این تئوری موجودی سرمایه بعنوان نسبتی از سطح تولید در نظر گرفته می شود. چرا که نسبت سرمایه به تولید را ثابت در نظر می گیرد. متعاقبا بدلیل ایرادات وارده به این دیدگاه که از آن به تئوری ساده<sup>۲</sup> شتاب تعبیر شد، تئوری انعطاف پذیر شتاب<sup>۳</sup> به عنوان ویرایشی از تئوری اولیه مطرح گردید. در این ویرایش تاخیر ناشی از زمان بر بودن تصمیم گیری (ناشی از فعالیتهای اداری و اجرایی) و نیز مقوله استهلاک و ظرفیتهای مازاد در موجودی سرمایه نیز مدنظر قرار گرفته است.

### ب) تئوری دوزنبری<sup>۴</sup>

در این تئوری طیف وسیع تری از متغیرهای اقتصادی بعنوان عوامل اثرگذار بر سرمایه گذاری در نظر گرفته شده است. طبق این تئوری سرمایه گذاری در هر دوره تابعی از درآمد (تولید)، موجودی سرمایه و سود در دوره قبل و هزینه تأمین سرمایه در زمان کنونی در نظر گرفته می شود. بدیهی است که ارتباط وثیقی میان تئوری سرمایه گذاری دوزنبری با تئوری مصرف وی وجود دارد.

### ج) تئوری سرمایه گذاری جورگنسون<sup>۵</sup>

جورگنسون تابع سرمایه گذاری خود را در یک چارچوب نئوکلاسیکی استخراج نموده است. وی در چارچوب مبانی نظری تابع سود در یک بنگاه، از مجرای حداکثر سازی سود بنگاه، اقدام به استخراج یک تابع سرمایه گذاری برای بنگاه می نماید. بدیهی است در این تئوری تابع استخراج شده در قالب فروض در نظر گرفته شده<sup>۶</sup> برای بنگاه معنی می یابد.

### د) تئوری سود<sup>۷</sup>

این تئوری عمدتاً سرمایه گذاری در سطح یک بنگاه را مورد تأکید قرار می دهد و در این چارچوب سرمایه گذاری توسط بنگاه را تابعی از سود آن بنگاه در دوره (های) زمانی قبل تعریف می نماید. در این تئوری چنانچه بنگاه از جریان مطلوبی از سود در گذشته برخوردار باشد. اقدام به سرمایه گذاری و افزایش ظرفیت خود خواهد نمود. حال از آنجا که در این رابطه هزینه تمام شده سرمایه در بازار<sup>۸</sup> نیز برای بنگاه مهم می باشد، نرخ بهره نیز در تصمیم گیری بنگاه جهت سرمایه گذاری مؤثر می باشد. لذا در این تئوری، سرمایه گذاری عمدتاً تابعی است از جریان سود پیشین بنگاه و وضعیت نرخ بهره در بازار.

1. Accelerator Principle Theory

2. Naive

3. Flexible Accelerator Theory

4. Duesenberry Theory of Investment

5. Jorgenson Theory of Investment

۶. از فروض در نظر گرفته شده برای بنگاه در این تئوری آن است که قیمتتها در بازار کار و سرمایه کاملاً انعطاف پذیر هستند و بازارهای مالی کامل می باشند. بدین مفهوم که بنگاه بصورت نامحدود می تواند در سطح نرخ بهره ای معین از بازار اقدام به قرض دادن و قرض گرفتن نماید.

7. Profit Theory of Investment

8. Cost of Capital

### ه) تئوری مالی سرمایه گذاری<sup>۱</sup>

این تئوری نیز که به نوعی به دوزنبیری منسوب است در راستای تقویت و تکمیل اصل شتاب در سرمایه‌گذاری بیان می‌نماید که هرچند حجم سرمایه‌گذاری مورد نیاز در اقتصاد با سطح تولید تناسب دارد، اما واقعیت آن است که از آنجا که عرضه و جوجه قابل سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد نامحدود نیستند و در صورت افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری، متقاضیان باید به سطوح بالاتری از هزینه سرمایه (که همان نرخ بهره است) تن بدهند. لذا در میزان تقاضای سرمایه‌گذاری موجود در اقتصاد هزینه سرمایه (نرخ بهره) نیز اهمیت یافته و عملاً باعث می‌گردد که سطح تعادلی سرمایه‌گذاری بعنوان نسبتی از سطح تولید با توجه به نرخ بهره موجود در اقتصاد تحقق یابد.

### و) تئوری سرمایه‌گذاری q توبین<sup>۲</sup>

در این تئوری سرمایه‌گذاری تابعی است از نسبت "ارزش بازاری موجودی سرمایه<sup>۳</sup>" "به" هزینه جایگزینی آن<sup>۴</sup> که از این نسبت به q تعبیر شده است. چنانچه مقدار  $q > 1$  آنگاه بنگاه مجاب می‌شود که مثلاً در قالب انتشار سهام سرمایه خود را گسترش دهد (سرمایه‌گذاری نماید).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هریک از تئوری‌های سرمایه‌گذاری موجود در مبانی نظری، مقوله سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بر آن را از زاویه‌ای خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. هرچند که تقریباً در اکثر آنها مقوله هزینه سرمایه که در ادبیات متعارف نئوکلاسیکی از آن به نرخ بهره تعبیر شده مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر تقریباً در اکثر تئوری‌های سرمایه‌گذاری (به جز تئوری شتاب و تا حدودی تئوری q توبین) می‌توان نرخ بهره را به صورت مستقیم و غیر مستقیم مشاهده نمود. این موضوع ریشه در ماهیت و فلسفه اقتصاد کلاسیک دارد. بدین معنا که در یک اقتصاد متعارف نرخ بهره در بازار پول (در بخش اسمی اقتصاد) و در قالب مکانیزم پولی تعیین و به بخش واقعی اقتصاد ارائه (تحمیل) می‌گردد و متعاقباً این نرخ بعنوان هزینه سرمایه در بخش واقعی اقتصاد مورد استناد قرار می‌گیرد که در ادامه به این موضوع بیشتر پرداخته می‌شود.

### ۳. نقش نرخ بهره در مقوله سرمایه‌گذاری در اقتصاد متعارف

همان‌گونه که در مروری بر الگوهای سرمایه‌گذاری مشاهده گردید، ادبیات رایج در اقتصاد کلاسیک نقش کلیدی را در حوزه سرمایه‌گذاری برای نرخ بهره قائل می‌باشد. این موضوع کم و بیش در دیگر مبانی نظری اقتصادی مثلاً بحث تقاضای سرمایه‌گذاری در متون اقتصاد کلان و یا ارزیابی اقتصادی طرحها نیز مشاهده می‌شود مثلاً در حوزه اقتصاد کلان شرط تحقق سرمایه‌گذاری بصورت زیر تعریف گردیده است:

$$MRS = - (1+R) = MRT$$

1. Financial Theory of Investment
2. Tobin q Theory of Investment
3. Market Value of Capital Stock
4. Replacement Cost of Capital

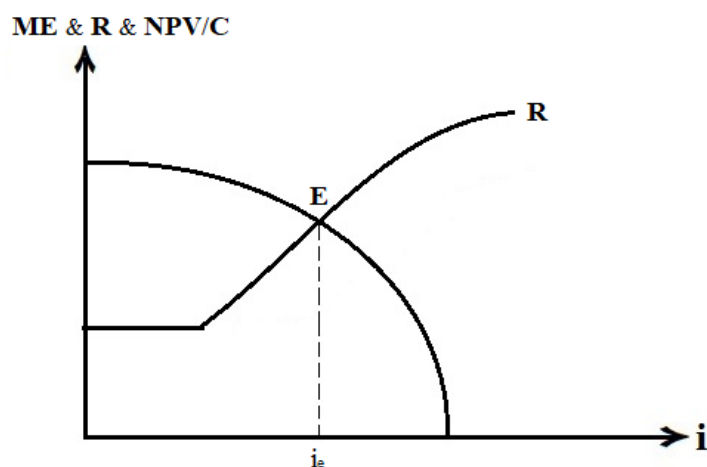


رابطه فوق حکایت از آن دارد که برای تحقق یک سرمایه گذاری، جریان مبادله درآمدها در دو مقطع زمانی برای عاملین اقتصادی که از آن به نرخ نهائی جانشینی<sup>۱</sup> (MRT) تعبیر می شود، باید با نرخ نهائی مبادله مصرف<sup>۲</sup> (MRS) در دو مقطع زمانی مساوی و هر دو برابر با  $1+R$  باشند که این نرخ (R) از بازار پول استخراج می گردد.

از سوی دیگر هنگامی که از جریان عرضه و تقاضای وجود سرمایه گذاری (در قالب نمودار ۱) صحبت می شود. عرضه وجوه مبتنی بر R تعیین می گردد که از بخش اسمی اقتصاد (و بازار پول) استخراج می گردد و در طرف مقابل مبنای تقاضای سرمایه گذاری نرخهائی چون ME<sup>۳</sup> و NPV/C<sup>۴</sup> است که حکایت از میزان (توانایی) بازدهی حوزه سرمایه گذاری مورد نظر دارند. در این چارچوب شرط تحقق سرمایه گذاری بصورت زیر تعریف می شود<sup>۵</sup>.

- نرخ بازگشت سرمایه بزرگ تر یا مساوی نرخ ترجیح زمانی سرمایه گذاران باشد ( $ROR > RTP$ ).
- نرخ بازگشت سرمایه بزرگ تر یا مساوی نرخ بهره تعادلی موجود در اقتصاد باشد ( $ROR > R$ ).
- نرخ بازده داخلی طرح بزرگ تر یا مساوی نرخ بهره باشد ( $IRR > R$ ).

#### نمودار ۱. منحنی های عرضه و تقاضای سرمایه گذاری



1. Marginal Rate of Transformation (MRT)
2. Marginal Rate of Substitution (MRS)
3. Marginal Efficiency of Investment
4. "Net present value, cost" Ratio

۵. مزینی، امیر حسین، ارزیابی اقتصادی طرحها (اقتصاد مهندسی)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۴.

6. Rate of Return (ROR)
7. Rate of Time Preference (RTP)
8. Interest Rate (R)
9. Internal Rate of Return (IRR)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در اقتصاد متعارف نرخ بهره نقش اساسی در تصمیم‌گیری در حوزه سرمایه‌گذاری دارد. این همان چیزی است که در متون اقتصاد اسلامی بعنوان یکی از ایرادات وارد شده بر نظام سرمایه‌داری و اقتصاد کلاسیک<sup>۱</sup> مطرح شده است. بدین مضمون که نرخ بهره بعنوان یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار در بخش واقعی اقتصاد (مثلاً از کانال سرمایه‌گذاری) تقریباً در خارج از بخش واقعی و بصورت مستقل از این بخش در حوزه پولی تعیین می‌شود. بگونه‌ای که عملاً نوعی شکاف و گسست بین بخش واقعی و اسمی اقتصاد بوجود می‌آید. در امتداد این استدلال، ایراد دیگری که به نظام اقتصاد کلاسیک وارد می‌شود، عدم تمایز میان پول و سرمایه است. گویی که نظام سرمایه‌داری در قالب ساز و کارهای موجود در بازار پول تمایزی میان این دو اصطلاح اقتصادی قائل نیست.

#### ۴. ملاحظات اسلامی در زمینه ارتباط میان نرخ بهره و تقاضای سرمایه‌گذاری

در بخش پیشین مشاهده گردید که در مبانی نظری سرمایه‌گذاری میان نرخ بهره و تقاضای سرمایه‌گذاری ارتباط علیّی معنی‌داری در نظر گرفته شده است. حال از آنجا که نرخ بهره در بازار پول و تقریباً فارغ از تحولات بخش واقعی اقتصاد تعیین می‌گردد. این موضوع توسط محققین حوزه اقتصاد اسلامی مورد انتقاد قرار گرفته است. در این راستا آنچه مورد تأیید و تأکید در اقتصاد اسلامی می‌باشد هماهنگی میان بخش اسمی و واقعی اقتصاد در برقراری ارتباط میان تقاضای سرمایه‌گذاری و هزینه سرمایه‌داری می‌باشد. عبارت دیگر در ملاحظات اسلامی حوزه سرمایه‌گذاری، استخراج هزینه سرمایه مبتنی بر بازدهی بخش واقعی اقتصاد توصیه شده است. بدین معنا که هزینه تأمین سرمایه برای سرمایه‌گذار باید با توجه به عایدی سرمایه مورد نظر در بخش واقعی اقتصاد تعیین گردد. بدیهی است در این شرایط هزینه سرمایه نه بصورت (تقریباً) برونزا، بلکه مرتبط با تحولات بخش واقعی اقتصاد تعیین می‌شود. ضمن اینکه این هزینه می‌تواند برای سرمایه‌گذاری‌های مختلف در بستر زمان متفاوت نیز باشد.

شاید بتوان یکی از مهمترین مصادیق ارتباط میان هزینه سرمایه و تقاضای سرمایه‌گذاری را در اوراق صکوک بعنوان یکی از مهمترین ابزارهای تأمین مالی اسلامی مشاهده نمود. این اوراق بنا به ماهیت خود، ابزارهای مالی مبتنی بر دارائی هستند که عایدی آنها مبتنی بر نرخ بازگشت سرمایه در بخش ذیربط از اقتصاد و نه به صورت از پیش تعیین شده مشخص می‌گردد. لذا از این حیث می‌توان ارتباط معنی‌دار میان هزینه تأمین سرمایه و تقاضای سرمایه‌گذاری را با توجه به شرایط حاکم بر بخش واقعی اقتصاد در این اوراق مشاهده نمود.<sup>۲</sup>

در این راستا تفاوت میان عایدی اوراق صکوک مختلف در عرصه بین‌المللی (بسته به حوزه سرمایه‌گذاری، ریسک مترتب بر آنها و ...) را می‌توان مویدی بر این بحث دانست. اطلاعات عملکردی مربوط به نمونه‌ای از

1. Mainstream Economics

۲. مزینی، امیر حسین، امکان سنجی انتشار اوراق صکوک در اقتصاد ایران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹.

صکوک منتشر شده طی سالهای ۱۳-۲۰۱۱ در بازارهای جهانی در جدول شماره ۱ آورده شده است. همانگونه که ملاحظه می شود تفاوت معنی داری در نرخ بازگشت این اوراق وجود دارد.

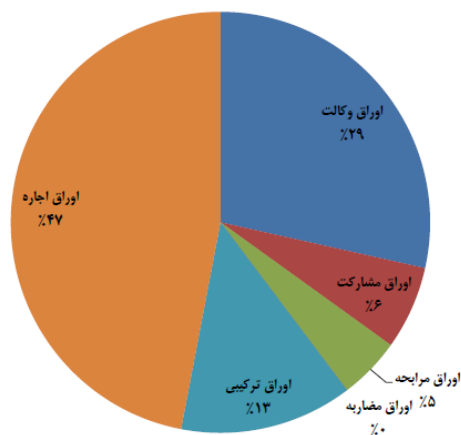
### جدول ۱. اطلاعات مربوط به نمونه ای از صکوک منتشر شده در بازارهای جهانی (۱۱-۲۰۰۵)

Issue Date	Issuer	Issuing Currency	Amount (USD Millions)	Issue Type	Rate of Return per annum
24 Nov 2011	Abu Dhabi Islamic Bank	USD	500.00	Corporate	3.78 %
22 Nov 2011	Government of Bahrain	USD	750.00	Sovereign	6.27 %
06 July 2011	Government of Malaysia	USD	800.00	Sovereign	4.65 %
06 July 2011	Government of Malaysia	USD	1200.00	Sovereign	2.99 %
31 Oct 2010	Abu Dhabi Islamic Bank, UAE	USD	750.00	Corporate	3.75 %
25 Oct 2010	Islamic Development Bank	USD	500.00	Quasi-Sovereign	3.55 %
05 Oct 2010	Qatar Islamic Bank	USD	750.00	Corporate	3.86 %
01 Sep 2010	Celcom Transmission Berhad, Malaysia	RM	572.00	Corporate	5.50 %
10 Feb 2010	Government of Indonesia	IDR	862.00	Sovereign	8.70 %
07 Jan 2010	Dar Al Arkan, Saudi Arabia	USD	450.00	Corporate	10.75%
27 Nov 2009	General Electric US	USD	500.00	Corporate	3.4%
24 Sep 2009	Government of Bahrain	BHD	437.80	Sovereign	3.75 %
09 June 2009	Government of Bahrain	USD	750.00	Sovereign	6.25 %
14 May 2009	Government of Malaysia	RM	1420.80	Sovereign	5.00 %
23 April 2009	Government of Indonesia	USD	650.00	Sovereign	8.8 %
16 March 2009	Panerbangan Malaysia Berhad, Malaysia	RM	405.80	Quasi-Sovereign	3.85 %
25 Feb 2009	Government of Indonesia	IDR	464.50	Sovereign	12.00 %
13 Sep 2007	Government of Malaysia	RM	1060.61	Sovereign	3.58 %
05 June 2007	Silterra Malaysia Sdn. Berhad, Malaysia	RM	529.00	Corporate	3.90 %
12 March 2007	Rantau Abang Capital Berhad, Malaysia	RM	606.06	Corporate	4.10 %
29 Sep 2006	Khazanah Nasional Berhad, Malaysia	USD	750.00	Corporate	5.07 %
02 June 2006	Aaber Petroleum Investment Company, UAE	USD	460.00	Corporate	6.89 %
11 June 2005	Islamic Development Bank	USD	500.00	Quasi-Sovereign	3.74 %

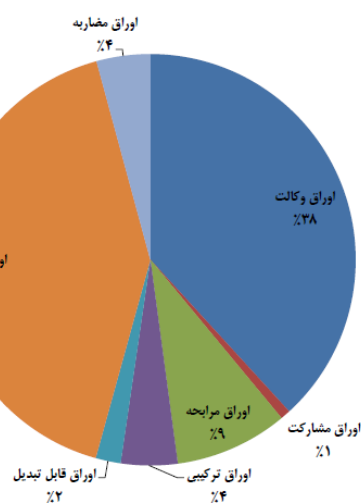
به نظر می رسد می توان از منظری دیگر، قابلیت صکوک در برقراری ارتباط میان سرمایه گذاری با نرخ بازگشت سرمایه در بخش واقعی اقتصاد را در تغییرات بوجود آمده در ترکیب عقود اوراق صکوک در عرصه بین المللی طی سالهای اخیر ملاحظه نمود. همانگونه که از نمودارهای ۲ الی ۱۴ مشاهده می شود طی سالهای ۱۵-۲۰۰۹، ترکیب صکوک منتشر شده در عرصه بین المللی شدیداً بطرف صکوک وکالت تغییر یافته است. این موضوع می تواند ریشه در ساختار عقد وکالت داشته باشد، که به سرمایه گذاران این امکان را می دهد که در طیف وسیع تری از کسب و کارها ورود نمایند.

۱. سازمان بورس اوراق بهادار (مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی)، مروری بر انتشار انواع صکوک در بازارهای بین المللی مالی اسلامی و مقایسه آن با بازار سرمایه ایران، خرداد ۱۳۹۶.

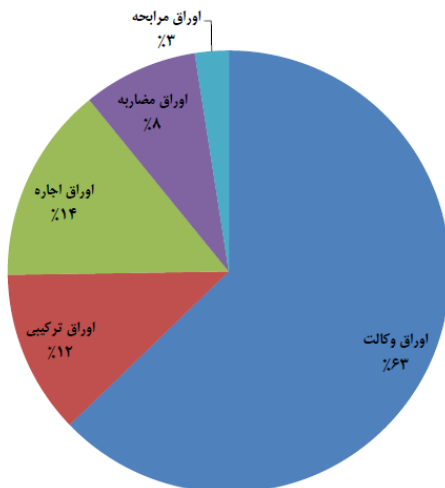
### نمودار ۲. ترکیب صکوک منتشر شده در عرصه بین الملل طی ۱۲-۲۰۰۹



### نمودار ۳. ترکیب صکوک منتشر شده در عرصه بین الملل طی ۱۴-۲۰۱۳



### نمودار ۴. ترکیب صکوک منتشر شده در عرصه بین الملل در سال ۲۰۱۵



حال چنانچه موضوع فوق را در اقتصاد ایران و با مروری بر عملکرد انتشار اوراق صکوک (مشارکت) دنبال نمائیم (جداول ۲ و ۳)، بحث فوق مبنی بر ارتباط میان هزینه سرمایه و عایدی سرمایه گذاری در بخش واقعی اقتصاد کمتر مشاهده می شود. به نظر می رسد آنچه که تعیین کننده اصلی عایدی اوراق مشارکت / صکوک در اقتصاد ایران می باشد، بیشتر گزینه جانشین این اوراق که همان نرخ سود بانکی است. به عبارت دیگر طراحان و منتشر کنندگان این اوراق تلاش داشته اند، نرخ را برای این اوراق پیشنهاد دهند که انگیزه کافی جهت خرید آنها توسط سرمایه گذاران را ایجاد نماید. اگرچه این انگیزه در چارچوب تئوری های اقتصادی منطقی به نظر می رسد. اما آنچه تقریباً غیر قابل انکار است، آن است که نرخهای تعیین شده الزاماً از تحولات بخش واقعی اقتصاد و حوزه مرتبط با صکوک استخراج نشده اند. این شرایط باعث گردیده آنچه از اوراق صکوک (به عنوان ابزار تأمین مالی مرتبط با بخش واقعی اقتصاد) انتظار می رود در اقتصاد ایران تبلور نیافته و این اوراق ماهیتی همچون اوراق مشارکت بیابند که پیش از آن نیز در اقتصاد کشور منتشر می شده است. البته فراموش نشود که بخش قابل توجهی از این شرایط ریشه در ساختار تأمین مالی بانک محور اقتصاد ایران دارد (جدول ۴)<sup>۱</sup>.

## جدول ۲. عملکرد انتشار اوراق مشارکت (۹۴-۱۳۹۰)

ارقام به میلیارد ریال

سال	انتشار	فروش	نافروش مانده	نرخ سود علی الحساب (درصد)
۱۳۹۰	۹۲,۱۶۷	۵۲,۴۸۹	۳۹,۶۷۸	۱۵,۵ ۱۶ ۱۷ ۲۰
۱۳۹۱	۲۲۰,۴۴۹	۱۴۳,۳۵۴	۷۷,۰۹۵	۲۰
۱۳۹۲	۴۸,۵۰۰	۳۴,۴۸۰	۱۴,۰۲۰	۲۰
۱۳۹۳	۳۲,۵۰۰	۲,۲۶۱	۳۰,۲۳۹	۲۲
۱۳۹۴	۸۸,۰۰۰	۳۳,۴۷۳	۵۴,۵۲۷	۲۱
	*۲۰,۲۳۹	۱۶,۱۶۶	۴,۰۷۳	۱۸
جمع	۵۰۱,۸۵۵	۲۸۲,۲۲۳	۲۱۹,۶۳۲	

\* انتشار مجدد اوراق نافروش مانده سال ۱۳۹۳

۱. عابدی، اکرم، مروری بر بازار بدهی در ایران و جهان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، معاونت بررسی های اقتصادی، ۱۳۹۴.

### جدول ۳. نمونه ای از انتشار اوراق صکوک اجاره در اقتصاد ایران

نام اوراق	نرخ اوراق	مدت اوراق (سال)	مبلغ اوراق (میلیون ریال)	ضامن	تاریخ پذیرهنویسی
هواپیمایی ماهان ۲	۱۷	۴	۹۱۴,۲۵۰	بانک ملت	۱۳۹۰/۰۶/۰۱
مدیریت سرمایه گذاری امید	۱۷/۵	۴	۱,۰۸۷,۰۰۰	بانک سپه	۱۳۹۰/۰۵/۲۵
بانک سامان	۱۷/۵	۴	۱,۰۰۰,۰۰۰	بانک اقتصاد نوین	۱۳۹۰/۰۳/۲۸
هواپیمایی ماهان	۱۷/۵	۴	۲۹۱,۵۰۰	بانک اقتصاد نوین	۱۳۸۹/۱۲/۲۱

### جدول ۴. ساختار نظام تأمین مالی در اقتصاد ایران (۹۳-۱۳۹۱)

هزار میلیارد ریال

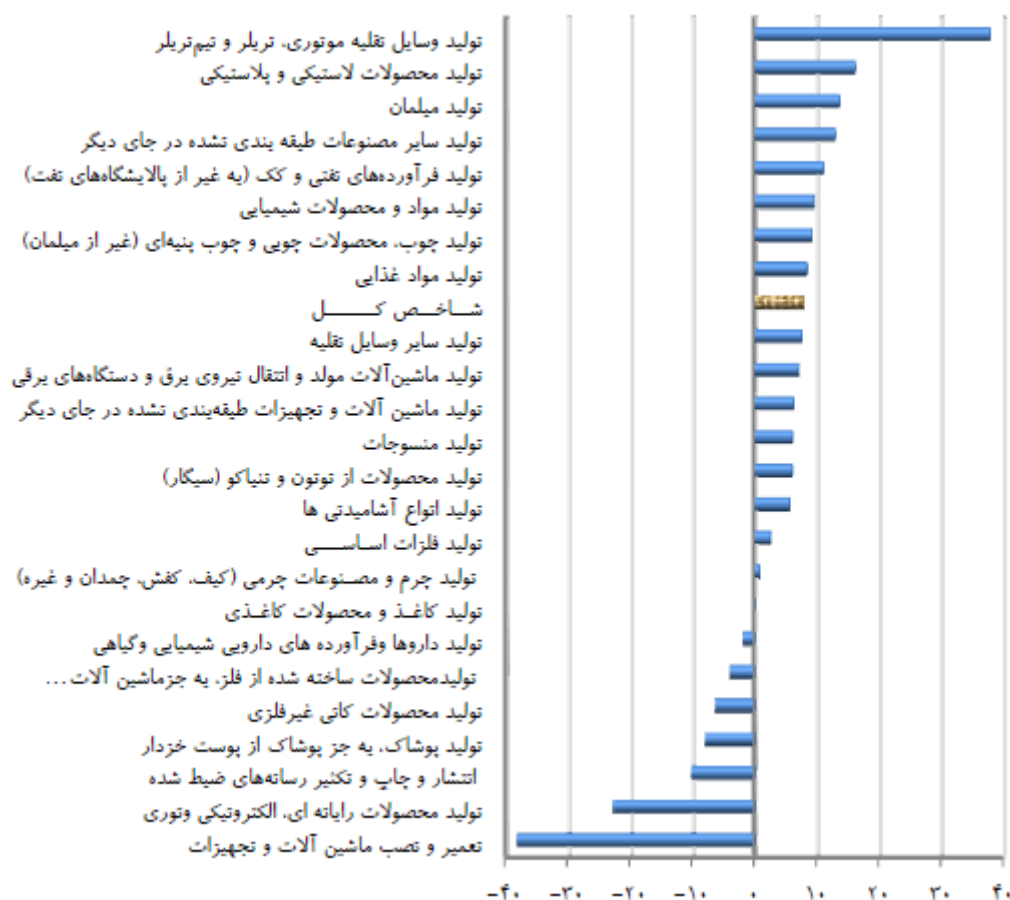
عنوان	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
تأمین مالی از طریق شبکه بانکی	۲۰۳۳	۲۳۸۶	۳۴۲۱
تأمین مالی از طریق بازار سرمایه	۱۳۸	۲۵۹	۲۹۳
تأمین مالی از طریق سرمایه گذاری خارجی	۵۵	۷۱	۱۲۳
کل تأمین مالی (بازار پول و سرمایه و سرمایه گذاری خارجی)	۲۲۲۶	۲۷۱۶	۳۸۳۷
سهم بازار پول از کل تأمین مالی (درصد)	۹۱.۳	۸۷.۸	۸۹.۲
سهم بازار سرمایه از کل تأمین مالی (درصد)	۶.۲	۹.۵	۷.۶
سهم سرمایه گذاری خارجی از کل تأمین مالی (درصد)	۲.۵	۲.۶	۳.۲

### ۵. جمع بندی، تحلیل و نتیجه گیری

در بخش‌های پیشین مطرح گردید که آنچه در قالب تئوری های سرمایه گذاری در مبانی نظری اقتصاد نئوکلاسیک آورده شده سهم و نقش بسزائی را برای نرخ بهره در تحقق و تخصیص وجوه سرمایه گذاری شده قائل شده اند. این موضوع در یک چارچوب اسلامی مورد تأیید نمی باشد. چرا که برداشت غالب از مبانی اقتصاد متعارف آن است که نرخ بهره متغیری است که در خلال فرایندهای حاکم بر بازار پول تعیین و استخراج می گردد و از این حیث با ماهیتی (تقریباً) برونزا و از مجرای الگوهای سرمایه گذاری به بخش واقعی اقتصاد تحمیل می شود. این موضوع باعث می گردد که چنانچه اقتصاد نتواند میان بخش واقعی و اسمی خود اقتصاد تعادلی برقرار نماید، عدم همخوانی میان تحولات بازار پول (در قالب نرخ بهره) و بخش واقعی اقتصاد (در قالب نرخ بازگشت سرمایه) مشکلاتی را برای اقتصاد بوجود می آورد. به نظر می رسد مصداقی از این وضعیت را می توان در شرایط حاکم بر اقتصاد ایران طی سالهای اخیر مشاهده نمود. به گونه ای که نرخ بهره اسمی در بخش پولی و اعتباری کشور بالاتر از ۲۰ درصد بوده حال آنکه در بخش واقعی اقتصاد، نرخ بازگشت سرمایه در بخشهای اقتصادی به مراتب کمتر از این مقدار بوده است. این فرضیه حتی

با گزارش اخیر عضو شورای فقهی بانک مرکزی که بازدهی واقعی اقتصاد کشور را به طور متوسط "۶ + نرخ تورم" اعلام نموده اند.<sup>۱</sup> کماکان به قوت خود باقی است. یعنی آنچه در بازار پول بعنوان هزینه سرمایه طلب می شود به مراتب بالاتر از بازدهی واقعی بخشهای اقتصادی است. این در حالی است که در سالهای اخیر بخش قابل توجهی از بخشهای اقتصاد ملی در وضعیتی رکودی بوده و نرخهای رشد منفی را تجربه نموده اند (نمودار ۵).

### نمودار ۵. درصد تغییرات شاخص تولید گروههای مختلف صنایع طی سال ۹۵-۱۳۹۴



توضیحات فوق حکایت از آن دارند که در شرایط موجود آنچه در اقتصاد ایران در جریان می باشد نه تنها در قالب تئوری های رایج اقتصادی در حوزه سرمایه گذاری قابل توجیه نیست، بلکه در قالب ملاحظات اسلامی نیز قابل دفاع نیست که با توجه به پیشینه اقتصادی کشور و تحولات سیاسی داخلی و بین المللی کشور طی سالهای اخیر چندان دور از انتظار نمی باشد. در این شرایط بنظر می رسد لازم است در تحلیل ها

۱. خبرگزاری تسنیم، پایگاه خبری دیوان اقتصاد، ۱۳۹۶/۶/۳۱

۲. بانک مرکزی ج. ا. ایران

و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در خصوص متغیرهای مؤثر بر جریان سرمایه گذاری در کشور، (حداقل در کنار نرخ بهره)، متغیرهای منعکس کننده شرایط حاکم بر بخش واقعی اقتصاد را نیز مدنظر داشت. در این رابطه در گام اول می‌توان از شاخصهایی چون نرخهای بازگشت سرمایه بصورت بخشی و شاخص‌هایی چون: شاخص بازده نقدی<sup>۱</sup>، شاخص قیمت و بازده نقدی {درآمد کل}<sup>۲</sup> و نسبت قیمت به درآمد (P/E) در بازار سرمایه استفاده نمود. انتظار می‌رود این شاخصها و نوسانات آنها بتوانند تصویری به مراتب واقع بینانه‌تر (نسبت به نرخ بهره) از آنچه در بخش واقعی اقتصاد در جریان است، ارائه نمایند.

---

۱. تغییرات شاخص بازده نقدی، میانگین بازده ناشی از پرداخت سود نقدی شرکت‌های بورسی به سهامداران را نشان می‌دهد.  
۲. شاخص قیمت و بازده نقدی بیانگر بازده کل بازار بورس اعم از عایدی ناشی از قیمت و بازده نقدی است.



## منابع و مآخذ

- خبرگزاری تسنیم، پایگاه خبری دیوان اقتصاد، ۱۳۹۶/۶/۳۱.
- سازمان بورس اوراق بهادار (مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی)، (۱۳۹۶) مروری بر انتشار انواع صکوک در بازارهای بین المللی مالی اسلامی و مقایسه آن با بازار سرمایه ایران، خرداد.
- عابدی، اکرم، (۱۳۹۴) مروری بر بازار بدهی در ایران و جهان، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، تهران: معاونت بررسی های اقتصادی.
- مزینی، امیر حسین، (۱۳۹۴) ارزیابی اقتصادی طرح ها (اقتصاد مهندسی)، انتشارات سمت.
- مزینی، امیر حسین، (۱۳۸۹) امکان سنجی انتشار اوراق صکوک در اقتصاد ایران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، پاییز.

Chand, S. 7 New Theories of Investment Are Explained Below:

<http://yourarticlelibrary.com>.

Choudhry, Nurun N. and Abbas Mirakhor (1996) "Indirect Instruments of Monetary Control in an Islamic Financial System", International Seminar on Mechanism and Development of Islamic Financial Instruments, Islamic Development Bank, Dhaka, Bangladesh.

Sukuk, Report (2013) A comprehensive study of the Global Sukuk Market, 3<sup>rd</sup>. Edition: International Islamic Financial Market (IIFM).

[www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)



## نسبت بهره و بی‌عدالتی در اقتصاد متعارف: رهیافتی از اندیشه اقتصاد اسلامی

امراه امینی<sup>۱</sup>

محمد مهدی مجاهدی<sup>۲</sup>

سمیه رشیدیان<sup>۳</sup>

### چکیده

عدالت آرمانی است که در همه نظام‌های اقتصادی و مکاتب مختلف اعم از بشری و الهی جایگاه ویژه داشته و تعاریف و تعابیر متعددی از آن وجود دارد. یکی از عواملی که در اندیشه اسلامی تأثیر نامطلوب بر عدالت اقتصادی دارد، بهره پولی است. رسمیت بخشیدن به بهره پولی با نظر بر ریشه‌های ذهنی و عینی آن بخصوص رجحان زمانی، بر بسیاری از نرخ‌های تعیین‌کننده در اقتصاد مانند نرخ بازدهی سرمایه، نرخ سود بدون ریسک و نرخ تورم تأثیر می‌گذارد. این نرخ‌ها معیارهای فعالیت‌های اقتصادی بوده و بر خروجی‌های اقتصاد مانند پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و در نهایت تولید کل، تأثیر می‌گذارد.

عدالت چه در بعد فردی و اجتماعی و چه در بعد بین نسلی، مستقیماً تحت تأثیر تصمیمات پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید هر نسل است. وجود نرخ‌های رجحان زمانی و نقدینگی که در بهره منعکس می‌شوند، بر این تصمیمات تأثیر دارد. انتشار پول بدون پشتوانه از هیچ و خلق اعتبار در بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، عاملی دیگر در جهت بی‌عدالتی می‌باشد.

سطح و رشد جمعیت در نتیجه تغییر متغیرهای کلیدی مانند تولید و رشد اقتصادی و از طرفی توزیع فرصت‌های اشتغال از عواملی است که تحت تأثیر اقتصاد بهره‌ای و انتشار بی‌رویه پول بدون پشتوانه دستخوش بی‌عدالتی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** عدالت اقتصادی، بهره و عدالت، ریشه‌های بهره، عدالت بین نسلی، جمعیت

**طبقه بندی JEL:** P2, E4, D63

amrollahamini2511@gmail.com

moghajehdi2004@yahoo.com

s.rashidian@aut.ac.ir

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۲. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

از آرمان‌های بشر دستیابی به عدالت است. عدالت ارزشی فرازمانی و مکانی است و الزام زندگی بشر چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی است. این دید نسبت به عدالت، به عرصه زندگی اقتصادی افراد هم تسری می‌یابد. در این رابطه اندیشه‌ورزان اقتصادی در طیف‌های مختلف فکری رویکردهای متفاوتی به مفهوم عدالت داشته‌اند. از عدالت به معنی برابری تا رعایت اخلاق در مفهوم عدالت برای فعالیت صحیح اقتصادی در ادبیات اقتصادی دیده می‌شود. عدم اشتراک در تعریف و تعاریف متفاوت از عدالت در برخی موارد صرفاً به بسندگی در ایجاد معیارهای قابل فهم از عدالت به صورت شاخص‌های برابری و توزیعی نمود یافته است.

این مقاله هدف خود را نه در تبیین اختلاف نظرها در مفهوم عدالت بلکه در تحلیل حضور پدیده‌های بروز دهنده بی‌عدالتی قرار داده است. تعریف این مقاله از بیان بی‌عدالتی تکیه بر مفهوم بدیهی بودن عدالت و نقطه مقابل آن بی‌عدالتی است که در ارتباط با پدیده بهره (با منشئها و ریشه‌های بروز آن) آشکار می‌شود. دامنه حضور مفهوم عدالت در کارکردها و تعاملات اقتصادی جامعه در مصارف افراد، مصرف بین نسلی، فعالیت اقتصادی، شامل انباشت سرمایه، اشتغال و یا بیکاری، حفظ محیط‌زیست و منابع خدادادی برای برخورداری همه نسل‌ها از موهبت خدادادی، ارتباط تنگاتنگی باریشه‌های بهره دارد.

ارتباط عدالت و نرخ بهره از بعد فردی از نگاه مصرف‌کننده منفرد، برابری مقادیر مصرف فرد در همه دوره‌های زندگی اوست به نحوی که مصارف فرد در طول زندگی با فرض درآمد یکسان همه دوره‌ها تغییر نکند. در بعد اجتماعی، برخورداری همه در میزان مناسب مصرف از طریق توزیع عادلانه منابع است. همچنین در بعد بین نسلی حداکثر کردن مصرف سرانه (به‌عنوان معیار رفاه) همه نسل‌ها است.

در ادبیات اقتصادی بهره، نرخ هموار کنندگی مصرف به‌عنوان انتخاب فرد برای جانشینی مصرف در دو زمان مختلف، توازن مصرف دو دوره فرد را تغییر می‌دهد. همچنین نرخ ترجیح زمانی به‌عنوان ریشه ذهنی دیگر بهره، عاملی است که مانع از هموارشدن مصرف فرد در دوره‌های مختلف عمر می‌شود. این عامل موجب می‌شود مطلوبیت مصرف فرد، باثبات سایر شرایط در زمان حال، بیشتر از زمان آینده ارزش‌گذاری شده، مصرف‌گرایی بیشتر فرد و بروز روحیه لذت‌جو و سرشت سیری‌ناپذیر انسانی را اولویت‌بخشی به مصارف حال و تزییع حقوق نسل‌های آتی به نفع خود را فراهم کند.

قدرت یافتن برای انحصار در انتشار پول و خلق اعتبار با ماهیت بدهی و جذب ثروت و دارایی حقیقی جامعه از ناحیه اعطای وام، توزیع نابرابر درآمد و ثروت را منجر می‌شود، اشتغال را محدود می‌کند و بیکاری را دامن می‌زند که بی‌عدالتی در حق طیف وسیعی از اقشار جامعه است.

مقاله برای اثبات ادعای خود که چگونه نسبت بی‌عدالتی در اقتصاد با نرخ بهره عجین می‌شود، دلالت‌های خود را در چند بخش تبیین خواهد نمود. مهم‌ترین دلالت بی‌عدالتی بین نسل‌های مختلف و حتی دوره‌های مختلف عمر یک نسل، وجود بهره پولی با توجیه ریشه‌های ذهنی و عینی آن یعنی رجحان نقدینگی، رجحان زمانی و بازده سرمایه‌گذاری است.

وجود بهره پولی در بازار، توانایی خلق پول بدون پشتوانه و اعتبار، خود را بر رشد جمعیت، رشد تولید، مصرف و پس انداز نمایان می‌کند. نمودهایی که با بررسی هر کدام به عدم رعایت عدالت می‌توان پی برد. دلالت اول موضوع جمعیت است. توزیع فرصت‌های اشتغال دلیل دیگری است که وجود بهره به دلیل ترجیحات ذهنی و نقدینگی، باعث بی‌عدالتی بین نسل‌های مختلف می‌شود. مصرف‌گرایی و میل کمتر به پس‌انداز عامل دیگر بی‌عدالتی است.

هدف این مقاله تصریح بی‌عدالتی از منظر عوامل ذهنی است که منطق عقلایی نداشته و صرفاً موجب فاصله گرفتن از معیارهای عدالت اقتصادی در بعد فردی و اجتماعی می‌شود.

### مفهوم عدالت در مکاتب و دیدگاه‌های فکری مختلف

عدالت از مفاهیمی است که همواره در زندگی جمعی انسان‌ها تبلور یافته است. ضرورت و التزام آن به قدری بدیهی و قابل‌درک است که توضیح و اصحات بوده و تلاش در جهت اثبات ضرورت آن، ممکن است منجر به آسیب به اصل موضوع شود. بدیهی بودن این مفهوم از یک‌سو موجب می‌شود همه انسان‌ها در همه جوامع و اجتماع‌ها، به ضرورت وجود آن اذعان نمایند و از سویی دیگر، تعبیر متفاوت و حتی گاه ضدونقیض بر مصادیق آن قائل شوند. از این‌رو تلاش این بخش معرفی اجمالی معنای عدالت در مکاتب و پارادایم‌های فکری مختلف است.

عدالت به معنی برابری و نیاز در اندیشه فکری دو مکتب «برابری‌گرایی» و «قرارداد گرایی» تأکید می‌شود. مکتب «برابری‌گرایی» عدالت را به معنای برابری موقعیت‌های اولیه، فرصت‌ها و حق می‌داند. مکتب «قرارداد گرایی» بر حق، تمرکز کرده و منظور از عدالت را، «عدالت اجتماعی» می‌داند. «رالز»<sup>۱</sup>، از سردمداران این نظریه در تلاش است اصولی را برای عدالت تنظیم کند تا تضاد منافع افرادی که در اجتماع به دنبال بیشتر کردن سهم خود از توزیع خیرات اجتماعی هستند را به‌طور منصفانه حل و فصل نماید (ملکیان، ۱۳۷۶). از آنجایی که او از سنت فلسفی کانت پیروی می‌نماید، بنابراین معرفت ارزش‌ها و حقایق به ذات را نمی‌پذیرد و معتقد است انسان‌ها با گفتگو به توافق رسیده و اصولی را برای زندگی اجتماعی خود تعیین می‌کنند. این «قراردادهای اجتماعی» است که می‌تواند میان افراد ذی‌نفع در جامعه درباره نحوه صحیح توزیع منافع و مسئولیت‌ها منعقد گردد (دانش‌پژوهان، ۱۳۸۵).

عدالت در دیدگاه مارکسیستی برابری درآمد بعد از کسر مالیات است. حالت افراطی آن کمونیسم است که از هر کس به اندازه توانایی او انتظار مشارکت در تولید و کار و تلاش دارد، ولی درآمدهای همه افراد برابر خواهد بود.

دسته دیگر از نظریات عدالت را برخورداری بر اساس شایستگی و تناسب در جامعه می‌دانند. طبق نظر نوزویک، برخورداری افراد جامعه ناشی اعمال انفرادی افراد است. به این ترتیب هر نوع نقل و انتقال مالکیتی که از انتخاب‌های آزادانه افراد حاصل شده باشد منصفانه تلقی می‌شود (نوزویک، ۱۹۷۴).

جیمز بوکانان<sup>۱</sup> هم مانند نوزیک بر نظریه شایستگی تأکید دارد. او چهار متغیر عمده را به‌عنوان متغیرهای اصلی در تعیین درآمد و موقعیت اقتصادی مطرح می‌کند: شانس، انتخاب، تلاش و تولد (بوکانان، ۱۹۸۶).

تعبیری دیگری از عدالت که به نظریه قیمت عادلانه انجامید، استحقاق و شایستگی و تخصیص منصفانه است، به نحوی که سهم هر فرد از فعالیت اقتصادی با متغیرهای تحت کنترل او رابطه مستقیم داشته باشد، ولی پاداش سهم او لازم نیست با هیچ متغیر برون‌زایی در ارتباط باشد.

نظریه مطلوبیت‌گرایی و اقتصاد رفاه بر نتایج فعالیت‌های اقتصادی تکیه می‌کند و از این‌رو، نتیجه محور است. عدالت در این دیدگاه همان کارایی اقتصادی است، یعنی حالتی که توزیع اموال و دارایی‌ها بین افراد به نحوی باشد که مطلوبیت یا رضایت اجتماعی را حداکثر نماید. کارایی اقتصادی مطلوبیت‌گرایی نشأت گرفته از اندیشه‌های بنتهام<sup>۲</sup> و استوارت میل<sup>۳</sup>، با تأکید بر مطلوبیت نهایی حاصل از درآمد، معتقد است از باید درآمد فردی که مطلوبیت نهایی بیشتری از درآمد خود کسب می‌کند افزایش و درآمد فردی که مطلوبیت نهایی کمتری به دست می‌آورد، کاهش یابد. بنابراین سیاستی که منجر شود افزایش در مطلوبیت عده‌ای بیشتر از کاهش در مطلوبیت عده دیگر باشد، تغییری در جهت کارایی اقتصادی است.

تعبیری دیگری از عدالت، آن را به معنای حداکثر سازی ثروت می‌داند. این بیان که از سوی ریچارد پاسنر<sup>۴</sup> بیان شده، توزیع اموال میان افراد جامعه چنانچه ثروت کل را افزایش دهد، عادلانه می‌نامد. اگرچه این تعریف حقوق مالکیت و جبران را در نظر نمی‌گیرد و حتی اگر دزدی و عصب کارا باشد و ثروت کل را افزایش دهد، آن را مجاز می‌داند، بیشتر موجب بی‌عدالتی است تا عدالت (صدری، ۱۳۹۱).

نظریه ای که طرفدارانی مانند بامول و واریان<sup>۵</sup> دارد، عدالت را حالتی از انصاف خالی از حسادت و رشک می‌داند. طبق نظریه عدالت خالی از حسادت، چنانچه اموال و دارایی‌های جامعه به گونه‌ای توزیع شود که هیچ کس بر سبب کالایی دیگری رشک و حسادت نبرد و ترجیح ندهد آن سبب را داشته باشد، جامعه به عدالت رسیده است.

اسکاتلر<sup>۶</sup> نظریه عدالت به معنای تخصیص خالی از سرزنش را مطرح می‌کند. این نظریه هم تا حدودی به نظریه خالی از حسادت شبیه است. در این دیدگاه هم چنانچه هر کس در جامعه وظیفه توزیع منابع و اموال و دارایی‌ها را بین افراد جامعه بر عهده داشته باشد و هیچ کس نتواند نتیجه کار را مورد سرزنش قرار دهد، توزیع عادلانه بوده و عدالت اقتصادی برقرار است. اسکاتلر در توضیح چگونگی اجرای این نوع عدالت معتقد است اگر هر کس خودش را جای توزیع کننده بگذارد و از خود سؤال کند آیا می‌تواند مانند آن فرد عمل کند و اگر پاسخ همه افراد مثبت بود، توزیع عادلانه در جامعه برقرار است.

1. James McGill Buchanan
2. Jeremy Bentham
3. John Stuart Mill
4. Richard posner
5. Hal R. Varian & Baumol
6. Andrew Schotler

طبق موازین اسلامی، عدالت اقتصادی در چارچوب حقوق بایسته مربوطه به افراد و اموال مطرح می‌شود و تعیین حق مردم در اموال مشترک، اموال خصوصی و در مبادلات (انتقال اموال) و همچنین تعیین حق خود «مال» در چارچوب موازین اسلامی صورت می‌گیرد. در چنین حالتی عدالت اقتصادی در جامعه برقرار می‌شود. عدالت در دیدگاه اسلامی در چند بعد منابع و ثروت‌های طبیعی، سهم عوامل تولید از محصول، قرار گرفتن اموال در موضع قوام آنها، قابل بررسی است:

منابع و ثروت‌های طبیعی در بعد تساوی و برابری ملاک عدالت است. علامه طباطبایی و شهید مطهری عدالت را برخورداری همه افراد از بهره و سهمی که به‌طور بالقوه در زمین یا اجتماع دارند تا آن را به فعلیت برسانند، تعریف کرده‌اند (تفسیر المیزان). امام علی (ع) به تساوی تقسیم شدن اموال و دارایی‌ها اشاره می‌کند: اگر این اموال ملک شخصی خودم بود به‌طور یکسان تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اینکه این‌ها، مال خدا و مربوط به همه مردم است<sup>۱</sup>. دلیل این امر در تبعیضات بعدی است که می‌تواند ریشه در عدم تساوی امکانات جامعه برای افراد باشد.

از دیدگاه عدالت جوی اقتصاد اسلامی، سهم عوامل تولید از محصول بر اساس میزان مشارکت آنهاست. اسلام طرفدار این اصل است که "محصول تلاش هر کس بایستی به خودش برگردد" (عیوضلو، ۱۳۸۶). کار و تلاش مفید و ارزش‌هایی را که به‌وسیله یک فرد یا گروه به وجود آمده فقط و فقط باید به حساب خود به وجود آورنده یا به وجود آورندگان آنها منظور شود و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود (جعفری، ۱۳۷۸). البته این دیدگاه با آنچه در اقتصاد لیبرال مطرح است متفاوت است چراکه هرگونه عایدی حاصل از عملکرد بازار آزاد مورد تائید دیدگاه اسلامی نیست، بلکه فقط عملکرد بازاری که شرایط و موازین اسلامی در آن حاکم است عادلانه تلقی می‌گردد.

قرار گرفتن اموال در موضع قوام آنها که موجب کارایی و توازن درآمدی است: منظور از قوام اقتصادی در متون دینی معادل معیار کارایی است. در حوزه تولید همان «کارایی فنی تولید» نامیده می‌شود. بر اساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی و بلکه سایر اموال شخصی، بهره‌برداری عاقلانه و در موضع قوام از آنهاست. قوام به معنای «ما یقوم به الشیء» است، یعنی «آنچه مایه ایستادگی و سبب پایداری، استواری و سامان یابی» است. موضوع قوام به معنای موضع مناسب برای رسیدن به آثار مفید هر چیزی است. بر اساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اموال عمومی و بلکه خصوصی بهره‌برداری عاقلانه و در موضع قوام آنهاست... به بیان اقتصادی، نیل به آثار مفید به معنای استفاده از بهترین موقعیت ممکن از آن است که معادل همان «کارایی فنی» در ادبیات اقتصادی است. بدیهی است تنها در این صورت است که استفاده عاقلانه از مال به‌عمل آمده است. منظور از کارایی فنی استفاده از کمترین عوامل تولید ممکن برای نیل به محصول مشخص است.

قوام در مصرف معادل «کارایی تخصیصی و توازن درآمدهاست». قوام در حوزه مصرف به معنای رعایت اعتدال است. خداوند که مالک حقیقی اموال است «المال مال الله» و اموال را به‌صورت ودیعه و امانت در

۱. خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه، به نقل از نهج‌البلاغه صبحی صالح، ص ۱۰۲.

اختیار ما قرار داده (جعله ودائع عند خلقه) که آنها را در موضع قوام به کار بگیریم، در هنگام مصرف مال از ما خواسته است که از اسراف دوری کنیم و از آنها در حد وسط و متعارف بهره‌برداری کنیم. به لحاظ تطبیق با معیارهای متعارف اقتصادی این وضعیت را می‌توان با وضعیت کارآیی تخصیصی توضیح داد. منظور از کارآیی تخصیصی تولید مطلوبی‌ترین سطح محصول از داده‌های مفروض و معین است (عیوضلو، ۱۳۷۶).

### بهره، جمعیت و بی‌عدالتی بین نسلی

مدل‌های مطرح رشد اقتصادی در اندیشه کلاسیکی تا نگرش‌های پسا کینزی از سال ۱۸۵۰ تا زمان حاضر در طیف وسیع عمل‌گرایی تا نظری محض طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین نسبت به نهایت و غایت حرکت اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاددانان کلاسیک در قالب خوش‌بین و یا بدبین دسته‌بندی می‌شوند.<sup>۱</sup> این بدبینی و یا خوش‌بینی به آینده اقتصاد سرمایه‌داری راه‌کارهایی را برای عبور از بحران تاریکی آینده اقتصاد سرمایه‌داری طرح می‌کند.

تبیین ماهیت و علل ثروت ملل آدام اسمیت<sup>۲</sup> (۱۷۷۶) با تمرکز بر عرضه اقتصاد و الهام از عقاید طبیعیون برای عدم دخالت در اقتصاد و حرکت تعادلی آن حول محور قوانین طبیعی و تداوم و تکرار آن، قرار می‌گیرد. در اندیشه ریکاردویی<sup>۳</sup> بهره مالکانه و رانت زمین رشد اقتصادی را محدود می‌کند. نظریه نامیدانه مالتوس<sup>۴</sup> (۱۸۲۰) در خصوص رشد جمعیت و مقایسه آن با رشد تولید آینده اقتصاد را در تاریکی فرو می‌برد. توجه استوارت میل بر کنترل جمعیت برای جبران کاهش رشد اقتصادی و رسیدن به وضعیت پایا قابل تأمل است. در این طیف از اندیشه‌های اقتصادی عامل جمعیتی باید محدود و رشد جمعیت باید سرکوب شود. رفاه اقتصادی جامعه انسانی حاضر در گرو کاهش ورودی جمعیت است. هدف قرار گرفتن رفاه نسل حاضر از طریق کاهش خودخواسته روند جمعیت به نوع فهم این طیف از اقتصاددانان به کارکرد اقتصاد بازمی‌گردد. توجه صرف به عامل عرضه و عدم توجه به عامل انسانی به‌عنوان محور تقاضا با پرداخت دستمزد حداقل معیشت عجین می‌شود. همچنین ورود دست‌نامربی در ارائه راه‌کار خودکار کاهش رشد جمعیت و سطح جمعیت که افزایش دستمزد و به تبع آن رفاه را به دنبال دارد یک بی‌عدالتی محض به انسان بالفعل و بالقوه در اندیشه سرمایه‌داری کلاسیک است. عدم توجه به امکان تحول فنی رشد و تمرکز بر ادعای رشد هندسی جمعیت و رشد حسابی امکانات چگونه ناعادلانه توانست به انحراف مسیری از منابع علمی کلاسیک اقتصاد به سوی بی‌عدالتی بین نسلی کشیده شود تا توصیه علمی را در قطع نسل قرار دهد.

۱. آدام اسمیت، ژان باتیست سه و باستیا اقتصاددانان خوش‌بین و دسته بدبین‌ها مثل رابرت مالتوس، دیوید ریکاردو، مارکس و جان استوارت میل هستند. دسته خوش‌بین‌ها به پیروی از عقاید آدام اسمیت عقیده داشتند؛ که اصالت فرد و نظام‌های اقتصادی یا جریان طبیعی اقتصاد، موجب رفاه و خوشبختی جامعه خواهد شد و دسته بدبین‌ها ضمن قبول همان قواعد، اجرای آزاد همان قوانین مکشوفه را موجب فقر و برآثر آن، سرانجامی شوم و آینده‌ای تاریک برای جامعه انسانی پیش‌بینی می‌کردند.

2. Adam Smith  
3. Ricardo  
4. Malthus



تفسیر پدیده فقر ناشی از عامل اجاره زمین و محدودیت رشد از این ناحیه که به درستی اشاره شده است ولی تلاش و توصیه علمی برای بازتعریف مالکیت نشده است باز اقتصاددانان کلاسیک را به صرافت کاهش جمعیت می اندازد. توصیه گرفتن بالقوه و بالفعل حل حیات از موجود انسانی به عنوان راه کار ایجاد یا تداوم رفاه اقتصادی بدیهی ترین نوع بی عدالتی است که از درک نادرست فلسفه وجودی انسان نشأت گرفته است. اصرار بر وجود امکانات محدود و نیازهای نامحدود و عدم توجه به قوانین توزیع منابع خدادادی شاکله این تحلیل است. در این راستا هرچند راه حل مارکس و اندیشه ووران معتقد به او به نقد صریح و تند نظام سرمایه داری انجامید ولی برابری و مساوات برداشت شده از مفهوم عدالت، منجر به بی عدالتی دیگری در حوزه اجتماع و اقتصاد گردید که تاریخ اقتصادی و اجتماعی بلوک شرق و فروپاشی مکانیسم اقتصادی آنجایی برای اثبات این مدعا نمی گذارد.

در مقابل اندیشه افراطی کاهش سطح و رشد جمعیت، در بعضی از الگوهای رشد به جای بیان نظریه اقتصادی از واژه کشف استفاده شده است. توجه به اقتصاد هنجاری به رشد بلندمدت (به عنوان چگونگی دست بابی به رشد اقتصادی) شده است، به طوری که به تعادل هایی که در آن متغیرهای اقتصادی باید با رشد جمعیت برابر است، دست یازیده اند. به طور مشخص همسو کردن رشد واقعی<sup>۱</sup> و رشد تضمین شده<sup>۲</sup> با رشد طبیعی<sup>۳</sup> اقتصاد که تبلور آن در رشد برونزای نیروی کار و یا رشد جمعیت است می تواند نمونه بارزی از مقوله کشف عامل رشد در اقتصاد باشد<sup>۴</sup>.

در اولین نگرش های رشد اقتصادی تقاضامحور با رویکرد پسا کینزی می توان به تئوری رشد هارود<sup>۵</sup> (۱۹۳۹) و دومار<sup>۶</sup> (۱۹۴۶) اشاره نمود که در آن انعطاف ناپذیری تابع تولید امکان تعادل ایستای رشد را صرفاً در شرایط خاص برقرار می سازد. در این رابطه رشد تضمین شده و رشد واقعی اقتصاد باید در نهایت با رشد طبیعی اقتصاد که معطوف به رشد جمعیتی است برابر شود. دلیل عدم تعادل در امکان ناپذیری برابری نرخ بهره (که در مدل از حاصل تقسیم سهم پس انداز به تولید به نسبت موجودی سرمایه به تولید  $s/a$  به دست می آید) با رشد جمعیت (کیفی و مقداری)  $n' = n + \lambda$  تفسیر می شود.

در نگرش سولو<sup>۷</sup> (۱۹۵۶) و سوان<sup>۸</sup> به عنوان طیف فکری اندیشه نئوکلاسیکی انعطاف پذیری تابع تولید چسبندگی نرخ بهره را برای رسیدن به رشد طبیعی اقتصاد فراهم می کند و از طریق معادله دیفرانسیلی رشد شرط بهینگی و تعادل برقرار می شود. همچنین مطابق قانون طلایی انباشت فلپس<sup>۹</sup> اقتصاد در انتخاب مسیر بهینه خود، به مسیر رشدی که در آن مصرف سرانه بیشتر نسبت به همه مسیرهای دیگر وجود دارد، دست

1. Actual Growth
2. Warranted Growth
3. Natural Growth

۴. در نقطه مقابل رویکردهایی نیز دیده می شود که به نگرش اشاره شده معتقد نیست و نقش عوامل ذهنی نظیر نرخ رجحان زمانی و نرخ بهره و کشش بین زمانی مصرف را حائز اهمیت دانسته اثرات جمعیتی رشد اقتصادی را نادیده می گیرند.

5. Harrod, R.F. (1939)
6. Domar, E.D. (1946)
7. Solow, M.R. (1956)
8. Swan, T.W. (1956)
9. Phelps, E. (1966)

خواهد یافت. در این راستا چنانچه عامل تنزیل ذهنی یا رجحان زمانی باعث تسریع در مصرف سرانه باشد، اقتصاد را از قاعده طلایی انباشت دور می‌کند. همچنین اگر دارایی اقتصاد شامل ثروت فیزیکی و ثروت مجازی (پول) باشد، بازهم دوری از قاعده طلایی انباشت امکان خواهد داشت.

در طیف الگوهای پویای رشد با منشأ انباشت، قضیه ترن پایک یا گذرگاه که بیان‌گر افق برنامه‌ریزی بلندمدت مسیر رشدی است که از طریق انباشت بهینه موجودی سرمایه، به دنبال حداکثر ساختن تابع مطلوبیت اجتماعی به‌عنوان تابعی از مصرف سرانه است. در این راستا تنزیل انتگرال تابع رفاه اجتماعی اقتصاد را از قاعده طلایی رشد متوازن فلیس دور خواهد نمود. رویکردهای متقدم در خصوص رشد با منشأ انباشت موجودی سرمایه را در مقالات ون نیومن<sup>۱</sup> (۱۹۴۵-۱۹۴۶) اینادا<sup>۲</sup> (۱۹۶۴)، کوپمانز<sup>۳</sup> (۱۹۶۴)، مک کینزی<sup>۴</sup> (۱۹۶۸)، نیکایدو<sup>۵</sup> (۱۹۶۴) و ساموئلسن (۱۹۶۰) می‌توان دریافت کرد.

عامل بهره و منشأ ذهنی بهره که در نرخ تنزیل اجتماعی نهفته است مصرف بین دوره‌ای فرد و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توازن مصرف را به نفع مصارف حال تغییر می‌دهد. منابعی که به لحاظ خدادادی برای همه نسل‌ها است را تصرف می‌کند و امکان افزایش موجودی سرمایه برای تداوم موجودی سرمایه سرانه را از اقتصاد سلب کرده در نتیجه باید برای حفظ موجودی سرمایه سرانه ناگزیر به کاهش سطح جمعیت تن دهد. در نتیجه ناکارایی، بی‌عدالتی بین نسلی که از تصمیم برای کاهش جمعیت و گرفتن حق حیات از نسل‌های آتی است به منشأ بهره‌گره می‌خورد. خودخواهی برای مصرف بیشتر امروز و ارزش‌گذاری بالاتر مصارف حال، اشباع‌ناپذیری در مصرف به شکل‌گیری بهره و در نهایت بی‌عدالتی بین نسلی منجر می‌شود. چون همگان امکان مصارف بالاتر امروز را ندارند ورود سیستم پولی و اعتبار بانکی و دریافت بهره پولی این فرایند را تشدید و بی‌عدالتی را در درون یک نسل نیز تنظیم می‌کند. این موضوع در بخش مستقل به آن پرداخته می‌شود.

### مکانیسم خلق پول، بهره و بی‌عدالتی

نگرش به فلسفه پول و تعاملات خست جوی انسانی در نگهداشت پول زمینه شکل‌گیری موضوع اشباع‌پذیری پول و عدم اشباع‌پذیری آن را در ادبیات اقتصادی فراهم کرده است. طرح مفهومی به نام رجحان و پاداش نقدینگی که ناشی از انگیزه‌های سفته‌بازی و احتیاطی برای پول است، نقش پول در جایگاه وظیفه معاملاتی آن متفاوت می‌شود. نگهداری پول با انگیزه احتیاطی و نیز سفته‌بازی به‌عنوان دو کارکرد دیگر پول در مکتب کینزی منجر به عاملی برای شکل‌گیری بهره پولی با منشأ رجحان نقدینگی و رکود مداوم پولی است. اساسی‌ترین بحث‌ها در این خصوص را باید در اندیشه جامعه‌شناس آلمانی، زیمل در کتاب فلسفه پول

1. Von Neumann  
2. Inada  
3. Winter  
4. Mckenzie  
5. Nikaido

جستجو نمود. از دیگر اندیشمندان مطرح در این زمینه، مکتب فکری مارکس<sup>۱</sup> است (بابوی و همکاران، ۱۳۹۶).

کنز پولی که نتیجه اشباع ناپذیری از نگهداری پول است منجر به تثبیت نرخ بهره پولی، تخصیص نقض بهینه سازی رفتار و فعالیت اقتصادی و نتیجه این دو رکود مداوم پولی و بیکاری است. بستر چنین اقدامی در نظام بانکداری متعارف بسیار مشهود است. در چارچوب نظام بانکی متعارف که به خلق اعتبار اقدام می کند، بیش از آنچه انواع پول و اسکناس منتشر می شود، میزان بیشتری پول تقاضا می شود. در حقیقت در این بستر عرضه پول، تقاضای پول را تأمین نمی کند بلکه به مثابه یک محرک غیرطبیعی، آن دیگری را ایجاد می کند در نهایت به سمت یک افزایش گسترده و بزرگ از تجدید بدهی ها اقتصاد هدایت می شود (مجاهدی و عیسوی، ۱۳۹۶).

در بانکداری متعارف با نگهداری تنها بخشی از منابع سپرده ای سپرده گذاران عملاً تقاضاهای سپرده گذاران برای دریافت نقدی وجه سپرده گذاری شده را از طریق این جزء نگهداری شده پرداخت می کند. خلق اعتبار از طریق ادعای واهی وجود پول، ماهیت و مفهوم پول از تعریف کلی آن به منزله یک قرارداد اجتماعی تغییر می دهد و آن را از مفهوم اقتصادی آن به عنوان پول بیرونی خارج می کند، به طوری که نوعاً پول رایج، اعتبار و یا پول درونی است که بدهی بانک به جامعه و بدهی تک تک افراد به یکدیگر است. اعتبار از طریق مجموعه ساده ای از عملیات دفترداری به خلق اعتبار از هیچ<sup>۲</sup> می انجامد. در حقیقت زمانی که یک حساب جاری اعتباری برای وام گیرنده ایجاد می شود و گیرنده وام به تصور این که وجه وام در حساب او وجود دارد آن را از حساب برداشت نمی کند، بانک این امکان را دارد که مجدداً آن را به وام گیرنده دیگری به صورت اعتباری وام دهد (مجاهدی و دلالی، ۱۳۹۴). نتیجه چنین اقدامی رواج بهره پولی، بیکاری، توزیع نابرابر درآمد در جامعه، تغییر در نسبت قیمت دارایی ها و یا تورم و بی عدالتی به اقشار متوسط و فقیر جامعه است.

یکی دیگر از نمادهای بلامنازع عدم عدالت بین نسلی و حتی درون نسلی، چاپ پول بدون پشتوانه است. در رویکرد کلاسیکی، پول وسیله مبادله بوده و جایگاهی به عنوان وسیله حفظ ارزش ندارد. پول فی نفسه مطلوب نبوده و صرفاً به منظور مبادله کالا با کالای دیگر مورد تقاضا قرار می گیرد. پس در این دیدگاه پول وسیله مبادله است نه هدف مبادله.

در ادبیات انتشار پول، توجه به دو نکته امکان مصرف شدن تولیدات و دائمی بودن پول باید توجه شود. طبق تئوری مقداری پول، چنانچه رشد عرضه پول و رشد تولید برابر باشند، سطح قیمت ها بدون تغییر خواهد ماند و به عبارتی تورم یا رشد سطح قیمت ها صفر خواهد بود. صرف نظر از ایراداتی که به نظریه وارد است مانند ثابت در نظر گرفتن سرعت گردش پول، یکسان فرض کردن تغییر سطح همه قیمت ها و جریان علیت از رشد حجم پول به رشد سطح عمومی قیمت ها، توصیه سیاستی این معادله، انتشار پول به تناسب رشد تولید جهت کنترل سطح عمومی قیمت ها است و چیز دیگری از این تئوری نمی توان برداشت کرد. از این

1. Karl Marx

2. Ex nihilo Money Creation

رو رشد حجم پول متناظر با رشد تولید مطلوب است. نکته اساسی که معمولاً دور از نظر می‌ماند، حجم کل نقدینگی اقتصاد است که بخشی در نتیجه افزایش پایه پولی توسط بانک مرکزی و بخشی به دلیل خلق اعتباری است که بر مبنای این پایه پولی و بسته به مقادیر نرخ‌های ذخایر قانونی و احتیاطی و تنزیل مجدد بر سپرده‌های دیداری و بلندمدت ایجاد می‌شود. وجه افتراق پول و تولیدات اقتصاد این است که پول بعد از تولید از بین نمی‌رود ولی تولیدات اقتصاد مصرف می‌شوند. پس بعد از مدتی تولیدات به اتمام رسیده در حالی که پول و اعتباری که به ازای این پول منتشر و خلق شده بود، باقی می‌مانند و منجر به افزایش قیمت تولیدات آینده و به همان نسبت کاهش رفاه نسل‌های آتی خواهد شد.

بنابراین عدالت ایجاب می‌کند پول فقط وسیله مبادله باشد. همان‌طور که پول بعد از تولید از بین نمی‌رود، نباید به‌طور مداوم منتشر و به حجم نقدینگی موجود اضافه شود. بلکه انتشار پول فقط یک‌بار مجاز است. این امر موجب افزایش ارزش واقعی پول می‌شود. از طرفی به دلیل ارزشمندی پول ممکن است از دید اقتصاددانان به‌خصوص طرفداران دیدگاه کینزی با نگاه به رجحان نقدینگی، افراد تمایل به نگهداری پول بدون خرج کردن آن داشته باشند که عامل جمعیتی و رشد تقاضا رکود مورد ادعای کینزی را برطرف خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش عمده تلاش خود را پس از بررسی مفهوم عدالت در اندیشه‌ها و مکاتب مختلف، بر عوامل مؤثر و مختل‌کننده عدالت اقتصادی نهاده است. در میان عوامل مؤثر، در اقتصاد پولی، وجود بهره پولی بر اساس ریشه‌های ذهنی و عینی آن که مجوزی در جهت مشروعیت بهره پولی است، دارای تأثیر فراوانی بر متغیرهای اقتصادی مانند نرخ‌های بازده سرمایه و نرخ سود بدون ریسک و همچنین متغیرهای کلان اقتصاد مانند رشد جمعیت، رشد تولید و توزیع فرصت‌های شغلی بین جمعیت جامعه دارد.

انتشار پول بدون پشتوانه تحت قالب پایه پولی و خلق اعتبار بر اساس نرخ‌های ذخیره قانونی و احتیاطی و تنزیل مجدد، نه تنها مستقیماً بر امکانات در دسترس جامعه در زمان حال تأثیر می‌گذارد، بلکه بر رشد جمعیت، توزیع فرصت‌های شغلی و در نتیجه تولید و سرمایه‌گذاری دوره‌های آینده نیز مؤثر است که در نتیجه مصرف نسل‌های آتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ترسیم بی‌عدالتی بین نسلی و درون نسلی از مسیر رابطه متغیرها و پارامترهای اقتصادی نشان می‌دهد حرکت در مسیر عدالت در غیر کنترلی بودن متغیر جمعیت و کنترل عرضه پول حاصل می‌شود. بخشیدن حق حیات به نسل‌های بعدی و توازن مصرف بین نسلی از طریق عدم وجود بهره ناشی از تنزیل مطلوبیت بین نسلی به دست می‌آید. کنترل منشأ خلق پول و محدودیت انتشار پول عاملی برای افزایش قدرت خرید و همان کارکرد انتشار بیشتر را خواهد داشت. مضافاً این که هزینه نگهداری پول به جای بهره پولی و نیز پذیرش غیر کنترلی بودن عامل جمعیت کنز پولی و بهره پولی را از میان برداشته رکود و بیکاری با منشأ بهره پولی را به‌عنوان بی‌عدالتی درون نسلی از میان برمی‌دارد.

## منابع و مأخذ

- بابوی، سحر؛ مجاهدی، محمدمهدی و خرسندی، مرتضی (۱۳۹۶)؛ "تحلیل رکود مداوم پولی در اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهشها و سیاست های اقتصادی، دوره ۲۵، شماره ۸۲
- بی نا (۱۳۸۵)؛ "نظریه عدالت رالز و منتقدانش"، مجله دانش پژوهان بهار و تابستان، شماره ۸.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۸۷)؛ "کار و ثروت در اسلام"، انتشارات پیام آزادی.
- صدری، حامد (۱۳۹۱)؛ "معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان پذیر" فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال اول، شماره اول، زمستان.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۶)؛ "ارائه شاخص هایی جهت ارزیابی عملکرد و تحلیل جهت گیری سیاست های توسعه در راستای تحقق عدالت اجتماعی"، دبیرخانه تشخیص مصلحت نظام.
- مجاهدی، محمدمهدی و عیسوی، محمود (۱۳۹۶)؛ "دلالت‌هایی از اشتراکات کشفی در اندیشه های فکری علم اقتصاد"، چهارمین کنگره علوم انسانی اسلامی.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۶)؛ "عدالت و انصاف و تصمیم گیری عقلانی"، نقد و نظر، شماره ۱۰: ۸۰.
- Anarchy, Nozick, (1974), "State & Utopia".
- Baumol (1982), "Applied Fairness theory and Rationality Policy", AER.
- Buchanan James M. (1986), "Liberty, Market, and State, Political Economy", 1980's. NY:NYU. Press, Colombia U.
- Domar, E.D., (1946), "Capital Expansion, Rate of Growth and Employment", *Econometrica*. Vol 14: 137-147.
- Hal R. Varian(1974), "Equality, Envy, and Efficiency", *Journal of Economic theory*, Vol.9
- Harrod. R. F., (1939), "An Essay in Dynamic Theory", *Economic Journal*, Vol. 49: 14-33.
- Phelps, E., (1966), "Golden rules of economic growth", New York.
- Schotler, Andrew, (1985), "Free Market Economics: A critical Appraisal", New York.
- Solow. M.R., (1956), "A Contribution to the Theory of Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 70: 65-94.
- Swan, T.W., (1956), "Economic Growth and Capital Accumulation", *Economic Record*, Vol. 32: 334-361.



## بن بست پس انداز - سرمایه گذاری در اقتصاد ایران و ملاحظات اقتصاد اسلامی آن

یوسف محمدزاده<sup>۱</sup>

فاطمه رضاقره باغ<sup>۲</sup>

### چکیده

بر اساس تئوری های اقتصادی پایه رشد اقتصادی در انباشت پس انداز و هدایت آن به سرمایه گذاری مولد است. از این رو یکی از پیشنهادات سیاستی در جهت رشد و توسعه اقتصادی علی الخصوص برای جوامع کمتر توسعه یافته، تلاش در جهت تشکیل پس انداز برای حمایت از سرمایه گذاری مورد نیاز است. اما مساله اقتصاد ایران عدم وجود و یا تشکیل پس انداز نیست بلکه بحران بزرگ اقتصاد ایران در جنس پس انداز و عدم امکان هدایت آن به سمت سرمایه گذاری مولد است. با اینکه بر اساس آمار جهانی حجم پس انداز اقتصاد ایران بالاست اما این پس انداز به صورت زمین، ساختمان، فلزات گرانبها مثل طلا و نقره، اموال و ظواهر لوکس و غیره می باشد که نه تنها نمی تواند تبدیل به سرمایه گذاری شود، بلکه با بلوکه کردن منابع اقتصادی و با توجه رشد مازاد شاخص قیمت آن نسبت به شاخص قیمت کل اقتصاد، منابع سایر بخش های اقتصادی مانند صنعت را به سمت خود جذب و لذا طبق گزارشات جهانی مانند شاخص رقابت پذیری اقتصاد، مهمترین مشکل اقتصادی بصورت کمبود منابع مطرح می شود. با اینکه چنین ساختاری از اقتصاد یک بحران و چالش اقتصادی برای ایران محسوب می شود، اما از منظر اقتصاد و فقه اسلامی نیز چنین ساختاری اشکالات جدی دارند. از جمله اشکالات شرعی آن مربوط به ثروت اندوزی و دنباطلی، مصرف متظاهرانه، لوکس گرایی، احتکار، نابرابری، تخریب فرهنگ کار، کنز پول، ربا و غیره می باشد. لذا مقاله حاضر ضمن تجزیه و تحلیل ساختار بیمار پس انداز - سرمایه گذاری در اقتصاد ایران از منظر علمی، به ملاحظات اقتصاد اسلامی آن نیز پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** ساختار پس انداز، زمین و مسکن، ملاحظات اقتصاد اسلامی

۱. عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اقتصاد اسلامی دانشگاه ارومیه

## بیان مساله

بدون شک، توسعه اقتصادی منوط به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. با اینکه ممکن است بین اقتصاددانان توسعه بر سر زمینه سرمایه‌گذاری اختلاف نظر وجود داشته باشد (مانند توسعه متوازن یا غیرمتوازن و استراتژی‌های مختلف توسعه)، اما رشد و توسعه بدون سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نیست.

حال منبع تأمین مالی این سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز داخلی است یا قرض خارجی. به‌رحال اولاً، قرض خارجی می‌تواند بسیار محدود باشد و ثانیاً، این قرض بسیار پرهزینه خواهد بود. لذا اقتصادی‌ترین منبع تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های لازم برای رشد و توسعه اقتصادی، تشکیل پس‌اندازهای داخلی است.

اما بر اساس تئوری‌های اقتصاد کلان، پس‌انداز یک نشت از چرخه اقتصادی محسوب می‌شود؛ و تنها زمانی می‌تواند به این چرخه تزریق شود که تبدیل به سرمایه‌گذاری شود. در دروس اقتصاد کلان در خصوص اینکه این تبدیل تا چه حد قابلیت وقوع دارد، زیاد مورد تأکید قرار نگرفته است چراکه این یک اصل و منطق اقتصاد کلان محسوب می‌شود. در واقع پس‌انداز و سرمایه‌گذاری یکپارچه هستند (میلر<sup>۱</sup>)، بنابراین پس‌انداز برابر سرمایه‌گذاری تعادل اقتصادی تعریف می‌شود و در مقابل عدم برقراری این ارتباط یک عدم تعادل اقتصادی است. در واقع تحلیل توسعه اقتصادهای برتر دنیا از تحلیل رابطه پس‌انداز سرمایه‌گذاری میسر می‌شود (نارایان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ سینها و سینها<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ ابوگادمن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴).

لذا اینکه پس‌اندازها تبدیل به سرمایه‌گذاری نشود، یک عدم تعادل اقتصادی بوده و عدم وجود چنین رابطه‌ای ممکنه است به ساختار پس‌اندازهای مربوط باشد. از عمده‌ترین مشکلات نبود رونق در بخش تولید در ایران و به تبع آن افزایش بی‌کاری و افزایش طبقه کم‌درآمد، تبدیل نشدن پس‌انداز به سرمایه‌گذاری می‌باشد. اتلاف در منابع پس‌انداز، آثار مخربی بر چرخه‌ی سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد به جا می‌گذارد، جهت‌دهی منابع پس‌اندازی به سوی مصارف سرمایه‌گذاری از جمله اهداف اقتصاددانان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران است (سلمانی، ۱۳۹۵).

بررسی میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، نشان می‌دهد که چنین عدم تعادلی در اقتصاد ایران وجود دارد، بنابراین باید بررسی شود که چه خصوصیتی در ساختار پس‌انداز ایران وجود دارد که منتهی به سرمایه‌گذاری نمی‌شود؟ سؤال بعدی و مهم دیگر این است که آیا از منظر اقتصاد اسلامی این ساختار قابل تحلیل است؟ هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سؤالات اساسی است.

1. Miller
2. Narayan
3. Sinha & Sinha
4. Abu-Goodman



## ادبیات موضوع

پس‌انداز عبارت است از درآمد خرج نشده. پس‌انداز ناخالص ملی در اقتصاد به طور متعارف شامل دو جزء اصلی است که عبارتند از: پس‌انداز خصوصی و پس‌انداز دولت. پس‌انداز خصوصی شامل پس‌انداز خانوارها و پس‌انداز بنگاه‌های خصوصی است؛ به گونه‌ایی که بخش عمده این نوع پس‌انداز را پس‌انداز خانوار تشکیل می‌دهد. پس‌انداز دولتی به بیان بسیار ساده عبارت است از مازاد درآمدهای دولت نسبت به هزینه‌های جاری آن (مرادی، ۱۳۹۲).

بنابراین در چرخه اقتصادی وقتی درآمدی خرج نشود، در واقع به دایره پس‌انداز وارد می‌شود. از سوی دیگر فرض پایه‌ای در اقتصاد کلان این است که سرمایه‌گذاری جریان منابع مالی به سمت بنگاه برای تولید محصول تلقی می‌شود. یعنی جریان سرمایه‌گذاری در اقتصاد از هدایت منابع اقتصادی به سمت بنگاه در جهت تولید کالا یا خدمات حاصل می‌شود.

در حساب‌های درآمد ملی، GDP را می‌توان به عنوان جریانی از درآمد و یا محصول لحاظ نمود. در هر یک از این دو مورد ارزش کل کالاها و خدمات که در اقتصاد تولید می‌شود یکسان است. ولذا ما اتحاد اساسی GDP را به صورت زیر خواهیم داشت.

$$C+I+G+(X-M)=GDP=C+S+T+R^f$$

که با حذف جزء کوچک بخش خارجی از اتحاد داریم:

$$C+I+G=Y=C+S+T$$

برای آنکه روشن شود این اتحاد چه نکته‌ای در مورد بازارهای مالی در خود را در مورد بازارهای مالی در خود دارد، مقادیر C و G را از دو طرف معادله کسر می‌کنیم. که می‌شود:

$$I=S$$

این معادله نشان می‌دهد که پس‌انداز با سرمایه‌گذاری برابر است؛ که هر کدام جداگانه به صورت زیر می‌باشند:

$$I=Y-C-G$$

$$S=Y-C-G$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود هر دو شامل درآمد، مصرف و مخارج دولت می‌باشند که تغییر در هر یک از اجزای مربوط می‌تواند برابری بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را برهم بزند.

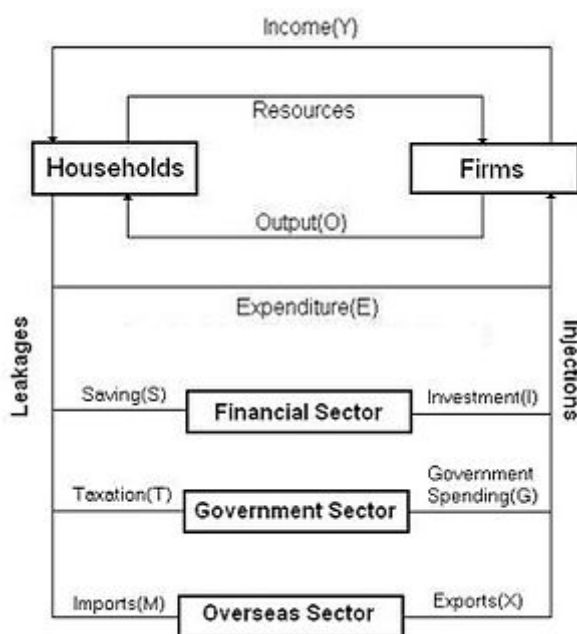
فرض کنید T خالص مالیات‌های وصول شده از سوی دولت باشد؛ شامل مالیات‌های خانوار، پرداخت‌های انتقالی و سایر مبالغی که از سوی تأمین اجتماعی و رفاه به آنها پرداخت می‌شود. بنابراین پس‌انداز ملی را به دو صورت می‌توان نوشت:

$$S=Y-C-G$$

$$S=(Y-T-C)+(T-G)$$

که در معادله دوم پس‌انداز ملی به دو جزء تقسیم شده است: پس‌انداز خصوصی (C-G-Y) و پس‌انداز بخش عمومی (T-G) (منکیو، ۱۳۹۳).

### نمودار ۱. جریان دایره‌وار اقتصاد



پس هرگونه تغییر در پس‌انداز شخصی و یا حذف آن از جریان تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری می‌تواند نقش مهم و آشکاری در سرمایه‌گذاری مولد و افزایش تولد و در پی آن افزایش درآمد ملی داشته باشد. و حتی از طرف دیگر پس‌انداز بخش عمومی نیز اگر به درستی به سمت تولید هدایت نشود بازار سرمایه از تعادل با بازار پولی خارج شده و رفته رفته بازار سرمایه و به تبع آن تولید ضعیفتر شده و بازار پولی و بخصوص بانکها قدرت مازاد یافته و از آنجا که عمده سرمایه‌گذاری بانکها در بخش مسکن است فقط بخشی از اقتصاد رشد خواهد کرد و پس‌انداز بیشتر به سوی رکود و بلوکه شدن پیش می‌رود.

اقتصاددانان کلاسیک معتقد بودند که پس‌انداز به وسیله‌ی دست‌نمائی به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود و لذا بحث سرمایه‌گذاری نزد آنها یک بحث پس‌اندازی بود. به نظر اقتصاددانان کلاسیک وجود پس‌انداز شرط لازم و کافی برای به وجود آمدن سرمایه‌گذاری بوده است و قیمتی که این دو را تضمین می‌کند، نرخ بهره است. به عبارتی دیگر، آنها اعتقاد داشتند که اگر پس‌انداز افزایش یابد، بر اثر قانون عرضه و تقاضا، سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد. از آنجایی که اقتصاددانان کلاسیک به آینده خوشبین بودند و به تقاضای نقدینگی پول نیز اعتقاد نداشتند، بدین ترتیب فرض می‌کردند که پس‌اندازکنندگان، پس‌اندازهای خود را در راه‌هایی به کار می‌برند که از آن سود کسب کنند و نه اینکه آن را به شکل غیرفعال نگهداری کنند. در نتیجه پس‌انداز برای مقاصد سرمایه‌گذاری همیشه در دسترس بخش تولیدی قرار می‌گیرد.

کینز در مورد عملکرد بازار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری با نظریه‌ی کلاسیکها مخالف بود. به نظر کینز فرض کلاسیکها مبنی بر اینکه پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران یک گروه واحد هستند و به خاطر یک عامل مشترک، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌کنند، فرض صحیحی نیست. کینز معتقد بود پس‌اندازکنندگان

وسرمایه گذاران دو گروه مختلف هستند و به خاطر عوامل مختلف، پس انداز و سرمایه گذاری می کنند. به نظر کینز پس انداز تابع درآمد ملی و سرمایه گذاری تابع کارآیی نهایی یا نرخ بهره است. وی معتقد بود که اگر میل متوسط به پس انداز (در صورت برونزا بودن سرمایه گذاری بخش خصوصی و مخارج دولت) افزایش یابد، مردم بیشتر پس انداز می کنند، که این باعث افزایش ناخواسته در موجودی انبار شده و در نتیجه تولیدکنندگان تولید خود را تا آنجا کاهش می دهند که افزایش ناخواسته در موجودی انبار صفر شود. بنابراین، پس انداز در سطح درآمد پایینتر به حالت اولیه خود باز می گردد.

نظریه چرخه زندگی مودیگلیانی بیان می کند که انگیزه‌ی عمده افراد برای پس انداز یکنواخت کردن مصرف براساس درآمد پیش‌بینی شده در طول زمان است. طبق مدل چرخه زندگی که در فهم رفتار پس انداز کمک بسیار کرده است، نرخ پس انداز تحت تأثیر نرخ رشد درآمد سرانه، موجودی ثروت، خصوصیات جمعیتی مختلف مانند امید به زندگی، متوسط سن بازنشستگی، توزیع نسبی جمعیت، اندازه خانوار و بخشی از جمعیت که در سن فعالیت بوده و مشغول فعالیت هستند، قرار می گیرد. سیاست‌هایی که روی این متغیرها اثر می گذارند، ممکن است نرخ پس انداز را تغییر دهند (شهرکی، ۱۳۸۹).

### ساختار پس انداز در اقتصاد ایران

همان‌طور که در بخش قبلی اشاره گردید، فرض اساسی اقتصاد کلان برای جریان سرمایه گذاری، هدایت منابع مالی به سمت بنگاه در جهت تولید محصول است. حال وقتی افراد بخشی از درآمد خود را پس انداز کرده ولی آن را به بنگاه اقتصادی هدایت نکنند، در واقع جریان سرمایه گذاری حادث نشده و در واقع نشت از چرخه اقتصادی به آن تزریق نگردیده است.

البته بخشی از این اتفاق در اقتصاد طبیعی می باشد ولی اگر در سطح گسترده و کلان اقتصادی این شرایط وجود داشته باشد، جریان سرمایه گذاری-تولید آسیب دیده و رفته رفته منجر به تولید کمتر و گسترش بیکاری خواهد شد. در واقع این اتفاق در اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته اتفاق افتاده است. بدین معنی که خانوارها بخش بزرگی از درآمد خود را مصرف نکرده و از یکسو با کاهش مصرف، تقاضای مؤثر کاهش یافته و منجر به رکود شده است و از سوی دیگر چون ساختار منابعی که مصرف نشده به شکلی بوده است که امکان هدایت آن به بنگاه اقتصاد مقدور نبوده و لذا منجر به تولید نشده است و از این رو نیز اقتصاد دچار رکود شده است. در واقع می توان گفت این پدیده مهمترین بن بست اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر است.

برای اینکه منطقی ساختار پس انداز در اقتصاد ایران را تجزیه و تحلیل کنیم، اول باید این پرسش را پاسخ دهیم که در وضعیت اقتصاد ایران هدایت منابع به کدام بخش، منافع بیشتری برای فرد ایجاد می کند؟ بررسی روند افزایش شاخص قیمت در بخشهای مختلف نشان می دهد که با اینکه شاخص قیمت در طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲ به ترتیب ۲۶،۳، ۲۴،۲، ۲۲،۸ و ۱۹،۶ درصد بوده است ولی در عین حال شاخص قیمت زمین در این مدت ۱۰۷، ۷۶، ۶۱ و ۳۷ برابر شده است (شاکری، ۱۳۹۵). به این معنی که در یک بازه

بلندمدت منابعی که در بخش زمین و مسکن بوده بدون اینکه کار و کوششی در میان باشد تنها با سوار شدن بر روی جهش قیمت این بخش، منافع زیادی برای صاحبان آن به همراه داشته است. اگر رفتار اقتصادی یک جامعه را عقلایی فرض کنیم، در واقع انتظار منطقی آن است که افراد در ایران، منابع مازاد خود را به این بخش هدایت کنند. لازم به گفتن نیست که منظور نوع پس انداز مردم هستند مگر نه سرمایه-گذاری در مسکن مقوله‌ی دیگری است.

در واقع، همین انتظار منطقی در اقتصاد ایران طی سالهای متمادی حادث شده است. وقتی مشاورین دانشگاه هاروارد برای مشاوره به متصدیان اقتصاد ایران در برنامه چهارم قبل از انقلاب به ایران آمدند، پس از مدتی به این جمع‌بندی رسیدند که مردم ایران، بیشتر تمایل به خرید و فروش و دلالی زمین دارند و پس انداز و فعالیت خود را به جای معطوف نمودن به سمت سرمایه‌گذاری صنعتی و کالایی، روی زمین و مسکن متمرکز می‌کنند؛ به طوری که سرمایه‌گذاری و دلال بازی روی زمین و مسکن، به رقیب سرمایه‌گذاری صنعتی بدل شده و آن را محدود کرده است. این در حالی است که دلالی و سوداگری روی زمین و مسکن در سالهای اخیر نسبت به دهه ۱۳۴۰ به مراتب بیشتر و شدیدتر شده است (شاکری، ۱۳۹۰).

قطعاً سرمایه‌گذاری در بخش مسکن با سفته‌بازی زمین و مسکن متفاوت است. هرچند که خود سرمایه‌گذاری در مسکن به لحاظ ویژگی غیرقابل مبادله بودن آن، نمی‌تواند رقابت‌پذیری اقتصادی را به طور چشم‌گیری بهبود دهد، ولی به لحاظ اشتغال‌زایی داخلی و پاسخ به بازار داخلی دارای مزایایی می‌باشد. اما سفته‌بازی زمین و مسکن به معنی خرید زمین و مسکن تنها به امید افزایش قیمت آن و کسب سود با سوار شدن بر تورم آن بخش، یک فعالیت نامولد و سمی است که اقتصاد ایران را آرام آرام از پای در می‌آورد.

این وضعیت ساختار اشتغال و تخصص اقتصاد را نیز دچار دستخوش کرده است. امروزه هر کوی و برزنی افراد زیادی مشغول دلالی مسکن و زمین هستند. بسیاری از مشاغل دیگر نیز به همین ساختار مربوط است. در واقع تخصص تولید کشور نیز به این مقوله مربوط شده است. وقتی اقتصاد در یک حوزه رشد کند، رکود آن بخش مشکلات بزرگی در پی خواهد داشت. از یک سو مشاغلی که به آن بخش مربوط است. بیکار خواهند شد و از سوی دیگر متخصصان این بخش دیگر در بخشهای دیگر توانمندی ندارند و نمی‌توانند به بخشهای دیگر اقتصاد هدایت شوند.

پس انداز دیگر افراد در اقتصاد ایران مربوط به کالاهای لوکس از جمله طلا و نقره، دکوراسیون داخلی و بیرونی منازل می‌باشد. در واقع فرد ترجیح می‌دهد به جای هدایت منابع مازاد خود به سمت تولید، آن را بصورت نمای گران قیمت خانه خود ذخیره کند، چرا که این نوع پس انداز در اقتصاد ایران تا به امروز بیشترین و مطمئن‌ترین سودآوری را برای افراد داشته است.

این مقوله موجب گسترش خوی چشم‌هم‌چشمی در ایرانیان گردیده، به طوری که حتی خانواده‌های کم‌درآمد نیز مجبور به تن دادن به داشتن این کالاهای لوکس به قیمت افتادن در دام فقر شده‌اند. شاید گفته شود در تمامی اقتصادها لوکس‌گرایی و چشم‌هم‌چشمی وجود دارد ولی باید دقت کرد که شدت و گستردگی این مقوله در اقتصاد ایران به طور حیرت‌آوری زیاد است.

علت اقتصادی این مساله این است که در اقتصادهای متعارف افراد با مصرف لوکس در واقع بخشی از ثروت خود را برای تمایل لوکس‌گرایی خود صرف می‌کنند یعنی برای لوکس‌گرایی هزینه صرف می‌کنند ولی آنچه در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود، این است که لوکس‌گرایی برای فرد درآمد و سودآوری زیادی دارد. مثلاً قیمت یک ویلا، خانه لوکس، فلزات گرانبها و یا حتی ماشین لوکس و غیره روز به روز در حال گران شدن است. و بر اساس تئوری‌های اقتصادی (مانند نظریه فریدمن) افزایش قیمت، عایدی کالاهای با دوام محسوب می‌شود. از این رو است که این خو و منش به همه خانوارهای ایرانی سرایت کرده است. بنابراین در ایران بخش عظیمی از پس‌انداز به دلایل زیر به سرمایه‌گذاری تبدیل نمی‌شود (قجر، ۱۳۹۲؛ شاکری، ۱۳۹۵):

- ۱- ناتوانی در جذب سرمایه؛
  - ۲- نبود قوانین مناسب؛
  - ۳- نبود ثبات مالی؛
  - ۴- حمایت دولت از بخش دولتی؛
  - ۵- گسترش فعالیت‌های نامولد و رانت جویانه؛
  - ۶- عدم درک و تحقق حقوق مالکیت؛
  - ۷- وجود تنش و مناقشه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از زمان مشروطیت تا امروز (مشروطه، انقلاب، جنگ، تحریم‌ها و...)
  - ۸- نبود وحدت رویه در میان مسئولین، نبود اجماع در مورد برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در میان عناصر حکومت.
- مشکل دیگر را این می‌داند که در بسیاری از سالها جمع‌رشد تولید و تورم کمتر از رشد نقدینگی است. یعنی بخشی از نقدینگی‌های خلق شده صرف معاملات نامرتبط با GNP می‌شود یعنی در مقابل آنها پس‌انداز واقعی وجود ندارد زیرا پس‌انداز به معنی کنار گذاشتن بخشی از کالا و خدمات مصرف نشده توسط مصرف‌کنندگان است (شاکری، ۱۳۹۵).
- نکته دیگر را که باید به آن اشاره کرد این است که بالا بودن قیمت در بخش زمین و مسکن خود می‌تواند منجر به کاهش پس‌انداز نیز گردد. بر اساس فرضیه سیکل زندگی، افزایش‌های قابل توجه در ارزش مسکن و افزایش در ثروت، کاهش در پس‌انداز را به دنبال خواهد داشت. با افزایش در ارزش واقعی مسکن و به دنبال آن افزایش در ثروت، افراد حاشیه اطمینان بیشتری برای ایام بازنشستگی و پیری خود پیدا کرده و بدنبال آن پس‌اندازهای خود را کم می‌کنند. تغییر در ارزش مسکن از چند طریق می‌تواند رفتار مصرف و پس‌انداز را تحت تأثیر قرار دهد (کاغذیان، ۱۳۹۰):
- ۱- اثر ثروت در دسترس: طبق این اثر، افزایش در ارزش مسکن نشان‌دهنده افزایش در ثروت مالکین بوده و مالکین می‌توانند با کوچکتر کردن مسکن خود، ثروت ناشی از افزایش ارزش مسکن را نقد کنند. در این صورت مصرف افزایش می‌یابد.

۲- اثر ثروت غیر قابل دسترس: حتی اگر قیمت خانه افزایش یابد و خانوارهای مالک نتوانند خانه را بفروشند و نقد کنند، باز هم این افزایش اثر مثبتی بر مصرف دارد، زیرا در این حالت هم ارزش تنزیلی ثروت افزایش می‌یابد. در این حالت خانوارها ثروتمند تر از قبل بوده و از طریق کاهش در پس‌انداز خود، مصرف را افزایش می‌دهند.

۳- اثر محدودیت بودجه: طبق این اثر، افزایش در ارزش مسکن برای کرایه‌نشینان نشان دهنده افزایش محدودیت در بودجه بوده و اثر مثبت در مصرف دارد. زیرا افراد حالا باید قیمت‌های بالاتری برای خدمات مسکن بپردازند.

۴- اثر محدودیت نقدینگی: چگونگی تأثیر ارزش ثروت مسکن بر رفتار مصرف و پس‌انداز به چگونگی سیستم مالی کشور نیز بستگی دارد. اگر با افزایش در ارزش مسکن، افراد بتوانند با وثیقه قرار دادن مسکن خود، وام و اعتبار بیشتری دریافت کنند در این صورت ممکن است افراد مصرف خود را افزایش دهند.

۵- افزایش در ارزش خانه برای آنها که بدنبال خرید مسکن هستند به این معنی است که برای خرید خانه اکنون باید یا خانه کوچکتری بخرند و یا مصرف خصوصی خود را کم کنند.

پرش‌های قیمتی مسکن بدون تردید با همراهی و همسازی نقدینگی امکان پذیر بوده است. بنابراین رشد نقدینگی بدون تردید در ایجاد پرش‌ها و بی‌ثباتی‌های کم سابقه بخش مسکن مؤثر بوده است. اما ماهیت سوداگری فعالیت‌های این بخش باعث شده رونق مسکن هم خود موجب تحریک پول منفعل شود و کمیت و کیفیت نقدینگی را تحت تأثیر قرار دهد. به گفته آخوندی، وزیر راه و شهرسازی، حدود ۴۷۰ میلیارد دلار ثروت ایران بدون استفاده در خانه‌های خالی و خانه‌های دوم انباشته شده است. (ایرنا، ۱۳۹۶/۵/۲۸) که این مبلغ قابل توجهی است.

بنابراین به طور خلاصه ساختار پس‌انداز در اقتصاد ایران بصورت انباشت درآمد منهای مصرف خانوارها بصورت زمین، مسکن، طلا و نقره، کالاهای لوکس دیگر و غیره می‌باشد. حال اینکه این نوع ساختار پس‌انداز چه آسیبی به بدنه اقتصاد وارد می‌کند، همانطور که در بالا اشاره شد، واضح است؛ اما سؤال مهم این است که این ساختار از منظر اقتصاد اسلامی چه اشکالات و ملاحظاتی دارد؟

### ملاحظات اقتصاد اسلامی ساختار پس‌انداز در ایران

گفتیم که ساختار پس‌انداز در ایران هدایت منابع اقتصادی به سمت زمین و مسکن و فلزات گرانبها و لوکس‌گرایی می‌باشد، اما این ساختار از پس‌انداز اشکالات بزرگی از دیدگاه اسلامی دارد:

### گسترش رباخواری و فشار در جهت افزایش نرخ بهره

شکی نیست که بالا بودن نرخ بهره در یک اقتصاد و گسترش رباخواری دو روی یک سکه‌اند. آمارهای تاسف‌باری از مقایسه نرخ‌های بهره در اقتصادهای دنیا وجود دارد طوری که نرخ بهره در اقتصاد ایران در مقایسه با

اقتصادهای دنیا بالاترین نرخ را داراست. این در حالی است که یکی از دلایل بالا بودن نرخ بهره در اقتصاد ایران و در نتیجه گستردگی رباخواری مربوط به ساختار پس‌انداز است. برای این ادعا چند دلیل دارد:

اول، چون ساختار پس‌انداز طوری است که به سرمایه‌گذاری منتهی نمی‌شود، لذا بخش تولید با کمبود منابع مالی روبرو است. طبق گزارش شاخص رقابت‌پذیری جهانی در چند سال اخیر مهمترین مشکل اقتصاد ایران، کمبود منابع مالی معرفی شده است (گزارشات رقابت‌پذیری، سالهای ۲۰۱۷، ۲۰۱۶، ۲۰۱۵ و ...). لذا به طور منطقی انتظار بر این است که با این کمبود منابع مالی، تأمین مالی هزینه بالایی داشته باشد که البته همین‌طور نیز می‌باشد. بر اساس همین گزارشات ایران جزء بدترین کشورها از لحاظ هزینه تأمین مالی می‌باشد.

دوم، اینکه جهش‌های قیمتی در چنین ساختار پس‌انداز موجب عایدی مفت برای صاحبان آن شده و لذا منابع مالی با منافع زیادی در این بخش‌ها روبرو بوده‌اند و لذا امکان پرداخت بیشتر برای منابعی که به این بخش‌ها روانه می‌شوند وجود دارد. همین امر باعث شده است که امروز بانکها با بحران بزرگی روبرو شود (و الان شاهد آن هستیم که به بهانه‌های مختلف نماد این شرکتها در بورس بیش از یک سال بسته مانده است که با اصلاً بازار بورس و حقوق مالکیت در تناقضی آشکار است). بدین دلیل که خود بانکها منابعی که وارد سیستم بانکی می‌شود، به دلیل سود بالای بخش زمین و مسکن و مراکز تجاری به این بخش هدایت کرده‌اند و چون عایدی این بخش بالا بوده رقابت برای بالا بردن نرخ سود بانکی ایجاد شده است که به نوبه خود باعث افزایش نرخ بهره و رباخواری در اقتصاد ایران شده است. و این یک تصویر بسیار نامناسب از اقتصاد ایران که مدعی ایجاد اقتصاد اسلامی است.

جهش‌های قیمتی بخش مسکن و زمین در اقتصاد ایران منجر به نرخهای بالای بهره شده‌اند. چون چون نرخ استهلاک در بخش مسکن نسبت به صنعت و ماشین آلات بسیار کمتر است، تأثیر هزینه بهره بر تقاضا و قیمت تمام شده مسکن بسیار بالاست. بنابراین برای رعایت حال بخش مسکن که هم در رشد کل اقتصاد مشارکت دارد (البته بعد از صنعت)، هم تأمین کننده رفاه است و هم ارتباط پیشین و ارتباط پسین خوبی با سایر بخش‌ها دارد باید نرخ بهره را پایین نگه دارند تا رونق در این بخش حفظ شود. اما نکته جالب اینجاست که پرش‌ها و بی‌ثباتی‌های شدید قیمتی در این بخش موجب شده که بانکها بخش عمده سپرده‌های مردم را به این بخش تزریق کنند و نرخهای بهره‌ای در اقتصاد رایج کنند که در اقتصاد ایران و حتی اقتصاد دنیا چندان سابقه نداشته است. لذا بخش ساخت و ساز مسکن نه تنها خود در رکودی عمیق فرو رفته بلکه با نرخهای بهره‌ای که این بخش به کمک بخش‌های نامولد در اقتصاد ایجاد کرده است انگیزه کار و تلاش را هم از سرمایه‌گذار و هم از کارگر سلب کرده‌است الان بسیاری از عوامل اقتصادی پول قابل ملاحظه در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند و از مجرای درآمد بهره‌ای آن ارتزاق می‌کنند و نیازی به کارآفرینی و کار کردن ندارند (شاکری، ۱۳۹۵).

ربا در اصطلاح فقهی نوعی اضافه و افزایش است که با شرایطی خاص یک طرف قرار داد از دیگری دریافت می‌دارد (کرمی، ۱۳۹۵) و این دقیقاً اتفاقی است که امروزه با آن در سطح نرخ‌های بهره‌ای بانکها و مبلغ جریمه دیر کرد وام‌های کشور اسلامی خود شاهد آن هستیم. در واقع پس‌اندازهای مردمی که به صورت سپرده در بانک ذخیره می‌شود بخش عمده آن توسط بانک در بخش ساخت و ساز مسکن سرمایه‌گذاری می‌شوند. نرخهای بهره بالا و کساد تولید خود منبع گسترش فساد در اقتصاد است.

در اسلام رباخواری برابر با دشمنی با خداوند شناخته شده و آیات و روایات بسیاری در این خصوص وجود دارد از جمله اینکه، خداوند در سوره روم آیه ۳۹ می‌فرماید: "و آنچه (به قصد) ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی‌گیرد و آنچه را از زکات، در حالی که خشنودی خدا را خواستارید، دادید، پس آنان همان فزونی یافتگانند (و مضاعف می‌شوند)" (علیرحیمی، ۱۳۸۹). بنابراین ساختار پس‌انداز در ایران به جهت تشدید نرخ بهره و گسترش فعالیتهای رباخواری به لحاظ اسلامی دارای اشکالات عمده‌ای می‌باشد.

## احتکار

احتکار در اسلام به شدت طرد شده و بر دوری از آن تأکید شده‌است که یکی از دلایل عمده آن اثر ایجاد نابرابری اقتصادی در جامعه است.

ابن خلدون در بررسی مسئله احتکار، کالا را به ضروری و تجملی تقسیم می‌کند و عمل احتکار را در کالاهای ضروری نظیر محصولات زراعی، برای فروش گرانتر در زمانهای دیگر عملی بد فرجام می‌داند. علت آن را هم این ذکر می‌کند که وقتی مصرف‌کننده ای آن را می‌خرد به دلیل نیازی است که به ارزاق دارد و از روی ناچاری مجبور است اموال خود را برای خرید آنها بدهد و این در حالی است که دلش بسته به مالش است و از آن دل نمی‌کند (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۴۲).

حال اگر موضوع احتکار، انباشت کالاهای ضروری برای ایجاد کمبود و به امید گران شدن در آینده باشد. با توجه به اینکه مسکن نیز یک نیاز ضروری محسوب می‌شود، لذا می‌توان گفت احتکار در این بخش نیز می‌تواند موضوعیت داشته باشد.

بنابراین از منظر احتکار نیز ساختار پس‌انداز در ایران دچار اشکال است.

## کنز پول

اسلام به منظور به جریان در آمدن وجوه نقد را کد نبودن آن در اقتصاد جامعه، ذخیره یا به عبارتی کنز و گنجینه کردن پول را منع کرده است. کنز یعنی نگهداری اموال و پول به انگیزه جمع ثروت؛ اما نگهداری آن به انگیزه‌های احتیاطی یا معاملاتی کنز نیست. حال آنکه بخشی از سرمایه ما به صورت فلزات گرانبها در خانه‌ها را کد مانده‌است و از آن هیچ استفاده اقتصادی نمی‌شود.



آیات و احادیث متعددی در مخالفت با کنز مال مطرح شده است: امام صادق می فرماید: مال، مال خداوند عزیز و بزرگ است، خداوند آن را نزد بندگان خود امانت گذارد و به آنها امر کرد از آن با رعایت میانه روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و ازدواج کنند و سواری بگیرند و مابقی را به فقرا می مومن برگردانند (سبحانی، ۱۳۹۳). در حدیث دیگری امام صادق (ع) می فرماید: همانا خداوند این اموال بسیار را به شما عطا کرده تا آنها را در مسیری که خداوند فرموده است قرار دهید و آن را عطا نکرد تا نگاه دارید و کنز سازید (همان). حضرت علی (ع) نیز در خصوص کنز می فرماید: "و لم اجعلنا (الموال) دوله بین الاغنیاء؛ یعنی اموال را در انحصار ثروتمندان قرار ندادم (همان). و در جای دیگری در نهج البلاغه می فرماید: ( فراوانی یا کمی) مال و فرزند رامقیاس خشنودی یا خشم خداوند نشمارید که این پندار دلیل نشناختن موارد فریفته شدن و آزمون انسان است در حال توانگری و تنگدستی. و پیامبر (ص) در این خصوص فرمودند: ما برای جمع مال فرستاده نشدیم؛ برای خرج آن مبعوث شدیم (میر معزی، ۱۳۹۰).

خداوند در سوره توبه آیه ۳۴ می فرماید: "والذین یکنزون الذهب والفضه و لا ینفقونها فی سبیل ا... فبشرهم بعذاب الیم؛ یعنی کسانی که طلا و نقره را گنجینه کرده در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردناک مژده بده.

تجزیه و تحلیل مفهوم کنز پول در این احادیث و آیات نشان می دهد که در واقع اشاره آن به همان جریان بلوکه کردن منابع اقتصادی به صورت پس اندازی که به سمت سرمایه گذاری هدایت نمی شود. یعنی همان نشت اقتصادی که دوباره به چرخه اقتصادی تزریق نمی گردد. بدین صورت که درآمدی که مصرف نمی شود، سرمایه گذاری هم نمی گردد.

لذا می توان استدلال نمود که ساختار پس انداز در اقتصاد ایران ماهیت کنز مال داشته و از منظر اقتصاد اسلامی دچار ایراد و اشکال است.

### تخریب فرهنگ کار و تلاش

از منظر اسلام، کار و تلاش حتی با مقام جهاد در راه خدا نیز برابر تفسیر شده است. در بیان دیگری از رسول خدا آمده است: "هیچ طعامی گواراتر از این نیست که از دسترنج خود شخص تهیه شده باشد، داوود پیغمبر (ع) از راه کار امرار معاش می کرد." (صدر، ۱۳۷۹). خداوند متعال در آیه ۳۹ سوره نجم می فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» و نیز در روایات اسلامی کار و تلاش برای تأمین مخارج زندگی، به منزله جهاد در راه خدا و پاداش بالاتر از جهاد دارد.

اما ساختار پس انداز در اقتصاد ایران از چند ناحیه موجب تخریب فرهنگ کار می شود: اولاً، سوار شدن بر رشد قیمت این نوع از پس اندازها، مانند زمین و مسکن افراد را به سمت ثروتمند شدن بدون تلاش و زحمت هدایت می کند. یعنی افراد تنها به دلیل اینکه قیمت اموالشان رشد کرده است، منتفع شده اند. این مقوله فرهنگ تلاش و کار برای بهبود رفاه را تضعیف می کند.

ثانیاً، بسیاری از مشاغل در جهت دلالتی همین ساختار پس‌انداز شکل گرفته و از طریق تنها دلالتی به سودهای هنگفت رسیده‌اند. این مساله باعث می‌شود که حتی آنهایی که مشغول کار یدی و زحمت نیل به رفاه هستند دلسرد شود چرا که می‌بینند، افراد دیگر با دلالتی مسکن و زمین در مدت کوتاه ثروت بادآورده عظیمی برای خود بدست آوردند. در این وضعیت افراد بیشتری تمایل به کسب ثروت از این کانال پیدا می‌کنند. وجود دلالتی‌های املاک در یکی قدمی هم در کوچه و برزن مربوط به همین موضوع می‌شود.

از آنجایی که قبلاً اشاره شد، ساختار پس‌انداز در ایران خود یکی از دلایل بالا بودن نرخ بهره در اقتصاد ایران است. حال خود نرخ بهره بالا موجب تضعیف روحیه کار و تلاش در جامعه می‌شود. وقتی با ۷۰ میلیون تومان پول در بانک می‌توان به اندازه حقوق حداقل دستمزد قانون کار و حقوق کارگر بهره گرفت، یعنی ارزش کارگر در آن اقتصاد، تنها ۷۰ میلیون تومان است. حال در این وضعیت چطور می‌توان افراد را به سمت کار و تلاش تشویق کرد؟

### گسترش بیکاری

ایجاد شغل، تنها منوط به سرمایه‌گذاری است. وقتی پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری هدایت نشود، بیکاری در اقتصاد گسترش می‌یابد. همانطور که قبلاً بحث گردید، ساختار پس‌انداز در اقتصاد ایران طوری است که افراد منابع مازاد خود و البته بخشی از صرفه‌جویی در حتی مصرف ضروری خود را نیز به سمت زمین و مسکن و مظاهر لوکس هدایت می‌کنند، و لذا سرمایه‌گذاری صورت نگرفته و شغل ایجاد نمی‌شود. در واقع در دید کلان مردم ایران برای فرزندان خود به جای شغل زمین و مسکن به ارث می‌گذارند! گسترش بیکاری در سالهای اخیر چنین در واقع از این حقیقت تبعیت می‌کند.

به هر حال بیکاری در دین اسلام از منفورترین وضعیت‌ها محسوب می‌شود. امام علی (ع) در نکوهش بیکاری می‌فرماید: "من دشمن می‌دارم کسی را که نسبت به کار دنیایش تنبل و بی‌توجه است، زیرا کسی که نسبت به زندگی دنیایش چنین است، در مورد آخرتش تنبل‌تر و بی‌توجه‌تر است." و در روایت دیگر می‌فرماید: "هر چند کار و تلاش همراه با زحمت و رنج است، اما بیکاری پیوسته منشا فساد و تباهی است" (اسحاقی، ۱۳۹۰).

در نتیجه ساختار پس‌انداز در اقتصاد ایران از منظر گسترش دادن بیکاری نیز از لحاظ توصیه‌های اسلامی دارای اشکال است.

### لوکس‌گرایی و تجمل‌گرایی

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از ویژگی‌های پس‌انداز در اقتصاد ایران، هدایت آن به سمت مظاهر لوکس و تجملی است. بررسی جامعه‌شناسان از ایران نشان می‌دهد که مردم ایران به شدت تمایل به تجمل‌گرایی و لوکس‌گرایی پیدا کرده‌اند که از مهمترین مظاهر آن در ساختمان و خانه است. از سوی دیگر اسلام با اصل تجمل‌گرایی و اشرافیت مخالف است.

خداوند در قرآن کریم (سوره نساء، آیه ۸۸) می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ هَلَاهَ زِينَةً وَ اَهْوَالاً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكُمْ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰى اَمْوَالِهِمْ». «موسی گفت: پروردگارا! تو فرعون و اشراف وابسته او را در زندگی دنیا زیور و دارایی داده‌ای که با آن، قوم ما را از راه تو گمراه کنند. خدایا! دارایی‌های آنان را نابود ساز». و در سوره یونس (آیه ۸۸) می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يَعْبُدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَنْعَوْنَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ»:

«کسانی که [فریفته زخارف و زینت‌های دنیوی شده‌اند] زندگی این دنیا را به آخرت ترجیح می‌دهند او نفس خود را از پیروی سنت خدا و تدین به دین او باز می‌دارند] و مردم را نیز از راه خدا منحرف می‌کنند و در پی آن هستند که برای سنت و دین خدا، کجی پیدا کنند] تا دشمنی خود را موجه جلوه دهند و مردم را راضی کنند تا به هر سنتی از سنت‌های اجتماعی بشری، هر قدر هم خرافی باشد، عمل کنند، به این وسیله [ضلالت برای آنان مسجل و حتمی می‌گردد».

### دنیا طلبی و ثروت اندوزی

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، ساختار پس‌انداز در اقتصاد ایران طوری است که نه می‌توان بعداً آن را مصرف کرد و نه تبدیل به سرمایه‌گذاری می‌شود. لذا تنها انباشت ثروت و ثروت‌اندوزی است. ذخیره و نگهداری مال به صورت املاک و نقدینگی و کالاهای گرانبها خود باعث زیاده خواهی و ثروت اندوزی می‌شود که در مباحث اسلامی از آن با عنوان تکاثر مالی یاد شده است و بسیار نکوهیده شده است که آثار آن از چند جنبه بررسی می‌شود (ایروانی، ۱۳۹۰):

- آثار روحی: شامل ایجاد شخصیت خیالی، تباهی عقل، سنگدلی و مرگ عواطف؛
- آثار اخلاقی: شامل خودبرتر بینی، طغیان، آزمندی، غفلت و سرگرمی؛
- آثار اجتماعی: شامل مقابله با حق طلبان، گسترش مفاسد اجتماعی، مسئولیت‌گریزی، تغییر معیارها، سلب بهداشت روانی جامعه.

حال اینکه ثروت اندوزی در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: "بدان که فزونی مال تباهی به دنبال دارد." (علیرحیمی، ۱۳۸۸). ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: "من رهبر مؤمنان هستم و مال، رهبر و رئیس گناهکاران است؛ یعنی مؤمنان از من پیروی می‌کنند، ولی گناهکاران مطیع مال و ثروت هستند (نهج البلاغه). همچنین می‌فرماید: مال ریشه شهوت‌ها است (بحارالانوار، جلد ۶۹). و در جای دیگری می‌فرمایند: هر کس درهم و دینار را دوست داشته باشد، او بنده دنیا است (بحارالانوار، جلد ۲). پیامبر اسلام نیز می‌فرماید: کسی که بنده درهم و دینار باشد ملعون و از رحمت خدا به دور است (اصول کافی، جلد ۲). در حدیث دیگری از حضرت علی (ع) آمده است: "ما رأیت نعمةً موفوره الا و بجانبه حق مضیع": نعمت (ثروت) فراوانی ندیدم، مگر اینکه در کنارش حقی ضایع شده باشد.

در آیه شریفه: «والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» (توبه / ۳۴۰)، قرآن کریم گروهی از مردم را به تصویر می‌کشد که در جنبه مالی گرفتار انحراف می‌شوند. اینان گمان می‌کنند تنها هدف زندگی شان این است که با هر وسیله ای و از هر جایی از هر راهی مال بیندوزند. وقتی به مقداری از مال و ثروت دست یافتند، به شیوه‌های گوناگون به زیاد کردن آن می‌پردازند. بدین ترتیب تمام فکر آنان مال و ثروت می‌شود. تمام عقل آنان را مال و ثروت فرا می‌گیرد و می‌کوشند بدون اینکه در راستای خدمت به مسائل حیاتی زندگی یا حل مشکلات گوناگون باشد، مال جمع کنند. هدف از آنان فقط ارضای عقده طمع‌ورزی و شهوت مال اندوزی است.

### از بین رفتن خلاقیت و نوآوری

در کتاب سرمایه در قرن ۲۱ توماس پیکتی، بعد پیش‌بینی بحران در اقتصاد غرب، یکی از راه‌حل‌هایی که مطرح می‌شود افزایش مالیات بر ارث است (Piketty, 2014). چنین رفتاری به صورت فرهنگ‌سازی امروز در کشورهای توسعه یافته مطرح است. در واقع ارث خلاقیت و نوآوری در اقتصاد را کاهش می‌دهد. ساختار پس‌انداز در ایران در واقع منتهی به ارث می‌شود و گسترش ارث بدین صورت موجب تضعیف خلاقیت و نوآوری در نسل بعدی می‌گردد. از آنجایی که خودشکوفایی از منظر اسلام یک ارزش محسوب می‌شود و همچنین خود مبحث فرهنگ کار و تلاش، چنین ساختار پس‌انداز و ارث نیز از منظر اقتصاد اسلامی می‌تواند محل اشکال باشد.

خداوند در قرآن کریم از آموزش اسما به انسان سخن می‌گوید و ارزش ساعتی تفکر را بیش از سالها عبادت می‌داند. ارزش اندیشه و تفکر در ادیان الهی بخصوص دین اسلام چنان والا است که در قرآن و احادیث بخش‌های خاصی به این موضع و در اهمیت اندیشه عمیق، تفکر خلاقانه و جستجوگرانه در خلقت موجودات زمین و آسمان‌ها است. تفکر و اندیشه همراه با عبادت و ذکر سبب آرامش قلب و گشایش دریچه‌های ایده‌ها تخیلات انسانی است؛ چیزی که بزرگان و اندیشمندان نابغه اسلام در زندگی خود بسیار بدان پرداخته اند و برای خلاقیت و نوآوری می‌توان از آن بهره جست.

### گسترش نابرابری

بهای زمین، مسکن و اجاره بها به ترتیب ۳، ۲،۲ و ۱،۷ برابر سطح عمومی قیمت‌ها افزایش داشته است. این عدم تناسب به خوبی آشکار می‌سازد که کارکردهای ناصحیح بخش زمین و مسکن چه بر سر اقتصاد آورده است؛ زیرا اساساً تا وقتی عایدات سرمایه‌ای زمین و زمین‌خواری که طبق تعریف ریکاردو نوعی رانت محسوب می‌شود را محدود نکرده یا حتی به صفر نرسانیم اقتصاد با تولید و نوآوری و علم محوری آشتی نخواهد کرد (شاگری، ۱۳۹۵). چنین افزایش بیش از حد قیمت موجب شده است که بین کسانی که از زمین و مسکن بیشتری برخوردار بوده و آنهایی که فاقد زمین و مسکن (و یا میزان کم آن) بوده‌اند، فاصله زیادی ایجاد شود. این مساله‌ای است که ضریب جینی قادر به اندازه‌گیری این نابرابری نیست! لذا میزان

نابرابری در اقتصاد ایران بسیار بیشتر از آن چیزی است که در ضریب جینی نشان داده می‌شود. و نابرابری منبع اصلی نارسایی‌های اقتصادی - اجتماعی در هر جامعه‌ای است. این نوع از نابرابری در مطالعات متعددی مانند کاراجیانکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) و دیویس<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) دیده می‌شود که بیشتر تمرکز بر اثر اثر بر روی نابرابری است.

یکی از مهمترین اهداف دین اسلام و بالتبع اقتصاد اسلامی، برقراری عدالت است. در واقع، دستیابی به عدالت اجتماعی - اقتصادی، هدف اساسی دولت‌های اسلامی به حساب می‌آید و به عنوان شاخص فعالیت‌های جامعه اسلامی به شمار می‌رود. بدین معنی که اگر بخواهیم ارزیابی مناسبی از عملکرد دولت‌های مختلف داشته باشیم، باید میزان تحقق عدالت و شاخص‌های آن را مورد توجه قرار دهیم.

همچنین بدیهی است که یکی از مؤلفه‌های عدالت اقتصادی - اجتماعی، وضعیت توزیع درآمد و فقر خواهد بود. بنابراین، نمی‌توان در حوزه اقتصاد اسلامی تئوری‌پردازی کرد، اما به مباحث مرتبط با فقر و نابرابری توجه نداشت. از طرف دیگر، تأکید دین اسلام بر ضرورت علم‌آموزی، آموزش، تحصیل، درآمدزایی و مباحث مرتبط با سلامت و بهداشت بر کسی پوشیده نیست. این تأکیدات در واقع، بیانگر توجه این شریعت الهی به مباحثی است که امروزه از آن با سرمایه انسانی یاد می‌شود. بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که دولت‌های اسلامی تدابیری اتخاذ کنند که به تقویت مؤلفه‌های سرمایه انسانی، مانند آموزش و سلامت (در گروه‌های پایین درآمدی) انجامیده و از این طریق به کاهش فقر و نابرابری کمک کنند. در روایت دیگر از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که فرمودند: "اگر در میان مردم عدالت برقرار شود مستغنی می‌شوند. سپس فرمودند: همانا عدل از عسل شیرین‌تر است و عدالت نمی‌کند مگر کسی که عدالت را خوب می‌داند" (کریمی، ۱۳۹۵).

### نتایج مشابه شرکت‌های هرمی

همان‌طور که می‌دانیم شکل کلی شرکت‌های هرمی به این صورت است که افراد با پرداخت مقداری پول عضو شرکتی می‌شوند تا در آینده با به عضویت درآوردن چند نفر دیگر و رشد زیرمجموعه مشتریان به چند برابر حق عضویت دست پیدا کنند. برخی از این شرکت‌ها به واسطه عضویت با واسطه نیز به اعضایشان حق‌الزحمه می‌دهند ولی در اکثر این سیستم‌ها، عضو می‌بایست دست‌کم دو نفر را مستقیماً به شرکت معرفی کند.

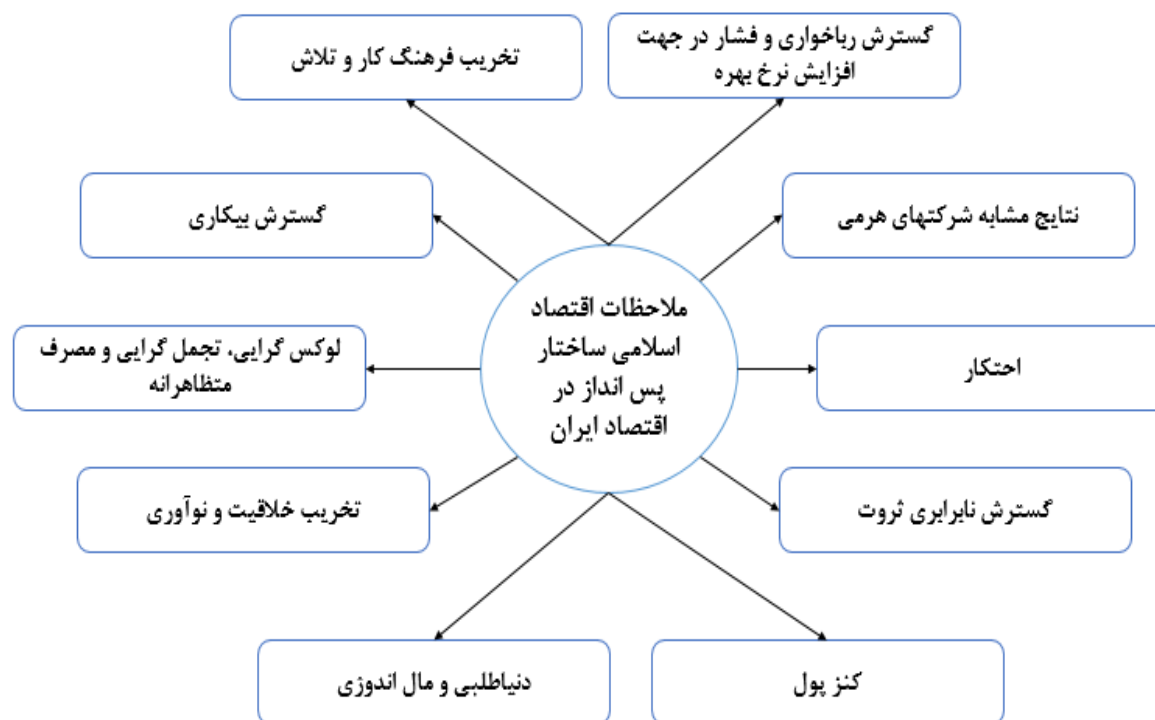
اما آنچه در نهایت این نوع کسب‌وکار پیش می‌آید این است که سردهسته‌های هرمها به سود مورد نظر خود نائل می‌آیند ولی عضوهای زیرمجموعه در نهایت چون نمی‌توانند برای خود زیرمجموعه بزرگی تهیه کنند دچار زیان می‌شوند. این نوع فعالیت هم به لحاظ اینکه کار و تلاشی برای کسب سود نمی‌شود و هم به دلیل اینکه در نهایت به زیان عده‌ای دیگر ختم می‌شود از نظر فقه اسلام حرام شناخته شده است.

1. Karagiannaki

2. Davies

حال به ساختار پس‌انداز در ایران بازگردیم. همانطور که قبلاً گفته شد در بین سالهای ۱۳۷۲-۱۳۹۲ قیمت زمین ۱۰۷ برابر شده در حالیکه شاخص قیمت فقط ۳۷ برابر شده است. این وضعیت شبیه به آن است که جامعه یک تصمیم بگیرد که قیمت زمین بصورت غیر منطقی بالا رود! نتیجه این اتفاق این است که هرکس به اندازه زمین خود در این افزایش قیمت سهم می‌شود. آنهایی که زمینهای بهتر و بیشتری دارند منتفع و بقیه متضرر می‌شوند! یعنی در اقتصاد هیچ تولیدی انجام نشده است و فقط زیان عده‌ای به سود عده‌ای دیگر منتهی شده است. این نتیجه بسیار شبیه به نتیجه‌ای است که در شرکتهای هرمی پیش می‌آید. لذا از این منظر نیز به نظر می‌رسد ساختار پس‌انداز در ایران دارای اشکال باشد.

## نمودار ۲. ملاحظات اقتصاد اسلامی ساختار پس‌انداز در ایران



## نتیجه‌گیری و پیشنهادات

چرخه سالم اقتصادی به طور پایه‌ای مربوط به این است که تراوشات از آن با تزریقات مربوطه دوباره به آن چرخه هدایت گردد. یکی از مهمترین تراوش از چرخه اقتصاد پس‌انداز است که زمانی که به سرمایه‌گذاری تبدیل شود، دوباره به چرخه اقتصاد بر می‌گردد. با توجه به اینکه اقتصاد ایران حجم بالای پس‌انداز (درآمد منهای مصرف) و حجم پایین سرمایه‌گذاری را تجربه می‌کند، لذا می‌توان در مورد وجود اشکال در هدایت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری مطمئن بود.

این اشکال در هدایت پس انداز به سرمایه گذاری در اقتصاد ایران تا حد زیادی به ساختار پس انداز در ایران مربوط می شود. وقتی فرد درآمد مازاد خود ( و البته بخشی از حتی مصرف ضروری خود) را به صورت یک زمین یا ساختمان از قبل ساخته شده، نگهداری می کند، دیگر مسیر هدایت آن به سرمایه گذاری را با مانع جدی روبرو می سازد.

این حقیقت تلخ در اقتصاد ایران حادث شده است. ساختار پس انداز در ایران بصورت زمین، مسکن، طلا و نقره، کالاهای لوکس و غیره می باشد که به صورت بلوکه شدن منابع اقتصادی بوده و به سمت سرمایه گذاری هدایت نمی شود. چنین موقعیتی در کنار اینکه اقتصاد ایران را با بن بست جدی روبرو کرده است، از منظر اقتصاد اسلامی نیز از جنبه های مختلف اشکال دارد.

ساختار پس انداز در اقتصاد ایران موجب گسترش رفتار احتکارجویانه، لوکس گرایی، تشدید نرخ بهره و رباخواری، مفت خواری و تضعیف فرهنگ کار، گسترش بیکاری، روحیه دنیاطلبی و ثروت اندوزی، تضعیف نوآوری و خلاقیت و غیره می شود. آنچه از فقه اسلامی برمی آید. این است که موارد بالا از منظر دین اسلام مورد اشکال و نکوهش است.

بنابراین ساختار پس انداز در ایران هم بن بست جدی برای اقتصاد ایجاد کرده و هم تعارض چندگانه با اقتصاد اسلامی دارد. لذا یکی از ضروریات برنامه ریزی در اقتصاد ایران اصلاح و تغییر ساختار پس انداز است. چگونگی این تغییر و اصلاح خارج از بحث این مقاله است و باید بصورت علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد ولی اصلاح سیستم مالیاتی می تواند یکی از ابزارهای دست دولت باشد. بدین صورت که با تنبیه پس انداز غیرمولد و ثروت اندوز افراد را تشویق به درآمدزایی از پس انداز خود بصورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق سیستم پولی و مالی اقتصاد کند. البته این ابزار در اقتصاد متعارف و اقتصاد کشورهای توسعه یافته نیز مورد تأکید است. از سوی دیگر چنین ساختاری از مالیات در اقتصاد اسلامی نیز قابل استنباط است.

## منابع و مأخذ

- اسحاقی، حسین (۱۳۹۰). مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی. قم: نشر هاجر.
- ایروانی، جواد (۱۳۹۰). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: موسسه فرهنگی قدس.
- تقوی، مهدی و محمدی، حسین (۱۳۸۸). تأثیر زیرساخت‌های سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی ایران. پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۴۲). اندیشه های اقتصادی ابن خلدون. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- سبحانی، حسن (۱۳۹۳). اسلام و اقتصاد. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سلمانی، بهزاد؛ برقی اسکویی، محمد مهدی؛ رزاقی، سمیه و خداوردی زاده، ابر (۱۳۹۵). بررسی تأثیر پس انداز بر سرمایه گذاری در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته. فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، شماره ۳.
- شاکری، عباس (۱۳۹۵). مقدمه ای بر اقتصاد ایران. تهران: انتشارات رافع.
- شمس الدین، محمد مهدی (۱۳۹۲). ق (دراسات فی نهج البلاغه. بیروت: دارالزهراء، چاپ دوم.
- شهرکی، مهدی؛ بهبودی، داوود و قادری، سیمین (۱۳۸۹). بررسی تأثیر پس انداز خانوار بر سرمایه گذاری و مصرف در ایران (مدل تعادل عمومی محاسبه پذیر). فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)، شماره ۳.
- علیرحیمی، رحمت الله (۱۳۸۹). اخلاق در اقتصاد با تأکید بر نظریات شهید صدر. تهران: پر شکوه.
- فلاحی، محمد علی و ارشدی، وحید (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مخارج مذهبی خانوارهای شهری در استانهای ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۹.
- قجر، محمد؛ حاضر، منوچهر و بنداری، مهرداد (۱۳۹۲). بازار پول و سرمایه، تهران: هوشمند تدبیر.
- کاغذیان، سهیلا؛ نقدی، یزدان و اکبرزاد، لیلیا (۱۳۹۰). رابطه پس انداز و ثروت (با تأکید بر ارزش مسکن) در استانهای ایران. فصلنامه مدلسازی اقتصاد، شماره ۲.
- کافی، ج ۲: ۲۷۰ «ملعون ملعون من عبدالدینار والدرهم».
- کرمی، محمد مهدی و محمد، پورمند (۱۳۹۵). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۹: ۶۷ «المال ماده الشبهوات».
- مرادی، سمیه و نجفی زاده، سید عباس (۱۳۹۲). اثر تورم بر پس انداز در ایران. اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و صفری، محمد (۱۳۸۹). بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه های اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۶.
- منکیو، گریگوری (۱۳۹۳). نظریه اقتصاد کلان. تهران: نشر نی.



میر معزی، سید حسین (۱۳۹۰). روش کشف نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۹.

میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸). نظام اقتصادی اسلامی. تهران: کانون اندیشه جوان.

نقیبی، محمد و فرج زاده، زهرا (۱۳۹۵). جایگاه مصرف گرایی در اقتصاد اسلامی. چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.

نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۳۰۸ «انا یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الفجار».

نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۳۰۸ «من احب الدینار و الدرهم فهو عبد الدنیا».

Abu-Goodman, M. (2014). Saving investment relationship with economic growth during financial crisis in Nigeria (Doctoral dissertation. Eastern Mediterranean University (EMU)-Doğu Akdeniz Üniversitesi (DAÜ)).

Davies, J. B. (1982). The relative impact of inheritance and other factors on economic inequality. *The Quarterly Journal of Economics*, 97(3): 471-498.

Karagiannaki, E. (2011). The impact of inheritance on the distribution of wealth: Evidence from the UK.

Miller, S. M. (1988). Are saving and investment co-integrated?. *Economics Letters*, 27(1): 31-34.

Narayan, P. K. (2005). The relationship between saving and investment for Japan. *Japan and the world economy*, 17(3): 293-309.

Piketty, Thomas, *Capital in the 21st Century*, Harvard University Press, 2014. Technical appendix available on-line at <http://piketty.pse.ens.fr/capital21c>.

Sinha, D., & Sinha, T. (1998). An exploration of the long-run relationship between saving and investment in the developing economies: a tale of Latin American countries. *Journal of Post Keynesian Economics*, 20(3): 435-443.



## نارسایی نظام بانکی در به‌کارگیری عقود اسلامی برای حمایت از تولید

ابوالفضل غفاری<sup>۱</sup>

### چکیده

بانک‌ها با سازمان‌دهی منابع مازاد نقدی مردم و تجهیز و هدایت پس‌اندازها و سپرده‌های آنها به اشخاص حقیقی و حقوقی که با کمبود وجوه نقد مواجه‌اند، نقش مهمی در رشد تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال برعهده دارند. این در حالی است که ساختارهای نهادی ناکارآمد، بخصوص در حوزه نظام بانکی به تخصیص تسهیلات به ضرر بخش‌های مولد و به نفع بخش‌های غیرمولد منجر شده است. نظارت بانک مرکزی، اصلاح نهادها و سوق یافتن فعالیت‌ها به سمت تولید، ایجاد شرکت‌های تخصصی ارزیابی، آموزش و فرهنگ‌سازی عقود بانکی و تخصیص شدن بانک‌ها می‌تواند منابع بانکی را به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت کند.

**واژگان کلیدی:** نظام بانکی، عقود اسلامی، تولید، قانون عملیات بانکی بدون ربا

## ۱. مقدمه

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند افزایش سرمایه‌گذاری هر چند شرط کافی نیست، اما شرط لازم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است. با توجه به کمبود منابع سرمایه‌گذاری در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تخصیص بهینه این منابع محدود بین فعالیت‌هایی که حداکثر کارآمدی را داشته باشند، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار، و از سوی دیگر، بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی به دنبال حداکثر سود خود است. بنابراین، دولت به عنوان حداکثر کننده رفاه اجتماعی، درصدد است تا سرمایه‌های جذب شده در بانک‌ها، مؤسسه‌های مالی غیر بانکی، بورس اوراق بهادار و ... به‌طور منطقی و کارآمد به سمت فعالیت‌های مولد سوق دهند. با توجه به تغییر و تحولات در نظام بانکی کشور پس از انقلاب اسلامی ایران براساس احکام شرع در سال ۱۳۶۲، قراردادهایی عقود مانند قرض‌الحسنه، مبادله‌ای (فروش اقساطی)، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله و ضمان، مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات) و سرمایه‌گذاری مستقیم جایگزین نظام بانکی رایج شد. نرخ سود در عقود مبادله‌ای ثابت و در نرخ مشارکتی متغیر است که این متغیر بودن نرخ سود، آزادی عمل بیشتری را به بانک‌ها برای افزایش قدرت چانه‌زنی در پرداخت تسهیلات می‌دهند. با توجه به ترکیب عقود مختلف در بانکداری کشور و کاربردهای متفاوت هر یک از عقود در عمل، سعی بر آن است تا در این مقاله به نارسایی‌های عقود بانکی برای تأمین مالی بخش‌های تولیدی در نظام اقتصادی کشور با گذشت بیش از سه دهه بانکداری اسلامی، مورد واکاوی قرار گیرد.

## ۲. عقود بانکی به تفکیک عقود اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سعی بر آن شد تا قانون بانکداری کشور براساس آموزه‌های اسلام تدوین و عمل شود. براساس این موضوع، انواع قراردادهای بانکی در دو نوع عقود مبادله‌ای و مشارکتی تقسیم شد. در این قسمت، سعی بر آن است تا ابتدا عقود مبادله‌ای و مشارکتی به‌طور اجمالی تعریف و سپس نحوه به‌کارگیری هر یک از عقود در فعالیت‌های اقتصادی مورد واکاوی قرار گیرد.

نخست، قرارداد مالی مبادله‌ای است که در آنها، اموال و منافع در برابر پول یا مال دیگری مبادله می‌شود. این قراردادها نسبت به قراردادهای دیگر از تنوع بیشتری برخوردار هستند، اما تنها تعداد معینی از این قراردادها مانند فروش اقساطی، فروش سلف، اجاره به شرط تملیک و جعاله، در نظام بانکی قابلیت اجرا دارند. در این روش، بانک‌ها معمولاً از طریق فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، املاک و کالاهای مورد نیاز و از طریق جعاله، خدمات مورد نیاز و از طریق سلف سرمایه در گردش مورد نیاز (نقدینگی) مشتریان را برآورده می‌کنند. عقود مبادله‌ای از ویژگی‌هایی مانند مقطعی بودن قراردادها، نوع رابطه بدهکار و بستانکار، قابلیت برای نرخ‌های ثابت و از قبل تعیین شده و عدم نیاز به نظارت و کنترل برخوردار است که آن را از سایر عقود بانکداری متمایز می‌کند.

دوم، قراردادهای مالی مشارکتی است که در این نوع قرارداد دو طرف قرارداد، در اصل مالکیت و سود و زیان فعالیت اقتصادی با یکدیگر شریک می‌شوند. قراردادهایی مانند مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات در این گروه از قراردادها قرار دارند. نظام بانکداری از قراردادهای مشارکتی مانند مضاربه برای تأمین مالی بنگاه‌های فعال در بخش بازرگانی، از طریق مزارعه و مساقات برای بخش‌های زراعی و باغداری و از طریق مشارکت حقوقی برای شرکت‌های سهامی عام و از طریق مشارکت مدنی برای بنگاه‌های صنعتی، خدماتی، معدن و کشاورزی استفاده می‌کند. عقود مشارکتی از ویژگی‌هایی مانند مستمر بودن قرارداد، مشارکت در سود و زیان، متغیر بودن سود، اذنی بودن قرارداد و نیاز به نظارت و کنترل برخوردار است.

### ۳. عوامل نارسایی‌های نظام بانکی در حمایت از تولید داخل

نظام بانکی دارای نارسایی‌هایی است که برخی از آنها به صورت مستقیم ناشی از خود نظام بانکی است و دیگری به دلیل شرایط اقتصادی بوده که عملکرد نظام بانکی را با چالش مواجه کرده است.

### ۴. علل ناکارآمدی نظام بانکی در حمایت از تولید (عوامل بانکی)

نظام بانکی کشور پس از ادغام در قالب قانون عملیات بانکی بدون ربا، به مجموعه بسیار بزرگی تبدیل شد که هماهنگ کردن آنها به راحتی میسر نبود، زیرا فعالیت‌های بانکداری روز به روز پیچیده‌تر می‌شد و مدیریت آنها، نیازمند پویایی در نظام مالی کشور بود. قانون یادشده که در واقع، خطوط اساسی بانکداری کشور را تبیین و ترسیم می‌کند، حاصل کوشش دو ساله جمعی از اقتصاددانان و فقهای کشور بود، اما این قانون به نحوی به اجرا درآمد که مشکلات زیادی را در اقتصاد ملی، به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید به وجود آورد. نظام بانکداری بدون ربا به دلیل مشکلاتی مانند مشکلات اجرایی، ساختاری و حقوقی در عمل نتوانسته است تفاوت‌های خود را با نظام بانکداری ربوی، به خوبی نشان دهد. مشکلات یادشده برآمده از ماهیت و نحوه عمل به عقود مشارکتی و مبادله‌ای است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

#### ۴-۱. مشکلات اجرایی قانون عملیات بانکی

به دلیل تغییرات صورت گرفته و فقدان مطالعات کارشناسی، مشکلات اجرایی عقود مبادله‌ای و مشارکتی زیاد است. از جمله اشکالات وارد شده به اجرای عقود مبادله‌ای و مشارکتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ زیاد بودن شرایط ضمن عقد؛

✓ پیچیده بودن شناخت ماهیت عقود برای سپرده‌گذاران و عوامل بانک؛

✓ صوری‌سازی و عدم شفافیت در مناسبات مالی به علت پیچیده بودن ماهیت عقود.

به‌رغم مشکلات کلی بیان شده برای عقود مبادله‌ای و مشارکتی، هر یک از این عقود نیز مشکلات خاص خود را دارند؛ برای مثال، عقود مشارکتی به دلیل مبتنی بودن بر سود متغیر و امکان چانه‌زنی بر سر سود

توافقی، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است و این مساله موجب شده است تا قدرت مدیران در سوق دادن عقود یادشده به سمت عقود با کمترین ریسک (که نزدیک به عقود ربوی است) افزایش یابد. از مشکلات اجرایی عقود مشارکتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ✓ نیازمند بودن به تخصص برای انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛
- ✓ نیاز به دادن تضمین از سوی سپرده‌گذاران؛
- ✓ مطابق نبودن سیستم حسابداری با نظام بانکداری کشور؛
- ✓ فشارهای سپرده‌گذاران و سهام‌داران بانک برای دریافت سود بالاتر؛
- ✓ بالا بودن ریسک به دلایلی مانند تورم بالا، موانع قانونی و ...؛
- ✓ مشکل نظارت (هزینه‌بر بودن، دقیق نبودن شاخص‌های نظارت و ...)
- ✓ یک‌شکل برخورد کردن با دستورالعمل‌های اجرایی.

به لحاظ رعایت اختصار تنها به توضیح، مشکل تخصص برای انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری بسنده می‌شود. تخصص مهم‌ترین و مؤثرترین عنصر در اجرای صحیح عقود مشارکتی است. اجرای صحیح عقود مشارکتی مستلزم تحلیل و انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری، نظارت و مدیریت مستمر بر روند اجرای پروژه‌ها و در نهایت، محاسبه و تعیین سود واقعی مشارکت است که هر کدام از این مراحل نیازمند دانش و تخصص مرتبط است. از سوی دیگر، سهم شدن واقعی بانک‌ها در زیان احتمالی حاصل از مشارکت، مستلزم همراهی نزدیک با طرح‌های مشارکتی است. اکنون با توجه به شرایط یادشده، به دلیل عدم برخورداری بانک‌ها از نیروی متخصص، بانک‌ها از سرمایه‌گذاری در تولید خودداری و به سمت تخصیص تسهیلات به امور بازرگانی و خدمات سوق یافته‌اند.

البته عقود مبادله‌ای که شامل فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، ضمان، خرید دین، سلف و جعاله است، از این مشکلات مستثنی نیست. برای مثال، در ارایه تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) به ندرت دارایی‌های منقول و غیرمنقول و سایر کالاهای مورد نیاز متقاضی را خریداری و به مشتری به صورت اقساطی یا اجاره به شرط تملیک واگذار می‌کنند یا در دیگر عقود مبادله‌ای مانند سلف و جعاله، در اکثر قریب به اتفاق موارد، وجه پرداختی در مقابل پیش‌خرید محصول یا ارایه خدماتی نیست؛ برای مثال، در قراردادهای فروش اقساطی، بانک مشتری را موکل خود می‌کند و به همین دلیل مشتری با ارایه فاکتورهایی مبتنی بر خرید کالا، تسهیلات را به صورت وجه نقد از بانک دریافت می‌کند. در این بین، ممکن است مشتری به دلیل صوری‌سازی فاکتورها، تسهیلات را دریافت و به جای آن هیچ کالایی مبادله نشود، یعنی قرارداد برای تولید منعقد، اما در جایی به غیر از تولید، مصرف شود. همچنین در این نوع مبادلات به دلیل عدم نظارت بر خرید کالا و اموال، امکان ربوی شدن معاملات بانکی نیز وجود دارد.

## ۲-۴. مشکلات ساختاری قانون عملیات بانکی

ساختار پیش‌بینی‌شده در قانون بانکداری بدون ربا برای ایران براساس شراکت، نیابت، وکالت و امانت است، یعنی ساختاری که اعتماد متقابل طرفین به یکدیگر، شرط اصلی موفقیت چنین سیستمی است و تا زمانی که شرایط لازم برای ایجاد چنین اعتمادی فراهم نشده، این مفاهیم جز الفاظ صوری و خالی از محتوا نمی‌توانند نقش دیگری داشته باشند. از آنجا که عقود کلاً عقود شرعی هستند، ساختار لازم برای تحقق آنها به‌گونه‌ای است که تنها شکل و فرم قرارداد مطرح نبوده و محتوا مد نظر است؛ به همین دلیل قوانینی می‌طلبند که مبتنی بر احکام شریعت باشد و بیشتر افراد، خود را به رعایت قوانین آن متعهد بدانند. از این‌رو، ساختارهای اشتباه نظام بانکی موجب صوری‌سازی عقود می‌شود و همچنین نبود نظارت از سوی بانک‌ها موجب دریافت تسهیلات از سوی بخش‌ها به نام تولید و به‌کارگیری آنها در بخش‌های دیگر مانند خدمات و بازرگانی باشد که این اقدام در نهایت موجب کاهش تولید می‌شود. در مجموع، این موضوع باعث به وجود آمدن مشکلات چه به لحاظ شرعی و چه به لحاظ اقتصادی می‌شود.

علاوه بر این، به نظر می‌رسد ساختار فرضی جامعه برای موفقیت قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌گونه‌ای متصور است که ثبات ارزش پول تضمین شده باشد. در غیر این صورت، در شرایط تورمی و کاهش مستمر ارزش پول و همچنین در شرایطی که پرداخت جبران تورم نیز مجاز باشد، دیدگاهی وجود ندارد.

## ۳-۴. مشکلات فقهی و حقوقی قانون عملیات بانکی

با توجه به اینکه سعی شده است ساختار نظام بانکی کشور بعد از پیروزی انقلاب برگرفته از احکام شریعت باشد، اما به نظر می‌رسد کماکان مشکلاتی در باب مسائل بانکی وجود دارد که فقها در مورد آن اتفاق نظر ندارند. این عامل باعث سردرگمی در اجرا توسط نظام بانکی و همچنین برای استفاده از تسهیلات بانکی توسط سپرده‌گذاران شده است، زیرا بسیاری از سپرده‌گذاران به سبب مشکلات شرعی میل و رغبتی به استفاده از نظام بانکی ندارند که این موضوع به نوبه خود به کاهش سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. عملیات بانکی در کشور علاوه بر دارا بودن مشکل شرعی، دارای مشکلات حقوقی نیز بوده که استفاده از تسهیلات را برای تولید با مشکل مواجه کرده است.

از مشکلات حقوقی و فقهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ در مسائل مربوط به پول و بانک، در مورد ربا یا جبران کاهش ارزش پول در وضعیت‌های تورمی، اتفاق نظر بین فقها وجود ندارد؛

✓ ناسازگاری نظریه مشارکت بانک با مشتری (دریافت‌کننده تسهیلات) با نظریه وکالت بانک از مشتری (سپرده‌گذار).

✓ پیچیده بودن ضوابط و مقررات مربوط به شناسایی، ماهیت و قوانین مربوط به عقود مشارکتی و اقدام‌های ناکافی برای آموزش کارکنان و اطلاع‌رسانی و آشنا کردن مردم با این قانون.

با توجه به مشکلات اجرایی، ساختاری و حقوقی، قانون عملیات بانکی کشور که در بالا بیان شد، می‌توان مشکلات یادشده را در چهارچوب کلی شامل نبود اعتقاد کافی، نبود ساختار مناسب، فقدان آموزش کافی، نبود فرصت آزمون و تجربه، فقدان ضمانت اجرا، نبود اعتماد و فقدان نظام تکمیل و ترمیم بانکداری سنتی دانست که عدم کارایی در نظام بانکی را موجب شده است.

##### ۵. ساختار نهادی نامناسب اقتصاد ایران (غیر بانکی)

مشکلات نهادی که بر اقتصاد ایران حاکم است، به ناکارایی سیستم اقتصادی منجر و در نهایت، باعث کاهش سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود. از این رو، ساختارهای نهادی نامناسب باعث سوق یافتن تسهیلات سرمایه‌گذاری به سود بخش‌های غیرمولد و به ضرر بخش‌های مولد است. با توجه به عقلایی در نظر گرفتن رفتار فعالان اقتصادی، انتظار می‌رود که حرکت به سوی فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های پربازده و کم ریسک هدایت شود. با توجه به اینکه بخش خدمات در سال‌های اخیر دارای بازده بیشتری بوده است، به همین منظور فعالان اقتصادی به سمت بازار سکه و ارز و دلالتی در بازار مسکن تمایل یافته‌اند. رواج دلالتی و واسطه‌گری نتیجه ضمنی ساختار نهادی نامناسب اقتصاد ایران است که فعالان اقتصادی را برای کسب سود بیشتر به سوی بخش خدمات تشویق کرده است. البته چون خود نظام بانکی یکی از ساختارهای نهادی است، به همین دلیل شاید تفکیک آن صحیح به نظر نرسد، اما برای اهمیت موضوع نظام بانکی در تأثیرگذاری به تولید، آن را به تفکیک و به صورت جدا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

##### ۶. مصادیق نارسایی عملکرد بانک‌ها در تخصیص منابع برای حمایت از تولید

مشکلات و نارسایی‌های نظام بانکی به همراه سایر مشکلات نهادی باعث شده است تا نظام بانکی نتواند به نحو شایسته‌ای از تولید و سرمایه‌گذاری حمایت کند. شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل ورود فعالان اقتصادی به بخش خدمات، بالا بودن سود با ریسک کم از در این بخش نسبت به بخش‌های دیگر تولیدی است. در ادامه به نحوه تخصیص تسهیلات، نوع تسهیلات و ساختار نهادی حاکم بر چگونگی استفاده از تسهیلات اشاره می‌شود.

##### ۶-۱. عدم تخصیص مناسب تسهیلات بین بخش‌های اقتصادی

جدول شماره ۱، سهم تحقق‌یافته بخش‌های مختلف اقتصادی را از تسهیلات بانکی طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ ارائه می‌دهد. با تشریح نسبت سهم‌های مصوب و تحقق‌یافته، می‌توان ادعان کرد که به دلیل شرایط اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشور، بیشتر سهم‌های عملکرد تسهیلات به بخش بازرگانی و خدمات اختصاص داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۱، مشاهده می‌شود، سهم عملکرد تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات از ۲۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵۲ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده که حاکی از افزایش بیش از دو برابری تسهیلات در این بخش است. این افزایش سهم در صورتی بوده که مسؤولان پولی با توجه به شرایط



اقتصادی موجود، به طور میانگین سهم ۱۰/۸ درصدی را برای این بخش به بانک‌ها پیشنهاد داده بودند. آمارها حاکی از آن است که افزایش سهم این بخش با کاهش سهم بخش کشاورزی، نعت و معدن و ساختمان همراه بوده است. البته این کاهش در بخش ساختمان بیشتر قابل تأمل بوده، زیرا سهم بخش ساختمان در سال ۱۳۹۴ از نصف نیز بیشتر کاهش یافته است.

### جدول ۱. سهم تحقق یافته بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات بانکی طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کشاورزی	۱۶/۱	۱۵/۵	۱۵/۷	۱۴/۶	۱۴/۵	۱۲/۷	۱۰/۹	۸/۶	۹/۴	۷/۵	۸/۴
صنعت و معدن	۳۳/۵	۳۱/۶	۲۸/۵	۲۷	۲۶/۱	۲۵/۵	۲۲/۸	۳۱/۹	۲۹/۹	۳۱/۲	۲۹/۲
مسکن و ساختمان	۲۳/۵	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۱/۵	۲۲/۴	۲۷/۹	۳۰/۲	۱۳/۷	۱۲/۲	۱۱/۸	۱۰/۳
بازرگانی و خدمات	۲۴/۶	۲۷/۴	۳۰/۹	۳۵/۴	۳۵/۴	۳۲/۱	۳۵/۱	۴۵/۸	۴۸/۴	۴۹/۳	۵۲

مأخذ: خلاصه تحولات بانک مرکزی

با توجه به مشاهدات آماری و تشریح مطالب جدول شماره ۱، می‌توان عوامل مختلفی را در بیان علل افزایش سهم دریافتی تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات و همچنین کاهش سهم تولید بیان کرد که عبارت‌اند از:

#### ✓ حداکثر کردن سود توسط بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی

با توجه به اینکه بانک‌ها به عنوان یک بنگاه اقتصادی به دنبال حداکثر کردن سود خود هستند، از این رو، درصدد هستند تا همواره سرمایه‌گذاری‌های خود را در بخش‌های پربازده و کم‌ریسک انجام دهند.

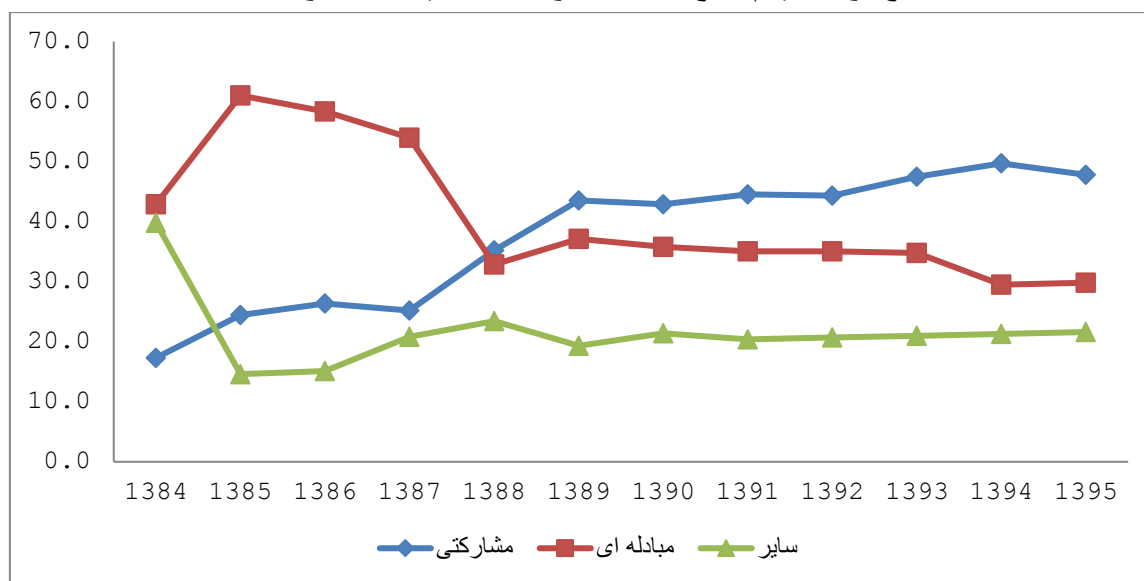
#### ✓ ساختارهای نهادی نامناسب

ساختارهای نهادی نامناسب باعث سوق یافتن سرمایه‌گذاری به سود بخش‌های غیرمولد و به ضرر بخش‌های مولد می‌شود. با توجه به عقلایی در نظر گرفتن رفتار فعالان اقتصادی، انتظار می‌رود که حرکت به سوی فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های پربازده و کم‌ریسک هدایت شود. با توجه به اینکه بخش خدمات در سال‌های اخیر دارای بازده بیشتری بوده است، به همین منظور فعالان اقتصادی به سمت بازار سکه و ارز و دلالی در بازار مسکن تمایل یافته‌اند. رواج دلالی و واسطه‌گری نتیجه ضمنی ساختار نهادی نامناسب اقتصاد ایران بوده که فعالان اقتصادی را برای کسب سود بیشتر به سوی بخش خدمات تشویق کرده است که آمارهای رسمی کشور بر آن صحنه می‌گذارد.

## ۲-۶. حرکت به سمت عقود مشارکتی و حمایت کمتر از تولید

با توجه به متفاوت بودن ماهیت عقود مبادله‌ای و مشارکتی در تعیین نرخ سود، بانک‌ها در شرایط مختلف برای حداکثر کردن سود خود از عقود مختلف استفاده می‌کنند. از آنجا که نرخ عقود مبادله‌ای در سال‌های اخیر پایین بوده و عقود مشارکتی دارای سود متغیر هستند، بانک‌ها در این سال‌ها به عقود مشارکتی گرایش یافته‌اند و با توجه به بازدهی بالای بخش خدمات و بازرگانی عمده تسهیلات خود را به این بخش‌ها اختصاص داده‌اند. بالا بودن قدرت چانه‌زنی با استفاده از عقود مشارکتی به دلیل ماهیت متغیر بودن سود، باعث شده است که بانک‌ها تخصیص تسهیلات را بدون توجه به نیاز واقعی اقتصاد کشور و براساس حداکثر کردن سود خود بانک‌ها تخصیص دهند. آنچه در نمودار شماره ۱، بیشتر قابل مشاهده است، افزایش سهم عقود مشارکتی بوده که از سال ۱۳۸۴ دارای رشدی مثبت بوده است. به طوری که در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ سهم آن نزدیک به سه برابر افزایش یافته است. نکته‌ای که باید یادآور شد، این است که افزایش بانک‌های خصوصی طی دهه اخیر بر افزایش سهم عقود مشارکتی اثر گذاشته است. در واقع، این بانک‌ها که حداکثرسازی سود را در اولویت خود قرار می‌دهند، گرایش بیشتری به سمت عقود مشارکتی داشته‌اند.

نمودار ۱. سهم عقود مختلف از مانده تسهیلات (درصد)



مأخذ: داده‌های سری زمانی بانک مرکزی.

## ۳-۶. افزایش سهم عقود مربوط به بخش‌های خدماتی و بازرگانی (غیرمولد)

میزان تخصیص عقود مشارکتی در زیر بخش‌ها، تغییرات قابل تأملی داشته است. توجه جدی به تغییرات سهم مانده تسهیلات اعطایی در قالب عقود، بی‌مهری بانک‌ها را در تخصیص دهی تسهیلات به بخش تولید بیشتر نمایان می‌کند. برای مثال، مشارکت مدنی از جمله روش‌هایی است که براساس موازین شرع مقدس اسلام، بانک می‌تواند با اشخاص (حقیقی و حقوقی) وارد معامله شود و نیازهای مالی این‌گونه اشخاص را

برای امور تولیدی و بازرگانی برطرف کند. همان‌طور که بیان شد، بانک‌ها به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی، تسهیلات خود را به بخش‌های پربازده که در این شرایط بخش‌های غیرمولد هستند، تخصیص می‌دهند. از این‌رو، گسترده بودن تعریف باعث شده است که بیشتر تسهیلات در این عقود به سمت بخش‌های غیرمولد سوق یابد. از نگاه آماری سهم عقود مشارکت مدنی به‌عنوان یکی از عقود مشارکتی از ۷/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده که در جدول شماره ۲، نشان داده شده است. بالا بودن این میزان، نشان‌دهنده روند افزایش سهم مشارکت مدنی و قرارگیری در رتبه اول در ارقام تسهیلات پرداختی در بین سایر عقود است.

جدول ۲. میزان سهم تسهیلات دریافتی برحسب عقود از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۵

سال	مضاربه	مشارکت مدنی	مشارکت حقوقی	سلف	فروش اقساطی	اجاره به شرط تملیک	جعاله	سایر
۱۳۸۴	۷,۳	۷,۵	۲,۵	۵,۲	۳۳,۶	۲,۴	۱,۷	۳۹,۸
۱۳۸۵	۷,۷	۱۵,۰	۱,۸	۴,۸	۴۸,۲	۳,۰	۵,۱	۱۴,۶
۱۳۸۶	۹,۰	۱۶,۰	۱,۴	۳,۹	۴۸,۶	۱,۵	۴,۴	۱۵,۱
۱۳۸۷	۶,۸	۱۶,۹	۱,۵	۳,۱	۴۵,۱	۱,۴	۴,۳	۲۰,۸
۱۳۸۸	۶,۰	۲۷,۷	۱,۶	۱,۳	۲۶,۶	۱,۰	۳,۹	۲۳,۴
۱۳۸۹	۴,۴	۳۷,۶	۱,۵	۰,۷	۳۱,۱	۰,۸	۴,۵	۱۹,۳
۱۳۹۰	۳,۷	۳۷,۲	۲,۱	۰,۶	۳۰,۲	۰,۷	۴,۳	۲۱,۴
۱۳۹۱	۳,۱	۳۸,۹	۲,۶	۰,۴	۲۹,۳	۰,۷	۴,۷	۲۰,۴
۱۳۹۲	۲,۹	۳۸,۱	۳,۳	۰,۴	۲۹,۱	۰,۵	۵,۱	۲۰,۷
۱۳۹۳	۲,۵	۴۱,۹	۳,۱	۰,۴	۲۹,۴	۰,۴	۴,۶	۱۷,۷
۱۳۹۴	۲,۳	۴۴	۳,۴	۰,۴	۲۴,۷	۰,۲	۴,۲	۲۰,۸
۱۳۹۵	۱,۹	۴۲,۳	۳,۶	۰,۳	۲۵,۶	۰,۳	۳,۶	۲۱,۵

مأخذ: محاسبات تحقیق.

نکته قابل تأمل دیگر در جدول شماره ۲، کاهش سهم فروش اقساطی از ۴۸/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۵ است. فروش اقساطی از عقود مبادله‌ای است که مشتریان بانکی به‌منظور دریافت تسهیلات لازم برای استفاده در امور زیر از آن استفاده می‌کنند:

- مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار؛
- ماشین‌آلات، تأسیسات و تجهیزات تولیدی؛
- فروش اقساطی مسکن.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این عقد در امور تولیدی و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عقود در فراهم کردن مواد اولیه و واسطه کاربرد داشته که در این سال‌ها با توجه به بازده بالای بخش خدمات، سهم این عقود کاهش یافته است.

#### ۴-۶. صورتی سازی عقود

از دیگر اشکالات نظام بانکی عدم نظارت در استفاده مشتریان از تسهیلات دریافتی برای استفاده در تولید است. مشتریان بانکی با صورتی سازی در عقود، تسهیلات دریافتی خود را برای بخش تولید، در امور دلالی و واسطه‌گری برای دریافت سود بیشتر استفاده می‌کنند. البته یادآوری می‌شود، این بحث را نمی‌توان با آمار نشان داد، مگر اینکه تخلفات آنها شناسایی شده باشد. تحت این شرایط، تمام آمار منتشر شده برای سهم عقود که در امور تولیدی به کار می‌روند، زیر سؤال هستند؛ برای مثال، فروش اقساطی را که سهمی ۲۵/۶ درصدی و مضاربه را که سهمی ۱/۹ درصدی در سال ۱۳۹۲ دارند، نمی‌توان به‌طور یقین به بخش تولید مربوط دانست.

#### ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مباحث مطرح‌شده، باید گفت نظام بانکی یکی از ارکان اصلی کشور برای تأمین مالی تولید است که بی‌توجهی به آن می‌تواند به بی‌ثباتی امنیت اقتصادی در جامعه منجر شود. از آنجا که هدف بانک‌ها به‌عنوان بنگاه اقتصادی حداکثر کردن سود است و با در نظر گرفتن مشکلات نهادی حاکم بر اقتصاد کشور که به بازدهی بیشتر بخش خدمات و بازرگانی منجر شده است، به همین دلیل بیشتر تسهیلات پرداختی به سمت خدمات و بازرگانی سوق یافته است. از دیگر مشکلات بانکی، عدم نظارت بانک‌ها بر تسهیلات پرداختی به مشتریان است که به صورتی سازی عقود منجر می‌شود و در نهایت، به ضرر تولید است. با توجه به اهمیت نظام بانکی و الزام‌های آن، توجه به موارد زیر برای حمایت از تولید ضروری به نظر می‌رسد:

✓ نظارت بانک مرکزی: با توجه به صورتی سازی عقود و استفاده از عقود مشارکتی برای حداکثر کردن سود بانک، به بانک مرکزی توصیه می‌شود نظارت‌های خود را بر عملیات بانکی بانک‌ها دقیق‌تر و گسترده‌تر کند.

✓ اصلاح نهادها و سوق یافتن فعالیت‌ها به سمت تولید: با توجه به ساختار نامناسب نهادی کشور که باعث رشد بخش خدمات شده است، توصیه می‌شود با سیاست‌های پولی و مالی مناسب بازده بخش تولید افزایش و با برقراری مالیات بر ارزش افزوده و ...، بازدهی کاذب و واسطه‌گری در بخش خدمات کاهش یابد.

✓ ایجاد شرکت‌های تخصصی ارزیابی: ایجاد شرکت‌های تخصصی شامل متخصصان و تحلیلگران مالی، مشاوران اقتصادی، بانکداران و ... به‌عنوان نهادهایی مستقل و تحت نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور اجتناب از مشکلات اجرایی احتمالی و تحمیل هزینه‌های این تشکیلات به بانک‌ها، به نظام بانکی کمک زیادی می‌کند.

✓ تخصصی شدن بانک‌ها: تسهیلات در قالب عقود مشارکتی در هر حوزه تنها توسط بانک تخصصی حوزه مربوط پرداخت شود و بانک‌های تخصصی کشور هر یک عهده‌دار پرداخت تسهیلات مشارکتی در قلمروی تخصصی خود باشند و به سایر انواع قراردادها در حد ضرورت اکتفا کنند.

✓ آموزش و فرهنگ سازی عقود بانکی: آموزش کارکنان نظام بانکی، فرهنگ سازی و بالا بردن آگاهی آحاد جامعه و تغییر در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی برای سهولت روش‌های کار و ساده‌سازی قراردادها مطابق با استانداردها و نیازمندی‌های روز به بهتر اجرا شدن عملیات بانکی بدون ربا کمک می‌کند.

## منابع و مأخذ

- آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- تقوی، م. و ح. محمدی (۱۳۸۸) تأثیر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۲).
- ریاضت، ف. (۱۳۸۱) ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۵.
- قلیچ، و. (۱۳۹۶) نقش صوری سازی قراردادهای بانکی در اقتصاد بخش تولید؛ تحلیل وضعیت و ارائه راهکارهای سیاستی، بیست و هشتمین همایش بانکداری اسلامی.
- موسایی، م. (۱۳۷۹) بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹.
- نظرپور و همکاران. (۱۳۹۳) شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۳، تابستان.



# الزامات حمایت از تولید و اشتغال با اصلاح نظام بانکی در چارچوب سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

رسول خوانساری<sup>۱</sup>

وهاب قلیچ<sup>۲</sup>

## چکیده

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به عنوان یکی از اسناد بالادستی چارچوب مناسبی را فراهم کرده تا با استفاده از خط‌مشی‌های کلی در این سیاست‌ها، نظام اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو محقق شود و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام عینیت یابد. در این راستا نظام بانکی به عنوان مهم‌ترین رکن نظام اقتصادی کشور، نقش ویژه‌ای در تحقق و اجرای این سیاست‌ها برعهده دارد.

در مقاله حاضر پس از تبیین مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی، تلاش می‌شود تا الزامات حمایت از تولید و اشتغال با اصلاح نظام بانکی تحت سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی شناسایی شود. براساس نتایج به دست آمده، ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت در نظام بانکی، اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش سطح مطالبات معوق در نظام بانکی، تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی، تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها و تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی به عنوان مهم‌ترین الزامات حمایت از تولید و اشتغال در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی شناسایی شده‌اند. بیان توصیه‌های سیاستی برای اجرای این الزامات، بخش پایانی تحقیق را شکل می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال، بانکداری اسلامی، نظام بانکی، راهکارهای اجرایی

طبقه‌بندی JEL: H12, G21, E58

۱. دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه تهران و پژوهشگر پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی (نویسنده مسئول) r.khansari@gmail.com

vahabghelich@gmail.com

۲. استادیار پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی،

## ۱. مقدمه

از آنجا که اقتصاد ایران اقتصادی دولتی، متکی بر درآمدهای نفتی و با بهره‌وری نه چندان بالا است و نیز با توجه به اهمیت و جایگاه راهبردی و سیاسی ایران در منطقه، همواره در معرض انواع تقابل‌ها، تحریم‌ها و شوک‌های پیش‌بینی نشده از سوی برخی از مجامع بین‌المللی است. از این رو تقویت بنیانهای اقتصادی کشور در مواجهه با نوسانات و چالش‌های گوناگون به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌گردد.

ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری موجب پدید آمدن جریانی در راستای تقویت و مقاوم‌سازی ارکان نظام اقتصادی و بارورسازی آن در سال‌های پیش رو است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین ارکان نظام اقتصادی مرتبط با نظام مالی و بانکی در کشور است، این نکته در بند ۹ از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بدین نحو تشریح شده است: «اصلاح و تقویت همه‌جانبه‌ی نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی» [۱].

نظام بانکی در ایران، نقش بی‌بدیلی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و گردش منابع مالی دارد و به عنوان یک رکن اساسی در نظام اقتصادی کشور، می‌تواند سهم عمده‌ای در تحقق و اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی داشته باشد. در این راستا لازم است نظام بانکی با تشخیص اولویت‌ها و اهداف مهم‌تر، اقدامات و فعالیت‌های مناسبی را به منظور تحقق این سیاست‌ها انجام دهد.

عنوان «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات متعارف علم اقتصاد معادل دقیقی ندارد. از این رو می‌توان اذعان نمود این واژه برخاسته از فرهنگ اسلامی ایرانی کشور بوده و اصطلاح نوینی در ادبیات اقتصادی به شمار می‌آید. با کنکاش در منابع در می‌یابیم که اصطلاحاتی همچون ضدشکنندگی اقتصادی<sup>۱</sup>، پایداری و تداوم اقتصادی<sup>۲</sup>، استحکام و پیوستگی متقابل در اقتصاد<sup>۳</sup>، ثبات اقتصاد کلان<sup>۴</sup>، اقتصاد بازدارنده و بازدارندگی اقتصادی<sup>۵</sup>، مقاوم بودن اقتصادها و نهادها<sup>۶</sup>، وضعیت ایستایی در اقتصاد<sup>۷</sup>، اقتصاد با وضعیت باثبات<sup>۸</sup> و تحریم شکنی در اقتصاد<sup>۹</sup> با مفهوم «اقتصاد مقاومتی» دارای قرابت می‌باشد؛ اما به ظاهر نزدیکترین اصطلاح به مفهوم اقتصاد مقاومتی (اقتصاد حمایتی)<sup>۱۰</sup>، که به معنای ایجاد چتر حمایتی توسط سیاست‌های اقتصادی از یک موضع خاص همچون بخش تأمین انرژی و یا بخش تولید و کارآفرینی است.

آن گونه که از بیانات رهبر معظم انقلاب برمی‌آید اقتصاد مقاومتی، یک مفهوم گسترده با ریشه‌های اسلامی و بومی است که با مفاهیم بنیادین اقتصاد اسلامی گره خورده است. اقتصاد مقاومتی یک الگوی

1. Economic Anti-fragility
2. Sustainable & Persistent Economy
3. Economy Solidarity
4. Macroeconomic Stability
5. Economic Deterrence
6. Robustness of Institutions & Economies
7. Stationary in Economics
8. Steady State Economy
9. Sanctions Busting
10. Protectionism



اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که ضمن داشتن روند رو به رشد، در مقابل ترفندهای دشمنان از کمترین آسیب‌پذیری برخوردار است. اقتصاد مقاومتی، تاکتیکی موقت و زودگذر برای شرایط فعلی اقتصاد نیست، بلکه یک راهبرد بلندمدت و دائمی است که باعث می‌شود اقتصاد، در مقابل تکانه‌های اقتصادی و غیراقتصادی مقاوم شود. لازم به اشاره است که توجه به کلیدواژه‌هایی همچون رویکرد جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو، برون‌گرا، کارآفرین، نوآوری و دانش‌بنیانی، رقابت‌پذیری، اصلاح الگوی مصرف می‌تواند مختصات و مشخصه‌های این نوع اقتصاد را بیش از پیش برای ما روشن سازد.

بهترین شاهد بر تجربه جهانی مقاوم‌سازی اقتصاد در نظام بانکی، ابلاغ توافقنامه‌های بال<sup>۱</sup> از سوی کمیته نظارت بانکی بال<sup>۲</sup> در بانک بین‌المللی تسویه (BIS) است. اولین مورد از توافقنامه‌های کمیته بال، توافقنامه بال ۱ بود که در سال ۱۹۸۸، ارائه شد [۲]. پس از آن توافقنامه بال ۲، در سال ۲۰۰۴ منتشر شد [۳]. آخرین مورد این توافقنامه‌ها نیز مربوط به توافقنامه بال ۳ است که پس از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸، به منظور تقویت بیشتر نظام بانکی از نظر مدیریت نقدینگی، حاکمیت شرکتی، کفایت سرمایه و غیره در سال ۲۰۱۰ منتشر شد [۴].

پیش از آنکه به تشریح اقدامات پیشنهادی برای نظام بانکی به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی بپردازیم، مناسب است نگاهی به پژوهش‌های مرتبط با این حوزه داشته باشیم.

ابوالحسنی و بهاروندی [۵] با معرفی اوراق دوسویه ارزی به عنوان رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی، آن را ابزاری مناسب برای پوشش ریسک‌های ارزی در اقتصاد کشور و نظام بانکی برشمرده‌اند.

سیف و خوشکلام خسرو شاهی [۶] ضمن آسیب‌شناسی نظام ارزی موجود، راهکارهایی برای پیریزی نظام ارزی به معنی دقیق آن بیان کرده و سپس نظام ارزی مطلوب برای اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی را معرفی و پیشنهاد کرده‌اند.

موسویان و عبداللهی [۷] با تبیین آسیب‌های اجرای عقود بانکی در کشور، آن را به عنوان رهیافتی برای کمک به سیاستگذاران در طرح‌ریزی و اجرای عقود نظام بانکی در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی معرفی کرده‌اند. ضعف‌ها و نارسایی مقررات و دستورالعمل‌ها، سیاست‌های پولی و اقتصادی دولت و بانک مرکزی، آگاهی کارکنان و مشتریان بانک نسبت به عقود بانکی و توجه به ریسک‌های عقود بانکی قبل از تخصیص، به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی شده در این پژوهش می‌باشند.

خوانساری و بهادری جهرمی [۸] ضمن تبیین مفهوم نظارت بانکی و ارتباط آن با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، چارچوبی برای هندسه نظارت بانکی ارائه کرده‌اند. از نظر ایشان، لزوم نظارت بانکی سیستمی در شبکه بانکی، تشکیل کمیته‌های نظارت شرعی و فقهی در شبکه بانکی و تنظیم مقررات لازم

1. Basel Accords

2. Basel Committee on Banking Supervision

برای رسمیت داشتن آنها، ایجاد ساختاری برای نظارت طبیعی در شبکه بانکی، پرهیز از دیوان‌سالاری در امر نظارت و فرهنگ‌سازی کافی برای نظارت مؤثر در نظام بانکی از جمله اقداماتی است که در خصوص نظارت بانکی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باید صورت گیرد.

قلیچ [۹] با بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا، به برخی اقدامات لازم جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی اشاره کرده است. طبق نتایج این پژوهش از جمله محدودیت‌های شناسایی شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا جهت پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی عبارتند از: عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از اقتصاد مقاومتی، عدم اشاره به الزام به همبستگی و هماهنگی نهادهای پولی و مالی با یکدیگر و فقدان برنامه جهت تحقق کامل بانکداری اسلامی.

خوانساری و قلیچ [۱۰] عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی را استخراج و با استفاده از روش تاپسیس فازی میزان اهمیت آنها را مشخص کرده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، شفافیت و سلامت نظام بانکی و پایین بودن فساد مالی، استقرار نظام اعتبارسنجی مشتریان و پایین بودن سطح مطالبات معوق در نظام بانکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی کشور به شمار می‌آیند.

در مقاله حاضر می‌کوشیم با استناد به تحقیق فوق از جهت عوامل تعیین شده، مهم‌ترین الزامات حمایت از تولید و اشتغال با اصلاح نظام بانکی، برای اجرا در کوتاه‌مدت را تعیین و راهکارهای عملیاتی لازم برای پیاده‌سازی آنها توصیه نماییم. در این طرح با استفاده از ادبیات پژوهش، عوامل مؤثر بر حمایت از تولید و اشتغال در نظام بانکی تحت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی شناسایی شده و با استفاده از روش تحلیلی توصیفی مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی به منظور اجرا در کوتاه‌مدت در نظام بانکی تعیین گردیده است.

## ۲. تشریح الزامات پیشنهادی برای نظام بانکی به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی

بر اساس نتایج پژوهش خوانساری و قلیچ [۱۰] مهم‌ترین شاخص‌های تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی بررسی و از میان آنها پنج اولویت اصلی استخراج شده است. لازم به ذکر است پژوهش مذکور با استفاده از ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان، عوامل مؤثر بر تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی را شناسایی نموده است. خبرگان این پژوهش از میان صاحب‌نظران و کارشناسان نظام بانکی انتخاب شده‌اند و بر اساس پرسشنامه و یا مصاحبه‌هایی که از آنها شده، عوامل مورد نظر استخراج شده است. در مرحله بعد این عوامل مستخرج، با به‌کارگیری روش تاپسیس فازی به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، اولویت‌بندی شده‌اند.

مقاله حاضر در واقع ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده پژوهش فوق بوده و سعی دارد راهکارهای عملیاتی اولویت‌های اصلی شناسایی شده را به منظور اجرا در سال آتی استخراج نماید. در ادامه مهم‌ترین الزامات پیشنهادی در کوتاه‌مدت به منظور تقویت نظام بانکی در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تشریح می‌گردد.

## ۱-۲. ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت در نظام بانکی

در بند نوزدهم سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، به شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینه های فسادزا اشاره شده است. بدیهی است کمبود شفافیت و نظارت در هر سیستم و به ویژه در سیستم های مالی، زمینه گسترش فساد، رشوه، رانت خواری، ویژه خواری و اختلاس را فراهم می سازد.

نظام بانکی نیز به عنوان یکی از ارکان و اجزای مهم سیستم مالی از این امر مستثنی نیست و ارتقای سطح شفافیت و سلامت در نظام بانکی، به منظور پیشگیری از بروز انواع تخلفات و ارتقای سطح سلامت بانکی مؤثر است. اثربخش نبودن سیستم نظارتی در نظام بانکی موجب می شود تا رفته رفته زمینه سوء استفاده داخلی بیشتر شود و نه تنها فساد از درون، سیستم را تهدید خواهد کرد بلکه آسیب پذیری نظام بانکی در برابر حجمه های بیرونی نیز بیشتر خواهد شد و در نتیجه استحکام نظام بانکی برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی کمتر می شود.

از این رو ارتقای سطح شفافیت و سلامت نظام بانکی، دقت بیشتر بر کنترل و حسابرسی داخلی، توجه بهتر به مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و جلوگیری از بروز انواع مفاسد پولی و بانکی برای عملیاتی سازی سیاست های اقتصاد مقاومتی ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

عموماً وظیفه خطیر نظارت بر نظام بانکی، بر عهده بانک مرکزی هر کشور است. این نظارت غالباً شامل نظارت بر تاسیس بانک یا موسسه اعتباری غیربانکی، نظارت بر شفافیت و سلامت فعالیتها و اعمال اقدامات اصلاحی، حمایتی یا توییحی و غیره می شود.

اهمیت نظارت بانک مرکزی را می توان حداقل از سه بعد مورد بررسی قرار داد؛ در سطح اقتصاد کلان، سلامت شبکه پولی و بانکی کشور از آن جهت که بانکها واسطه وجوه بین پس انداز کنندگان و مصرف کنندگان نهایی هستند، نظام های پرداخت جامعه را عملیاتی می کنند و در نهایت بر روی عرضه منابع پولی و اعتباری کشور از طریق اعطای تسهیلات تأثیر دارند، اهمیت دارد. لذا دستیابی به اهداف کلان و اجرای سیاست های پولی (مانند عملیات بازار باز، هدایت نرخ سود و غیره) از طریق نظارت بر بانکها حاصل می شود. برای مثال، هر چند از جمله سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی، تقویت شرکت های دانش بنیان و حمایت از تولید کشور است، اما عملکرد شبکه بانکی کشور بیشتر متمایل به اعطای تسهیلات به بخش خدمات و بازرگانی است. در اینجا بانک مرکزی وظیفه دارد با در نظر گرفتن تدابیر (عمدتاً تشویقی) مناسب، شبکه بانکی را به سمت اهداف تعیین شده در سطح کلان، هدایت کند.

در سطح اقتصاد خرد، تعیین استانداردهایی جهت بهبود شفافیت وضعیت مالی بانکها مدنظر قرار دارد. در این سطح، رویکرد مقررات و معیارهای نظارتی بانک مرکزی جنبه احتیاطی داشته و ثبات، سودآوری و سلامت فعالیت های بانک را مورد توجه قرار می دهد. در این سطح معمولاً معیارهای مختلفی مورد توجه قرار می گیرند که مناسب بودن کفایت سرمایه، پائین بودن مطالبات غیر جاری و استقرار حاکمیت شرکتی مناسب، برخی از آنها هستند.

همچنین در سطح بین‌المللی ورود بانک‌های داخلی به فضای رقابتی بین‌المللی، در وهله اول نیازمند سلامت، ثبات و قوام داخلی بانک است؛ که این مهم از طریق رعایت قوانین و استانداردهای بین‌المللی، که توسط نهادهایی چون بانک تسویه بین‌المللی (BIS) و یا صندوق بین‌المللی پول (IMF) تدوین می‌شود، بدست می‌آید. در مرحله بعد، در صورتی که نظارت بانک مرکزی بر اجرای استانداردهای بین‌المللی در شبکه بانکی به صورت صحیح و دقیق صورت پذیرد، امکان افزایش رتبه اعتباری کشور و کاهش بی‌اعتمادی‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران، بانک‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی فراهم می‌گردد [۱۱].

از سوی دیگر در نظام بانکی ایران به عنوان یکی از اولین کشورهایی که به منظور حذف عملیات ربوی از سیستم خود اقدام کرد، علاوه بر شفافیت و سلامت بانکی، مقوله انطباق با شریعت نیز اهمیت زیادی می‌یابد و از این رو ارتقای سطح نظارت شرعی به منظور اطمینان از انطباق عملیات بانکی با شریعت اسلام نیازمند توجه ویژه است.

بند اول ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲) نیز نخستین هدف نظام بانکی را «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» عنوان می‌دارد. اما مسئله انطباق عملیات بانکی با موازین شریعت آن‌طور که انتظار می‌رود، انجام نمی‌شود. لذا مشاهده می‌شود که بعد از گذشت بیش از سه دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، هنوز هم بسیاری از مراجع عظام تقلید، کارشناسان و عموم مردم در رابطه با انطباق فعالیت‌های بانکی با تعالیم اسلامی دچار تردید هستند. از این‌رو نیاز است که با طراحی سازوکارهایی مشخص و برنامه‌ریزی شده سطح انطباق عملیات بانکی با اصول شریعت بهبود یافته و اطمینان و اعتماد به چنین انطباقی در بین آحاد جامعه ایجاد گردد.

## ۲-۲. اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش سطح مطالبات معوق در نظام بانکی

نسبت مطالبات معوق به کل مطالبات یکی از معیارهای سنجش سلامت نظام بانکی است. در نظام بانکی بین‌الملل این نسبت قاعدتاً بین ۲ تا ۵ درصد است ولی در کشور ما این نسبت عموماً بیش از ده درصد است.

مطالبات غیرجاری، در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نظام بانکی ما است که موجب بروز آسیب‌های زیادی شده است. این آسیب‌ها می‌تواند جریان حرکتی نظام بانکی در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را با چالش و وقفه مواجه سازد.

ضعف نظارت و کنترل داخلی در مورد عملیات داخلی بانک‌ها، اطمینان ناکافی از کفایت بررسی‌ها قبل از پرداخت تسهیلات و عدم ایجاد اطمینان لازم نسبت به بازگشت تسهیلات اعطایی، اهلیت تسهیلات گیرنده و نوع وثایق از جمله علل افزایش مطالبات معوق در شبکه بانکی ما است.

همچنین یکی دیگر از علل افزایش مطالبات معوق بانکی به تسهیلات تکلیفی دولت‌ها برمی‌گردد. حجم بسیار بالای تسهیلات تکلیفی که توسط دولت‌ها به نظام بانکی اجبار می‌گردد موجب این می‌شود که بانک‌ها

تسهیلات را بدون اعمال روش‌های معمول در بررسی اهلیت متقاضیان، بررسی‌های کارشناسی و مطالعات مالی و اقتصادی پروژه‌ها، پرداخت کنند. طرح‌هایی هم که از طریق این نوع تسهیلات تأمین مالی می‌شوند در خیلی از موارد از توجیهات لازم فنی، مالی و اقتصادی برخوردار نبوده و به بهره‌برداری مناسب نمی‌رسند. از این جهت بازپرداخت تسهیلات مذکور با توجه به عدم بازدهی پروژه ناممکن شده و نتیجه آن افزایش مطالبات معوق نظام بانکی می‌شود.

افزون بر این عده‌ای از مشتریان خوش حساب بانک‌ها نیز به ویژه طی سال‌های اخیر تحت تأثیر اختلالاتی که در نتیجه تحریم‌های اقتصادی و بانکی برای مبادلات مالی آنان به وجود آمد، از بازپرداخت تسهیلات بازماندند و امکان بازپرداخت بدهی خود را از دست دادند. همچنین پایین بودن نسبی نرخ جریمه بانکی، مماشات با بدهکاران و استمهال‌های مکرر مطالبات آنان، طولانی شدن دوره رکود اقتصادی، کند بودن تشریفات قضایی در برخورد با بدهکاران و مسائلی از این دست نیز در ایجاد چنین چالش بزرگی برای نظام بانکی کشور دخیل بوده‌اند.

مطالبات معوق عوارض زیادی را برای نظام اقتصادی کشور و خصوصاً اهداف مدنظر اقتصاد مقاومتی ایجاد می‌نماید. از آنجا که برای تحقق اقتصاد مقاومتی و تأمین مالی تولیدکنندگان داخلی در راستای حمایت از تولید ملی لازم است که منابع بانکی در دسترس باشد تا بنگاه‌های داخلی به ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط مورد حمایت قرار گیرند؛ انباشت مطالبات معوق موجب پدید آمدن تنگنای اعتباری شده و منابع بانکی را از چرخه اعطای تسهیلات خارج کرده و علاوه بر تحمیل خسارت به نظام بانکی، متقاضیان واقعی را از دریافت تسهیلات محروم می‌سازد. این محدودیت در بازگشت سرمایه‌ها به بانک در کنار پرداخت سودهای تضمین شده و قطعی به سپرده‌گذاران موجب می‌شود نظام بانکی از ایفای نقش مهم خود در تحقق سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان داخلی بازداشته شود.

علاوه بر این عدم امکان ارائه خدمات به مشتریان خوش حساب و جذب منابع بیشتر از مشتریان جدید از طریق اعطای تسهیلات، جلوگیری از گسترش و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور از طریق منابع بانکی، وارد آمدن ضربه روانی و روحی به کارکنان بانک به دلیل عدم بازدهی به موقع زحمات و تلاش آنان و فرسوده شدن توان و قدرت مدیریتی مسئولان نظام بانکی، کاهش اعتماد و اطمینان مشتریان به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه بانک‌ها، کاهش درآمد ملی و متعاقباً درآمد سرانه و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و رشد شاخص تورم در جامعه، از دست رفتن امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اعتباری دقیق و مؤثر توسط مدیران و مسئولان بانکی، اتلاف وقت و منابع واحدهای ذیربط بانکی و همچنین مقامات قضایی و اجرایی کشور جهت وصول مطالبات معوق و ایجاد وقفه در چرخش منظم و مطمئن پول و نقدینگی در جامعه بخش‌هایی از اثرات زیان‌بار مطالبات معوق در نظام بانکی کشور است.

### ۳-۲. تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی

با توجه به پیوند اقتصاد مقاومتی با فرهنگ اسلامی ایرانی، لازم است که نظام بانکی کشور گام‌های جدی‌تری در مسیر تحقق کامل بانکداری اسلامی بردارد. تطبیق روش‌ها و الگوهای استفاده شده در نظام بانکی با اصول اسلامی در واقع به معنای انطباق سازوکارهای توزیع منابع مالی و سیاست‌های پولی با قواعد دینی و الهی است که در نهایت به اسلامی شدن هرچه بیشتر روابط حاکم بر مناسبات اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی مردم می‌انجامد.

مسلم است که بدون یک بستر حقوقی و قانونی مطلوب نمی‌توان توقع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور را داشت. در دوره حاضر: نعت بانکداری یک صنعت پویا است و با نوآوری‌های مالی صورت گرفته در سالیان اخیر روزبه‌روز بر پیچیدگی آن افزوده شده است. از این رو لازم است بسیاری از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام بانکی با نگاهی مبتنی بر اصول اقتصاد مقاومتی بازبینی، اصلاح شود.

افزون بر این تدوین قوانین و مقررات مناسب نه تنها در سطح خود بانک‌ها بلکه در سطح کلان همچون تنظیم رابطه بین دولت و بانک مرکزی، رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها و رابطه بانک‌ها با یکدیگر جهت مقاوم‌سازی نظام بانکی امری ضروری است.

شایان ذکر است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور اصلاح نظام بانکی در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب شد و با اینکه مقرر شده بود که این قانون آزمایشی اجرا و سپس بازنگری شود اما از آن زمان تاکنون به روزرسانی نشده و هم اکنون این موضوع به مشکل اساسی نظام اقتصادی کشور تبدیل شده و مشکلات متعددی را بر جامعه اسلامی پدید آورده است.

از این رو، به‌تازگی طرحی در مجلس شورای اسلامی تدوین شده است که به اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته و هم‌اکنون در مرحله بررسی و تصویب قرار دارد. تقویت نظارت بر نظام بانکی و تکمیل نهادهای ناظر، مدیریت ریسک متناسب بانک‌ها و شفاف و قاعده‌مند شدن استقراض دولت از نظام بانکی، مهم‌ترین تغییرات فنی این طرح است که می‌تواند منجر به اصلاح نظام بانکی متناسب با شرایط کشور و الگوی اقتصاد مقاومتی گردد.

این طرح پس از حدود دو سال کار کارشناسی در مرکز پژوهش‌های مجلس و دیگر نهادهای کارشناسی در تعامل با بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و بانک‌ها تهیه شده است که ضمن تلفیق قوانین موجود و ایجاد یک قانون واحد، تغییراتی متناسب با شرایط اقتصادی کشور و اقتصاد مقاومتی را در خود دارد. مسلم است که توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در این اصلاحیه می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد.

گفتنی است که اصلاح نظام بانکی کشور و ایجاد شفافیت اطلاعاتی در آن در تعامل با بازار سرمایه و نظام بیمه با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی برای تقویت بخش واقعی، از مصادیق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی است که در مواد ۹ و ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است.

#### ۴-۲. تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانکها

سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن امکان می‌دهد هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی‌های خود را داشته باشد. بنابراین کمیت و کیفیت مناسب سرمایه بانکها موجب می‌شود تا بانکها در شرایطی که تکانها، تنشها، شوکها و بحرانهای مالی در اقتصاد شیوع می‌یابند، آسیب‌پذیری کمتری داشته باشند.

تأکید مکرر اصول توافقنامه‌های بال بر افزایش کیفیت و کفایت سرمایه، حاکی از این نکته مهم است که مقاوم‌سازی اقتصاد ملی نیازمند ارتقای این دو سطح از سرمایه‌های بانکی می‌باشد.

با توجه به آنکه تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانکها باعث ارتقای سطح سلامت و ثبات بانکها، آمادگی بانکها در مواجهه با خطرهای ناشی از عدم ایفای تعهدات از سوی وام‌گیرندگان، مدیریت بهتر ریسکها، حداقل‌سازی انحرافات از نظم بازار، جذب هرگونه زیان احتمالی و مراقبت از عدم انتقال آسیب‌های وارده به سپرده‌گذاران، حفظ اعتماد عمومی به شبکه بانکی و افزایش ظرفیت اعتباری بانکها می‌شود مطلوب است این عامل به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در رتبه‌بندی بانکها مدنظر قرار گرفته و بانک مرکزی نظارت جدی‌تری بر این عامل از خود نشان دهد.

#### ۵-۲. تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی

گرچه به طور قطعی، نمی‌توان برآورد مشخصی از هزینه‌های تحریم‌های بانکی (همچون قطع سیستم سوئیفت بانک مرکزی کشور) برای اقتصاد کشور ارائه داد، اما آنچه که روشن است آنست که بخش بزرگی از منابع مفید بنگاه‌های اقتصادی اعم از نوع مالی و یا زمانی به جای فعالیت در ایجاد تولید و توسعه اقتصادی: رف‌چانه‌زنی و مذاکره با واسطه‌ها شده و ائتلاف می‌شود. البته تحریم‌های بانکی به معنای قطع کامل ارتباطات بین‌المللی نظام بانکی با سایر بانکهای خارجی نیست و بانکها با استفاده از روشهای غیررسمی همچون اجاره خطوط تلفن و فکس از همتایان خود در مراکز دبی، ترکیه و چین یا استفاده از بانکهای تحریم‌نشده ایرانی به انتقال ارز مبادرت می‌ورزند؛ اما تمامی این اقدامات مستلزم صرف هزینه‌های مازاد است. از این رو نیاز است که برای مقابله با اثرات منفی تحریم‌های بانکی راه‌حل اساسی اندیشیده شود.

بر این مبنا، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی رصد تحریم‌های اقتصادی جهت آماده‌سازی و مقابله هرچه بهتر با آنان را مورد اشاره قرار داده است. تحریم‌های اقتصادی عموماً با کاهش میزان دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به نهاده‌های اساسی تولید و کاهش سطح روابط بین‌المللی در عرصه تجارت بین‌الملل، موجب افزایش هزینه تولید شده و سرمایه‌های اقتصاد را از چرخه تولیدمحوری دور می‌سازد. افزون بر این جنبه، بخش مهم‌تری از تحریم‌ها با ویژگی‌هایی همچون هوشمندی و فلج‌کنندگی درصدد ایجاد خلل در فعالیت نهادهای مهم و بزرگ اقتصادی است.

نگاهی جامع به محتوای تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه ایران، نشانگر این واقعیت است که وزارت نفت و بانک مرکزی به عنوان دو نهاد مهم و تأثیرگذار اقتصادی بیش از سایر بخش‌ها هدف اعمال تحریم‌ها

قرار داشته‌اند. از این‌رو لازم است شبکه بانکی و به‌ویژه بانک مرکزی با رصد برنامه‌های تحریم بانکی، راه‌های مقابله با اثرات مخرب این‌گونه تحریم‌ها را شناسایی و با استفاده از ظرفیت‌های علمی و عملیاتی موجود در نظام بانکی کشور، راه‌های مقاوم‌سازی را پیش‌بینی و طراحی نماید.

جای تردید نیست که هر حرکت ملی و بزرگ، نیازمند برنامه‌ریزی و تدوین نقشه راه عملیاتی با در نظر گرفتن همه ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت آن حوزه است. از این‌رو لازم است که بانک مرکزی به عنوان مقام ناظر بازار پول، با اشرافی که به نظام بانکی دارد تدوین نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی را در راستای پیشبرد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در دستور کار خود قرار دهد. البته استفاده از پژوهش و توسعه به منظور کشف و دریافت روش‌های نوین مقابله با تحریم‌های بانکی می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد. جدول ۱ رابطه الزامات پیشنهادی فوق با بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ارتباط بین الزامات پیشنهادی با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی																								الزامات پیشنهادی
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
																								ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت در نظام بانکی
																								انتخاب تدابیر لازم برای کاهش سطح مطالبات معوق در نظام بانکی
																								تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی
																								تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها
																								تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی

### ۳. بررسی الزامات پیشنهادی برای نظام بانکی به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی

#### ۳-۱. ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت در نظام بانکی

با توجه به اهمیت ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت مهم‌ترین اولویت‌ها و برنامه‌های کلیدی به منظور اجرا و پیگیری در کوتاه‌مدت به شرح ذیل خواهد بود.



## جدول ۲. فعالیت‌های مربوط به ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت در نظام بانکی

فعالیت‌های لازم برای تحقق الزامات پیشنهادی	ارکان متولی	چالش‌های احتمالی
پیگیری مجدانه برای اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) در شبکه بانکی	- بانک مرکزی - سازمان بورس - سازمان حسابرسی	- مقاومت برخی بانک‌ها در برابر شفاف‌سازی و ارائه اطلاعات - تعارض برخی استانداردها با عملیات بانکداری بدون ربا
تقویت سامانه‌های نظارتی برخط در بانک مرکزی به منظور رصد فعالیت‌های شبکه بانکی به صورت غیرحضوری	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	- کمبود زیرساخت‌های فنی برای استقرار سامانه‌های نظارتی - عدم همراهی کافی توسط شبکه بانکی - ضعف در روش‌شناسی و تدوین شاخص‌های مناسب ارزیابی
ارتقای سطح سامانه اعتبارسنجی مشتریان و تکمیل شناسنامه اعتباری مشتریان بانکی با اتصال برخط به پایگاه‌های اطلاعاتی گوناگون از جمله سوابق موجود در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، قوه قضائیه، وزارت نیرو (قبوض آب و برق) و غیره	- بانک مرکزی - شبکه بانکی - سازمان‌های مرتبط با سوابق اعتباری مشتریان	- ضعف همکاری سازمان‌های مرتبط - کمبود زیرساخت‌های فنی
تعیین مهلت قانونی منطقی و غیرقابل تغییر برای شبکه بانکی توسط بانک مرکزی برای ارتقای چارچوب مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی و پیگیری ویژه برای تحقق آن	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	- نبود دانش تخصصی کافی در شبکه بانکی - کمبود ظرفیت قانونی لازم برای اعمال نظارت جدی توسط بانک مرکزی
ابلاغ سند راهبردی بانکداری اسلامی توسط بانک مرکزی به منظور تعیین مسیر آتی نظام بانکی در راستای انطباق با شریعت و اعلام برنامه‌های آتی بانک مرکزی برای اجرای سند راهبردی	- بانک مرکزی	- عدم هماهنگی و انسجام کافی در سطح بدنه بانک مرکزی
اجرای آزمایشی رتبه‌بندی انطباق با شریعت در نظام بانکی به منظور ترغیب بانک‌ها برای افزایش سطح انطباق با شریعت در برنامه‌ها و فعالیت‌های پیش‌رو	- بانک مرکزی - پژوهشکده پولی و بانکی	- ضعف همکاری در سطح شبکه بانکی - عدم اجماع کافی درباره روش‌شناسی رتبه‌بندی انطباق با شریعت

## ۲-۳. اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش سطح مطالبات معوق در نظام بانکی

با توجه به اهمیت اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش سطح مطالبات معوق در نظام بانکی، مهم‌ترین اولویت‌ها و برنامه‌های کلیدی به منظور اجرا و پیگیری در کوتاه‌مدت به شرح ذیل خواهد بود.

### جدول ۳. فعالیت‌های مربوط به کاهش مطالبات معوق در نظام بانکی

فعالیت‌های لازم برای تحقق الزامات پیشنهادی	نهاد متولی	چالش‌های احتمالی
طراحی بسته‌های تشویقی برای تسویه مطالبات معوق	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	وارد شدن فشار به ترازنامه بانک‌ها و کاهش سودآوری آنها
تقویت نظام اعتبارسنجی مشتریان و لزوم استفاده واقعی از آن برای پرداخت تسهیلات به مشتریان بانکی	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	- کمبود زیرساخت‌های فنی - ضعف در روش‌شناسی رتبه‌بندی مشتریان بانکی - چالش‌های فقهی در رابطه با دریافت جریمه تاخیر و مانند آن
ایجاد همکاری در نظام بانکی جهت تکمیل و استفاده از بانک اطلاعات سوابق تسهیلات گیرندگان و محروم‌سازی متقاضیان بدحساب از تسهیلات بانکی	- بانک مرکزی	- کمبود ظرفیت قانونی لازم برای همکاری میان دستگاه‌ها - وجود برخی موارد اعمال نفوذ جهت برخورد با مشتریان بدحساب
ملمز نمودن مجریان طرح‌ها در هنگام دریافت تسهیلات به تکمیل و ارائه فرم‌های اطلاعاتی شامل پیشرفت مراحل اجرایی و همکاری لازم برای بازدید کارشناسان از چگونگی پیشرفت طرح	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	هزینه‌بر بودن اجرای نظارت کامل بر طرح‌ها
ایجاد هماهنگی بین نظام بانکی و سایر سازمان‌های ذی‌ربط مانند ادارات صنایع جهت دریافت تأییدیه و موافقت اصولی با صلاحیت فنی و اقتصادی طرح‌ها جهت دریافت تسهیلات	- بانک مرکزی - وزارت صنعت و وزارت امور اقتصادی و دارایی	- وجود برخی قوانین معارض
الزام قانونی به ارائه تضمین از سوی سفارش‌کنندگان برای دریافت تسهیلات تکلیفی	مجلس شورای اسلامی - بانک مرکزی	- احتمال عدم پذیرش از سوی دولت و مجلس به دلیل ذی‌نفع بودن
پیگیری قضایی بدهکاران کلان بانکی با جدیت کافی و برخورد سریع و قاطع با افرادی که به عمد مرتکب خلاف شده یا قوانین را نادیده گرفته‌اند به ویژه در موارد تبانی و یا اخذ رشوه	- بانک مرکزی - قوه قضاییه سازمان بازرسی کل کشور	وجود برخی ملاحظات سیاسی و اعمال نفوذ توسط افراد و دستگاه‌ها
بازبینی قراردادهای بانکی و رعایت نکات حقوقی به منظور جبران نکات ضعف یا نارسایی‌هایی که فرصت تخلف بدهکاران بانکی را فراهم می‌سازد	- بانک مرکزی	- سخت‌گیرانه شدن اعطای تسهیلات به بنگاه‌ها و احتمال دامن زدن به رکود اقتصادی
وضع جریمه‌های تنبیهی متنوع و بازدارنده با هدف کاهش انگیزه به تعویق انداختن تادیه مطالبات بانکی	مجلس شورای اسلامی - بانک مرکزی	- سخت‌گیرانه شدن اعطای تسهیلات به بنگاه‌ها و احتمال دامن زدن به رکود اقتصادی

### ۳-۳. تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی

با توجه به اهمیت تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی، مهم‌ترین اولویت‌ها و برنامه‌های کلیدی به منظور اجرا و پیگیری در کوتاه‌مدت به شرح ذیل خواهد بود.

## جدول ۴. فعالیت‌های مربوط به تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی

فعالیت‌های لازم برای تحقق الزامات پیشنهادی	نهاد متولی	چالش‌های احتمالی
همراهی دولت و بانک مرکزی با مجلس شورای اسلامی جهت تدوین قانون جدید با رعایت مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی	وزارت امور اقتصادی و دارایی - بانک مرکزی مجلس شورای اسلامی	وجود اختلاف نظر میان دیدگاه‌های بانک مرکزی و مجلس شورای اسلامی درباره قوانین جدید - فراهم نبودن شرایط لازم در شبکه بانکی جهت اجرای قانون جدید
لزوم اضافه شدن هیات نظارت مستقل به ارکان بانک مرکزی در قانون جدید	مجلس شورای اسلامی - بانک مرکزی	
لزوم گسترش اختیارات قانونی بانک مرکزی برای مدیریت ریسک بانک‌ها در قانون جدید	مجلس شورای اسلامی - بانک مرکزی	احتمال مخالفت با افزایش اختیارات بانک مرکزی
الزام به افزایش شفاف و قاعده‌مندی استقراض دولت از بانک‌ها در قانون جدید	مجلس شورای اسلامی	- احتمال مقاومت بانک مرکزی و دولت برای افزایش شفافیت
لزوم تقویت جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی با هدف اعمال نظارت شرعی در نظام بانکی در قانون جدید	مجلس شورای اسلامی - بانک مرکزی	- احتمال مقاومت بانک مرکزی در برابر رسمی شدن شورای فقهی
لزوم توجه به سایر اقدامات مورد نیاز نظام بانکی به ویژه در جهت حمایت از تولید داخلی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در قانون جدید	مجلس شورای اسلامی	

## ۴-۳. تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها

با توجه به اهمیت تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها، مهم‌ترین اولویت‌ها و برنامه‌های کلیدی به منظور اجرا و پیگیری در کوتاه‌مدت به شرح ذیل خواهد بود.

## جدول ۵. فعالیت‌های مربوط به تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها

فعالیت‌های لازم برای تحقق الزامات پیشنهادی	نهاد متولی	چالش‌های احتمالی
تقویت نظارت بانک مرکزی بر رعایت سطح کفایت سرمایه‌های شبکه بانکی	بانک مرکزی	- فراهم نبودن سازوکار انطباق با استانداردهای بین‌المللی کفایت سرمایه وجود مطالبات معوق در نظام بانکی
برنامه‌ریزی برای انتشار اوراق بهادار اسلامی (صکوک) جهت تقویت سرمایه بانک‌ها	بانک مرکزی - شبکه بانکی	- لزوم اصلاح برخی قوانین و دستورالعمل‌ها - کمبود سرمایه‌گذاران نهادی به منظور سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار اسلامی
برنامه‌ریزی برای افزایش سهم بازار سرمایه در تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ	سازمان بورس - بانک مرکزی	- احتمال بروز تضاد منافع میان بانک مرکزی و سازمان بورس - عدم آشنایی کافی با سازوکارهای تأمین مالی در بازار سرمایه
تقویت بازار بین بانکی جهت دسترسی بیشتر بانک‌ها به منابع کوتاه‌مدت پولی	بانک مرکزی - شبکه بانکی	- وجود روابط غیررسمی در شبکه بانکی برای مبادلات بازار بین بانکی

### ۵-۳. تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی

با توجه به اهمیت تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی، مهم‌ترین اولویت‌ها و برنامه‌های کلیدی به منظور اجرا و پیگیری در کوتاه‌مدت به شرح ذیل خواهد بود.

### جدول ۶. فعالیت‌های مربوط به تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی

فعالیت‌های لازم برای تحقق الزامات پیشنهادی	نهاد متولی	چالش‌های احتمالی
برنامه‌ریزی برای شناسایی و طراحی روش‌های نوین مقابله با تحریم‌ها در نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی	- بانک مرکزی وزارت امور اقتصادی و دارایی	- ضعف در هماهنگی میان دستگاه‌های ذی‌ربط برای طراحی راهکارهای مقابله با تحریم بانکی - وجود برخی قوانین و مقررات معارض
شناسایی بخش‌های آسیب‌پذیر در نظام بانکی به منظور رفع گلوگاه‌های مقابله با تحریم‌های بانکی	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	- ضعف در روش‌شناسی برای بررسی و شناسایی بخش‌های آسیب‌پذیر
پیشنهاد ترمیم و تکمیل قوانین بانکی جهت مقاوم‌سازی نظام بانکی در نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی	- بانک مرکزی - شبکه بانکی	- کمبود دستورالعمل‌ها و مقررات کافی به منظور آمادگی برای عکس‌العمل در شرایط بحرانی
تعیین نقش برای سایر نهادهای مالی همچون بازار سرمایه جهت پشتیبانی از نظام بانکی در مواجهه با تحریم‌های بانکی در نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی	- بانک مرکزی - سازمان بورس وزارت امور اقتصادی و دارایی	- کمبود زیرساخت‌های مقرراتی برای همکاری نهادهای مالی - وجود برخی موارد تعارض منافع بین مقام ناظر بازار پول و بازار سرمایه

### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا مهم‌ترین مؤلفه‌ها و الزامات حمایت از تولید و اشتغال با اصلاح نظام بانکی در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی و تبیین شود. براساس نتایج پژوهش، ارتقای سطح شفافیت، سلامت و انطباق با شریعت در نظام بانکی، اتخاذ تدابیر لازم برای کاهش سطح مطالبات معوق در نظام بانکی، تصویب و ابلاغ قانون جدید بانکداری و بانکداری مرکزی، تقویت سطح کمی و کیفی سرمایه بانک‌ها و تدوین و ابلاغ نقشه جامع مقابله با تحریم‌های بانکی به عنوان مهم‌ترین الزامات پیشنهادی در نظام بانکی کشور ارائه گردید.

در اینجا لازم است دو نکته مد نظر قرار گیرد. اول آنکه الزامات پیشنهادی برای نظام بانکی به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی محدود و محصور به موارد پنجگانه فوق نیست و این موارد با توجه به وضعیت حال حاضر نظام بانکی و اقتصادی کشور: رفا به عنوان مهم‌ترین الزامات در کوتاه‌مدت پیشنهاد شده است. دوم آنکه تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، محدود به الزامات نظام پولی و بانکی کشور نیست و تمامی نهادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی کشور باید هر یک بمثابة قطعات یک پازل، نقش خود را در این راستا به نحو احسن ایفا نمایند تا بتوان به طور فزاینده‌ای به رونق تولید و اشتغال در کشور

کمک کرد. از این رو اشاره به نظام بانکی در این تحقیق به عنوان یکی از ارکان مهم نظام مالی کشور بوده و این اشاره منافی نقش بسیار مهم سایر نهادهای تأثیرگذار در جریان تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نمی باشد.

توصیه پایانی آنکه شایسته است مسئولان نظام پولی و بانکی کشور، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را به عنوان بایسته‌ای خطیر مد نظر قرار داده و فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را با هدف تحقق این سیاست‌ها ساماندهی نمایند.

## منابع و مأخذ

- ابوالحسنی، اصغر و احمد بهاروندی. (۱۳۹۲) اوراق دوسویه ارزی، رویه‌ای برای معاملات ارزی در یک اقتصاد مقاومتی نوعی، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰.
- خوانساری، رسول و بهادری جهرمی، علی. (۱۳۹۳) هندسه مطلوب نظارت در نظام بانکی با رویکرد اقتصاد مقاومتی. فصلنامه پژوهش‌های فقهی حقوقی، سال سوم، شماره هفتم، تابستان.
- خوانساری، رسول و قلیچ، وهاب. (۱۳۹۴) اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی با استفاده از روش تاپسیس فازی، تحقیقات مالی اسلامی، سال پنجم، شماره اول، پاییز و زمستان.
- سیف، اله‌مراد و موسی خوشکلام خسروشاهی. (۱۳۹۲) نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۵۴.
- قلیچ، وهاب. (۱۳۹۳) بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا در پشتیبانی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، همایش بررسی ابعاد حقوقی و قانونی اقتصاد مقاومتی، سازمان بسیج حقوق‌دانان.
- کریمی، میثم. (۱۳۹۵) مخاطرات نظارت بانک مرکزی در سه سطح خرد، کلان و بین‌الملل، خبرگزاری ایپنا، کد خبر ۱۵۱۲۷.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۹۲) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۳۰ بهمن.
- موسویان، سید عباس و محسن عبداللهی. (۱۳۹۲) تبیین آسیب‌های اجرای عقود بانکی در کشور؛ رهیافتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی»، بهبود مدیریت، شماره ۲۰.
- Basel Committee on Banking Supervision. (2004) "Basel II: International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards: a Revised Framework", Basel.
- Basel Committee on Banking Supervision. (2010) "Basel III: A Global Regulatory Framework for More Resilient Banks and Banking Systems", Basel.
- Basel Committee on Banking Supervision. (1988) "International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards", Bank for International Settlements, Basel.

# بررسی تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی در چارچوب یک الگوی رشد درون‌زا: مطالعه موردی کشورهای اوپک

دکتر حجت ایزدخواستی<sup>۱</sup>

دکتر فرهاد دژپسند<sup>۲</sup>

اصغر شاهیوندی<sup>۳</sup>

## چکیده

در ادبیات رشد اقتصادی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و توسعه فناوری بر رشد اقتصادی اثرگذار است. بنابراین، ارتقای کیفیت نیروی انسانی از طریق آموزش، کسب مهارت، تجربه و سلامت نیروی انسانی باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه افزایش رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. در این پژوهش، به پیروی از نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، الگوی رشد درون‌زای لوکاس (۱۹۸۸) تعمیم داده شده است. سپس، با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی و با روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۱۴-۱۹۹۵) به تحلیل تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از الگوهای برآوردی بیانگر این است که نسبت کل مخارج آموزشی به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری داشته است. نسبت کل مخارج بهداشت عمومی به تولید ناخالص داخلی و نرخ امید به زندگی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک داشته‌اند. همچنین، نتایج بیانگر این است که نرخ مرگ و میر نوزادان اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** سلامت نیروی انسانی، آموزش نیروی انسانی، رشد اقتصادی، کشورهای اوپک

طبقه‌بندی JEL: I20, I10, C33, C23

---

Email: h\_izadkhasti@sbu.ac.ir

Email: dejpasand@sbu.ac.ir

Email: shahivandi70@gmail.com

۱. استادیار اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

۳. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

## ۱. مقدمه

تفاوت گسترده در نرخ رشد کشورها باعث شده است که اقتصاددانان مطالعات عمده‌ای را در مورد الگوهای رشد انجام دهند. مطالعات اولیه، متفاوت بودن عوامل پایه‌ای تولید و فناوری را علت تفاوت نرخ‌های رشد در میان کشورها می‌دانند. اما مطالعات نظری و تجربی جدید رشد، نشان داده‌اند که عوامل و سازوکارهای درونی یک اقتصاد از قبیل سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه می‌تواند در کنار سرمایه و فناوری، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد (درگاهی، ۱۳۸۲). بر اساس نظریه رشد ریکاردو<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) و سولو<sup>۲</sup> (۱۹۵۶)، انباشت عوامل تولید و رشد بهره‌وری، باعث افزایش محصول کل و رشد اقتصادی می‌شوند. بنابراین، ارتقای کیفیت نیروی انسانی از طریق تحصیل، آموزش و مهارت‌های مختلف، نقش اساسی در رشد اقتصادی پایدار دارد؛ زیرا افزایش مداوم تولید و پایداری آن وابسته به بهره‌وری نیروی کار و تحولات تکنولوژیک است و تنها وسیله رسیدن به این هدف، آموزش‌های مستمر جهت افزایش کارایی و سطح مهارت افراد است (ایزدخواستی، ۱۳۹۱). به علاوه، یک تعامل متقابل بین سطح سلامت نیروی انسانی، سطح رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد. به عبارت دیگر، دسترسی گسترده‌تر به خدمات بهداشتی و درمانی نیز باعث ارتقای کیفیت نیروی انسانی از سلامت فیزیکی و ذهنی افراد می‌شود و از این طریق نیز باعث افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. در نتیجه، یکی از راه‌های توسعه‌ی سرمایه انسانی افزایش سطح سلامت افراد خواهد بود (کورت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). به علاوه، از اواخر دهه ۱۹۹۰ در اقتصاد نهادگرایی عوامل نهادی از قبیل نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، کنترل فساد و فرهنگ و مذهب به عنوان عوامل مهمی مطرح شده‌اند که منجر به تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها می‌شوند. در نهایت، اینکه در کشورهای صادرکننده نفت (OPEC) درآمدهای حاصل از تولیدات نفتی سهم عمده‌ای از بودجه عمومی دولت را در این کشورها به خود اختصاص می‌دهد و نوسانات حاصل از درآمدهای نفتی نیز بر مخارج آموزشی و بهداشتی نیروی انسانی و به تبع آن بر رشد اقتصادی و عملکرد این کشورها اثرگذار بوده است.

بنابراین، در این پژوهش به پیروی از نارایان و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)، الگوی رشد لوکاس<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) تعمیم داده شده است. سپس، با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی و با روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۱۴-۱۹۹۵) به تحلیل تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک پرداخته می‌شود. نوآوری این تحقیق، تعمیم الگوی رشد اقتصادی درونزای لوکاس با وارد کردن همزمان اثرات آموزش و سلامت نیروی انسانی در آن است و در نهایت، الگوی اقتصادسنجی نیز متناسب با آن تصریح و برآورد شده است. همچنین، نسبت کل مخارج بهداشت عمومی و خصوصی به تولید ناخالص داخلی و نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی نیز در الگوی تصریح شده وارد شده است.

- 
1. Ricardo
  2. Solow
  3. Kurt
  4. Narayan et al.
  5. Lucas



در ادامه، در بخش دوم، به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق پرداخته می‌شود. در بخش سوم، الگوی نظری سرمایه انسانی و رشد اقتصادی بیان می‌شود. در بخش چهارم، تصریح الگوی اقتصادسنجی و برآورد آن صورت می‌گیرد. در نهایت، به تحلیل نتایج، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات تحقیق پرداخته می‌شود.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱. الگوهای رشد درون‌زا

مدل‌های رشد در شش دهه گذشته دچار تحولات فراوانی شده است. در الگوهای اولیه رشد نئوکلاسیک، نرخ رشد اقتصادی، ثابت و برابر با نرخ رشد پیشرفت تکنولوژی در نظر گرفته شده است. بنابراین، با توجه به برون‌زا بودن نرخ پیشرفت تکنولوژی و فرض بازدهی نزولی عوامل، نرخ رشد اقتصادی برون‌زا و ثابت در نظر گرفته می‌شود و مستقل از پارامترهای ترجیحات، تابع تولید و رفتار متغیرهای سیاستی بوده است. سولو<sup>۱</sup> (۱۹۵۶) نیز رفتار تولید را بر اساس سرمایه فیزیکی، نیروی کار و رشد تکنولوژی تحلیل کرده است، اما در الگوی سولو رشد تکنولوژی برون‌زا در نظر گرفته شده است و همین امر باعث شده که همگرایی رشد درآمد سرانه در کشورهای با شرایط مشابه که از نتایج الگوی سولو بوده است، محقق نشود. هرچند در آن سال‌ها اندیشمندان دیگری هم بودند که تفاوت در درآمد سرانه کشورها را به تفاوت در انباشت سرمایه فیزیکی نسبت می‌دادند و بیان می‌کردند که علت تفاوت در سرمایه فیزیکی کشورها، تفاوت در میزان پس‌انداز، ترجیحات افراد و یا عوامل برون‌زا مانند بهره‌وری کل عوامل است (آسموقلو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). بنابراین، در الگوهای رشد نئوکلاسیکی نرخ رشد یکسانی در اقتصاد حاصل می‌شود و تفاوت نرخ‌های رشد بلند مدت بین کشورهای مختلف در این الگوها توضیح داده نمی‌شود.

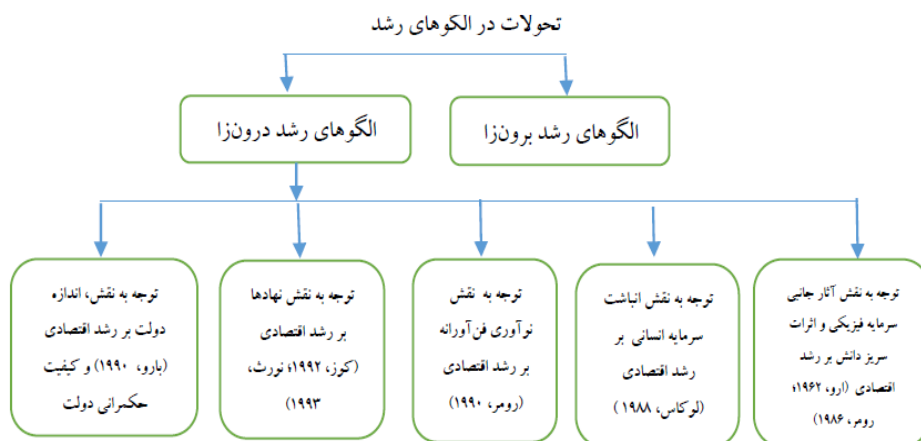
در پاسخ به نواقص الگوی رشد نئوکلاسیک، گروهی از اندیشمندان از قبیل آرو<sup>۳</sup> (۱۹۶۲)، رومر<sup>۴</sup> (۱۹۸۶)، لوکاس (۱۹۹۰)، لوکاس (۱۹۸۸) و بارو<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) الگوهایی را طراحی کردند که در آن‌ها رشد یکنواخت به صورت درون‌زا تعیین می‌شود. رومر، آثار جانبی<sup>۶</sup> سرمایه فیزیکی را به عنوان وسیله رشد درون‌زا معرفی می‌کند. آرو و لوکاس، انباشت سرمایه انسانی<sup>۷</sup> به مفهوم مهارت‌های نیروی کار ماهر به عنوان وسیله رشد درون‌زا معرفی می‌کنند که می‌توان با صرف منابع لازم مهارت‌های نیروی کار را افزایش داد. نهایتاً، مطالعات دیگری بر رشد مستمر موجود در ایده‌های جدید تولیدی یا رشد ناشی از نوآوری فناورانه<sup>۸</sup>، تأکید دارند. با لحاظ کردن حق ثبت برای ایده‌های جدید تولیدی به منظور استمرار آن‌ها، باعث افزایش دانش تولیدی قابل دسترس برای عموم به عنوان یک محصول جانبی می‌شود و مبنای رشد مستمر قرار می‌گیرد. در این الگوها، ایده‌های جدید

1. Solow
2. Acemoglu et al
3. Arrow
4. Romer
5. Barro
6. Externality
7. Human Capital
8. Technological innovation

به عنوان موتور رشد اقتصادی مطرح می‌شود. رومر (۱۹۹۰)، معتقد است که ایده‌ها- در سطح فن‌آوری- به خاطر غیر رقابتی بودن<sup>۱</sup>، با اغلب کالاها در اقتصاد متفاوتند. بنابراین، استفاده یک فرد از یک ایده مانع از استفاده همزمان افراد دیگر نمی‌شود. این نوع ایده‌ها باعث ارتباط محکم بین مدل‌های رشد مبتنی بر ایده و بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس می‌شود (گراسمن و هلپمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

با مطرح شدن الگوهای رشد درون‌زا، علت تفاوت در درآمد سرانه کشورها توجیه‌پذیرتر شد، اما همچنان اشکالاتی در آنها وجود داشت. به عنوان مثال، رومر (۱۹۸۶) معتقد است که اگر منابع بیشتری در یک کشور صرف نوآوری شود، درآمد آن کشور افزایش می‌یابد، اما چرایی آن را توضیح نمی‌دهد. بر این اساس، در اواخر دهه ۱۹۹۰، نظریه‌ی اقتصاد نهادگرایی جدید<sup>۳</sup> مطرح شد. به طوری که اعطای جایزه نوبل در سال ۱۹۹۲ به کوز<sup>۴</sup> و در سال ۱۹۹۳ به نورث، سبب توجه بیشتر محافل آکادمیک به نقش نهادها در رشد اقتصادی کشورها شده است. بر اساس این نظریه، عوامل نهادی از قبیل نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، کنترل فساد و فرهنگ و مذهب به عنوان عوامل مهمی هستند که منجر به تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها می‌شوند. بر اساس این رویکرد، نهادها شکل‌دهنده محیط اقتصادی کشورها هستند. در این الگوها آثار جانبی افزایش مخارج دولت بر رشد اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### نمودار ۱. تکامل الگوهای رشد



منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس مبانی نظری

### ۲-۲. مروری بر پیشینه تحقیق

1. Non rival
2. Grossman & Helpman
3. New Institutional Economics
4. Coase

تک‌تیرا و کوپروس<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان رشد اقتصادی، سرمایه انسانی و تغییر ساختاری، با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های پانل پویا به بررسی نقش نیروی انسانی در فرآیند رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که سرمایه انسانی و تعامل آن با تغییر ساختاری در صنایع دانش محور اثرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین، این اثرات تعاملی در کشورهای بسیار توسعه یافته قوی‌تر بوده است.

آلاتاس و کاکیر<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی، به بررسی رابطه‌ی تجربی بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در ۶۵ کشور در دوره (۲۰۱۱-۱۹۶۷) با استفاده از داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. در این تحقیق، شاخص سرمایه انسانی هر فرد براساس تحصیل و بازده آموزش و مرگ و میرنوزادان (در هر ۱۰۰ نفر تولد) مدنظر قرار گرفته است. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که سرمایه انسانی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه داشته است.

کورت (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به تحلیل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مخارج بهداشت دولتی بر رشد اقتصادی ترکیه پرداخته است. این مقاله با هدف بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم (خارجی) مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی با استفاده از الگو می پردازد. نتایج حاصل از آن بیانگر این است اثر مستقیم مخارج بهداشت و درمان بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار و تأثیر غیرمستقیم مخارج بهداشت و درمان بر رشد اقتصادی منفی و معنادار بوده است.

وانگ کوان-مین<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای به تحلیل تأثیر مخارج مراقبت‌های بهداشتی و رشد اقتصادی در ۳۱ کشور در دوره (۲۰۱۱-۱۹۸۶) با استفاده از دو روش تجزیه و تحلیل تجربی رگرسیون پانل دیتا و تجزیه و تحلیل رگرسیون کوانتایل پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که رشد مخارج بهداشتی باعث افزایش رشد اقتصادی شده است. اما رشد اقتصادی باعث کاهش رشد مخارج بهداشتی شده است. همچنین، در کشورهای با رشد اقتصادی پایین، متوسط و بالا، اثر رشد مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی متفاوت بوده است.

نارایان و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به تحلیل رابطه سلامت و رشد اقتصادی در ۵ کشور آسیایی منتخب با استفاده از روش هم‌جمعی پانل در دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۷۴) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که مخارج سلامت، آموزش، تعامل مخارج آموزش و مخارج تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری و صادرات کالاها و خدمات تأثیر مثبت و واردات کالاها و خدمات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.

اکبر موسوی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد غیرخطی در دوره (۱۳۸۹-۱۳۴۵) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که اگر سرمایه انسانی از مقدار آستانه بیشتر باشد، سرمایه انسانی تأثیر منفی و سرمایه فیزیکی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. اما در صورتی که اگر سرمایه انسانی از مقدار آستانه کمتر باشد، سرمایه انسانی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و در اولویت قرار دارد.

پناهی و آل‌عمران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی کشورهای

گروه D8 با استفاده از روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۱۲-۱۹۹۵) پرداخت هاند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که یک درصد افزایش در مخارج بهداشتی دولت و تشکیل سرمایه ناخالص به ترتیب باعث افزایش ۰/۰۳ و ۰/۰۹ درصد رشد اقتصادی شده است. همچنین، یک درصد افزایش در نرخ باروری باعث کاهش ۰/۰۴ درصد در رشد اقتصادی شده است.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مخارج سلامت دولتی و خصوصی بر تولید ناخالص داخلی سرانه در استان‌های ایران با استفاده از داده‌های تابلویی طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ پرداخت هاند. نتایج تخمین الگوی تابلویی با اثرات ثابت بیانگر این است که سرانه مخارج سلامت دولتی اثر مثبت و معنی‌دار بر تولید ناخالص داخلی سرانه داشته است. همچنین، سرانه مخارج سلامت بخش خصوصی اثرات معنی‌دار بر تولید ناخالص داخلی سرانه نداشته است.

عمادزاده و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای اثر کیفیت نیروی کار بر رشد اقتصادی را در ۷۵ کشور منتخب و به تفکیک سه گروه درآمدی با استفاده از تابع تولید کل بر مبنای معادله‌ی دستمزد مینسار<sup>۱</sup> در دوره زمانی (۲۰۰۰-۱۹۶۰) بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگو در کشورهای با درآمد بالا حاکی از اثر گذاری مثبت و معنی‌دار متغیرهای آموزش، تجربه، سلامت نیروی کار و شاخص امید به زندگی بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد متوسط و بالا بوده است. همچنین، در کشورهای با درآمد پایین تنها متغیرهای آموزش و تجربه‌ی نیروی کار بر رشد اقتصادی این گروه از کشورها مؤثر بوده است.

امینی و حجازی آزاد (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر بهداشت و سلامت نیروی کار بر بهره‌وری نیروی کار با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) در دوره زمانی (۱۳۸۳-۱۳۴۶) پرداخته‌اند. نتایج برآوردی بیانگر این است افزایش سطح بهداشت و سلامت، سطح سرمایه‌ی فیزیکی سرانه و کاهش ظرفیت‌های بیکار بر بهره‌وری نیروی کار اثرگذار بوده است و بهره‌وری نیروی کار به طور متوسط سالانه ۸/۱ درصد افزایش یافته و حدود ۳۸/۲ درصد از این افزایش در اثر ارتقای سطح سلامتی و بهداشت نیروی کار بوده است.

کمیجانی و معمارنژاد (۱۳۸۳) در مقاله‌ی به تأثیر کیفیت نیروی انسانی و تحقیق و توسعه بر رشد اقتصادی با استفاده از الگوهای رشد اقتصادی درون‌زای رومر (۱۹۹۰) و روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) پرداخت هاند. نتایج حاصل از آن بیانگر تأثیر قوی و معنی‌دار سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بوده است.

نیلی و نفیسی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای تأثیر سرمایه‌ی انسانی بر رشد اقتصادی را با در نظر گرفتن توزیع آموزش با استفاده از روش اقتصادسنجی در دوره (۱۳۷۹-۱۳۴۵) در ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر اثرگذاری میزان پراکندگی سال‌های تحصیل در بین شاغلان بر رشد اقتصادی بوده است و قدرت توضیح‌دهی رابطه‌ی تخمین زده شده به میزان قابل توجهی بهبود پیدا کرده است. بر این اساس، با افزایش پراکندگی سال‌های تحصیل شاغلان، رشد اقتصادی کاهش پیدا کرده است. از این‌رو، تمرکز بر ارتقاء سطح تحصیلی شاغلان در سطوح ابتدایی و راهنمایی به جای آموزش عالی، افزایش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

### ۳. الگوی نظری سرمایه انسانی و رشد اقتصادی

به پیروی از لوکاس (۱۹۸۸) فرض می‌شود که همه نهاده‌های تولید قابل انباشت هستند و دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس هستند. همچنین، عوامل اقتصادی از طریق تحصیل و کسب دانش، سرمایه انسانی انباشت می‌کنند. در ادامه فرض می‌شود که  $u$  آن بخشی از زمان نیروی کار (غیر از زمان فراغت) است که عوامل اقتصادی صرف کار کردن می‌کنند و  $(1-u)$  آن بخش از زمان نیروی کار است که صرف کسب دانش و مهارت می‌شود. همچنین،  $h_u$  مقیاس کیفیت متوسط نیروی کار است. بر این اساس، کل نیروی کار مؤثر<sup>۱</sup> به صورت  $u \cdot h_u \cdot L$  تعریف می‌شود و  $L$  تعداد نیروی کار است. بنابراین، تابع تولید کل به صورت رابطه زیر خواهد بود:

$$Y_t = AK_t^\beta (uh_u L_t)^{1-\beta} \quad (1)$$

تابع تولید سرانه را می‌توان به صورت رابطه زیر بدست آورد:

$$y_t = Ak_t^\beta (uh_u)^{1-\beta} \quad (2)$$

این تابع تولید نسبت به  $k$  و  $uh_u$  دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس است و در آن به جزء  $uh_u$  سرمایه انسانی گفته می‌شود. همچنین، لوکاس یک عامل جانبی را در سرمایه انسانی در نظر می‌گیرد تا این حقیقت را انعکاس دهد که وقتی در جامعه مردم باهوش‌تر و داناتر زندگی می‌کنند، ما هم مؤثرتر و مولدتر خواهیم شد. با این فرض که سطح متوسط سرمایه انسانی<sup>۲</sup> در نیروی کار معادل  $h_a$  باشد، در این صورت، تابع تولید به صورت رابطه خواهد بود:

$$y = Ak^\beta (uh_u)^{1-\beta} h_a^\psi \quad (3)$$

که در آن،  $h_a^\psi$  عامل جانبی بدست آمده از متوسط سرمایه انسانی است. اصولاً در تدوین تابع رفاه اجتماعی<sup>۳</sup> شکل تابعی تابع مطلوبیت، نقش ترجیحات و نرخ رجحان زمانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در نظریه رفاه (که در مدل‌های رشد بهینه استفاده می‌شود) تابع رفاه اجتماعی به صورت مجموع (انتگرال) توابع مطلوبیت‌های انفرادی<sup>۴</sup> طول عمر همه افراد جامعه به عنوان رفتار خانوارهای نماینده<sup>۵</sup> در نظر گرفته می‌شود. همچنین، فرض شده تابع مطلوبیت پیوسته، خوش‌رفتار<sup>۶</sup>، اکیداً مقعر<sup>۷</sup>، و فزاینده نسبت مصرف و دو بار مشتق‌پذیر است. علاوه بر این، توابع مطلوبیت فردی یکسان در نظر گرفته می‌شود. خانوارها به دنبال این هستند تا تابع مطلوبیت بین دوره‌های خود را با رعایت قید انباشت سرمایه کلی و انباشت سرمایه انسانی، حداکثر کنند. بنابراین:

1. Total effect of labor force
2. Average human capital
3. Social welfare function
4. Individual utilities
5. Representative family

۶. فرض شده تابع مطلوبیت  $u$  خوش‌رفتار (well behaved) است؛ به طوری که:  $u'(0) = \infty$ ,  $u'(\infty) = 0$ ,  $u' > 0$ ,  $u'' < 0$

۷. فرض شده تابع مطلوبیت  $u$ ، اکیداً مقعر است؛ به طوری که:  $u_c > 0$ ,  $u_m > 0$ ,  $u_{cc} < 0$ ,  $u_{mm} < 0$

$$\max w = \int_0^{\infty} e^{-\rho t} \left( \frac{c_t^{1-\sigma} - 1}{1-\sigma} \right) dt \quad (4)$$

$$st : \dot{k}_t = A k_t^\beta (u h_u)^{1-\beta} h_a^\psi - c_t \quad (5)$$

$$and \quad \dot{h}_t = \phi h (1-u) \quad (6)$$

که در آن،  $\rho$  نرخ ربحان زمانی و  $\sigma$  درجهٔ ریسک‌گریزی نسبی یا عدم تمایل نسبت به تعویق انداختن مصرف در طول زمان است. این ضریب همچنین تمایل خانوارها به انتقال بین دوره‌های مصرف را نشان می‌دهد. هر چه  $\sigma$  کوچک‌تر باشد، مطلوبیت نهایی مصرف با افزایش سطح مصرف به گندی شروع به کاهش می‌کند. قید اول در رابطه، بیانگر این است که انباشت سرمایه سرانه برابر است با آن مقدار از تولید که مصرف نمی‌شود. قید دوم در رابطه، بیانگر این است که انباشت سرمایه انسانی متناسب است با آن بخش از زمان نیروی کار که صرف کسب دانش و مهارت می‌شود ( $1-u$ ). بنابراین، تابع همیلتونی<sup>۱</sup> مربوط به تابع هدف مقید، به صورت زیر است:

$$H = e^{-\rho t} \left( \frac{c_t^{1-\sigma} - 1}{1-\sigma} \right) + \lambda_t \left( A k_t^\beta (u h_u)^{1-\beta} h_a^\psi - c_t - \dot{k}_t \right) + \mu_t \left( \phi h_t (1-u) - \dot{h}_t \right) \quad (7)$$

که در آن،  $\lambda_t$  متغیر هم‌وضعیت<sup>۲</sup> متناظر با رابطه (۵) و  $\mu_t$  متغیر هم‌وضعیت متناظر با رابطه (۶) در زمان  $t$  است. شرایط مرتبهٔ اول<sup>۳</sup> (FOC) نسبت به  $c$ ،  $u$ ،  $k$  و  $h_u$  به ترتیب به صورت روابط زیر حاصل می‌شوند:

$$H_c = e^{-\rho t} c_t^{-\sigma} - \lambda_t = 0 \quad (8)$$

$$H_u = \lambda_t (1-\beta) A k_t^\beta h_t^{1-\beta} u_t^{-\beta} h_a^\psi - \mu_t \phi h_t = 0 \quad (9)$$

$$H_k = \lambda_t \left( A \beta k_t^{\beta-1} (u h_t)^{1-\beta} h_a^\psi \right) = -\dot{\lambda}_t \quad (10)$$

$$H_h = \lambda_t \left( A (1-\beta) k_t^\beta u_t^{1-\beta} h_t^{-\beta} h_a^\psi + \mu_t (\phi (1-u)) \right) = -\dot{\lambda}_t \quad (11)$$

با لگاریتم‌گیری از معادله و مشتق‌گیری از آن خواهیم داشت:

$$-\rho - \sigma \frac{\dot{c}_t}{c_t} = \frac{\dot{\lambda}_t}{\lambda_t} \quad (12)$$

همچنین، با استفاده از معادله (۱۰) داریم:

$$\frac{\dot{\lambda}_t}{\lambda_t} = - \left( A \beta k_t^{\beta-1} (u h_t)^{1-\beta} h_a^\psi \right) \quad (13)$$

با استفاده از معادلات و با توجه به اینکه  $h_a = h_u$  است، معادلهٔ رشد اقتصادی به صورت رابطه زیر حاصل می‌شود:

$$\gamma_c = \frac{\dot{c}_t}{c_t} = \frac{1}{\sigma} \lambda_t \left( A \beta k_t^{\beta-1} u^{1-\beta} h_u^{1+\psi-\beta} - \rho \right) \quad (14)$$

### 1. Hamiltonian Function

۲. به ضریب لاگرانژ متغیر هم وضعیت (co-state variable) گفته می‌شود و بیانگر آن است که اگر مقدار محدودیت تغییر کند، مقدار مطلوب تابع قید مربوطه است.

### 3. First Order Condition

بر اساس این رابطه، رشد اقتصادی، به سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، عامل جانبی حاصل از متوسط سرمایه انسانی (مردم باهوش و داناتر در جامعه)، نرخ رجان زمانی و درجهٔ ریسک‌گریزی نسبی بستگی دارد. همچنین با استفاده از معادلهٔ، نرخ رشد سرمایه فیزیکی به صورت رابطه زیر حاصل می‌شود:

$$\gamma_k = \frac{\dot{k}_t}{k_t} = A\beta k_t^{\beta-1} u_t^{1-\beta} h_u^{1+\psi-\beta} - \frac{c_t}{k_t} \quad (15)$$

در وضعیت یکنواخت<sup>۱</sup> متغیرها به یک سطح ثابتی می‌رسند و نرخ رشد آن‌ها صفر می‌شود، بنابراین، با قرار دادن این شرط در معادلهٔ خواهیم داشت:

$$k^{\beta-1} u^{1-\beta} h_u^{1+\psi-\beta} = \frac{\gamma\sigma + \rho}{A\beta} \quad (16)$$

با لگاریتم‌گیری از طرفین رابطهٔ و مشتق‌گیری نسبت به زمان، خواهیم داشت:

$$(\beta-1)\frac{\dot{k}_t}{k_t} + (1-\beta+\psi)\frac{\dot{h}_u}{h_u} = 0 \quad (17)$$

با جایگذاری رابطه (۱۵) در رابطه (۱۷)، نرخ رشد سرمایه انسانی به صورت زیر حاصل می‌شود:

$$\gamma_h = \frac{\dot{h}_u}{h_u} = \frac{1-\beta}{1-\beta+\psi} \left[ A\beta k_t^{\beta-1} u_t^{1-\beta} h_u^{1+\psi-\beta} - \frac{c_t}{k_t} \right] \quad (18)$$

#### ۴. تصریح الگوی اقتصادسنجی و برآورد آن

##### ۴-۱. تصریح الگوی اقتصادسنجی

تصریح الگوی اقتصادسنجی بر اساس تعمیم الگوی لوکاس (۱۹۸۸) است که به پیروی از نارایان و همکاران (۲۰۱۰) صورت گرفته است و در آن تابع تولید کل به صورت رابطه زیر تعمیم داده می‌شود:

$$Y_t = AK_t^\alpha W_t^\beta \quad (19)$$

که در آن،  $Y$  تولید ناخالص داخلی واقعی،  $A$  عامل بهره‌وری کل و  $K$  موجودی سرمایه مرکب است که به صورت  $K = k \exp \cdot imp$  تعریف می‌شود و در آن  $k$  سرمایه ناخالص فیزیکی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی،  $X$  کل صادرات کالا و خدمات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی،  $imp$  کل واردات کالاها و خدمات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است. همچنین،  $W$  نیروی کار مرکب است و به صورت  $W = edu \cdot h \cdot L$  تعیین می‌شود که در آن  $edu$  کل مخارج آموزشی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی،  $H$  کل مخارج بهداشتی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی و  $L$  تعداد کل نیروی کار است. با جایگذاری مقادیر  $K$  و  $W$  در رابطه (۱۹) و لگاریتم‌گیری از آن، معادله نهایی به صورت رابطه زیر حاصل می‌شود:

$$Ly_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Lk_{it} + \alpha_2 L \exp_{it} + \alpha_3 L imp_{it} + \alpha_4 LL_{it} + \alpha_5 Ledu_{it} + \alpha_6 Lh_{it} \quad (20)$$

که در آن،  $i$  نماینده کشورها و  $t$  دوره زمانی است. در ادامه، اثر شاخص‌های سلامت از قبیل لگاریتم نسبت کل مخارج بهداشتی به تولید ناخالص داخلی، لگاریتم نسبت کل مخارج عمومی و خصوصی به تولید ناخالص داخلی، لگاریتم امید به زندگی و لگاریتم میزان مرگ و میر نوزادان (کمتر از ۵ سال در هر ۱۰۰۰ تولد زنده) در چهار الگو به صورت زیر مدنظر قرار گرفته‌اند:

$$Lgdp_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Lk_{it} + \alpha_2 L \exp_{it} + \alpha_3 L \text{imp}_{it} + \alpha_4 LL_{it} + \alpha_5 Ledu_{it} + \alpha_6 Lh_{it} + u_{it} \quad (21)$$

$$Lgdp_{it} = \beta_0 + \alpha_1 Lk_{it} + \alpha_2 L \exp_{it} + \alpha_3 L \text{imp}_{it} + \alpha_4 LL_{it} + \alpha_5 Ledu_{it} + \alpha_6 Lh1_{it} + \alpha_7 Lh2_{it} + u_{it} \quad (22)$$

$$Lgdp_{it} = \gamma_0 + \alpha_1 Lk_{it} + \alpha_2 L \exp_{it} + \alpha_3 L \text{imp}_{it} + \alpha_4 LL_{it} + \alpha_5 Ledu_{it} + \alpha_6 Llfe_{it} + \alpha_6 Lhmu_{it} + u_{it} \quad (23)$$

$$Lgdp_{it} = \delta_0 + \alpha_1 Lk_{it} + \alpha_2 L oil_{it} + \alpha_3 L \text{imp}_{it} + \alpha_4 LL_{it} + \alpha_5 Ledu_{it} + \alpha_6 Lh_{it} + u_{it} \quad (24)$$

در رابطه (۲۲)،  $Lh_1$  لگاریتم کل مخارجی بهداشت خصوصی به تولید ناخالص داخلی و  $Lh_2$  لگاریتم کل مخارجی بهداشت عمومی به تولید ناخالص داخلی است. در رابطه (۲۳)،  $Llfe$  لگاریتم امید به زندگی در بدو تولد و  $Lhmu$  لگاریتم میزان مرگ و میر نوزادان (کمتر از ۵ سال در هر ۱۰۰۰ تولد زنده) است. در رابطه (۲۴)،  $L oil$  لگاریتم درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی است. به دلیل گزارش نشدن اطلاعات برخی از کشورهای عضو اوپک، ۱۲ کشور منتخب مدنظر قرار گرفته‌اند. بنابراین، با استفاده از داده‌های بانک جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، معادلات تصریح شده صورت مجزا با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی<sup>۲</sup> در دوره زمانی (۲۰۱۴-۱۹۹۵)<sup>۳</sup> برآورد می‌شوند.

## 1. World Development Indicators

۲. قبل از برآورد الگو باید آزمون‌های مربوط به انتخاب روش برآورد صورت گیرد. در آزمون  $F$  فرضیه  $H_0$  یکسان بودن عرض از مبدأ (روش ترکیبی) در مقابل فرضیه  $H_1$  ناهمگنی عرض از مبدأ (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. چنانچه  $F$  محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی آن باشد، بیانگر رد همگنی و وجود ناهمگنی در بین کشورها است و از روش داده‌های تابلویی برای برآورد مدل استفاده می‌شود (Baltagi, 2005). آماره  $F_{leamer}$  به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$F_{leamer} = \frac{(R_{FE}^2 - R_{POOLED}^2)/(N-1)}{(1 - R_{FE}^2)/(NT - N - K)} \sim F[(N-1), (NT - N - K)]$$

که در آن،  $R_{FE}^2$  ضریب تعیین اثرات ثابت و  $R_{POOLED}^2$  ضریب تعیین کل یا ترکیبی است. از آزمون هاسمن برای انتخاب روش اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می‌شود که آماره‌ی آن  $(H)$ ، دارای توزیع  $\chi^2$  با درجه آزادی  $k$  است و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\hat{q} = \hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE(GLS)}, \quad H = N\hat{q}' \text{var}(\hat{q})^{-1} \hat{q} \sim \chi^2(K)$$

$$\text{Var}(\hat{q}) = \text{Var}(\hat{\beta}_{FE}) - \text{Var}(\hat{\beta}_{RE(GLS)})$$

به طوری که،  $\hat{\beta}_{FE}$  معرف تخمین زنده‌های روش اثرات ثابت و  $\hat{\beta}_{RE(GLS)}$  نشان دهنده تخمین زنده‌های روش اثرات تصادفی است و  $N$  تعداد مشاهدات است. در صورتی که فرضیه  $H_0$  پذیرفته شود، روش اثرات تصادفی به روش اثرات ثابت ترجیح داده می‌شود و به عنوان روش مناسب‌تر و کارا تر انتخاب می‌شود. در غیر این صورت، روش اثرات ثابت کارا است.

۳. با توجه به گزارش نشدن داده‌های برخی کشورها در سال ۲۰۱۵، دوره زمانی تا ۲۰۱۴ در نظر گرفته شده است.



## ۲-۴. آزمون ریشه واحد

قبل از برآورد الگوی تحقیق، ابتدا مانایی متغیرهای الگو مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای این منظور از آزمون‌های لوین، لین و چو<sup>۱</sup>، استفاده، و آزمون‌های مربوطه با استفاده از نرم افزار Eviews7 انجام و نتایج حاصل از آن در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱. آزمون پایایی متغیرهای الگو

نتیجه	مقدار احتمال	آماره	متغیر
I(1)	۰/۴۵	۰/۶۱	Lgdp
I(0)	۰/۰۰۰	-۶/۳۷	dLgdp
I(0)	۰/۰۰۰	-۳/۶۴	Lk
I(1)	۰/۳۳	-۰/۴۲	Limp
I(0)	۰/۰۰۰	-۱۰/۸	dLimp
I(0)	۰/۰۱۲	-۲/۲۵	Lex
I(0)	۰/۰۵۵	-۱/۵۹	Ledu
I(0)	۰/۰۰۰	-۵/۰۵	LL
I(1)	۰/۹۹	-۲/۴۱	Lh
I(0)	۰/۰۰۰	-۹/۹۸	dLh
I(1)	۰/۱۳	-۱/۰۸	Lh1
I(0)	۰/۰۰۰	-۶/۷۹	dLh1
I(1)	۰/۰۴۹	۰/۰۱۳	Lh2
I(0)	۰/۰۰۰	-۵/۶۵	dLh2
I(1)	۰/۰۰۰	-۴/۲۱	Lhmu
I(0)	۰/۰۷	-۱/۴۵	dLhmu
I(1)	۲/۶۱	۰/۹۹	dLlife
I(0)	۰/۰۰۰	-۵/۸۹	Llife
I(0)	۰/۰۱۰	-۲/۳۱	Loil

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد بیانگر این است که برخی متغیرها دارای ریشه واحد بوده و در سطح صفر پایا نمی‌باشند و با یک بار تفاضل‌گیری پایا می‌شوند. در نتیجه این متغیرها دارای ریشه واحد از مرتبه I(1) خواهند بود. بنابراین، لازم است تا هم‌جمع متغیرها بررسی شوند. نتایج حاصل از آزمون هم‌جمع در جدول (۲) ارائه شده است.

### جدول ۲. نتایج آزمون همجمعی

نتیجه	مقدار احتمال	آماره	شماره معادله
وجود رابطه بلند مدت	۰/۰۷	-۱/۴۳	معادله ۲۱
وجود رابطه بلند مدت	۰/۰۶	-۱/۵۰	معادله ۲۲
وجود رابطه بلند مدت	۰/۰۰۰۱	-۳/۷	معادله ۲۳
وجود رابطه بلند مدت	۰/۰۲۹	-۱/۸۹	معادله ۲۴

منبع: یافته‌های تحقیق

### نتایج حاصل از

جدول (۲) بیانگر وجود هم‌انباشتگی یا وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو در تمامی الگوها است.

### ۳-۴. آزمون F لیمر

گام بعدی در برآورد الگو، انجام آزمون F لیمر به منظور تعیین روش ترکیبی<sup>۱</sup> یا داده‌های تابلویی<sup>۲</sup> است. بر این اساس، فرضیه صفر این آزمون، مبتنی بر برابر بودن تمام عرض از مبدأها است و فرضیه مقابل، بیانگر آن است که حداقل یکی از عرض مبدأها، متفاوت است. نتایج مربوط به آزمون F لیمر در جدول (۳) ارائه شده است.

### جدول ۳. نتایج مربوط به آزمون F لیمر

نتیجه	مقدار احتمال	آماره	شماره معادله
داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)	۰/۰۰۰	۱۱۱/۲	معادله ۲۱
داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)	۰/۰۰۰	۱۰۵/۶	معادله ۲۲
داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)	۰/۰۰۰	۲۹/۵	معادله ۲۳
داده‌های تابلویی (اثرات ثابت)	۰/۰۰۰	۸۵/۷	معادله ۲۴

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۴-۴. آزمون هاسمن

در نهایت، پس از تأیید وجود همگنی در مقاطع، تعیین نوع اثر متغیرهای توضیحی است. بدین منظور، با استفاده از آزمون هاسمن به بررسی روش برآورد (اثرات ثابت، اثرات تصادفی) پرداخته می‌شود. فرضیه صفر این آزمون، وجود اثرات تصادفی و فرضیه مقابل، وجود اثرات ثابت است. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) گزارش شده است:

#### جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

شماره معادله	آماره	مقدار احتمال	نتیجه
معادله ۲۱	۲۱۱۶/۸	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
معادله ۲۲	۱۹۹/۵۳	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
معادله ۲۳	۱۸۴/۷	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت
معادله ۲۴	۴۲۸/۲	۰/۰۰۰	روش اثرات ثابت

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبتنی بر انتخاب روش تصادفی برای تمامی معادلات در سطح معناداری ۹۹ درصد رد می‌شود؛ بنابراین، الگو مورد بررسی با استفاده از الگوی داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت دارای ضریب کارتری نسبت به الگوی داده‌های ترکیبی با اثرات تصادفی است و استفاده از روش ثابت برای تخمین این الگو، مناسب می‌باشد.

#### ۴-۵. برآورد الگو و تحلیل نتایج

با توجه به نتایج دو آزمون F لیمر و هاسمن تخمین الگو داده‌های تابلویی به روش اثرات ثابت انجام، و نتایج حاصل از آن در جدول (۵) گزارش شده است:

#### جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد معادله‌های تصریح شده

متغیر	معادله ۲۱	معادله ۲۲	معادله ۲۳	معادله ۲۴
Lk	۰/۱۷۷* (۵/۲۶)	۰/۱۸۹* (۵/۹۷)	۰/۶۴۸* (۹/۵۷)	۰/۵۶۰* (۴/۸)
Lexp	-۰/۱۴۸ (-۱/۲۵)	-۰/۱۲۹ (-۱/۰۹)	۰/۰۵۷ (۰/۵۲)	-
Limp	-۰/۸۱۷* (۵/۶۷)	-۰/۸۳۷* (-۵/۶)	-۱/۱۵۸* (-۸/۷)	-۱/۲۶* (-۸/۴۱)
LL	۲/۱۰* (۲۳/۷)	۲/۰۶* (۲۲/۴)	۱/۶۹* (۱۶/۳)	۱/۹۶* (۲۴/۳)
Ledu	۰/۵۱۶* (۵/۰۲)	۰/۴۸۲* (۴/۵۹)	۰/۳۶۳* (۳/۹۹)	۰/۵۰۶* (۴/۹)
Lh	۰/۱۰۴ (۰/۸)	-	-	۰/۲۱۸ (۱/۶۳)
Lh1	-	-۰/۰۵۰ (-۰/۵۲)	-	-
Lh2	-	۰/۲۲۷** (۲/۰۸)	-	-
Llife	-	-	۰/۰۷۰* (۷/۴)	-
Lhmu	-	-	-۰/۶۴۲* (-۷/۶۳)	-
Loil	-	-	-	-۰/۲۵* (-۳/۴۷)
عرض از مبدأ	-۲/۴۹* (-۴/۴۹)	-۲/۱۸* (-۳/۸۰)	۱/۱۶*** (۱/۶۹)	۱/۹۵* (۳/۶۴)

منبع: یافته‌های پژوهش

مقادیر داخل پرانتز آماره آزمون و \*، \*\*، \*\*\* به ترتیب نشان دهنده معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹، ۹۵ و ۹۰ درصد است.

براساس نتایج گزارش شده در جدول (۵)، ضریب لگاریتم نسبت کل سرمایه ناخالص فیزیکی به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۱ برابر ۰/۱۷۷ برآورد شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و بیانگر این است که با یک درصد افزایش در نسبت کل سرمایه ناخالص فیزیکی به تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی ۰/۱۷۷ درصد افزایش می‌یابد. این ضریب در معادله ۲۲، ۲۳ و ۲۴ به ترتیب ۰/۱۸۹، ۰/۶۴۸ و ۰/۵۰۸ برآورد شده است. این نتایج منطبق با نتایج عمادزاده و همکاران (۱۳۸۸)، کمیجانی (۱۳۸۳) و نارایان و همکاران (۲۰۱۰) است.

ضریب لگاریتم نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۱ برابر ۰/۱۴۸- برآورد شده است. این ضریب در معادله ۲۲ و ۲۳ به ترتیب ۰/۱۲۹- و ۰/۰۵۷- برآورد شده است، اما از لحاظ آماری معنادار نیستند. هرچند ضریب لگاریتم نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۴ برابر ۰/۲۵۳ برآورد شده است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب لگاریتم نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۱ برابر ۰/۸۱۷- برآورد شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و بیانگر این است که یک درصد افزایش در نسبت واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی، ۰/۸۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد. این ضریب در معادله ۲۲، ۲۳ و ۲۴ به ترتیب ۰/۸۳۷-، ۱/۱۵۸- و ۱/۱۲۶- برآورد شده است. این نتیجه منطبق با نتایج نارایان و همکاران (۲۰۱۰) است.

ضریب لگاریتم کل نیروی کار در معادله ۲۱ برابر ۲/۱۰ برآورد شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و بیانگر این است که با یک درصد افزایش در کل نیروی کار، تولید ناخالص داخلی ۲/۱۰ درصد افزایش می‌یابد. این ضریب در معادله ۲۲، ۲۳ و ۲۴ به ترتیب ۲/۰۶، ۱/۶۹ و ۱/۹۶ برآورد شده است. این نتایج منطبق با مطالعات کمیجانی و معمارنژاد (۱۳۸۳) و عمادزاده و همکاران (۱۳۸۸) است.

ضریب لگاریتم نسبت کل مخارج آموزشی به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۱ برابر ۰/۵۱۶ برآورد شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و بیانگر این است که با یک درصد افزایش در نسبت کل مخارج آموزشی به تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی ۰/۵۱۶ درصد افزایش می‌یابد. این ضریب در معادله ۲۲، ۲۳ و ۲۴ به ترتیب ۰/۴۸۲، ۰/۳۶۳ و ۰/۵۰۶ برآورد شده است. این نتایج منطبق با نتایج عمادزاده و همکاران (۱۳۸۸)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰) و تکثیرا و کویروس (۲۰۱۶) است. همچنین، آلتاس و کاکیر (۲۰۱۶)، تأثیر آموزش را در کشورهای توسعه‌یافته منفی و در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته مثبت به‌دست آورده‌اند و این ضریب در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای کمتر توسعه‌یافته بوده است.

ضریب لگاریتم نسبت کل مخارج بهداشتی به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۱ و ۲۴ به ترتیب برابر ۰/۱۰۴ و ۰/۲۱۸ برآورد شده است اما از لحاظ آماری معنادار نیستند. همچنین، ضریب لگاریتم نسبت کل مخارج بهداشتی خصوصی و عمومی به تولید ناخالص داخلی در معادله ۲۲ به ترتیب برابر ۰/۰۵۰- و ۰/۲۲۷- برآورد شده است که ضریب مخارج بهداشتی عمومی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است که بیانگر

اثرگذار بودن مخارج بهداشتی عمومی بر رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت بوده است. نتایج حاصل شده منطبق با نتایج اسد زاده و همکاران (۱۳۹۳)، کورت (۲۰۱۵)، وانگ کوان-مین (۲۰۱۱)، هارت ویگ (۲۰۱۰)، ریورا و کورایز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) است. اسد زاده و همکاران (۱۳۹۳)، تأثیر مخارج بهداشت خصوصی بر روی رشد اقتصادی را مثبت برآورد کرده‌اند، اما از لحاظ آماری معنادار نبوده است. ضریب لگاریتم امید به زندگی در بدو تولد (سال) و لگاریتم مرگ و میر نوزادان به عنوان شاخص‌های دیگر سلامت در معادله ۲۳ به ترتیب برابر ۰/۰۷ و ۰/۶۴۲- برآورد شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند. این نتایج منطبق با نتایج آلبرانی و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، عماد زاده و همکاران (۱۳۸۸)، امینی و حجازی آزاد (۱۳۸۶)، است.

##### ۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی

در ادبیات رشد اقتصادی، علاوه بر انباشت سرمایه فیزیکی، افزایش تعداد نیروی کار و صادرات و واردات کالاها و خدمات، ارتقای کیفیت نیروی انسانی از طریق تحصیل، آموزش، کسب مهارت‌های مختلف و سطح سلامت نیروی انسانی نقش اساسی در رشد اقتصادی پایدار دارد. بر این اساس، افزایش مداوم تولید و پایداری آن وابسته به بهره‌وری نیروی کار، سرمایه‌گذاری و تحولات تکنولوژیک است. بنابراین، در کنار آموزش‌های مستمر جهت افزایش کارایی و سطح مهارت افراد، یک تعامل متقابل بین سطح سلامت نیروی انسانی، سطح رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد و دسترسی گسترده‌تر به خدمات بهداشتی و درمانی نیز باعث ارتقای کیفیت نیروی انسانی از سلامت فیزیکی و ذهنی افراد می‌شود و از این طریق نیز باعث افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین، در این پژوهش به پیروی از نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، با وارد کردن همزمان مخارج آموزشی و بهداشتی در الگوی رشد درون‌زای لوکاس (۱۹۸۸) به تحلیل تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی پرداخته شده است و در نهایت، یک الگوی اقتصادسنجی مربوط به کشورهای اوپک تصریح و با روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۱۴-۱۹۹۵) برآورد و تحلیل شده است. نتایج حاصل از الگوهای برآوردی بیانگر این است که نسبت کل مخارج آموزشی به تولید ناخالص داخلی بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری داشته است. نسبت کل مخارج بهداشت عمومی به تولید ناخالص داخلی و نرخ امید به زندگی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک داشته‌اند. همچنین، نتایج بیانگر این است که نرخ مرگ و میر نوزادان اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک داشته‌اند. بر اساس نتایج حاصل شده به سیاستگذاران کشورهای درحال توسعه نفتی و به طور خاص ایران پیشنهاد می‌شود که به منظور ارتقاء کیفیت نیروی انسانی به منظور افزایش کارایی و تحقق رشد اقتصادی پایدار، علاوه بر توجه به کیفیت آموزش نیروی انسانی، با افزایش مخارج بهداشتی عمومی امکان دسترسی گسترده‌تر افراد به خدمات بهداشتی و درمانی عمومی در چارچوب طرح تحول نظام سلامت صورت گیرد. در نهایت، اینکه دولتمردان در راستای ارتقاء شاخص‌های سرمایه انسانی از قبیل آموزش و سلامت نیروی انسانی، افزایش امید به زندگی افراد و کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان اهتمام بیشتری داشته باشد.

1. Rivera & Currais

2. Alberani et al.

## منابع و مأخذ

- اسد زاده احمد؛ اصغر پور، حسین و فومن اجیرلو، یاسمن (۱۳۹۳). بررسی ارتباط مخارج سلامت دولتی و خصوصی و رشد اقتصادی در ایران. پایش، سال چهارم، شماره دوم: ۱۴۵-۱۵۳.
- امینی، علیرضا و حجازی آزاد، زهره (۱۳۸۶). تحلیل و ارزیابی نقش سلامت و بهداشت در ارتقاء بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۳۰: ۱۶۳-۱۳۷.
- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۱). تحلیل نظری نقش نیروی کار متخصص بر رشد و توسعه اقتصادی: یک الگوی رشد درون‌زا. همایش نقش نخبگان، فرهیختگان و سرمایه‌گذاران شهرستان خرم‌بید در تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی.
- پناهی، حسین و آل‌عمران، سید علی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی D8، مجله بهداشت و توسعه، سال چهارم، شماره ۴: ۳۳۶-۳۲۷.
- درگاهی، حسن و امرالله قدیری (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران (با مروری بر الگوهای رشد درون‌زا)، پژوهشنامه بازرگانی، ۲۶: ۱-۳۳.
- عمادزاده، مصطفی؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ صمدی، سعید و محمدی، فرزانه (۱۳۸۸). اثر کیفیت نیروی کار بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورها، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۱: ۱-۲۶.
- کمیجانی، اکبر و معمارنژاد، عباس (۱۳۸۳). اهمیت کیفیت نیروی انسانی و تحقیق و توسعه در رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۱: ۱-۳۱.
- اکبر موسوی، سید صالح؛ حقیقت، جعفر و سلمانی بی‌شک، محمدرضا (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران (رویکرد غیرخطی)، پژوهش‌های اقتصاد ایران، دوره ۲۰، شماره ۶۳: ۱۴۴-۱۲۱.
- نیلی، مسعود و نفیسی، شهاب (۱۳۸۲). رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش توزیع تحصیلات نیروی کار مورد ایران در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۹. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۷: ۱-۳۱.
- Alatas, S., & Cakir, M. (2016). The Effect of Human Capital on Economic Growth: A Panel Data Analysis, *Journal of Administrative Sciences*, 14(27): 539-555.
- Alberani, N., Cropper, M. & Simon, N.B., & Arora, S. (1999). Valuing Mortality Reductions in India: A Study of Compensating Wage Differentials, *Policy Research Working Papers*.
- Arrow, K. (1962). Economic Welfare and the Allocation of Resources for Invention. In *The Rate and Direction of Inventive Activity: Economic and Social Factors*, Princeton University Press: 609-626.
- Acemoglu, D.; Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). Institutions as the Fundamental Cause of Long-run Growth. In Ph. Aghionand, & S. Durlauf (Eds.). *Handbook of Economic Growth*. Elsevier: 385.
- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, John Wiley & Sons Inc, New York, US.

- Barro, R.J., (1990). Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth, the Journal of Political Economy, 98(5): 103-125.
- Grossman, G.M., & Helpman, E. (1994) Endogenous Innovation in the 14-Harrod, R. F. (1939). An essay in dynamic theory. The Economic Journal, 49(193): 14-33.
- Kurt, S. (2015). Government Health Expenditures and Economic Growth: A Feder-Ram Approach for the Case of Turkey. International Journal of Economics and Financial, 5(2).
- Lucas, R. E. (1988). On the Mechanics of Economic Development. Journal of Monetary Economics, 22(1): 3-42.
- Narayan, S., Narayan, P. K., & Mishra, S. (2010). Investigating the Relationship between Health and Economic Growth: Empirical Evidence From a Panel of 5 Asian Countries. Journal of Asian Economics, 21(4): 404-411.
- Ricardo, D. (1966). Economic essays. New York: Kelley.
- Rivera, B., & Currais, L. (2003). The Effect of Health Investment on Growth: A Causality Analysis. International Advances in Economic Research, 9(4): 312-323.
- Romer, P. M. (1986). Increasing Returns and Long run Growth. Journal of Political Economy, 94(5): 1002-37.
- Romer, P. M. (1990). Human Capital and Growth: Theory and Evidence. In Carnegie-Rochester Conference series on Public Policy, 32: 251-286.
- Solow, R. M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. The Quarterly Journal of Economics, 70(1): 65-94.
- Teixeira, A.A., & Queiros, A.S. (2016). Economic Growth, Human Capital and Structural Change: A Dynamic Panel Data analysis. Research Policy, 45(8): 1636-48.
- Wang, Kuan- Min. (2011). Health Care Expenditure and Economic Growth: Quantile Panel-type Analysis. Economic Modelling, 28: 1112-39.









دانشگاه تربیت مدرس  
پژوهشکده اقتصاد



انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران



دانشگاه تربیت مدرس  
پژوهشکده اقتصاد



نشانی دبیرخانه همایش:

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد،  
صندوق پستی ۳۱۶-۱۴۱۱۵ تلفن ۰۲۱۸۲۸۸۳۹۰۱، شماره ۰۲۱۸۸۰۰۸۵۷۱  
[res.edu@modares.ac.ir](mailto:res.edu@modares.ac.ir) <http://www.modares.ac.ir/eri>